

پنجره اقتصاد کرمان

- فصل نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
- سال دوم ● شماره چهارم ● بهار و تابستان ۱۳۹۸ ● ۱۲ هزار تومان



از آمل تا عمل

با مطالبی درباره فضای کسب و کار، صنعت و معدن، آب و کشاورزی، گردشگری و صنایع دستی، بازرگانی و خدمات

یادداشتی از «سعید کریمی نسب»
دانشیار بخش مهندسی معدن دانشگاه شهید باهنر کرمان

**نقدی بر آخرین ویرایش
قانون معادن ایران**

گفت و گو با «امین غفاری نژاد»
معاون امور صنایع سازمان صنعت، معدن و تجارت شمال استان کرمان

**یک اولویت؛ ایجاد صنایع
پایین دستی برای صنایع بزرگ**

گفت و گو با «سید مهدی طبیب زاده»
رئیس اتاق بازرگانی کرمان

**دولت بزرگ
اقتصاد کوچک**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



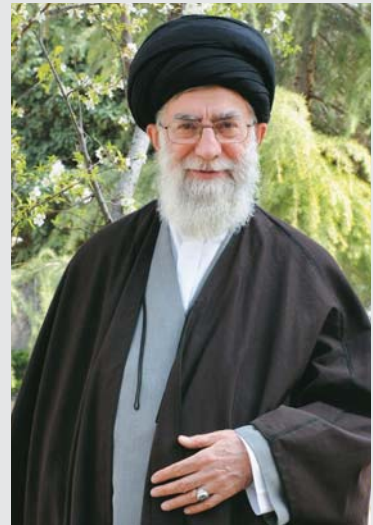
● خانه حاج آقاعلی؛ رفسنجان | عکس: حمید صادقی ●

روایت

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله):
برای دنیای خود چنان کار کن که گویی
جاودانه زندگی می کنی و برای آخرتت
چنان کار کن که گویی فردا خواهی مُرد.

از بیانات رهبر معظم انقلاب

باید به تولید کمک شود



به تولید باید کمک بشود. ما گفتیم «رونق تولید». امسال، باید سال رونق تولید باشد. سال گذشته که حمایت از کالای ایرانی را مطرح کردیم، حرکت خوبی انجام گرفت؛ مردم اجابت کردند، بعضی از تولیدکنندگان واقعاً اجابت کردند. ما اطلاع داریم که خود مردم در مراجعاتشان به فروشگاه‌ها - بسیاری از مردم - مطالبه جنس ایرانی و کالای ایرانی کردند، مشابه خارجی‌اش را آوردند، قبول نکردند؛ یعنی کار پیشرفت کرد، اما اگر بخواهیم بگوییم به‌طور کامل به آن عمل شد، نه، این را من نمی‌توانم بگویم، گزارش‌ها برخلاف این است؛ بنابراین آن شعار حمایت از کالای ایرانی همچنان به قوت خودش باقی است، اما این مسئله اصلی و اساسی، رونق تولید است. اگر تولید شد، آن وقت در بخش‌های مختلفی تحوّل ایجاد خواهد شد؛ اگر رونق تولید وجود داشته باشد، هم تأثیر می‌گذارد در اشتغال، هم تأثیر می‌گذارد در کم کردن تورم، هم حتّی

تأثیر می‌گذارد در وضع توازن بودجه، هم تأثیر می‌گذارد در بالا رفتن ارزش پول ملی. ببینید، این‌ها همه مشکلات مهمّ اقتصادی ما است. صاحب‌نظران و کسانی که مطلع از مسائل اقتصادی هستند، تصدیق می‌کنند، تأیید می‌کنند که اگر تولید در کشور رونق پیدا بکند، مسلماً یک چنین فواید و نتایج خواهد داشت. این باید انجام بگیرد و در برنامه قرار بگیرد؛ هم در برنامه دولت، هم در برنامه مجلس، هم در برنامه آحاد مردمی که توانایی ورود در وادی تولید را دارند. ما کسانی را داشتیم و می‌شناختیم افرادی را که پول داشتند، امکانات داشتند، می‌توانستند این پول را بگذارند در بانک و از منافعش سال‌ها بی‌دردسر استفاده کنند، [اما] این کار را نکردند، [بلکه] پول را بردند در مسئله تولید و گفتند می‌خواهیم کشور پیش برود. این‌ها پیش خدا اجر دارند؛ این کسانی که این‌جور عمل می‌کنند، پیش خدای متعال اجر دارند. بایستی به تولیدکننده کمک بشود، به سرمایه‌گذار کمک بشود، به فعال اقتصادی باید کمک بشود - فعال اقتصادی سالم - به کسی که برای کشور ثروت‌آفرینی می‌کند باید کمک بشود، در بهبود فضای کسب‌وکار بایستی حتماً تلاش بشود؛ با قوانین لازم، با روش‌ها و رویه‌های لازم.

(بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / اول فروردین ۱۳۹۸)



تلقی بازرگانی میان کشتاورزی کرمان

سپهر اقتصاد

با نوشتارها و گفتارهایی از:	/ صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
رضا بوستانی / محسن جلال‌پور / حسین اکبری فرد /	/ رئیس شورای سیاست‌گذاری: سیدمهدی طبیب‌زاده / مدیرمسئول: سیدمحمدعلی گلاب‌زاده
علی اسکندری‌پور / عبدالرضا تحسینی /	/ سردبیر: ذبیح‌الله کرمی / دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: فرزانه زاهدی
محسن سلطانی‌نژاد / رضا علوی / حسنیه رضایی /	/ طراحی گرافیک و صفحه‌آرایی: آتلیه گرافیک (پرانتسز) / طراحی نام‌واره: محمدرضا هاشمی‌نژاد
عباس عسجدی / سعید کریمی‌نسب / حسین جلالی‌فر /	/ نشانی: کرمان، میدان آزادی، ابتدای بلوار جمهوری اسلامی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
امین غفاری‌نژاد / مجید غفاری / حسین سعیدی گراغانی /	/ کدپستی: ۷۶۱۹۶۵۳۴۹۸ / صندوق پستی: ۴۷۱-۷۶۱۷۵ / تلفن: ۰۳۴-۳۲۴۸۳۳۷۸ / ۰۳۴-۳۲۴۵۳۴۶۵ / دورنگار: ۰۳۴-۳۲۴۵۳۴۶۵
نادیا انجم‌شعاع / مقداد تکلوزاده / سمیه امیرتیموری /	/ پیامک: ۱۰۰۰۳۴۳۲۴۴۱۰۵۸ / @Kccima
بتول علیزاده / علیرضا داور / سیدعبدالرضا جعفری صدر /	/ www.otagh-bazargani.com / sepehr@kccim.ir
مهران رضاپور / محمد جهانشاهی / سینا خسروی /	
محسن رشیدفرخی / معصومه سعید /	

«سپهر اقتصاد کرمان» در ویرایش و اصلاح مطالب رسیده، آزاد است. مطالب منتشرشده در فصل‌نامه، رأی و نظر نویسندگان آن‌هاست و لزوماً نظر «سپهر اقتصاد کرمان» نیست.

گردشگری و صنایع دستی

۷۲ | باغ فرش کرمان

۷۸ | معرق سنگ؛ هنر فراموش شده

۸۰ | بسیار دردی که ما داریم

۸۲ | گفت‌وگو با «محمد جهانشاهی»
مشاور گردشگری شهردار کرمان؛ ضعف در
تصویرسازی و مدیریت جاذبه‌ها



بازرگانی و خدمات

۸۶ | صادرات؛ راه رفته و راهی که باید رفت؛
محیط سیاست‌گذاری را جدی بگیریم

۹۰ | تصمیمات مبتنی بر خرد؛ راه‌گشای
صادرات محصولات کشاورزی

۹۳ | هیئت تجاری کرمان در آلمان و اتریش



صنعت و معدن

۳۴ | نقدی بر آخرین ویرایش قانون معادن
ایران

۴۰ | ظرفیت‌ها و چالش‌های صنعت
ذغال سنگ استان کرمان؛ فرصت یا تهدید

۴۴ | گفت‌وگو با «امین غفاری نژاد» معاون
امور صنایع سازمان صنعت، معدن و تجارت
شمال استان کرمان؛ یک اولویت؛ ایجاد
صنایع پایین دستی برای صنایع بزرگ

۵۰ | گفت‌وگو با «مجید غفاری» رییس
هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت شهرک‌های
صنعتی استان کرمان؛ ۳۰ درصد غیرفعال

۵۲ | گفت‌وگو با «حسین سعیدی گراغانی»
معاونت امور صنایع جنوب استان کرمان؛ رشد
صنایع وابسته به کشاورزی

۵۴ | چرا اندیشکده انرژی؟



آب و کشاورزی

۶۰ | گیاهان دارویی؛ یکی از راه‌های نجات
تمدن فلات مرکزی در مقابل چالش کم‌آبی

۶۲ | بهره‌وری عوامل تولید در بخش کشاورزی
کرمان

۶۴ | بهره‌وری از شعار تا عمل؛ موانع بهره‌وری
حوزه کشاورزی و معدن استان و راهکارهای
آن

۶۸ | تونس؛ الگوی موفق تولید، فرآوری و
تجارت خرما

فضای کسب‌وکار

۱۰ | ضرورت بازنگری در سیاست‌های کلان
اقتصادی

۱۲ | بهبود فضای کسب‌وکار، لازمه تحقق
رونق تولید

۱۴ | اثر بهره‌وری بر رونق تولید

۱۶ | گفت‌وگو با «سیدمهدی طبیب‌زاده»
رئیس اتاق بازرگانی کرمان؛ دولت بزرگ،
اقتصاد کوچک

۲۰ | گفت‌وگو با «علی اسکندری پور»
عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه
ولی عصر رفسنجان؛ رونق پایدار تولید فقط
در شرایط رقابتی

۲۳ | چرایی و چگونگی افزایش جذب
سرمایه‌گذاری در استان کرمان

۲۶ | کارآمدی قانون و رونق تولید

۲۸ | تجربه اوج در کار

۳۲ | کمیسیون‌ها، محل تولید فکر و نقش
مشورتی



سخن اول

بهبود محیط کسب و کار، از شعار تا باور و عمل

< سیدمهدی طبیبزاده

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان



شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و وجود جنگ‌های ویرانگر در آن‌ها نمی‌توان انتظار بهتر داشت. افت هشت پله‌ای جایگاه ایران در دنیا طی سال‌های اخیر، حکایت از نامناسب بودن سیاست‌ها و اقدامات برای بهبود محیط کسب و کار دارد. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، از سال ۲۰۱۴ که رتبه ۱۵۲ به ایران تعلق گرفت تا به امروز تنها ۳ مورد اصلاح توسط دولت ایران انجام شده و بخش عمده تغییر رتبه ما در این سال‌ها به دلیل بازنگری در داده‌ها بوده است. شاهد عینی آن‌هم این است که مهم‌ترین قانون حاکم بر این مبحث یعنی قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۱۳۹۰ تاکنون تنها ۱۷ درصد اجرایی شده است. لذا با مشاهده نتایج عملکرد درمی‌یابیم حرف شعار، مصاحبه، مذاکره، همایش، سخننامه، تصویب قانون، آیین‌نامه و مقررات مادامی‌که باور جدی وجود نداشته باشد نه‌تنها نتیجه مثبتی ندارد بلکه فرودهایی را هم باعث می‌شود، اما اگر در کشوری، منطقه‌ای، موضوع مهم کسب و کار در باور جدی مسئولان جای گیرد نتایج معجزه‌آسایی پدید می‌آید.

گرجستان مثال بسیار خوبی در این مورد است جایگاه جهانی محیط کسب و کار این کشور در سال ۲۰۰۵، ۱۰۰ بوده که در سال ۲۰۱۹ به رتبه باورنکردنی ششم در رده‌بندی جهانی صعود نموده است.

اینجاست که می‌گوییم «به عمل کار برآید به سخن دانی نیست» و به اهمیت فرمایش امام خمینی پی می‌بریم که فرمودند «اساس باور انسان است»، لذا می‌گوییم برای بهبود محیط کسب و کار باور و عمل نیاز است نه شعار.

سال‌هاست که بهبود محیط کسب و کار به‌عنوان یک ضرورت انکارناپذیر برای توسعه مستمراً شنیده می‌شود و افراد در سطوح مختلف تصمیم‌گیری در بخش‌های خصوصی و دولتی، دانشگاهی، قضایی و قانون‌گذاری در این مورد داد سخن داده و اظهار نظر می‌نمایند.

در نگاه اول به نظر می‌رسد که اجماعی در این زمینه صورت گرفته، لذا این امید در دل فعالان اقتصادی ایجاد می‌شود که حتماً خبری در راه است و به‌زودی گشایش جدی در این مسیر حاصل خواهد شد و موجبات تسهیل، تسریع و رفع موانع در کسب و کار فراهم خواهد آمد، اما در توجه به مفهوم و الزامات بهبود کسب و کار اقدامات عملی جدی را شاهد نیستیم و از نتایج ارزیابی‌ها درمی‌یابیم که مباحث در حد شعار بوده و به باور جدی برای تبدیل به عمل، نشده است؛ چرا که چه در سطوح استانی و ملی و چه در سطح بین‌المللی روز به روز شاهد افت رتبه در شاخص‌های پایش کسب و کار می‌باشیم.

ارزیابی بانک جهانی از شاخص‌های ده‌گانه، رتبه ایران را ۱۲۸ نشان می‌دهد. مفهوم این رتبه آن است که ۱۲۷ کشور از ما برای جذب سرمایه‌گذاری جلوترند. این در حالی است که طبق سند چشم‌انداز در سال ۱۴۰۴ می‌بایست ایران به رتبه اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه برسد. شدت عقب‌ماندگی در این شاخص‌ها در منطقه‌ای که ما آرزوی اول شدن را داریم بیشتر نمود پیدا می‌کند. از ۲۵ کشوری که در اطراف ما وجود دارند و بایستی در سال ۱۴۰۴ جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در بین آن‌ها به ما تعلق گیرد، تنها ۶ کشور رتبه بدتر از ما دارند که از آن کشورها هم با توجه به

سخن مدیرمسئول

دانش تجارت و نقش اتاق‌های بازرگانی

< سیدمحمدعلی گلابزاده
مدیرمسئول



ایران بود، حالا پنج هزار نفر بیشترند. از نبودن اتاق تجارت است که خروج سیصد هزار کیسه تنباکوی اصفهان رسیده به پنج هزار کیسه آن‌هم به دست فرنگی- از نبودن اتاق تجارت است که تریاک یزد و اصفهان دستخوش غل و غش تجار جاهل شده، در چین و دیگر ممالک واخورده، و به قیمت نازل به فروش می‌رود...» برخی از نکته‌های یادشده نه امروز بلکه برای همیشه تاریخ، تازگی خواهند داشت، از جمله این- که «امروز مدار دنیا به علم است» به‌راستی هیچ عقل سلیمی می‌تواند این واقعیت را نادیده بگیرد؟ چگونه ممکن است دست‌به‌کار سترگی چون تجارت و بازرگانی زد و مبنای حرکت را همان شیوه‌های روزگار پیله‌وری حاج آقا علی زعیم الله قرار داد؟ نویسندگان درست گفته بود که: امروز گاریچی و تفنگچی‌ها هم مدرسه و مکتب دارند. در راه تجارت آن‌قدر ظریف وجود دارد که هرچقدر آگاهی به دست آوریم باز هم کم است. در این زمینه مطالعه کتاب‌های مرتبط، کمک شایسته‌ای به بازرگانان ما خواهد کرد. نیم‌نگاهی به کتاب «سنگفرش هر خیابان از طلاست» ما را با این واقعیت پیوند می‌دهد که پسری تهی‌دست در هیئت کودکان کار به نام «کیم وو چونگ» هم می‌تواند با به کار بستن شیوه‌های اساسی و کاربردی و بهره‌گیری از نبوغ و استعداد خود، صاحب یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های اقتصادی جهان یعنی کمپانی «دوو» شود. نکته دیگری را که نویسندگان به آن اشاره کرد و نبود آن را مایه تأسف خوانده «مجلس تجارت» است که اتاق‌های بازرگانی کنونی، فرزندان خلف آن نهاد اولیه اند. بر اساس آنچه نویسندگان یادآوری می‌کند اتاق‌های بازرگانی، نقشی بسیار ارزشمندی در آگاه‌سازی دلبستگان به امر بازرگانی دارند. پرسش این است که آیا این اصل مهم موردتوجه اتاق قرار دارد؟ آیا کشش و کوششی از دو سوی موضوع دیده می‌شود؟

سخن آخر، همان که نویسندگان حبل‌المتین در بیش از ۱۱۰ سال پیش گفت و تا همیشه تاریخ تر و تازه و نو باقی خواهد ماند. فراموش نکنیم که «امروز و هر روز مدار دنیا بر پایه علم و دانش می‌گردد.»

گاه در کهنه کتاب‌ها و روزنامه‌های قدیمی، به نکته‌هایی برمی‌خوریم که گویی غبار زمان را در فراموشی آن‌ها راهی نیست، نکته‌هایی که چون از دل‌وجان نویسنده برآمده، لاجرم بر دل نشیند. روزنامه حبل‌المتین که روزگاری میدان‌دار پهنه مطبوعات ایران و جهان بود، در یکی از شماره‌های سال ۱۳۲۴ هـ. ق یعنی ۱۱۶ سال پیش، پشم و پنبه‌های تجارت این سرزمین را به کمان حلاجی سپرده و با نقد و بررسی بازرگانی و کنار گذاشتن شیوه‌های کهنه و رعایت اصول اقتصاد و تجارت پیشنهادهایی را مطرح کرده که برخی نکات آن هنوز هم قابل است. «تجارت دنیای امروز مانند زنجیر پیوسته است ... اگر شما هم تجارت به مقتضای وقت نکنید و مثل هزار سال قبل به دأب و عادت چادر نشین‌ها بخواهید رفتار کنید، مدیر دستگاه تجارت که نام گرامی‌اش علم است شما را عوض خواهد کرد... امروز مدار دنیا به علم است. در فرنگستان برای همه کارهای پست و عالی مدرسه باز کرده‌اند. تجارت که سهل است. حتی گاریچی‌ها و تفنگچی‌ها هم مکتب دارند... چقدر جای تأسف است که شما تجار هنوز یک مکتب تجارتی ندارید. هنوز معنی تجارت را در حمالی به اجانب می‌دانید. هنوز نمی‌دانید که دباغی هم جزو تجارت است. در هر شهر که چند نفر تاجر فرانسه و آلمان و غیره موجودند هر کدام مجلس دارند و هفته‌ای یک روز دو روز اجتماع نموده برای پیشرفت تجارت خود و رونق بازار آن صحبت می‌کنند... شما هنوز یک مجلس تجارت در تهران تأسیس نکرده‌اید و ملتفت فواید آن نیستید. از نبودن مجلس است که روز به روز پس رفته و می‌روید و در دستگاه تجارت مانند آلت شکسته شده‌اید و سرکار مدیر دست‌به‌کار عوض کردن شما شده، ببینید در تهران، تبریز و اصفهان و سایر بلاد، تجار فرنگی همه‌روزه مغازه‌ها باز می‌کنند، امتیازات می‌گیرند، شعبه‌های بانک می‌گشایند و تجارت را از دست شما می‌گیرند. بنده که سالی چندان ندارم، از سالخوردگان هرگاه پرسید تصدیق خواهند کرد پنجاه سال قبل ده تاجر مسیحی اگر در تمام

مشارکت فکری صاحب نظران

< ذبیح‌الله کرمی
سردبیر



ارتباط‌جمعی نیز استفاده نمایند. نهادسازی‌ها در رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته اثرات بی‌بدیلی داشته و دارد. اساتید می‌توانند به مدد دانش و مطالعات علمی خود در نهادسازی و نشان دادن راه‌های رشد آن‌ها که لاجرم در رشد و توسعه اقتصادی اثربخش است، به جامعه اقتصادی یاری رسانند. حضور فعال دانشگاهیان در وسایل ارتباط‌جمعی به‌ویژه نشریات اقتصادی منطقه‌ای یک ظرفیت جدی در مسیر موفقیت‌های اقتصادی است و خود سوای این‌که یک مشارکت اجتماعی مؤثر تلقی می‌شود، می‌تواند رهنمون مشارکت اجتماعی آحاد جامعه بوده و چگونگی وضع موجود را به چالش کشیده و توسعه روزافزون آن را ارزیابی و گزارش کند. همه می‌دانیم که زبان علم به‌ویژه گفت‌وگو بین اهالی علم بهترین عامل در توسعه پایدار است، اما نتایج آن باید در سطوح مختلف جامعه اعم از سیاست‌گذاری، عمل، نظارت و سطح عمومی منتشر شود وگرنه فرصتی به بار نخواهد آمد تا به دانسته‌های بهره‌ور رسید.

در دانشگاه‌های نسل چهارم امروزه جهان، اساتید از اعمال رسالت‌های اجتماعی در کنار دیگر رسالت‌های خود غافل نیستند. عمل به رسالت‌های دانشگاهی قطعاً در چگونگی حضور اساتید و مدرسین به‌ویژه در تعهد به اعمال مسئولیت‌های اجتماعی آن‌ها رنگ و جلا می‌گیرد. تلاش اندیشمندان برای برداشتن گام‌های مؤثر در عمل به رسالت و مسئولیت‌های اجتماعی خود در جهت تحقق رونق تولید حائز اهمیت فراوان است.

مسلماً یکی از جنبه‌های رسالت اجتماعی دانشگاهیان کمک به «تأمیل گرای» در جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند و این خود موجب ارتقاء تصویر دانشگاه در جامعه است. حضور جدی دانشگاهیان در جراید اقتصادی استان، امکان انتفاع کسب‌وکارها، انجمن‌ها و تشکل‌های محلی از نظرات و رهیافت‌های آن‌ها را فراهم می‌کند و در توسعه و ارتقاء دانش و فرهنگ عمومی جامعه بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

«فصل‌نامه سپهر اقتصاد کرمان» که در سطح مراجع تصمیم‌گیری کشوری و استانی، دانشگاه‌ها، اتاق‌های بازرگانی در کشور، تشکل‌های اقتصادی، آحاد فعالان اقتصادی استان و ... در اختیار قرار می‌گیرد در حد خود، باب تبادل نظرات و تعاطی افکار و اندیشه‌ها در امور اقتصادی را در پی تعریف مسائل بازکرده است و از دانشگاهیان به‌ویژه اساتید دانشگاه‌های استان انتظار گشاده‌دستی در حضور تعیین‌کننده دارد.

اصولاً جریان دانش در مراحل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دولت و نیز بخش خصوصی یک ضرورت انکارناپذیر است و در این راستا تحقق حضور دانشگاهیان یک نقطه عطف بسیار مهم است.

بر دانشگاه است که مسائل تولید و تجارت را شناسایی و راه‌حل‌های رفع آن‌ها را در دسترس قرار دهد. باور داشته باشیم که بخش عمده‌ای از ریشه مشکلات اقتصادی کشور در سطحی‌نگری و عدول از اندیشه ورزی است.

به تحقیق انتظار جامعه از دانشگاهیان این است که به همت از تجزیه و تحلیل داده‌ها که امروزه به گستردگی نسبی در مقایسه با گذشته در تمام مناطق کشور وجود دارد، پرداخته و در تصمیم‌گیری اقتصادی به دولت و بنگاه‌ها کمک کنند و در این راستا به سهم خود از بسترسازی علمی دریغ ننمایند.

فعالان اقتصادی سال‌هاست که مشکلات مبتلابه را اعلام و رفع آن‌ها را پیگیری می‌نمایند، اما به نتیجه لازم نمی‌رسند. در این میان از دانشگاه و دانشگاهیان انتظار می‌رود تا مسئله یابی نموده و با تعریف مسائل و ارائه راه‌حل‌های عملیاتی دولت و بخش‌های تولید و تجارت را در رفع مشکلات اقتصادی یاری رسانند.

در فضای موفق دانشگاهی جوامع پیشرفته، هرگز فعالیت اساتید منحصر به حضور در کلاس و صرفاً پرداخت سیستماتیک به ارائه مطالب در قالب درس‌نامه‌ها نمی‌شود؛ بلکه اساتید با احساس تعهد اجتماعی به رصد مستمر محیط‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه پرداخته و در انعکاس یافته‌ها در سطوح مختلف دریغ نمی‌نمایند.

حضور مؤثر و فرهیخته اساتید و مدرسین دانشگاهی دلسوز و دارای دغدغه «بهره‌وری علم» در پراکنش اطلاعات مبتنی بر دانسته‌های علمی مورد انتظار جامعه است، امری الهی به‌مثابه پرداخت زکات علم و این گوشه‌ای است از مسئولیت اجتماعی اساتید و حتی دانشجویان به‌ویژه دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری. از اساتید و اندیشه‌ورزان این انتظار می‌رود تا با نگاه به مسئولیت اجتماعی خود با بررسی مباحث و شاخص‌های پیش سیاست‌های اجرایی به تحقق برنامه‌های عملیاتی کمک کنند؛ بنویسند، گفت‌وگو کنند و دانسته‌های خود را در سطح جامعه منتشر نمایند. درست است که جایگاه اصلی آن‌ها آموزش، پرورش و پژوهش درون دانشگاهی است، اما در راستای فرهنگ‌سازی تولید و تجارت بهره‌ور در جامعه باید به گفتمان فراگیر ورود مستمر داشته باشند. در این زمینه نه‌تنها از ظرفیت‌هایی مانند نشریات درون دانشگاهی بلکه از مطبوعات و وسایل

انتخابات نهمین دوره هیئت نمایندگان اتاق کرمان برگزار شد



انتخابات نهمین دوره هیئت نمایندگان اتاق کرمان هم زمان با اتاق‌های سراسر کشور، روز شنبه ۱۱ اسفند ۹۷ از ساعت ۸ صبح آغاز شد و با دو ساعت تمدید تا ساعت ۲۰ شب ادامه یافت. در این انتخابات ۴۳۲ رأی به صندوق انداخته شد، در گروه بازرگانی پنج نفر شامل فخری اله توکلی با ۲۱۵ رأی، سیدآرش علوی با ۱۷۶ رأی، حمید عزت‌آبادی پور با ۱۷۵ رأی، سید محمدابراهیم علوی با ۱۷۳ رأی و محمدحسین اکبری یزدی با ۱۶۷ رأی انتخاب شدند.



در گروه صنعت نیز پنج نفر شامل سید مهدی طبیب زاده با ۲۵۸ رأی، محمدعلی محمد میرزائیان با ۲۴۱ رأی، عباس جبالبارزی سربیزن با ۲۰۳ رأی، علی عباسلو با ۱۹۷ رأی و علی نقوی با ۱۴۱ رأی به هیئت نمایندگان اتاق کرمان راه یافتند. همچنین در گروه معدن دو نفر شامل محسن ضرابی با ۱۸۰ رأی و بابک اسمعیلی احمدآبادی با ۱۳۶ رأی راهی هیئت نمایندگان اتاق کرمان شدند.



در گروه کشاورزی سه نفر شامل جلیل کاربخش راوری با ۲۵۵ رأی، حسین نجف‌آبادی پور با ۱۷۳ رأی و سید محمدرضا ترابی موسوی با ۱۶۱ رأی انتخاب شدند.

در نخستین نشست اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان در دوره نهم، سید مهدی طبیب زاده با حداکثر آرا به‌عنوان رئیس انتخاب شد؛ علی عباسلو به‌عنوان نایب‌رئیس اول، جلیل کاربخش راوری به‌عنوان نایب‌رئیس دوم، عباس جبالبارزی به‌عنوان خزانه‌دار و سید آرش علوی به‌عنوان دبیر هیئت‌رئیس انتخاب شدند.



لازم به ذکر است که فخری اله توکلی در ابتدای دوره استعفای خود را به هیئت نمایندگان اعلام کرد که پس از پذیرفتن این استعفا، محمدرضا بهرامی که در گروه بازرگانی، ۱۲۱ رأی را کسب کرده بود جایگزین الله توکلی در هیئت نمایندگان اتاق کرمان شد. همچنین در ادامه و در چهارمین نشست هیئت نمایندگان دوره نهم، روسای هشت کمیسیون اتاق به این شرح انتخاب شدند: سید محمدرضا ترابی موسوی رئیس کمیسیون کشاورزی، بابک اسمعیلی رئیس کمیسیون صنعت و معدن، محمدرضا بهرامی رئیس کمیسیون گردشگری و صنایع‌دستی، علی نقوی رئیس کمیسیون امور زیربنایی و سرمایه‌گذاری، محمدحسین اکبری رئیس کمیسیون بیمه، بانک و مالیات، محمدعلی محمد میرزائیان رئیس کمیسیون بازرگانی، سید محمدابراهیم علوی رئیس کمیسیون فناوری اطلاعات و کسب‌وکارهای نوین و حسین نجف‌آبادی پور رئیس کمیسیون مسئولیت‌های اجتماعی.



هیئت نمایندگان دوره نهم اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان



سید آرش علوی



عباس جبالبارزی



جلیل کاربخش راوری



علی عباسلو



سیدمهدی طبیبزاده



محسن ضرابی



سیدمحمدرضا ترابی موسوی



محمدرضا بهرامی



محمدحسین اکبری



بابک اسمعیلی احمدآبادی



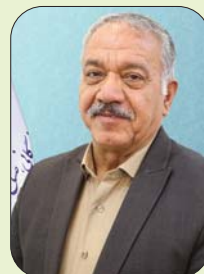
علی نقوی



حسین نجفآبادی پور



محمدعلی میرزاییان



سیدمحمدابراهیم علوی



حمید عزتآبادی پور



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

سپهر اقتصاد کرمان برای منتخبین اعضاء اتاق، آرزوی سلامتی و کسب موفقیت‌های مطلوب و درخشان را دارد.

فضای کسب‌وکار

- ضرورت بازنگری در سیاست‌های کلان اقتصادی
- بهبود فضای کسب‌وکار، لازمه تحقق رونق تولید
- اثر بهره‌وری بر رونق تولید
- گفت‌وگو با «سیدمهدی طبیب‌زاده» رئیس اتاق بازرگانی کرمان؛ دولت بزرگ، اقتصاد کوچک
- گفت‌وگو با «علی اسکندری‌پور» عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه ولی‌عصر رفسنجان؛ رونق پایدار تولید فقط در شرایط رقابتی
- چرایی و چگونگی افزایش جذب سرمایه‌گذاری در استان کرمان
- کارآمدی قانون و رونق تولید
- تجربه اوج در کار
- کمیسیون‌ها، محل تولید فکر و نقش مشورتی

ضرورت بازنگری در سیاست‌های کلان اقتصادی



رضا بوستانی
اقتصاددان، تحلیل‌گر بازارهای پولی

شرایط اقتصاد ایران در سال گذشته به‌طور کامل متحول شد. اقتصادی که در سال ۱۳۹۶ رشد اقتصادی ۳/۷ درصد و تورم ۸ درصد داشت با بازگشت تحریم‌ها چهره‌ای ناخوشایند به خود گرفت. در سال ۱۳۹۷ دستاوردهای دولت در حوزه ثبات اقتصادی کاملاً از بین رفت و اقتصاد نوسانات شدیدی را در بازارهای مختلف تجربه کرد. در این سال تورم نقطه به نقطه (مرکز آمار ایران) به ۴۷ درصد رسید و رشد اقتصادی نهمه‌ماه ۳/۸- شد.

اولین واکنش اقتصاد به خروج یک‌جانبه ایالات متحده از برجام بی‌ثباتی در بازار ارز بود. ریشه این بی‌ثباتی در افت صادرات نفت و کاهش دسترسی به ذخایر ارزی است. فعالان اقتصادی می‌دانند که سهم قابل‌توجهی از عرضه ارز در بازار از محل صادرات نفت تأمین می‌شود. لذا با اجرای تحریم‌های نفتی، صادرات نفت و عرضه ارز در بازار کاهش می‌یابد و باید انتظار داشت که نرخ ارز افزایش یابد. به همین دلیل بود که با تقویت گمانه‌ها نسبت به خروج ایالات متحده از برجام، سفته‌بازان به بازار ارز حمله کردند و نرخ ارز روند صعودی به خود گرفت.

تحولات بازار پول نیز باعث شد تلاطم در بازار ارز تقویت شود. هم‌زمان با افزایش تقاضا برای ارز، عرضه پول با شدت گذشته ادامه داشت و باعث شد ریال به میزان فراوان در اختیار خانوارهای و بنگاه‌ها قرار گیرد؛ به عبارت دیگر، سفته‌بازان می‌توانستند منابع ریالی را با هزینه کم قرض بگیرند و با توجه به چشم‌انداز سودآور خرید ارز، نسبت به خرید دارایی‌های ارزی اقدام کنند. در نتیجه، سیاست انبساط پولی به تشدید حملات سفته‌بازانه و بی‌ثباتی در بازار ارز دامن زد.

بی‌ثباتی در بازار ارز کلید بی‌ثباتی در قیمت‌های داخلی است. باید به این نکته توجه داشت که بانک مرکزی در دهه‌های گذشته تلاش کرده است تا از طریق به‌کارگیری یک چارچوب هدف‌گذاری نرخ ارز، ثبات پولی (ثبات قیمت‌ها) را تضمین کند. همان‌طور که از نام این چارچوب سیاست‌گذاری مشخص است، بانک مرکزی برای کنترل قیمت‌های داخلی از نرخ ارز به‌عنوان لنگر اسمی استفاده می‌کند و به این صورت از نوسانات شدید نرخ تورم جلوگیری می‌نماید. بر اساس این پیش‌زمینه، افزایش نرخ ارز در نتیجه بازگشت تحریم‌ها موجب شد، ثبات قیمت‌ها نیز از دست برود. افزایش نرخ ارز از یک‌طرف باعث افزایش قیمت

کالاهای وارداتی شد و از طرف دیگر با ایجاد چشم‌انداز مبهم نسبت به آینده فعالان اقتصادی را نسبت به افزایش قیمت کالاها و خدمات تشویق کرد؛ بنابراین، با افزایش نرخ ارز نرخ تورم نیز به‌شدت افزایش یافت به‌گونه‌ای که نرخ تورم نقطه به نقطه (مرکز آمار ایران) از ۹ درصد در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷ به ۵۱ درصد در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ جهش یافت. اصطکاک‌ها در بخش واقعی نیز باعث شد، افزایش قیمت‌ها منجر به افت سطح فعالیت‌های اقتصادی شود. به دلیل وابستگی تولید داخلی به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌وارداتی، باید پذیرفت که افزایش نرخ ارز از طریق افزایش هزینه‌های تولید موجب کاهش تولید شود؛ اما اصطکاک‌ها در بخش واقعی باعث می‌شود تا کاهش سطح فعالیت‌های اقتصادی شدیدتر باشد. از طرف دیگر، وجود اصطکاک در بخش واقعی باعث می‌شود که افزایش تولید کالاهای صادراتی در نتیجه افزایش نرخ ارز به آهستگی صورت گیرد.

یکی از اصطکاک‌های مهم در بخش واقعی، ضرورت وجود سرمایه در گردش است. سرمایه در گردش، حجمی از سرمایه مالی است که بنگاه برای تکمیل فرآیند تولید به آن احتیاج دارد. بنگاه مجبور است سرمایه در گردش را تأمین کند تا بتواند فاصله زمانی میان انجام هزینه‌ها (پرداخت هزینه خرید مواد اولیه و پرداخت دستمزد نیروی کار) و دریافت درآمد از محل فروش محصول را مدیریت نماید. همان‌طور که مشخص است وجود سرمایه در گردش به میزان لازم برای انجام فعالیت‌های تولیدی امری ضروری است.

افزایش هزینه‌های تولید در نتیجه جهش نرخ ارز و بی‌ثباتی در قیمت‌ها، تقاضا برای سرمایه در گردش را بالا می‌برد. حتی اگر به دلیل کاهش تقاضا برای محصولات، بنگاه تولیدی مقداری سطح تولید خود را کاهش دهد، همچنان به دلیل جهش هزینه‌های ریالی باید سرمایه در گردش بیشتری را تأمین نماید. البته کلیه بنگاه‌ها نمی‌توانند سرمایه در گردش موردنیاز خود را به‌طور کامل تأمین نمایند. به‌طور مثال، اگر توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها متناسب با افزایش نیاز بنگاه‌های تولیدی افزایش نیابد، سرمایه در گردش موردنیاز بنگاه‌ها تأمین نمی‌شود و بنگاه مجبور است سطح تولید را متناسب با سرمایه در گردش موجود کاهش

بی تفاوتی بانک مرکزی نسبت به تورم از آنجا ناشی می‌شود که این نهاد سیاست‌گذار به صورت ذاتی از افزایش نرخ سود بیمناک است و آن را متناظر با کاهش رشد اقتصادی می‌داند. در شرایطی که تورم پایین است، افزایش نرخ سود منجر به کاهش سطح فعالیت‌های اقتصادی می‌شود ولی چنین نتیجه‌ای را نمی‌توان به شرایط بی‌ثباتی تعمیم داد. تجربه بانک‌های مرکزی نشان داده است که این نهادها در صورتی می‌توانند از تولید حمایت کنند که بتوانند محیط اقتصاد کلان باثباتی را ایجاد کنند. عدم استفاده از ابزارهای پولی و بی تفاوتی نسبت به تورم، نمی‌تواند منفععی برای تولیدکنندگان به همراه داشته باشد. بسیار ساده‌اندیشی است اگر انتظار داشته باشیم که تنها از طریق پایین نگاه داشتن نرخ سود، بنگاه‌های تولیدی قادر خواهند بود هزینه‌های فزاینده ناشی از تورم بالا را تحمل نمایند.

دولت نیز باید در طراحی سیاست‌های بودجه‌ای به تثبیت اقتصاد توجه نماید. با توجه به اینکه کاهش سطح فعالیت‌های اقتصادی به واسطه ضربه‌ای است که به سمت عرضه اقتصاد وارد شده است، دولت نمی‌تواند با افزایش هزینه‌های خود موجب بازگشت اقتصاد به شرایط پیش از تحریم شود. بالعکس، دولت باید از طریق مدیریت هزینه‌های جاری خود و کاهش تقاضا در اقتصاد به تثبیت اقتصاد کمک نماید. هزینه‌های دولت بخشی از تقاضای کل را تشکیل می‌دهد. در حالی که تورم در اقتصاد افزایش یافته است، کاهش هزینه‌های دولت می‌تواند از فشار تقاضا بر قیمت‌ها بکاهد و به این صورت موجب تسکین تقاضای کل در مواجهه با تقاضای خارجی برای کالاهای داخلی شود. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، افزایش نرخ ارز باعث ایجاد تقاضای خارجی برای محصولات داخلی در قالب صادرات می‌شود. در صورتی که این تقاضا وارد اقتصاد شود موجب افزایش بیشتر قیمت‌ها در داخل خواهد شد. لذا دولت می‌تواند از طریق کنترل هزینه‌های خود به اقتصاد کمک نماید تا از فرصت افزایش نرخ ارز و صادرات استفاده نماید.

در سال ۱۳۹۷ دولت تلاشی برای کاهش هزینه‌های خود نکرد و این روند در سال ۱۳۹۸ نیز ادامه یافته است. مخارج دولتی باعث شده است فشار تقاضا بر قیمت کالاها و خدمات وجود داشته باشد و افزایش تورم در اقتصاد ماندگار شود. در صورتی که دولت هزینه‌های خود را محدود ننماید، به دلیل کاهش درآمدها از محل فروش نفت با کسری بودجه مواجه خواهد شد و باید کسری بودجه خود را به صورت فشار مالیاتی بیشتر بر بنگاه‌ها یا فشار بر بانک مرکزی جبران کند. هر کدام از این اقدامات اثرات مخربی بر شرایط تولید خواهد داشت. بنابراین در شرایط تورمی، چاره‌ای وجود ندارد مگر اینکه دولت همگام با بانک مرکزی سیاست‌های تثبیت اقتصادی را دنبال کند.

همان‌طور که توضیح داده شد اقتصاد ایران در شرایط ویژه‌ای قرار گرفته است و بی‌توجهی سیاست‌گذار به نیازهای اقتصاد در این شرایط می‌تواند به عمیق‌تر شدن مشکلات و افزایش هزینه‌های جامعه در مواجهه با این شرایط منجر شود. در صورتی که بانک مرکزی و دولت سیاست‌های مناسبی را برای مهار تورم در پیش نگیرند و نسبت به نیازهای بخش تولید بی‌توجه باشند، نه تنها تورم در اقتصاد شدیدتر می‌شود، بلکه رکود ناشی از تحریم‌ها نیز عمیق‌تر می‌گردد. بنابراین نیاز به بازنگری در سیاست‌های کلان اقتصادی امری ضروری است. ●

دهد؛ بنابراین، ناتوانی بانک‌ها در تأمین سرمایه در گردش مورد نیاز بنگاه‌ها می‌تواند از طریق ایجاد اصطکاک در بخش واقعی موجب کاهش شدیدتر سطح تولید در نتیجه جهش نرخ ارز و قیمت‌ها شود.

قسمت بعدی اصطکاک‌ها از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی اشتباه نشأت می‌گیرد. دولت‌ها اغلب در مواجهه با جهش‌های ارزی تلاش می‌کنند تا از طریق تثبیت نرخ ارز و تأمین ارز مورد نیاز واردات، از تولید داخل حمایت کنند. آن‌ها با بستن حساب سرمایه و ممنوع کردن معاملات ارزی در خارج از شبکه بانکی سعی می‌کنند نرخ ارز را کنترل نمایند و به این صورت از افزایش هزینه‌های تولید جلوگیری نمایند؛ اما این سیاست در عمل شکست‌خورده است؛ زیرا در نبود مکانیزم قیمتی احتمال هماهنگ کردن موفقیت‌آمیز کلیه فعالیت‌های اقتصادی در سطح اقتصاد کلان به شدت کاهش می‌یابد.

وجود اصطکاک‌ها در بخش واقعی نه تنها بر تولیدکنندگان وابسته به نهاده‌های وارداتی تأثیر می‌گذارد بلکه می‌تواند صادرکنندگان را نیز متأثر نماید. در صورتی که بنگاه صادرکننده نتواند سرمایه در گردش بیشتری تأمین نماید، نمی‌تواند از فرصت‌های صادراتی ایجاد شده در نتیجه افزایش نرخ ارز استفاده نماید. همچنین در صورتی که دولت محدودیت‌هایی بر نقل و انتقال ارزی ایجاد نماید، بنگاه‌های صادراتی نمی‌توانند از فرصت‌های جدید استفاده نمایند در نتیجه اقتصاد از منافع نرخ ارز بالاتر بهره‌مند نمی‌شود. بنابراین دور از انتظار نیست که افزایش هزینه‌های تولید در نتیجه وجود اصطکاک‌های مالی به کاهش شدیدتر در تولید منجر شود. در این شرایط دولت باید از طریق اجرای سیاست‌های پولی و بودجه‌ای زمینه بازگشت ثبات به اقتصاد را فراهم کند. شاید مهم‌ترین اقدام دولت برای تثبیت اقتصاد، اجرای سیاست پولی در جهت کنترل تورم باشد. بانک مرکزی از طریق کنترل تورم، می‌تواند افزایش هزینه‌های تولید را محدود نماید و به این صورت اثر اصطکاک مالی در بازار را تخفیف دهد. برای کنترل تورم، بانک مرکزی چاره‌ای به جز افزایش نرخ سود در اقتصاد ندارد. البته باید به این نکته توجه داشت که افزایش نرخ سود تنها باید به میزانی باشد که از جهش قیمت‌ها در اقتصاد جلوگیری کند و نه اینکه خود به مانعی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی تبدیل شود. عدم واکنش بانک مرکزی به افزایش تورم، می‌تواند از طریق ایجاد فضای تورمی موجب افزایش بیشتر قیمت کالاها و خدمات شده و به این صورت به تشدید تنگنای اعتباری برای بنگاه‌های تولیدی منجر شود. از طرف دیگر، کنترل تورم از طریق افزایش نرخ سود، شرط لازم برای تثبیت بازار ارز است. بنابراین بانک مرکزی در زمینه مدیریت اقتصادی نقش بسیار فعالی را می‌تواند بازی کند.

اقدامات دولت در مواجهه با افزایش نرخ ارز در سال گذشته به ایجاد اختلال در بازار ارز محدود می‌شود. در سال ۱۳۹۷، دولت تلاش کرد تا نرخ ارز را تثبیت کند؛ اول از طریق افزایش مداخله در بازار ارز و حتی فروش ذخایر طلای بانک مرکزی، دوم از طریق یکسان‌سازی نرخ دلار در نرخ تثبیت شده ۴۲۰۰ تومان و سپس از طریق ایجاد بازار ثانویه ارز (سامانه نیما). اما هیچ کدام از این اقدامات موفق نبود. زیرا در نهایت نرخ ارز در بازار به شدت افزایش یافت، قیمت‌های داخلی کالاهایی که ارز رسمی دریافت می‌کردند تثبیت نشد و در نهایت بسیاری از تجار و بازرگانان از انجام مبادلات ارزی خود در سامانه نیما طفره رفتند.

بهبود فضای کسب و کار لازمه تحقق رونق تولید

محسن جلال پور
فعال بخش خصوصی
و تحلیلگر اقتصادی



آن سمت گرایش پیدا می‌کند. نیم‌نگاهی به شرایط اقتصادی جامعه نشان می‌دهد که در حال حاضر حرکت به سمت تولید امکان‌پذیر نیست، زیرا در فضایی که امروز کالایی را می‌خرید و فردا قیمت آن چند برابر می‌شود یا ملک افزایش قیمت غیرمنطقی پیدا می‌کند و یا فعالیت در بازار ارز شرایط خوبی دارد، مسلماً فکر تولید به ذهن کسی راه پیدا نمی‌کند. در نظر بگیرید از سال ۹۲ تا ۹۶ که نرخ تورم یک‌رقمی بود، سود ۲۲ درصدی توسط بانک به سپرده‌ها تعلق می‌گرفت و سپرده‌گذار بدون این‌که مراجعه‌ای به اداره کار، مالیات و یا گرفتاری‌های فراوان بروکراسی اداری را داشته باشد، در پایان سال یک رقم مشخص و بدون ریسک دریافت می‌کرد و این در حالی بود که هیچ واحد تولیدی نمی‌توانست این میزان سودآوری بدون دردسر را محقق کند، به‌طور طبیعی این شرایط هر سرمایه‌گذاری را تشویق به فعالیت در این زمینه می‌کند. به‌عنوان مثال در سال ۹۷ که نرخ ارز جهش سه برابری پیدا کرد، همین‌طور نرخ ملک و سایر فعالیت‌های کاذب و غیرمولد، همه این موارد که سود بدون دردسر و با حاشیه امنیت را فراهم می‌آورد، سرمایه‌گذار را از انجام هرگونه فعالیت اقتصادی که بایستی ده‌ها آیت‌م را رعایت کند و به ده‌ها اداره و ارگان جواب بدهد منصرف می‌کند.

متأسفانه طی سال‌های گذشته در فضای اقتصادی جامعه فعالیت‌های کاذب منافع بیشتری داشته است. شاید یک مثال به روشن شدن موضوع کمک کند؛ مثلاً من به‌عنوان یک صادرکننده پسته با ده‌ها میلیارد سرمایه‌گذاری و صرف سال‌ها زحمت و گذشتن از سلامتی، وقت و خانواده، نهایتاً یک سود ۳ یا ۴ درصدی داشته‌ام و این در حالی است که به جرأت می‌توان گفت در طول ۲۰ سال گذشته درآمد یک صراف، تنها از محل خریدوفروش ارز حاصل از صادرات امثال بنده، ده‌ها برابر بیشتر از سودآوری من بوده است. صادرکننده هزاران دردسر، از مشکلات تحریم، حمل، خریدوفروش تا گرفتاری‌های اداره کار و

مقام معظم رهبری طی سال‌های گذشته همواره نام‌گذاری را بر مدار عناوین اقتصادی قرار داده‌اند. نام‌گذاری امسال یک ویژگی خاص دارد؛ این‌که اگر «رونق تولید» محقق شود، دستاوردهای خوبی برای بسیاری از نام‌گذاری‌های قبلی از جمله کالای ایرانی، تولید ملی، رونق اقتصادی، اقتصاد مقاومتی و... نیز خواهیم داشت. از این‌رو نام‌گذاری امسال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و برای تحقق آن باید بیش از پیش تلاش کرد. اگر تولید رونق یابد، افزایش اشتغال و کاهش وابستگی کشور به خارج را نیز به دنبال دارد که در شرایط فعلی جامعه، نیاز مبرم کشور است، اما رونق تولید پیش‌نیازهایی دارد که بهبود محیط کسب‌وکار، کوچک کردن دولت، ثبات قوانین، رقابتی کردن کسب‌وکار و ایجاد امید، اعتماد و انگیزه در فضای اقتصادی کشور از جمله آن است و در ادامه به تبیین این موارد خواهیم پرداخت.

بهبود محیط کسب‌وکار

اصولاً هیچ واحد تولیدی و یا فعال اقتصادی مبنای فعالیت خود را بر پایه کار خیر و یا عام‌المنفعه نمی‌گذارد و راه‌اندازی هر نوع کسب‌وکار باید توجیه اقتصادی داشته و درآمدزا باشد، هرچند که شاید باور جدی به کار خیر و مسئولیت اجتماعی نیز داشته باشند. اما زمانی به آن می‌پردازند که رونق و سودآوری در فعالیت‌هایشان حاصل شود و اگر غیر از این باشد این کار خیر دوام نمی‌آورد. بر همین اساس اگر یک فعال اقتصادی بخواهد کسب‌وکاری راه‌اندازی کند، قبل از هرچیز فضا و شرایط موجود را به‌منظور امکان سودآوری بررسی می‌کند. اگر نتیجه بررسی‌ها این‌گونه بود که بخش تولید آورده‌ای برایش دارد، به سمت آن می‌رود، اگر به این نتیجه رسید که کار توزیع برایش درآمدزا است، آن را مورد هدف قرار می‌دهد و اگر نتیجه بررسی‌ها درآمدزایی در برخی از فعالیت‌های واسطه‌ای و یا شغل‌های کاذب را نشان داد مسلماً خواسته یا ناخواسته به

پیش‌نیاز چهارم، آماده کردن فضای رقابت برای فعالان بخش خصوصی است که در این مسیر باید شرکت‌های دولتی، نهادهای نیمه‌دولتی و شرکت‌های متعددی که امروزه در جامعه مانند قارچ روییده‌اند و همه به منابعی وصل هستند، حذف شوند، وگرنه فضای رقابت ایجاد نمی‌شود.

ایجاد امید، اعتماد و انگیزه در فضای اقتصادی

در فضای کسب‌وکار شرایط باید به‌گونه‌ای باشد که در مجموعه فعالیت‌های اقتصادی، امیدواری، انگیزه، اعتماد و اطمینان به آینده وجود داشته باشد. شرایط فعلی کشور ایجاب می‌کند روی جذب سرمایه‌گذار خارجی حساب ویژه باز کنیم و فضای اقتصادی را به سمت رونق ببریم، اما متأسفانه برخلاف آن فرار سرمایه داریم زیرا بسیاری نگران آینده کشور هستند و وضعیت نابسامان بین‌المللی و تهدیدهای هرروزه قدرت جهانی باعث شده سرمایه‌گذار از کشور خارج شود. فراهم آوردن یک فضای مطمئن برای جلب اعتماد فعالان اقتصادی به آینده کشور، باعث ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری می‌شود. از جمله راهکارهای ایجاد فضای انگیزشی، پرداخت تسهیلات مناسب به بنگاه‌هاست. در همه دنیا اگر بنگاه‌ها فعالیتشان را با ۲۵ درصد آورده خود و ۷۵ درصد منابع بسیار ارزان قیمت و حتی بدون سود تسهیلات بانکی، بنا می‌گذارند، در کشور ما عکس این موضوع است، سرمایه‌گذار باید کل سرمایه را بیاورد و اگر تسهیلاتی هم بگیرد از آنجا که نرخ بهره بالا است باید بیشتر درآمدش را بابت سود تسهیلات بپردازد.

در پایان شاید این سؤال مطرح شود که بخش خصوصی ملزم به انجام چه اقداماتی برای رونق تولید است؟ می‌توان گفت بخش خصوصی نیز باید به سمت انجام فعالیت اصولی و رقابت‌پذیر گام بردارد اما تحقق این مهم تنها به بخش خصوصی وابسته نیست و زمانی این اتفاق رخ می‌دهد که فضای کلی اقتصاد کشور تغییر کند. متأسفانه بخش خصوصی طی ۴۰-۵۰ سال گذشته با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه، یک بخش خصوصی مستمری بگیر و وابسته به رانت بوده است، البته قصوری هم متوجه آن نیست زیرا وقتی بخش خصوصی کارا و بهره‌ور که همواره به دنبال انجام کار صحیح و اصولی بود، نمی‌توانست با بنگاه‌های وابسته به رانت، دارای ارتباطات غیرسالم و وصل به بودجه دولت، رقابت کند یا از میدان خارج شد و یا این‌که خودش را با شرایط موجود تطبیق داد. بنابراین اگر شرایط کسب‌وکار بهبود یابد و به سمت رقابتی شدن گام برداریم بخش خصوصی نیز با شرایط رقابتی و سالم تطبیق خواهد یافت و آن موقع است که باید از بخش خصوصی انتظار داشت تا در جریان رونق تولید و تولید رقابتی حرکت کند. اما تا زمانی که این فضا درست نشود، بخش خصوصی اگر بخواهد وارد این جریان شود یا زمین‌گیر می‌شود و یا اینکه باید خودش را با شرایط موجود هماهنگ کند. ●

مالیات و... را تحمل می‌کند که برایش هزینه‌هایی را در بر دارد، اما بسیاری از صراف‌ها در شرایط عادی بالای ۴۰ درصد و در شرایطی که نرخ ارز افزایش پیدا می‌کند بیشتر از این میزان منافع دارند. حال اگر کسی فعالیت صادرکننده را با فعالیت صراف مقایسه کند به نظر شما به سمت سرمایه‌گذاری در تولید پسته می‌رود؟

بنابراین اولین لازمه رونق تولید که به‌نوعی مهم‌ترین آن‌هم هست، ایجاد فضای مناسب برای درآمدزایی است؛ چون اصلاً تولید بدون درآمدزایی و کار اقتصادی بدون انتفاع معنی نمی‌دهد و درآمدزایی در کسب‌وکار باید حداقل کمی بیشتر از درآمدهای کاذب و غیر تولیدی باشد تا سرمایه‌گذار به این سمت میل پیدا کند.

کوچک کردن دولت

در کشوری که دولت بسیار بزرگ است و کارمندان آن پنج برابر متوسط جهانی هستند و عمدتاً این حجم نیروی انسانی کاری غیر از ایجاد یک چرخه بی‌حاصل در جریان فعالیت فعالان اقتصادی انجام نمی‌دهند، موانع بسیاری را به وجود می‌آورد که برای رونق تولید باید این موانع را حذف کرد، ضمن این‌که این اقدام باعث کاهش هزینه‌های دولت می‌شود و بار کمتری روی دوش فعالان و اقتصاد کشور خواهد داشت.

ثبات قوانین

سرمایه‌گذاری یک پروسه طولانی مدت است، مثلاً وقتی در یک پروژه صنعتی سرمایه‌گذاری می‌کنید برای ده‌ها سال و در کشاورزی برای چندین سال اطمینان از قیمت‌ها، قوانین و جریان بازار نیاز است، اما در کشوری که هر روز اعمال ممنوعیت و محدودیت دست یک مسئول است، تحریم‌های متعدد باعث تصمیمات خلق‌الساعه می‌شود و شاهد عدم ثبات در قوانین هستیم، مسلماً فعال اقتصادی را به سمت وسوی سرمایه‌گذاری دائم و درازمدت سوق نمی‌دهد. پس لازمه سوم برای رونق تولید، عدم تغییر قوانین و ایجاد ثبات نسبی در تصمیم‌گیری‌ها حداقل برای یک دوره مشخص سرمایه‌گذاری است.

رقابتی کردن کسب‌وکار

رقابت لازمه اقتصاد پویاست، اما در شرایط کنونی کشور، بخش خصوصی که دست در جیب خودش دارد و روی پای خودش ایستاده، نمی‌تواند با شرکت‌هایی که با بودجه دولتی فعالیت می‌کنند، رقابت کند. بخش خصوصی واقعی وقتی مقابل مجموعه‌ای قرار می‌گیرد که عملاً هیچ الزامی به سوددهی ندارد، دستش در جیب دولت است، نفع و ضرر برایش هیچ نقشی ندارد و پرداخت زیانشان را دولت به عهده می‌گیرد و در هر صورت حقوق و مزایای مدیران و کارمندانش پرداخت می‌شود، درواقع وارد یک رقابت ناسالم شده است. از این‌رو

اثر بهره‌وری بر رونق تولید





حسین اکبری فرد

عضو هیئت علمی بخش اقتصاد
دانشگاه شهید باهنر کرمان

تأکید قرار گرفته است. با توجه به آمار و سهم هر کدام از بخش‌ها در اقتصاد کشور، می‌توان لزوم توجه به بهره‌وری در هر بخش را تعیین کرد. در سال‌های اخیر متوسط سهم بخش کشاورزی در تولید ملی حدود ۵ الی ۸ درصد، سهم بخش نفت در تولید ملی حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد، سهم بخش صنعت و معدن حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد و سهم بخش خدمات در تولید ملی بالای ۵۵ درصد بوده است. پس توجه به بهره‌وری تمام بخش‌ها ضرورت دارد، ولی به دلیل اهمیت بخش خدمات، توجه به بهره‌وری این بخش بسیار مهم‌تر است. در فرآیند تولید، بخش‌های کشاورزی و صنعت و معدن و حتی نفت بخش‌هایی کاربر و سرمایه‌بر هستند، اما بخش خدمات بیشتر نیاز به فناوری اطلاعات و ارتباطات دارد و به‌عنوان بخش فاوایر (ICT Intensive) محسوب می‌شود و باید به بهره‌وری این بخش از حوزه ICT و فضای مجازی که هم طرف عرضه و هم طرف تقاضای اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد مورد توجه قرار گیرد. برای ارتقاء بهره‌وری هر بخش باید به بررسی انواع کارایی در آن بخش پرداخت:

۱) کارایی فنی که عبارت است از توانایی آن بخش در به دست آوردن حداکثر خروجی از مقدار مشخصی ورودی به آن بخش،
۲) کارایی تخصیصی که عبارت است از توانایی یک بخش در استفاده بهینه از نهاده‌ها برای تولید با توجه به قیمت و تکنولوژی در دسترس،
۳) کارایی اقتصادی که ترکیبی از کارایی فنی و تخصیصی به‌صورت توأمان است و به آن کارایی هزینه نیز می‌گویند،
۴) کارایی مقیاسی که بیانگر نسبت کارایی فعلی یک بخش به کارایی مقیاس بهینه آن بخش است.

با توجه به انواع کارایی است که بهره‌وری یعنی «درست انجام دادن کار درست» در بخش یا واحد تولیدی مورد نظر تحقق می‌یابد. هرچند ارتقاء انواع بهره‌وری (سرمایه، عوامل تولید، تکنولوژی و...) اهمیت دارد، اما به نظر می‌رسد ارتقاء بهره‌وری نیروی کار در جامعه ما از اهمیت دوچندانی برخوردار است؛ زیرا از یک‌طرف رونق تولید و از طرف دیگر افزایش درآمد و قدرت خرید نیروی کار را افزایش می‌دهد. به این منظور باید در واحدهای تولید و بخش‌های اقتصادی به تمام جنبه‌های بهره‌وری از جمله بهره‌وری نیروی کار که خود مبحثی مهم و دارای جنبه‌های زیادی است توجه کنیم. آموزش و مهارت، انضباط و وجدان کاری، نظام مناسب پرداخت، اهمیت به ابتکار و خلاقیت و... باید به‌طور جدی و کاربردی هرچند اندک در اولویت برنامه‌های تولیدی در سال رونق تولید قرار گیرد. علاوه بر بهره‌وری نیروی کار، بهره‌وری سایر عوامل تولید از جمله نهاده‌های تولیدی نیز در اولویت بعدی قرار دارند. از آنجا که رشد ارزش افزوده و رونق تولید از طریق افزایش استفاده از عوامل و نهاده‌های تولیدی با محدودیت‌هایی همراه است از جمله محدودیت خود منابع و به‌ویژه آب و محدودیت مسائل زیست‌محیطی و آلودگی، بهتر است بخشی از رشد اقتصادی و رشد تولید از طریق بهره‌وری صورت گیرد. در برنامه‌های توسعه حدود یک‌سوم از رشد تولیدات باید از طریق بهره‌وری تأمین شود. لذا عوامل اثرگذار بر بهره‌وری تک‌تک عوامل تولید باید توسط فعالان هر بخش مشخص شود و جهت ارتقاء این امر مورد استفاده قرار گیرد. فرهنگ کار و ارتقاء بهره‌وری کار و نیروی انسانی در هر واحد تولیدی در اولویت است. در هر واحد تولیدی می‌توان معیارها و سنجه‌هایی را مشخص کرد و وضعیت بهره‌وری را در وضع موجود اندازه‌گیری کرد و سپس به ارتقاء بهره‌وری اقدام کرد. ●

فرآیند اقتصادهای امروزی معمولاً فراز و نشیب‌هایی را تجربه می‌نماید که به آن‌ها عنوان سیکل‌ها یا ادوار تجاری (Business Cycles) اطلاق می‌گردد. دوره صعود از نقطه حذب فعالیت اقتصادی یک کشور به نقطه اوج را دوران رونق و برعکس دوره سقوط از نقطه اوج به نقطه حذب را دوران رکود می‌نامند. این نوسانات در عملکرد و سرنوشت اقتصادی هر کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند و به همین علت است که از حدود دو قرن پیش شناسایی این پدیده و پی بردن به دلایل بروز آن از دغدغه‌های اقتصاددانان بوده است. البته نباید سیکل‌های اقتصادی (Economic Cycles) را با نوسانات تجاری (Business Fluctuations) اشتباه گرفت. در سیکل‌های اقتصادی ممکن است نوسانی در عرضه یا تقاضا و یا قیمت‌ها در یک بخش بخصوصی از اقتصاد و یا در بخش‌های مختلف به وقوع بپیوندد بدون این‌که ضربه سنگینی به تمام اقتصاد وارد گردد، در صورتی که در یک سیکل تجاری تمامی بخش‌های اقتصادی هم‌زمان در حرکت به سمت بالا و پایین تحت تأثیر قرار می‌گیرند. زمانی که تولید و اشتغال بالا می‌رود، اقتصاد در مرحله‌ی بهبود است و وقتی که به اشتغال کامل نزدیک می‌شود و منابع با حداکثر ظرفیت خود کار می‌کنند به مرحله‌ی رونق می‌رسد. هنگامی که تولید و اشتغال سیر نزولی پیدا می‌کند، فعالیت اقتصادی دچار رکود می‌شود و چنان چه کاهش تولید و اشتغال عمیق و ژرف شود اقتصاد دچار بحران خواهد شد. ریشه مسئله را باید به‌طور قطع در رشد ناموزون اقتصاد و به‌ویژه بخش‌های تولیدکننده کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی جست‌وجو کرد و این عدم توازن و ناهماهنگی در نهایت از بی‌برنامگی در تولید ناشی می‌شود؛ اما آغازگر هر دوره رونق موجهی از سرمایه‌گذاری است که به دلیل جذابیت و یا دست‌کم قابل‌قبول بودن نرخ سود تحقق می‌یابد. جوزف شومپتر اقتصاددان اتریشی بر این عقیده است که علل پیدایش دورانی از رونق تولید، به خاطر ابداعات (Innovation) در ارگانیزم صنایع و واحدهای تجاری است. از نظر او ابداعات چیزی جز تغییر در روش‌های تولید و حمل‌ونقل، یا تغییرات در سازمان صنعتی، یا در تولید ماده‌ی جدید، یا ایجاد بازارهای جدید یا منابع جدید نمی‌باشد. در رابطه با این‌که چرا اقتصادها وارد دورانی از رونق و رکود می‌شوند نظریه‌های زیادی مطرح شده است. بعضی‌ها نظریه‌های پولی و بعضی دیگر نظریه‌های گیرپولی و عوامل واقعی را مطرح کرده‌اند. بهره‌وری و شوک‌های مربوط به آن عوامل گیرپولی و شاید ریشه اصلی دوران رونق و رکود است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد. بررسی مؤلفه‌های اثرگذار بر رشد اقتصادی و رونق تولید در کشورهای توسعه‌یافته و در حال گذر نشان می‌دهد که سهم افزایش بهره‌وری در بسیاری از مواقع از سهم افزایش سرمایه‌گذاری پیشی می‌گیرد. این موضوع برای کشور ما که با پایین بودن بهره‌وری و مشکل کمبود منابع مواجه است اهمیت دوچندان دارد. در شرایط کنونی، ارتقاء بهره‌وری و استفاده کارآ از امکانات موجود، از یک انتخاب فراتر رفته و به یک ضرورت تبدیل شده است. در قالب اسناد بالادستی و برنامه‌های مختلف توسعه نیز ارتقاء بهره‌وری در کشور مورد

گفت‌وگوبا «سیدمهدی طیب‌زاده»
رئیس اتاق بازرگانی کرمان

دولت بزرگ، اقتصاد کوچک



با سیدمهدی طیب‌زاده؛ رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان درباره دستاوردهای گذشته و انجام نشده‌های ناشی از به سامان نرفتن فضای کسب‌وکار گفت‌وگو کرده‌ایم. او درباره وصول به اهداف راهبردی اتاق بازرگانی و تلاش در جهت ارتقاء جایگاه آن، موانع و مشکلات استقرار زیرساخت نرم‌افزاری پنجره واحد سرمایه‌گذاری، فرار مالیاتی و بی‌اعتمادی به سیستم بانکی و اصلاح ساختار اقتصادی سخن گفته است. وی می‌گوید سیاست‌های متناقض حاکم، فضای تشویش و بی‌اعتمادی را در بین مردم دامن می‌زند، به نامناسب بودن وضعیت اخلاق حرفه‌ای هم در بخش خصوصی و هم در بخش دولتی اشاره می‌کند. او تأکید می‌کند که اهمیت بهبود فضای کسب‌وکار هنوز به‌طور کامل درک نشده است و فضای تنفس برای بخش خصوصی فراهم نیست و می‌گوید حجم بزرگ دولت باید کوچک شود و این سؤال را مطرح می‌کند که فشار وارده بر بخش خصوصی باعث تعدیل کارگران و کاهش سطح تولید شده، اقتصاد کشور کوچک و اشتغال از بین رفته است، آیا دولت متناسب با آن حجم خود را کوچک کرده است یا نه؟ مشروح این گفت‌وگورا به‌مثابه شرح بخشی از انتظارات برجای مانده مطالعه نمایید.

برنامه‌ای که تنظیم شده بود پیش رفتیم و موفقیت‌های نسبی هم در این زمینه داشته‌ایم. راهبرد سوم تقویت تشکلهای اقتصادی بود، اتاق به کمک تشکلهای قوی در زمینه‌های مختلف اقتصادی می‌تواند توانمند باشد، لذا با این تفکر، زمینه رشد تشکلهای را فراهم کردیم. در این راستا پروژه مطالعاتی تعریف و انجام شد که زمینه‌های ایجاد یک تشکل چیست و آسیب‌شناسی کردیم که چرا تشکلهای در جامعه ما رشد نمی‌کنند و نهایتاً این‌که تشکلهای قوی چه تأثیری می‌توانند در معادلات اقتصادی استان و کشور داشته باشند. این بحث را سعی کردیم تقویت کنیم موفقیت‌مان در این مورد نسبی بوده است، البته هنوز جای کار دارد که بتوانیم از این طریق قدرت تحلیل، کارشناسی و صاحب‌نظری فعالان اقتصادی را جمع و با هم‌افزایی از آن نهایت استفاده را ببریم و ایشان را راهنما و مشاور خودمان قرار دهیم. هنوز ساختار و اتصال این تشکلهای به هم شکل نگرفته است و به لحاظ کمیت و کیفیت در حد انتظار نتوانستیم کاری انجام دهیم. البته این موضوع جزو اولویت‌هایی است که باید انجام دهیم. اگر در همه فعالیت‌های اقتصادی تشکلهای قوی به وجود آید از طریق کار تیمی و با هم‌افزایی می‌توانند مطالبه‌ی حل مسائل و مشکلات حوزه‌های خود را بهتر و مؤثرتر پیگیری کنند. ما

مهم‌ترین دست آوردها و نیز انتظارات برجای مانده در دوره گذشته عملکرد اتاق کرمان چیست؟

در دوره گذشته ما راهبرد اتاق را در سه بخش دیدیم: اول، حفظ جایگاه خوب اتاق که به دلیل عملکرد هیئت‌رئیس و رؤسای قبلی وجود داشت، به‌طوری که نه‌تنها آن جایگاه خوب را حفظ کنیم بلکه بتوانیم در حد توانمان آن را ارتقاء دهیم تا در مواقع مهم، اتاق، تأثیرگذاری لازم را در تصمیم‌سازی‌های استان کرمان داشته باشد. الحمدلله باهمت همه همکاران و اعضای محترم هیئت نمایندگان و هیئت‌رئیس و استقبال خوب مسئولان استان، نمایندگان مجلس و مسئولان قوه قضایی در استان، جایگاه اتاق به جایگاه مناسبی ارتقا یافته؛ البته همواره جای بهبود و ارتقای بیشتر وجود دارد که باید برای تحقق آن تلاش کنیم. راهبرد دومی که مدنظر اتاق قرار گرفت تقویت بدنه کارشناسی چه از لحاظ ساماندهی نیروهای موجود در اتاق و چه استفاده از مشاوران و صاحب‌نظران و نظرخواهی از اعضای فعال اقتصادی، کمیسیون‌های اتاق، انجمن‌های تخصصی بود که شکل گرفت، مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی هم فعالانه تلاش کرد تا در داخل اتاق، فکر و راهبرد قابل دفاع در سطح کارشناسی مطلوب ارائه شود و بدین ترتیب بر اساس

استعلامات موردنیاز و همه هماهنگی‌ها و فرایندهای لازم را در این بستر الکترونیکی انجام دهند و طی زمان مشخصی مجوز فعالیت را دریافت کنند؛ اقدام بسیار مؤثری در بهبود فضای کسب‌وکار خواهد بود. متأسفانه متوسط زمان راه‌اندازی یک کسب‌وکار در کرمان بسیار بالاست که این موضوع ضرورت استقرار پنجره واحد سرمایه‌گذاری را افزون کرده است. پنج سازمان متولی در کرمان برای فعالان اقتصادی مجوز صادر می‌کنند؛ سازمان صنعت، معدن و تجارت که مجوزهای متعددی در حوزه‌های معدن و صنعت و تجارت صادر می‌کند، سازمان جهاد کشاورزی در زمینه دام و طیور و کشاورزی مجوز فعالیت می‌دهد، میراث فرهنگی در زمینه فعالیت‌های گردشگری و میراثی، شرکت‌های توزیع برق منطقه‌ای در رابطه با صنایع و فعالان انرژی و پایانه‌های حمل‌ونقل در رابطه با مجوزهایی که لازم است برای احداث مجموعه‌های بین‌راهی صورت گیرد. این پنج سازمان استعلامات زیادی از مراکز تأمین آب، برق، زمین، سازمان‌های پدافند غیرعامل، محیط‌زیست و منابع طبیعی و... اخذ می‌کنند که نه تنها بسیار وقت‌گیرند هستند بلکه هم‌پوشانی بسیار زیادی دارند. در تلاشیم تا پنجره واحد الکترونیکی در استان مستقر شود. قرار بر این شده در حال حاضر متقاضی هر فعالیت درخواست خود را از یک محل ارائه دهد تا زمانی که زیرساخت‌های لازم ایجاد شود و متقاضیان بتوانند حتی از خانه از طریق سامانه درخواست صدور مجوز بدهند و بعد از مدت مشخصی نسخه الکترونیکی مجوز خود را دریافت کنند، این راهکار بسیار تسریع‌کننده، تسهیل‌کننده و کم‌هزینه است و حتی هزینه‌های رفت‌وآمد، مشکلات ترافیکی و مصرف سوخت را کاهش می‌دهد، اما متأسفانه در استقرار زیرساخت نرم‌افزاری پنجره واحد الکترونیکی در استان با موانع و مشکلاتی مواجه هستیم و قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های لازم برای الزام سازمان‌ها به صدور مجوزها و پاسخ استعلامات به‌صورت الکترونیکی هنوز کامل نیست. بستر الکترونیکی که بایستی به‌صورت سامانه تحت وب باشد هنوز مورد توافق سازمان‌های متولی مثل وزارت فناوری و ارتباطات و وزارت اقتصاد و سایر نهادهای ذی‌ربط قرار نگرفته و گزینه مناسب دیگری نیز طراحی نشده البته نرم‌افزارهای متعددی به همین منظور نوشته شده که آن‌چنان که باید کارا نیستند. علی‌رغم پیگیری‌هایی که برای رفع موانع و مشکلات انجام داده‌ایم هنوز به یک جمع‌بندی واحد نرسیده‌ایم. در واقع بیش از دو سال است که این موضوع در حال پیگیری می‌باشد.

فرار مالیاتی چرا؟ این مسئله در تطبیق با رفتار مؤدیان مالیاتی در کشورهای پیشرفته ناشی از چه عواملی است؟

به‌رحال این یک مسئله فرهنگی است که کسی مالیات را به‌عنوان یک تکلیف نمی‌داند. فعالان اقتصادی مالیات را به‌عنوان هزینه‌ای می‌بیند که باعث کاهش سود فعالیتشان می‌شود؛ در حالی که در همه کشورها هر شهروندی که فعالیت اقتصادی می‌کند بخشی از درآمدش را بایستی برای هزینه اداره کشور پرداخت کند تا وظایف حاکمیتی انجام شود. در بسیاری از کشورها که منابع معدنی و نفتی وجود ندارد هزینه‌های اداره کردن مملکت و هزینه‌های جاری به‌طور کامل از مالیات تأمین می‌شود. در ایران متأسفانه این فرهنگ و وظیفه به‌درستی جا نیفتاده است. از سوی دیگر چون سرمایه اجتماعی نیز کاهش پیدا کرده، مردم مشتاقانه و از سر

به دنبال این مسئله هستیم تا بتوانیم راهبردهای توسعه استان را به کمک بخش خصوصی تنظیم کنیم. این کارهایی است که بایست انجام می‌شد. آنچه را که ما کمتر انجام دادیم یا توفیق چندانی در تحقق آن نداشتیم این است که هنوز چتر و پوشش کامل فعالیت‌های اقتصادی در استان را نداریم. نتوانستیم آن‌چنان که باید ارتباط فعالی با اعضا برقرار کنیم و انتظارات آن‌ها را برطرف کنیم. گرچه تلاش‌های زیادی انجام شده به دلیل شرایط سخت کاری و فضای کسب‌وکار نامساعد کشور و استان شاید نتوانسته‌ایم پاسخ لازم را ارائه بدهیم چون تعداد اعضای اتاق به نسبت تعداد فعالان اقتصادی استان کرمان اندک می‌باشد. بایستی تا جای ممکن اعضا را روز به روز بیشتر کنیم تا تمامی فعالان اقتصادی، اتاق را ملجأ و خانه خود بدانند و به آن بپیوندند که حتماً در دوره جدید به آن توجه ویژه خواهد شد. از همین‌جا از همه فعالان اقتصادی استان دعوت می‌کنم به اتاق بپیوندند و با حضور خود باعث افزایش قدرت چانه‌زنی اتاق گردند و با پیشنهادات مفید خود ما را در تهیه برنامه دوره جدید اتاق یاری رسانند. این موضوع یک بحث فراگیر نیست در این زمینه هم مشکلات قانونی وجود دارد. ابتدا جاذبه لازم را ایجاد کنیم تا فعالان اقتصادی با میل و رغبت و بدون وجود مشکلات قانونی به مجموعه اعضای فعال اتاق افزوده شوند.

بهبود فضای کسب‌وکار موضوع دیگری است که علی‌رغم همه تلاش‌هایی که انجام شد موفقیت زیادی به همراه نداشت. متأسفانه هنوز هم رتبه خوبی در فضای کسب‌وکار کشور نداریم؛ گرچه ما به‌عنوان یک مطالبه‌گر وارد میدان شده‌ایم. در واقع فضای کسب‌وکار متأثر از عواملی است که اگرچه بر نگاه‌های اقتصادی تأثیر زیادی دارند، اما در حیطه اختیارات مدیران بنگاه نمی‌باشند. بایستی به دنبال بهبود روش‌ها، فرایندها و قوانین و مقررات در سیستم اجرایی استان و در سطح بالاتر کشور باشیم. در صورت دارا بودن هماهنگی‌های لازم به‌زودی به پیشرفت‌های قابل قبولی نائل خواهیم شد، اما عملکرد استان که بخشی از آن خود ما هستیم در این مورد قابل دفاع نیست.

شما بارها از پنجره واحد سرمایه‌گذاری یاد کرده‌اید، تأثیرات عملی ناشی از این نهادسازی در اقتصاد استان را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

در فضای کسب‌وکار، کرمان رتبه ۱۷ کشوری را دارد. این نشان‌دهنده شرایط سخت فعالیت اقتصادی در استان است. طبق آخرین پایش، مهم‌ترین مشکلات محیط کسب‌وکار از دید فعالان اقتصادی استان عبارت‌اند از: اول عدم ثبات در قوانین و مقررات و قیمت‌ها، دوم رقابت غیرمنصفانه بخش دولتی با بخش خصوصی و دشواری تأمین مالی، سوم فرایندهای سخت و پیچیده سازمان‌های اداری و دشواری اخذ مجوزها. واقعیت این است که روال انجام فرایندهای دستگاه‌های مرتبط با صدور مجوزهای سرمایه‌گذاری عمدتاً پیچیده، وقت‌گیر، هزینه‌بر و خسته‌کننده است؛ بنابراین اگر مکانیزمی تعریف شود تا فعالان اقتصادی که به دنبال شروع یک کسب‌وکار هستند به‌جای مراجعه به سازمان‌های متولی متعدد، مواجه با استعلامات بسیار زیاد و اتلاف وقت و هزینه زیاد و کسب نتیجه کمتر، به یک سامانه یا سیستمی واحد که به‌صورت الکترونیکی درخواست‌های آن‌ها را دریافت می‌کند مراجعه کنند و همه

به ریال پرداخت کردند و کمتر تعهد ارزی انجام شد. این تجربه باعث شد مردم از این به بعد برای نگهداری ارزشان به بانک‌ها اعتماد نکنند. از طرفی افزایش پی در پی قیمت دلار و کاهش ارزش پول ملی باعث می‌شود که روز به روز سرمایه مردم کوچک شود و مردم را بر آن داشت که آنچه را که دارند تبدیل به دلار کنند. سیاست‌های متناقض حاکم نیز فضای تشویش و بی‌اعتمادی را در بین مردم دامن می‌زند و باعث می‌شود مردم خطر کنند و سرمایه‌های خود را در خانه‌هایشان نگهداری کنند. به‌رحال این بخش از حجم نقدینگی را از چرخه اقتصاد کشور خارج کرده است. بایستی دولت با برقراری ثبات نسبی در بازار و از طریق ایجاد اعتماد و افتتاح حساب ارزی کمک کند تا این مبالغ به هر میزان که باشد به سیستم بانکی برگردد و در چرخه اقتصادی کشور قرار بگیرد.

○ اخلاق حرفه‌ای در فضای بخش خصوصی استان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

یکی از موضوعاتی که در پاسخ سؤال اول فراموش شد و بایستی روی این موضوع کار کنیم تقویت اخلاق حرفه‌ای در فضای بخش خصوصی است. در گذشته‌های نه‌چندان دور روابط بسیار حسنه و مبتنی بر اعتماد بین فعالان اقتصادی وجود داشت، به‌طوری که بخش مهمی از تجارت بخش خصوصی بر اساس اعتماد متقابل صورت می‌گرفت. حجم زیاد چک‌های برگشتی، حجم زیاد پرونده‌های اقتصادی در دادگاه‌ها و مشکلاتی که وجود دارد از کلاهبرداری‌ها، اختلاس‌ها، همه این ناهنجاری‌هایی که به وجود آمده در این بخش اقتصادی حکایت از این دارد که اخلاق حرفه‌ای هم در فضای بخش خصوصی و هم دولتی بسیار کمرنگ شده است. کاهش سرمایه‌های اجتماعی و تضعیف توان بخش مهمی از جامعه برای تأمین هزینه‌های زندگی و اخبار نگران‌کننده اختلاس و سو استفاده و کلاهبرداری در ایجاد این بی‌اعتمادی بی‌تأثیر نیست. قراردادهایی که در گذشته تنها با یک صحبت بین تجار منعقد می‌شد و تا آخر مورد اعتنا بود امروز اما علی‌رغم همه محکم‌کاری‌هایی که با حضور مشاوران و وکلا صورت می‌گیرد، روز به روز طرح اختلافات اجرای قراردادها در محاکم قضایی بیشتر می‌شود. به‌رحال فکر می‌کنم یکی از آسیب‌های جدی بخش خصوصی همین موضوع باشد که بایستی به یکدیگر یادآوری کنیم که ما تجار مورد اعتماد مردم هستیم، باید کاری کنیم که مردم به ما اعتماد کنند و این اخلاق حرفه‌ای را تعمیم بدهیم.

○ با توجه به سهم بخش کشاورزی، صنعت و خدمات در تولید ناخالص داخلی استان کرمان، تحلیل شما از نحوه توسعه بخش‌های اقتصادی استان چیست؟

در مجموع یک اقتصاد استان کرمان را بزرگ نمی‌دانم. اقتصاد کرمان متناسب با امکاناتش بزرگ نشده است. بخش کشاورزی آن از بخش‌های مهم کشور است و نیز صنعت و معدن، گردشگری و خدمات، نتوانسته‌اند متناسب با ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های استان، اقتصاد استان را بزرگ کنند. استانی با حجم مصارفی که در بخش آب، برق و گاز، کود و سم و مواد اولیه معدنی دارد با جود نیروی انسانی قابل توجه تحصیل کرده و غیر تحصیل کرده، بر اساس برآوردها در سال کمتر از ۷۰ هزار میلیارد تومان درآمد دارد که با توجه به سه میلیون جمعیت

وظیفه‌شناسی به سمت اظهار عملکرد خود و پرداخت مالیات نمی‌روند و به دنبال راهی هستند که به هر نحوی مالیات پرداختی را کاهش دهند. طرف دیگر ماجرا سازمان مالیاتی است، در این طرف هم به نظر می‌آید قوانین و مقررات عادلانه‌ای حاکم نیست و با خود اظهار مؤدیان بدبینانه برخورد می‌شود. در نتیجه همیشه ممکن است یک رابطه‌ی میج‌گیری اتفاق بیفتد که باعث کاهش اعتماد شده است. همچنین فرارهای مالیاتی که به انواع مختلف انجام می‌شود باعث شده آن دسته از فعالان اقتصادی که شفاف، نظام‌مند و رسمی کار می‌کنند و فعالیت‌های مالی‌شان را ثبت و ضبط می‌کنند تحت فشار مضاعف باشد. به‌طوری که وقتی خبر افزایش پایه مالیاتی منتشر می‌شود کسانی که فرار مالیاتی می‌کنند نمی‌ترسند، بلکه کسانی می‌ترسند که صادقانه فعالیت می‌کنند؛ چرا که با خود می‌گویند اگر سهمیه برای استان تأمین نشود از ما می‌گیرند.

در واقع بیش از ۸۵ درصد مالیات وصولی استان کرمان از مسیر کمیسیون‌هاست. زمانی کمیسیون تشکیل می‌شود که بین مؤدی و ممیز مالیاتی اختلاف نظر وجود دارد و این یعنی اطمینانی به خود اظهاری‌ها وجود ندارد، نه مؤدیان مالیاتی به نتیجه ممیزی اعتماد دارند نه ممیزان به خود اظهاری. در نتیجه به کمیسیون‌ها کشیده می‌شود و با توجه به حجم زیاد پرونده‌ها و کمبود نیرو ممکن است وقت بسیار زیادی صرف شود و دقت لازم صورت نگیرد. به‌علاوه ممکن است در فعالان اقتصادی احساس اجحاف به وجود آید که مالیات به حقی از آن‌ها گرفته نشده است. این تعاملات مبتنی بر بی‌اعتمادی باعث شده که فرار مالیاتی صورت بگیرد و فعالیت‌های زیرزمینی بخش بزرگی از اقتصاد را بر بر بگیرند. باید در این زمینه تمهیداتی فراهم شود؛ اگرچه مصوباتی وجود دارد. دادرسی مالیاتی باید تقویت شود تا مؤدی مالیاتی احساس کند که اگر اختلافی وجود داشته باشد در یک فضای عادلانه و به دور از قضاوت یک‌طرفه رسیدگی می‌شود. تشکیل کمیسیون‌ها متشکل از نمایندگان بخش خصوصی، نمایندگان قوه قضاییه و نمایندگان دستگاه مالیاتی بایستی در سطح برابری باشند و اظهار نظر در یک محیط آرام بر اساس نظر جمع باشد؛ نه این که خدای ناکرده نظر کارمند مالیاتی غالب شود. باید کمیسیون‌ها به سمت اعتمادسازی پیش روند و فرهنگ مالیاتی جا بیفتد و برای مردم روشن شود که به‌رحال مالیات بخشی از هزینه زندگی آن‌هاست که باید پرداخت شود و کشور نباید با سرمایه‌های ملی که می‌تواند صرف توسعه و نسل‌های آینده گردد، اداره شود. نفت نباید صرف هزینه‌های جاری شود، بلکه هزینه‌های جاری باید از خود مردم که از خدمات شهری استفاده می‌کنند تأمین شود. در یک کلام از این طرف باید فرهنگ‌سازی شود و از آن طرف هم اعتمادسازی تا اتفاقات مثبتی در این مورد رخ دهد.

○ گفته می‌شود که ۲۵-۱۰ میلیارد دلار در خانه‌های ایرانیان به اصطلاح زیر تشک نگهداری می‌شود، این بی‌اعتمادی به سیستم بانکی به چه دلیل است؟

رقم‌های زیادی ذکر می‌شود که حتماً بخشی از آن واقعیت است. این اتفاق ناشی از اشتباهاتی است که در گذشته صورت گرفته؛ به‌عنوان مثال چندی پیش که حساب‌های ارزی باز شد و مردم ارزشان را در بانک‌ها سپرده‌گذاری کردند، اما در موعد سررسید، بانک‌ها مبالغ سپرده شده را

طبق فرمایش حضرت امام (ره) که همیشه باید آویزه گوشمان باشد، «اساس، باور انسان است». اگر به موضوعی باور نداشته باشیم در آن موفق نمی‌شویم. با این‌همه صحبت در مورد کسب‌وکار هنوز این موضوع به‌عنوان یک باور جدی جا نیفتاده که اگر می‌خواهیم شهر و کشوری رشد و توسعه پیدا کند باید شرایط ایجاد و فعالیت کسب‌وکارها را تسهیل کنیم. تحمیل هزینه‌های مبادله‌ای، تحمیل تزییع وقت و هزینه زیاد و عدم استقبال از سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد که اهمیت بهبود فضای کسب‌وکار هنوز به‌طور کامل درک نشده است. به دلایل فرهنگی در بدنه اجرایی بین سرمایه‌گذار و کارگزار دولتی فاصله و شکاف اتفاق افتاده. در فرهنگ ما به سرمایه‌گذار به‌عنوان فرد کارآفرین، اشتغال‌زا و توسعه‌گر نگاه نمی‌شود. از طرف دیگر قوانین و مقررات بسیار دست‌وپاگیر است. در سیستم‌های اداری احساس همراهی با سرمایه‌گذار وجود ندارد. درک صحیحی از موقعیت، ریسک سرمایه‌گذاری و اهمیت وقت سرمایه‌گذار که نباید تلف شود وجود ندارد. تا زمانی که به این باور نرسیم که کارآفرینان پیش‌قراولان جامعه هستند و تا نباشند توسعه نداریم و تا زمانی که بخش خصوصی واقعی را کمک نکرده و سامان ندهیم و فضا را آماده نماییم، تا زمانی که مفاهیم سرمایه‌گذاری، تولید، کارآفرینی مقدس شمرده نشده اهمیت داده نشود و فضای کسب‌وکار بهبود نیابد، وضعیت بر همین روال است. باید به این باور برسیم که هیچ جامعه و کشوری تا زمانی که در ذهن افراد و مسئولان آن، توسعه اتفاق نیفتد به توسعه فیزیکی نمی‌رسد. اول توسعه در مغزها، فکرها و دیدها اتفاق می‌افتد و سپس آدم‌های توسعه‌یافته در مراحل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری فضایی پیش‌رونده برای کسب‌وکار ایجاد می‌کنند.

به نظر شما اصلاح ساختار اقتصادی کشور متضمن چه سیاست‌گذاری‌ها و اقداماتی است؟

باید بدانیم که دولت بنگاهدار و تولیدکننده خوبی نیست. بارها گفته شده ۸۰ درصد اقتصاد کشور دولتی است. تا زمانی که دولت از اقتصاد کشور کنار نکشد و فضا برای رشد بخش خصوصی فراهم و سالم نشود، شاهد اتفاق خاصی نخواهیم بود؛ بنابراین بایستی اصلاح ساختار اقتصادی کشور در جهت فراهم آوری فضای امن سرمایه‌گذاری بخش خصوصی واقعی حرکت کند و دولت به وظایف حاکمیتی خود بپردازد و نفت را به‌عنوان یک سرمایه بین نسلی از چرخه جاری مملکت خارج کند. بایستی حجم بزرگ دولت کوچک شود تا فضا برای تنفس بخش خصوصی فراهم شود.

این‌همه فشار اقتصادی که به بخش خصوصی آمده است و باعث تعدیل کارگر و کاهش سطح تولید شده است چه اتفاقی در تعداد کارمندان دولت افتاده است؟ اقتصاد کشور کوچک شده است، اشتغال از بین رفته است آیا دولت متناسب با آن حجم خود را کوچک کرده یا خیر؟ پاسخ خیر است این نشان می‌دهد دولت مسیر خودش را پیش گرفته است. دولت بزرگ، اقتصاد کشور را اداره می‌کند که طبعاً بازدهی ندارد. تا زمانی که مفاهیمی مثل رقابت‌پذیری، بهره‌وری، بخش خصوصی و برنامه‌ریزی در کشور جا نیفتاده باشد نمی‌توان انتظاری برای بهبود شرایط اقتصادی کشور داشت. ●

استان کرمان درآمد سرانه مناسبی نیست؛ به نظر من بایستی بر اساس مطالعات دقیق پیش‌رمان‌های اقتصادی استان کرمان مشخص شود که کدام بخش از اقتصاد ما ظرفیت و پذیرش توسعه را دارد تا متناسب با آن برای افزایش بهره‌وری، رقابت‌پذیری، توسعه صادرات و خدمات برنامه‌ریزی شود؛ البته برنامه‌ریزی برای توسعه باید مبتنی بر روش‌های دانش‌بنیان باشد و نه خدمات تکراری صنفی که روز به روز بیشتر معضل ایجاد می‌کند.

اقتصاد استان ظرفیت بالایی دارد؛ چرا که امکانات و منابع ما در سطح تراز اول کشور است ولی متأسفانه درآدمان از متوسط کشور پایین‌تر است و در شاخص‌های توسعه پایدار هم رتبه قابل قبولی نداریم. باید بررسی شود دلیل این که خروجی‌مان متناسب با منابع مصرفی نبوده چه عواملی بوده است؟ مدیریت‌ها اشتباه بوده است یا سیاست‌های غلطی اعمال شده؟ مثلاً در کشاورزی در مورد بهره‌وری، قیمت تمام شده، محدودیت آب و اولویت‌بندی محصولات بر اساس بیشترین ارزش تولیدی، آیا فکر شده است یا خیر. به نظر من استراتژی توسعه متوازن در استان وجود نداشته و شناخت دقیقی از داده‌ها و ستاده‌ها نبوده است. به بهره‌وری و رقابت‌پذیری توجه نشده است. همیشه بر داده‌ها تکیه شده اما به ستاده‌ها خیلی کم پرداخته شده است. در یک کلام بایستی ابتدا پیش‌رمان‌های اقتصادی استان کرمان مشخص شود، سپس با تخصیص درست منابع بر اساس استراتژی صحیح به دنبال توسعه استان کرمان باشیم.

وضعیت استان کرمان را در شناسایی، ارتقا و نیز نگاه‌داشت استعدادها در مسیر توسعه اقتصادی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر منظور استعدادهای انسانی باشد بر اساس برآوردها ما در جذب استعدادها و نخبگان خیلی ضعیف عمل کردیم؛ می‌گویند بیش از ۸۰ درصد نخبگان و برگزیدگان جشنواره‌ها، نفرات برتر کنکور و المپیادها و افراد مستعد از استان و حتی از کشور خارج می‌شوند. اتفاقاً با کرمانی‌های ساکن شهرهای بزرگ مثل تهران که آشنا می‌شویم یا کسب‌وکار کرمانی‌های مقیم خارج از کشور را بررسی می‌کنیم می‌بینیم کسب‌وکار بسیار خوب و موفق راه‌اندازی کرده‌اند که این نشان می‌دهد که علاوه بر بهره‌مندی از استعداد، زمینه بروز و ظهور این استعداد بسیار مهم است که در استان ما آن‌چنان که باید وجود ندارد، شاهد آن نیز وضعیت حوزه صنعت و معدن استان است که در آن بهره‌وری و رقابت مورد توجه قرار ندارد. ضعف اساسی اقتصاد کرمان عدم رشد اقتصاد دانش‌بنیان است. کمتر از ۱۰۰ شرکت دانش‌بنیان در کرمان وجود دارد که تعداد کمی از آن‌ها به مرحله بهره‌برداری، تولید محصول و تجاری‌سازی محصول رسیده است و این آمار به نسبت تعداد کل شرکت‌ها و فعالان اقتصادی استان بسیار کم است. توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان تنها راه میانبری است که در شرایط فعلی وجود دارد. بایستی با ایجاد انگیزه نخبگان را جذب کنیم و با تلاش، بهره‌وری را افزایش دهیم تا صنعت را از اتکا به مواد خام نجات دهیم.

در اندیشه و تعهد برای رفع مشکلات کسب‌وکار، کجا پای در گل مانده است؟



گفت‌وگو با «علی اسکندری پور»
عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه ولی عصر رفسنجان

رونق پایدار تولید فقط در شرایط رقابتی

در گفت‌وگو با علی اسکندری پور عضو هیئت علمی دانشگاه رفسنجان، مروری بر روند تغییرات پاره‌ای شاخص‌های اقتصادی، وضعیت بنگاه‌داری و برنامه‌ریزی و اصلاحات ساختاری در کشور و استان صورت گرفته است. او معتقد است که نظام اقتصادی برای استفاده بهینه از مزیت‌ها و منابع خود باید با انتخاب یک الگوی مناسب و به اجرا درآوردن برنامه‌های اصولی با برخورداری از تعهد و هم‌نوایی تمامی سطوح حکومتی و اجرایی در شرایط بهبود و در مسیر موفقیت‌های بیشتر قرار گیرد.

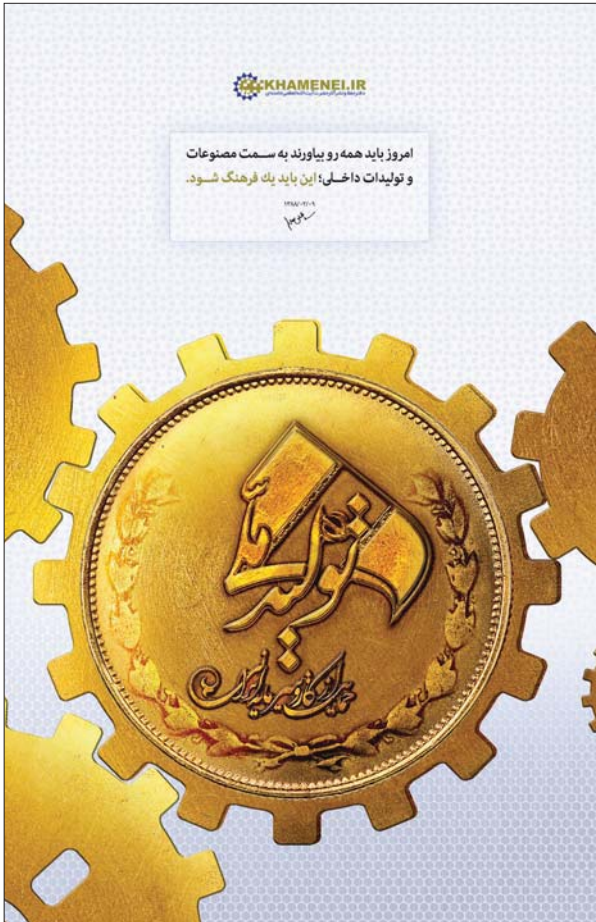
کلان و فردی تقسیم کرد. بخشی از وضعیت اقتصادی و بنگاه‌داری که ناشی از مدیریت می‌باشد به رفتارهای مدیریتی ناشی از جناح‌های سیاسی دانست. جناح در قدرت به شدت مسائل مختلف از جمله اقتصاد و بنگاه‌داری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مدیریت بنگاه بایستی با صرف وقت و انرژی و منابع زیاد، خود را با شرایط جدید تطبیق دهد و از جنبه فردی نیز غالباً مدیران صنعتی تحصیلات پایینی داشته و بر اساس تجربه کاری یا رانت صاحب بنگاه شده‌اند و آن‌ها که دارای تحصیلات عالی هستند عمدتاً در بخش صنعت و در رشته‌های فنی و یا حتی تحصیلات غیر مرتبط می‌باشند و مسائل اقتصادی را بر اساس آزمون و خطا آموخته‌اند و در نتیجه برای تحلیل مسائل اقتصادی و تطابق با آن‌ها دچار مشکل شده و زیان می‌بینند.

در مورد روند رشد بهره‌وری در اقتصاد کشور و نیز در استان توضیح بفرمایید.

بهره‌وری در اقتصاد ایران بر طبق آمار رسمی در سطح کشور زیر ۸ درصد اعلام می‌شود که البته برای برخی از عوامل تولید و یا برخی فعالیت‌ها متفاوت است. از جمله در استان کرمان اگر نرخ کلی بهره‌وری را در حد متوسط کشور در نظر بگیریم در برخی فعالیت‌ها بیشتر برآورد می‌شود ولی در مجموع یکی از مشکلات عمده اقتصادی کشور و استان بهره‌وری پایین است که دلایل مختلفی برای آن عنوان شده که جای بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد.

ضعف‌ها و خطاها در بنگاه‌داری استان کرمان چیست؟

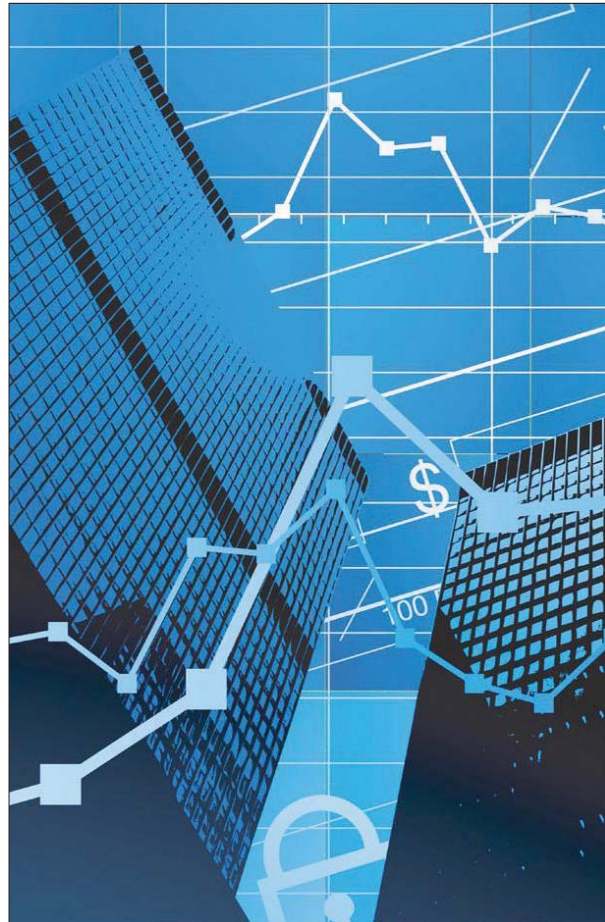
شاید بتوان رفتارهای مدیریتی در سطح استان را به دو عامل



دانسته است؛ گرچه برای آن حدود تعیین کرده اما از نظر اصول اقتصادی حضور دولت در کنار بخش خصوصی فرصت رقابت را از بخش خصوصی گرفته و این بخش همواره تابع رفتارهای اقتصادی دولت می‌باشد علاوه بر آن یکی از راه‌های کسب درآمد دولت در مواقعی که با مشکل فروش منابعی مانند نفت مواجه می‌شود درآمد حاصل از بنگاهداری است که به شدت با بخش رقیب یا بخش خصوصی رقابت می‌کند.

تا چه اندازه استان کرمان درگیر ظرفیت‌های بلااستفاده در بخش‌های مختلف اقتصاد است؟

قطعاً استان کرمان مانند سایر مناطق ایران دارای ظرفیت‌های اقتصادی می‌باشد که می‌تواند در ایجاد ارزش افزوده و اشتغال به کار گرفته شود، اما این موضوع که مربوط به حجم این منابع یا تنوع آن‌ها می‌باشد در درجه دوم اهمیت است؛ آنچه اهمیت زیادی دارد چگونگی به‌کارگیری و استفاده از این منابع یعنی سرمایه‌گذاری در به‌کارگیری آن‌ها است که از این نظر در مقایسه با برخی نقاط کشور در زمینه‌های مختلف مانند صنعت، گردشگری، توسعه زیرساخت‌ها و ... عقب افتاده‌ایم.



چرا درصد عمده‌ای از اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور به واقعیت تبدیل نشده است و با توجه به روند ادامه این وضع در برنامه‌های آتی نیز دور از انتظار نیست؟

عدم موفقیت برنامه‌های توسعه در ایران سابقه تاریخی دارد و تقریباً می‌توان گفت هیچ برنامه موفق در طول تاریخ برنامه‌ریزی که سابقه‌ای بیش از هشتادوپنج سال دارد تحقق نیافته که دلایل متعددی دارد از جمله: بلندپروازی در تعیین اهداف برنامه‌ها، وابستگی تک‌محصولی به منابع تأمین برنامه مثل نفت که اگر تاریخ شروع برنامه‌ریزی در ایران را همزمان با افزایش درآمدهای نفتی بدانیم این وابستگی بیشتر مشخص می‌شود، دلایل نهادی و تشکیلاتی، کمبود آمار و اطلاعات کافی و معتبر و ...

دولت معمولاً به‌جای اصلاح سیاست‌های اقتصادی و به‌کارگیری ابزارهای شناخته‌شده علاقه و انگیزه به دخالت مستقیم در بازارها را دارد به نظر شما چرا؟

علت علاقه دولت به دخالت مستقیم در بازارها و بنگاهداری، در اصل به قانون اساسی برمی‌گردد که این اختیار را در سطح وسیع به دولت داده و بنگاهداری دولتی را قانونی

○ بازخوانی شما از چگونگی تلقی مسئولان کشورمان از بازار آزاد چیست؟

بازار آزاد به مفهوم آنچه در ادبیات اقتصادی عنوان می‌شود به هیچ‌وجه نه در قانون اساسی و نه در نظر و رفتارهای مسئولان اقتصادی پذیرفته نیست بلکه تعبیر نظام اقتصادی در ایران از بازار آزاد در بهترین حالت با دخالت‌های دولت (که دیگر به معنی بازار آزاد نیست) و حتی حضور بخش دولتی تعریف می‌شود.

○ اینکه میانگین نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی در نیم‌قرن اخیر برای ایران تقریباً دو برابر این نسبت برای جهان است به لحاظ اقتصادی شما چه تحلیلی از این موضوع دارید؟

در ایران همواره برای سرمایه‌گذاری موانعی وجود داشته است که در هر دوره این موانع شکل‌های متفاوتی داشته‌اند. در مواقعی که نرخ تورم کنترل شده باشد بهترین و مطمئن‌ترین راه، پس‌انداز می‌باشد؛ چون سرمایه‌گذاری با وجود این که نرخ بالاتری را برای سرمایه فراهم می‌کند، اما به خاطر مشکلات و موانع، پس‌انداز راه حل امن‌تر و با ریسک پایین‌تری محسوب می‌شود.

○ عملکرد نظام بانکی کشور را در تأثیرگذاری بر شاخص‌های اقتصادی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نظام بانکی دولتی در ایران یک روش بنگاه‌داری است که هدف آن از فعالیت، حداکثر کردن سود می‌باشد و هرگاه که به تحقق این هدف به دلیل شرایط بازار یا دخالت دولت نرسد، این هزینه‌ها را به جامعه و یا دولت منتقل می‌کند. در نتیجه در این مواقع یک عامل بازدارنده در پیشبرد اقتصادی محسوب می‌شود.

○ ارزیابی جنابعالی از چگونگی حمایت از رونق تولید در کشور چه می‌باشد؟

از نظر اصول و مبانی اقتصادی، رونق تولید به صورت پایدار فقط در شرایط رقابتی ایجاد می‌شود که تجربه بسیاری از کشورها این موضوع را نشان می‌دهد. در وضعیت کنونی با افزایش قیمت کالاها در کشور، شرایط برای سرمایه‌گذاری تولیدکنندگان و به‌ویژه برای ورود تولیدکنندگان جدید و شکل‌گیری شرایط رقابتی فراهم نیست. در صورت رفع موانع تجاری و تحریمی فراهم شده با افزایش تولید و رقابت بین بنگاه‌ها به تدریج قیمت کاهش یافته و تولیدکنندگان برای جلب تقاضای بازار به سمت کیفیت می‌روند و نهایتاً شرایط رونق پایدار در تولید ایجاد می‌شود.

○ در شرایط حاضر مهار نقدینگی و به‌کارگیری آن در تولید چگونه ممکن است؟

اگر موانع تولید کاهش یابد و حمایت‌های دولتی طبق اصول اقتصادی فراهم شود و دولت از چرخه تولید و رقابت خارج گردد، قطعاً سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و نقدینگی به سمت تولید و ایجاد ارزش افزوده مولد می‌رود.

○ علیرغم فرصت‌هایی که برای حضور در بازار کشورهای همسایه مانند کشورهای آسیای میانه، عراق، افغانستان و غیره پیش آمده است چرا نتوانستیم در بازار این کشورها حضور پررنگی داشته باشیم؟

بخش صادرات ما از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد؛ از جمله در بخش دولتی بعضاً مدیرانی دیده می‌شوند که تخصص و تجربه کافی در شناسایی بازارهای هدف را ندارند، قوانین و مقررات مناسب در توسعه روابط بازرگانی به‌موقع در اختیار تصمیم‌گیرندگان قرار نمی‌گیرد و از سوی دیگر در بخش تولید و صادرات نیز تخصص و تجربه لازم طبق آنچه قبلاً ارائه گردید وجود ندارد و عوامل ساختاری و در برخی موارد زیر بنایی مثل عدم وجود راه مناسب و ... نیز مزید بر علت هستند.

○ چه روشی را برای برگشت ارز حاصل از صادرات به کشور درست می‌دانید؟

در ایران شرایط مناسبی برای جلب سرمایه‌گذار وجود دارد که می‌توان به مواردی مانند انرژی ارزان، نیروی کار ارزان و تحصیل کرده، نرخ سود بالا، دسترسی به بازار، موقعیت ژئوپولیتیک و ... اشاره کرد، اما مشکل اصلی عدم امنیت سرمایه‌گذاری به دلیل نوسانات شدید اقتصادی و سیاسی می‌باشد که میزان جذب سرمایه خارجی را با وجود مزیت‌های فراوان محدود کرده است.

○ کشور ما در شرایط حاضر چگونه می‌تواند بازار داخلی را برای سرمایه‌گذاری خارجی جذاب کند؟

به عقیده بسیاری از اقتصاددانان که تجربه کشورهای مختلف نیز آن را تأیید می‌کند مشکل اساسی در اقتصاد ایران بزرگ بودن اندازه دولت که باعث کم‌حرکی آن شده و تصدی‌گری و دخالت مستقیم دولت در بخش‌های مختلف اقتصادی مانند تولید، تجارت، توزیع و ... است که هزینه‌های زیادی را برای نظام اقتصادی ایجاد می‌کند.

○ به نظر شما الزاماً مهم‌ترین اصلاحات ساختاری و نهادی برای برطرف کردن چالش‌های اقتصاد کشورمان چیست؟

در مجموع بر اساس اصول اقتصادی و تجربه‌های موفق سایر کشورها در سطح بین‌المللی، نظام اقتصادی برای موفقیت بیشتر و استفاده بهینه از مزیت‌ها و منابع خود بایستی ابتدا یک الگوی مناسب که مبتنی بر اصول علمی اقتصاد باشد را انتخاب و بر اساس آن و بر مبنای اصول برنامه‌ریزی اقتصادی، برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت دقیق را تنظیم و آن‌ها را با استفاده از بودجه‌های سالانه به اجرا درآورد و تمامی سطوح حکومتی و اجرایی برای به اجرا درآوردن برنامه تعهد داشته باشند، به‌طوری که امکان تغییر در برنامه‌ها بر اساس سلیقه‌های فردی یا جناحی ممکن نباشد و ارزیابی مدیران بر اساس نحوه اجرای برنامه‌ها صورت بگیرد. ●



چرایی و چگونگی افزایش جذب سرمایه‌گذاری در استان کرمان



< عبدالرضا تحسینی
فعال اقتصادی و مدیرعامل سازمان
مدیریت صنعتی استان کرمان

بحث جذب سرمایه‌گذار طی چند دهه اخیر یکی از شاخص‌های موفقیت دولت‌ها در سطح دنیا بوده است. به این معنا که هر دولتی که توان جذب سرمایه خارجی یا اصطلاحاً FDI بیشتری داشته باشد، دولت موفق‌تری محسوب می‌شود، چرا که جذب سرمایه‌گذاری خارجی بهترین و ارزان‌ترین راه برای توسعه اقتصادی کشورها است. در این راستا اغلب دولت‌ها تسهیلات و بسته‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاران قائل می‌شوند تا بتوانند سرمایه آن‌ها را جذب کرده و از نتایج آن یعنی توسعه، اشتغال و ایجاد ارزش افزوده بهره‌مند شوند. حتی بین استان‌ها یا ایالت‌های مختلف یک کشور هم برای ارائه تسهیلات بیشتر به سرمایه‌گذاران و جذب و تشویق ایشان به سرمایه‌گذاری رقابت وجود دارد؛ اما سرمایه‌گذاران برای انجام سرمایه‌گذاری به چند نکته اساسی و جدی توجه دارند که علی‌القاعده اولین آن امنیت است، در اولویت‌های بعدی ثبات شرایط و مقررات برای شروع کسب‌وکار و توسعه آن و در نهایت خارج کردن سود حاصل از سرمایه‌گذاری و یا کل سرمایه خود (در زمان لازم) است. علاوه بر این معمولاً دولت‌ها تسهیلاتی قائل می‌شوند تا مراحل سرمایه‌گذاری مثلاً احداث کارخانه، ارائه خدمات یا فرآیند امور اداری با سرعت و سهولت بیشتری انجام شود؛ به‌عنوان مثال در حال حاضر ثبت شرکت در گرجستان تنها نیم ساعت زمان می‌برد، اغلب کارها آنلایین انجام می‌شود و تنها با یک مراجعه چند دقیقه‌ای به یک مرکز، همه خدمات اداری یکجا و یکپارچه ارائه می‌شود. برای گرفتن جواز تأسیس برای راه‌اندازی یک کارخانه به حداکثر نیم ساعت زمان احتیاج است. ضمن این‌که دولت گرجستان تسهیلات دیگری نیز برای ترغیب سرمایه‌گذاران فراهم کرده است که در صورت نیاز سرمایه‌گذار، تقریباً رایگان ارائه می‌گردد. در نتیجه کسانی که تمایل به سرمایه‌گذاری دارند از چنین تسهیلاتی استقبال می‌کنند و سرمایه خود را به این کشور منتقل می‌کنند. تا همین چند سال اخیر در قطر برای ثبت شرکت حداکثر به یک روز زمان احتیاج داشتید و اگر طرح امکان‌سنجی شما دارای توجیه اقتصادی بود گرفتن مجوز تأسیس کارخانه و گرفتن زمین در شهرک صنعتی حداکثر دو روز کاری زمان می‌برد. همین فرآیند را با کشور خودمان

مقایسه کنید، متأسفانه فاصله ما از این استانداردها زیاد است. در سطح پایین‌تر اگر بخواهیم این فرآیند را استانی و منطقه‌ای نگاه کنیم باید جایگاه استان کرمان را با استان‌هایی نظیر یزد، اصفهان و فارس مقایسه کنیم که در این روند و مسیر کجاست. آنچه در حال حاضر قابل لمس و مسجل است این است که فضای کسب‌وکار به‌ویژه شرایط برای راه‌اندازی کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری در استان کرمان شرایط مطلوبی نیست. تجربه نگارنده برای راه‌اندازی یک کارخانه این است که طی هجده ماه پیگیری هم‌روزه، از ۱۸ دستگاه دولتی مجوز کسب شد که برخی به دلیل این‌که مجوز مربوطه تاریخ اعتبار داشت و طولانی شدن فرآیند در دستگاه‌های دیگر زمان‌بر بود، مجدداً نیاز به صرف هزینه و تجدید درخواست بود که در نهایت با پی‌درمیانی مسئولان استان، مجوز مربوطه صادر شد. چند سال قبل که فضای کسب‌وکار استان‌های مختلف توسط مرکز پژوهش‌های مجلس رصد می‌شد استان کرمان جزو استان‌های یک‌سوم آخر این رتبه‌بندی بود که البته پس از کمی مذاکره و تماس، ظرف یک ماه جایگاه کرمان به یک‌سوم اولیه انتقال پیدا کرد. البته مشخص بود که نه گزارش اول و نه دومین گزارش مبنای درست و صحیحی نداشتند، اما به هر حال آنچه ما می‌بینیم و لمس می‌کنیم این است که شرایط برای سرمایه‌گذاری در استان مساعد و مناسب نیست.

به‌عنوان مثال معمولاً برای شروع سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی کسب‌وکار اولین قدم ثبت شرکت است، علی‌رغم این‌که فرآیند ثبت شرکت در چند سال اخیر آنلایین و الکترونیکی شده است، اما هم چنان کاغذ بازی‌های مرسوم رواج دارد؛ به‌اضافه این‌که رفع اشکال‌ها برخلاف گذشته که با مراجعه حضوری قابل اصلاح بود، اکنون طی چند نوبت آن‌هم از طریق واسطه‌ها باید انجام شود و در بهترین شرایط حداقل حدود یک ماه زمان می‌برد! بعد از ثبت شرکت نوبت به اخذ مجوزهای مختلف می‌رسد که معمولاً پیش‌فرض دستگاه‌ها برای ارائه پاسخ اعلام مخالفت است! علت آن‌هم نوع دیدگاه و نگرش دست‌اندرکاران اعم از کارشناسان یا مدیران دستگاه‌ها است. البته نمی‌توان بی‌انصافی کرد و این را به همه دستگاه‌ها و همه واحدهای اجرایی تسری داد اما واقعیت

مدنظر داشته باشند که باید حداکثر جذب سرمایه و کارآفرینی در استان اتفاق افتد. در این سند می‌بایست نقش هریک از دستگاه‌های اجرایی و زیرمجموعه آن‌ها و هریک از افرادی که در دستگاه‌های اجرایی مشغول به کار هستند مشخص شود. اگر هم دستگاه‌های نظارتی باید نظارتی انجام دهند دلسوزانه و در جهت توسعه سرمایه‌گذاری، این نظارت را انجام دهند. این‌طور نباشد که ترس از نظارت دستگاه‌های نظارتی، کارشناسان و مدیران را از تصمیم‌گیری و ارائه خدمت و سرویس به کارآفرینان و سرمایه‌گذاران باز دارد. وقتی سند کلی و چارچوب کار تعریف و طراحی شد، مشخص می‌شود که به‌عنوان مثال چه اراضی با چه ویژگی‌هایی قابل‌واگذاری به سرمایه‌گذاران است و چه معادنی و با چه تسهیلاتی باید واگذار شود و چه خدماتی باید به این واحدها ارائه شود. این سند می‌بایست با توجه به نقاط قوت و ضعف استان طراحی شود و در طراحی آن همه دستگاه‌های اجرایی و افراد ذی‌ربط اظهارنظر کنند و نهایتاً بر اجرای آن وفاق نمایند؛ نه این‌که مانند شرایط حاضر دستگاه‌ها به‌صورت جزیره‌ای تصمیمی مستقل از دیگران بگیرند و سرمایه‌گذاران عطای فعالیت اقتصادی در کرمان را به لقای مسئولین ببخشند و ترجیح به فعالیت در مناطق دیگر بدهند!

اگر چنین اجماعی وجود داشته باشد و هدف‌گذاری مشخصی برای استان انجام شود، قابلیت‌ها و محدودیت‌های استان شناسایی شود و وظایف هر دستگاهی به‌طور مشخص، دقیق و جزئی و نه کلی تعریف شود، دیگر رفتارهای سلیقه‌ای و دلخواهی و احیاناً مغرضانه اتفاق نخواهد افتاد. در نتیجه معیار مخالفت یا موافقت تصمیمات، استراتژی توسعه استان است و دستگاه‌های نظارتی نیز الگوی شفاف‌ی برای تشخیص سره از ناسره خواهند داشت و مهم‌تر این‌که تکلیف سرمایه‌گذار روشن است که در چه حوزه‌هایی از سرمایه‌گذاری او استقبال می‌شود و چه کمک‌هایی به او خواهد شد و اگر هم مشکلی در مسیرش پیش آید به کجا مراجعه کند.

علاوه بر مشکلاتی که در زمینه‌های اجرایی ذکر شد، متأسفانه در بعضی از حوزه‌ها نظیر نیروی انسانی متخصص، بهره‌ور و کارآمد ضعف‌هایی در استان وجود دارد. نیروی کار تحصیل‌کرده و فارغ‌التحصیل دانشگاه در استان کم نیست، اما نیروی کارآمد و بهره‌ور کم و نایاب است و یا شناسایی نشده است. باید مرجعی این افراد را شناسایی کند و اگر احتیاج به تجدید آموزش یا مهارت‌آموزی یا کسب تجربه دارند به آن‌ها کمک کند تا نیروی انسانی متخصص، متبحر و مجرب و در عین حال بهره‌ور و کارآمد، یکی از مزایای استان برای جذب سرمایه‌گذاران باشد.

به‌طور خلاصه: اولاً تدوین سند توسعه استان، ثانیاً ایجاد همدلی، همراهی و اصلاح نگرش و دیدگاه دست‌اندرکاران نسبت به سرمایه‌گذاری و توسعه استان و به‌طور خاص عامل مهم نیروی انسانی کارآمد و متبحر و بهره‌ور، می‌تواند زمینه‌ای بسیار مساعد و مناسب برای جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی بسازد و همه این مزیت‌ها در کنار وجود پتانسیل‌های اقلیمی، جغرافیایی و معدنی و مزیت‌های رقابتی استان نظیر نزدیک بودن به مهم‌ترین بندر صادراتی کشور، مسیر راه‌های ارتباطی مهم و نظایر آن که در مناطق مختلف استان موجود است، می‌تواند استان کرمان را به قطبی برای جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تبدیل کند و اقتصاد استان را شکوفا نماید. ●

این است در اغلب دستگاه‌ها برای اجرای کار، مقاومت و عدم تمایل وجود دارد. شاهد این موضوع، تجربه‌ای است که در این رابطه دارم، کارشناس یکی از دستگاه‌های اجرایی اظهار می‌کرد که تا زمانی که زمینی واگذار نکرده‌ایم جوابگوی هیچ دستگاه نظارتی نیستیم، اما به‌محض این‌که زمین واگذار شد چندین مرکز نظارتی از ما بازخواست می‌کنند، پس ترجیح می‌دهیم کار متقاضی را انجام ندهیم و زمین واگذار نکنیم تا بعداً پاسخگو نباشیم. بدتر این‌که در مورد ارائه تسهیلات بانکی نیز اخیراً بانک‌ها ترجیحشان بر عدم ارائه خدمات، تسهیلات و مجوزهایی که احیاناً باید صادر شود، شده است. حتی مواردی وجود دارد که صاحبان امضاهای طلایی مثل مدیران یا بعضی از کارشناسان خاص، در مقابل ارائه خدمات به کارآفرینان و سرمایه‌گذاران مقاومت می‌کنند با این دیدگاه که چه دلیلی دارد امتیازی را به کسی واگذار کنیم که او ثروتمند شود ولی برای ما منفعی نداشته باشد!

برای رفع این موانع که یا ناشی از قوانین و فرایند نادرست اجرای آن‌هاست و یا ناشی از نگرش‌های منفی باید کار جدی و زیربنایی انجام شود. سال‌هاست همه دستگاه‌های مرتبط با موضوع سرمایه‌گذاری، قانوناً ملزم به ایجاد پنجره‌های واحد شده‌اند تا همه خدماتی که یک متقاضی برای راه‌اندازی کسب‌وکار خود نیاز دارد یکجا و به‌صورت یکپارچه به او ارائه شود، اما هنوز اقدام جدی در این رابطه انجام نشده است. در مورد دیدگاه منفی و مقاومت نسبت به سرمایه‌گذار چه در مورد سرمایه‌گذارانی که از خارج از استان و کشور مراجعه می‌کنند و چه سرمایه‌گذاران داخلی، باید اقدام از نوع دیگری مد نظر باشد تا این دیدگاه و نگرش تغییر کند. دوستی که اهل تونس بود می‌گفت توریست‌ها در کشور تونس خیلی محترم و گرامی‌اند (همان‌طور که می‌دانید تونس دو برابر جمعیت کشورش در سال، توریست پذیرش می‌کند که عمده این توریست‌ها اروپایی هستند). دیدگاه مثبت تونسی‌ها نسبت به توریست‌ها از این ناشی شده که هر فرد تونسی می‌داند که خانواده یا کسانی از نزدیکانش از طریق سرویس‌دهی به همین توریست‌ها ارتزاق می‌کنند و درآمد دارند؛ مثلاً با کار کردن در هتل یا خدمات حمل‌ونقل یا فروش صنایع‌دستی، آشپزی و ... این فرهنگ از کودکی به آن‌ها آموزش داده شده است. آن‌ها می‌دانند که اگر توریست به کشورشان نیاید خانواده و بستگان‌شان شغل و درآمد خود را از دست خواهند داد. به همین جهت همه به توریست‌ها به دید مثبت نگاه می‌کنند و طبیعتاً توریست‌ها نیز علاقه‌مند به حضور در این کشور هستند، در نتیجه این صنعت در تونس هم چنان رو به بهبود و پیشرفت است. این تجربه نشان می‌دهد که در نهادها و دستگاه‌های اجرایی لازم است این ذهنیت القا شود که باید به سرمایه‌گذار کمک شود تا با راه‌اندازی کسب‌وکار، زمینه رشد اشتغال، خلق ثروت و افزایش درآمد سرانه فراهم شود و در نتیجه آن سطح امنیت و رفاه ارتقا یابد. از آنجا که همه مردم و دست‌اندرکاران سوار بر یک کشتی هستند همگان باید نسبت به این موضوع حساس باشند و برای انجام آن مصمم گردند. برای رسیدن به این هدف لازم است استراتژی روشن و قابل‌اجرایی در توسعه استان تدوین شود. باید سند توسعه‌ای برای استان طراحی شود که همه‌ی دست‌اندرکاران اعم از بخش خصوصی و دولتی و نهادهای حد واسط این‌ها نسبت به آن موضوع پایبند و ملزم باشند، همه این اصل را

کارآمدی قانون و رونق تولید

محسن سلطانی نژاد
مشاور حقوقی



رؤسای دادگستری استان‌ها با رعایت صلاحیت محلی در حوزه‌های قضائی تعیین می‌نمایند، رسیدگی می‌شود». هرچند این اقدام قانون‌گذار به‌طور موقت می‌تواند بخشی از بحران مربوط به رسیدگی به پرونده‌های تجاری را حل کند اما کافی نیست همان‌طور که در شاخص اجرای قراردادهای مربوط به گزارش انجام کسب‌وکار بانک جهانی، رتبه ایران به خاطر عدم وجود دادگاه‌های مستقل و آیین دادرسی تجاری مستقل تنزل پیدا کرد و وجود شعبه‌های تخصصی پیش‌بینی شده در ماده ۲۹ قانون مذکور نیز برای ترفیع رتبه ایران کافی نبود چراکه این شعبه‌ها می‌توانند به دیگر امور نیز رسیدگی نمایند درحالی‌که تنها وجود دادگاه‌های اختصاصی در معیار جهانی ملاک رتبه‌بندی قرار می‌گیرد.

گفتار دوم: بانک

وجود پرونده‌های بانکی متعدد در تمام طرح‌های اقتصادی نشان‌دهنده عدم کارایی سیستم مشارکت مدنی در نظام بانکی و وام دهی ایران است. مدت‌هاست که بانک‌ها در پرداخت‌ها وام‌ها به مشارکت در سود و زیان اهمیتی نمی‌دهند و در لوای عقود شرعی و اسلامی تنها سودهای تضمین‌شده خود را مطالبه می‌کنند.

دغدغه بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی پس از شروع طرح، پرداخت اقساط وام‌ها و خسارات ناشی از تأخیر و جریمه‌های متعلق به آن‌هاست. همچنین اجرایی‌های متعددی که بر روی اسناد رهنی فعالین اقتصادی از سوی اداره ثبت صادر می‌شود که حتی زندگی و اموال شخصی‌شان را در معرض فروش قرار می‌دهد درحالی‌که بانک‌ها موظف‌اند تا از داخل طرح نسبت به برداشت بدهی خود اقدام نمایند. مستند قانونی این امر بدین شرح است:

به‌موجب تبصره ۱ ماده واحده قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصادی (با تأکید بر قانون عملیات بانکی بدون ربا) مصوب ۱۳۸۵/۲/۳۱:

تولید، اصلی‌ترین و مهم‌ترین شاخص در جهت پیشرفت و توسعه اقتصاد یک کشور محسوب می‌شود که اگر چرخه آن با قوانین کارآمد و بروز حمایت نشود با تعطیلی واحدهای تولیدی و ورشکستگی بخش صنعتی و تبعات و معضلات اجتماعی آن روبرو خواهیم شد، فلذا در این راستا سه معضل اصلی در جهت بهبود محیط کسب‌وکار، وجود برخی قوانین ناکارآمد یا عدم اجرای قوانین کارآمدی است که به‌طور عمده در حوزه بانک، بیمه و مالیات و تأمین اجتماعی می‌گنجد که در این نوشتار سعی می‌کنیم گوشه‌ای از این موانع را به‌عنوان سرنخ ارائه دهیم.

گفتار اول: دادگاه‌های تجاری مستقل

یکی از اصلی‌ترین مشکلات پیش روی فعالان اقتصادی در مواجهه با دعاوی و شکایات مطروحه در دادگستری، عدم وجود دادگاه‌های ویژه تجاری است که از سرعت و دقت رسیدگی به پرونده‌های تجاری کاسته است. البته هیئت‌وزیران در جلسه ۲۵ آبان ماه سال ۱۳۹۰ بنا به پیشنهاد قوه قضائیه لایحه آیین دادرسی تجاری را به تصویب رسانده که طی مراحل قانونی تقدیم مجلس شورای اسلامی شده اما تاکنون به تصویب نرسیده است.

در این لایحه ۱۳۳ ماده‌ای اشاره شده است که دادگاه تجاری برای رسیدگی تخصصی و تسریع در روند رسیدگی به دعاوی ناشی از امور تجاری در حوزه‌های قضایی مرکز هر استان تشکیل می‌شود که متأسفانه این مهم محقق نشده است.

لازم به ذکر است که در ماده ۲۹ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار مصوب ۱۳۹۰ تصریح گردیده است که: «قوه قضائیه و دولت اقدامات قانونی لازم را برای تنظیم آیین دادرسی تجاری و تشکیل دادگاه‌های تجاری به عمل می‌آورند.

تبصره - تا زمان تأسیس دادگاه‌های تجاری، جرائم مرتبط با فعالیت‌های تجاری و اختلافات بین بخش خصوصی و دستگاه‌های اجرائی حسب مورد در شوراهای حل اختلاف یا شعب خاصی که



مؤدی از نحوه تشخیص مالیات مکلفانند جزئیات گزارشی را که مبنای صدور برگ تشخیص قرار گرفته است به مؤدی اعلام نمایند و هرگونه توضیحی را در این خصوص بخواهد به او بدهند.»

ماده ۲۳۸: «در مواردی که برگ تشخیص مالیات صادر و به مؤدی ابلاغ می‌شود مؤدی می‌تواند ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ برای رفع اختلاف خود با ممیز یا سرممیز شخصاً یا به‌وسیله وکیل تام‌الاختیار خود به ممیز کل مراجعه و با ارائه اسناد و مدارک تقاضای رسیدگی مجدد نماید ممیز کل به موضوع رسیدگی و در صورتی که دلایل و مدارک ابرازشده را برای رد مندرجات برگ تشخیص کافی دانست آن را رد و مراتب را در ظهر برگ تشخیص درج و امضا می‌کند و در صورتی که مدارک ابرازی را مؤثر در تعدیل مالیات تشخیص داد و نظر او موردقبول مؤدی قرار گرفت در این صورت مراتب ظهر برگ تشخیص منعکس می‌گردد و به امضای ممیز کل و مؤدی می‌رسد.

تبصره - ممیز کل در صورتی که به شرح این ماده برگ تشخیص را رد یا آن را بیش از بیست درصد تعدیل کند مکلف است رونوشت برگ تشخیص و همچنین نظریه خود را برای تعقیب نزد دادستان انتظامی مالیاتی ارسال دارد.»

لازم به ذکر است که ماده ۹۸ در اصلاحیه سال ۹۴ حذف گردیده است اما نسبت به سال‌هایی که قانون مربوطه لازم‌الاجرا بوده است عملاً در پرونده‌ها اعمال شده است بدون آنکه مستند ماده مذکور رعایت شده باشد.

پیشنهاد‌های اجرایی به‌طور خلاصه:

- ۱- تشکیل دادگاه‌های تجاری مستقل،
- ۲- نظارت مستمر بر قراردادهای بانکی و اعمال مقررات مربوط به قانون عملیات بانکی بدون ربا و قانون پولی و بانکی کشور،
- ۳- جلوگیری از صدور برگ‌های تشخیص علی‌الراس مالیاتی بدون پشتوانه قانونی. ●

«درباره عقود با بازدهی متغیر که بانک‌ها مکلفانند بدون تعیین نرخ سود مورد انتظار، بر اساس مفاد قانون عملیات بانکی بدون ربا در حاصل فعالیت اقتصادی موردقرارداد شریک شوند، در عقود امور مشارکت برای تولید مذکور در تبصره بند ب ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ بانک نمی‌تواند از شریک وثیقه خارج از طرح بخواهد». این در حالی است که در عمل علاوه بر محل اجرای طرح، وثیقه‌ها و ضامنین دیگری نیز اخذ می‌شود و زمینه اعمال فشار را بر فعالین اقتصادی فراهم می‌کند.

گفتار سوم: مالیات

در زمینه مالیات نیز برگ تشخیص مالیات مطابق با ماده ۲۳۷ قانون مالیات‌های مستقیم تنظیم نمی‌شود و همچنین در مواردی که دفاتر و اسناد مؤدیان مالیاتی به هر علت رد می‌شود ممیزان یا مأموران مالیاتی وفق قوانین و مقررات عمل ننموده و تشخیص درآمد مؤدیان مالیاتی را بر اساس حدس و گمان و کاملاً سلیقه‌ای اعمال می‌نمایند که گاهی منجر به تعطیلی بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی و یا ورشکسته شدن بسیاری از فعالان اقتصادی می‌شود چراکه میزان درآمد ایشان بسیار غیرواقعی و غیرقانونی تشخیص داده می‌شود درحالی‌که حتی در موارد رد دفاتر طبق ماده ۹۷ و یا عدم وجود دفاتر و احیاناً تشخیص علی‌الراس وفق ماده ۹۸ قانون مالیات‌های مستقیم می‌بایست برگ تشخیص مستند و با تحقیقات کافی صادر گردد.

ماده ۲۳۷: قانون مالیات‌های مستقیم: «برگ تشخیص مالیات باید بر اساس مأخذ صحیح و متکی به دلایل و اطلاعات کافی و به نحوی تنظیم گردد که کلیه فعالیت‌های مربوط و درآمدهای حاصل از آن به‌طور صریح در آن قید و برای مؤدی روشن باشد. امضاکنندگان برگ تشخیص مالیات باید نام کامل و سمت خود را در برگ تشخیص به‌طور خوانا قید نمایند و مسئول مندرجات برگ تشخیص و نظریه خود از هر جهت خواهند بود و در صورت استعلام

تجربه اوج در کار



< حسنیه رضایی
مربی کارآفرینی



< رضا علوی
مدرس سازمان مدیریت صنعتی



مقدمه:

اجباری نجات یافته‌اند یا آنان که خطر مرگ را از سر گذرانده‌اند، به یاد می‌آورند که در میان مصیبت‌هایشان تجربه‌های فوق‌العاده شادی بخشی از شنیدن صدای پرنده‌ای در جنگل، به پایان رساندن کاری سخت و یا قسمت کردن تکه نانی خشک با دوستشان داشته‌اند.

آنچه خواندید بخشی از کتاب «تجربه‌ی اوج» است، نوشته‌ی «چیکسنت میهای» و ترجمه‌ی رضا علوی. میهای، پژوهش‌گر پیشرو در حوزه‌ی روانشناسی مثبت‌گرا، به روش تجربی سعی می‌کند به پرسشی پاسخ دهد که هزاران سال است ذهن آدمی را به خود مشغول کرده است: شادمانی، اوج احساس لذت و رضایت در چه شرایطی از عوامل بیرونی و درونی به دست می‌آید. این کتاب که در ده فصل تنظیم شده است، به موضوعات

تجربه‌ی بهینه، احساس قایقرانی است که با حواسی جمع در حال دریانوردی است، وقتی که باد به سرعت از لابه‌لای موهایش می‌گذرد و قایقش همچون اسبی جوان در میان امواج می‌تازد و بدنه‌ی قایق، همراه با باد و دریا آهنگ موزونی می‌نوازد که رگ‌های قایقران را به لرزه درمی‌آورد. تجربه‌ی بهینه، احساس یک نقاش است وقتی که رنگ‌های روی بوم به‌طور چشمگیری هماهنگ می‌شود و یک پدیده‌ی جدید، یک شکل زنده، پیش روی خالق شگفت‌زده‌اش پدیدار می‌شود. تجربه‌ی بهینه، احساس پدری است که فرزندش برای اولین بار به لبخند او پاسخ می‌دهد. چنین نیست که این رویدادها فقط در مواقعی رخ دهد که شرایط بیرونی مطلوب باشد. کسانی که از اردوگاه‌های کار

تاج محل معمولاً با انرژی بردهها بدست می‌آمد، اما در نهایت موجب جدایی جوامع متمدن از جوامع دیگر می‌شد. بنابراین چندان عجیب نیست که کار محبوبیت چندان بدست نیآورد. با انقلاب صنعتی صنایع دستی خانگی قادر به رقابت با تولید انبوه نبود خانوادهها فروپاشیدند، کارگران مجبور به ترک خانههایشان شدند و دستجمعی به کارخانههای بیربخت و ناسالم میرفتند و برنامه‌ی کاری دوازده ساعته را از صبح تا غروب اجرا میکردند. تا اینکه با شکل‌گیری اتحادیه‌ها و آغاز جنبش آن‌ها شرایط کاری تا حدود زیادی بهبود یافت. اما به هر حال نتیجه صنعتی شدن آن شد که اگر پیش از این لذت‌بردن از کار اعتباری داشت، این اعتبار در اولین حرکت جنون‌آمیز صنعتی شدن از بین رفت.

اکنون ما در عصر فراصنعتی هستیم، عصری که در آن ربات‌ها در خط تولید کار واقعی را انجام می‌دهند و بسیاری از افراد در تولید نقشی ندارند و تنها در بخش‌های به اصطلاح خدمات کار می‌کنند که در سبک زندگی کشاورزی جزو امور راحت بشمار می‌رود. در دهه‌های بالاتر مدیران و متخصصان راه‌های گریز بیشتر است و مختارند که کارشان را آن‌گونه که می‌خواهند تعریف کنند. با این وجود به دلیل روند ناکام جهان در رفع نیازهای انسان، تحقق خواسته‌های اساسی، انرژی بسیار زیادی را می‌طلبد و ما هر روز ناراضی‌تر از قبل هستیم و هر چه بیشتر انرژی روانی را صرف اهداف مادی کنیم بازهم تحقق آن‌ها دشوارتر می‌شود و به منابع مالی، ذهنی، جسمی و طبیعی بیشتری برای برآورده شدن

گونگونی از جمله تجربه‌ی اوج در اندیشه، کار و روابط می‌پردازد. آنچه در ادامه می‌خوانید، خلاصه‌ای از فصل ششم کتاب است که به موضوع کار اختصاص یافته است:

کار به‌عنوان مقوله‌ای جهانی یکی از اساسی‌ترین امور زندگی مدرن امروزی است که هر فردی به‌طور مستقیم با آن روبروست و اصلی‌ترین راه امرار معاش انسان به حساب می‌آید. لذت‌بخش بودن یا نبودن کار تأثیر بسزایی در رضایت کلی از زندگی دارد و در ابعاد کلان‌تر، علاوه بر اینکه محیط را تغییر می‌دهد، فرد را نیز به شخصی ماهر، هدفمند و آگاه تبدیل می‌کند و این فرد پیچیده‌تر و آگاه‌تر می‌تواند خود منبع خیر و بهبود در جامعه شود. از این‌رو کیفیت کار در نهایت به توسعه جامعه در ابعاد مختلف می‌انجامد. در گذر زمان درک انسان از مفهوم کار بسیار دگرگون شده و کمیت و کیفیت آن تغییر کرده است.

کار با مفهوم امروزی‌اش برای انسان گردآورنده‌ی شکارچی، فراهم کردن غذا، لباس، سرپناه و ابزار شکار بود. جالب آنکه حدود سه تا پنج ساعت در روز صرف این امور می‌کرد و زمان باقی‌مانده را به گفتگو، استراحت یا رقص می‌پرداخت؛ اما شکار به خودی خود چنان لذت‌بخش است که بسیاری از افراد بی‌آنکه نیازی به شکار داشته باشند، آن را به‌عنوان سرگرمی انجام می‌دهند. کار انسان‌ها، با متمدن‌تر شدن و روی آوردن آن‌ها به زندگی کوچ گردانه و دامداری، بازهم وقتی که سوار بر اسب بر روی تپه‌ها به دنبال گله‌های خود می‌تاختند، لذت‌بخش‌ترین قسمت زندگی‌شان محسوب می‌شد. بعدها و پیش از انقلاب صنعتی، کشاورزی سبک رایج زندگی بود. در مقایسه با شکار یا گله‌داری، از کشاورزی کمتر می‌توان لذت برد. شکارچی در طول یک روز چندین بار شکار، مکان یا نحوه شکار کردن خود را تغییر می‌دهد و تنها لحظاتی پس از اقدام، نتیجه‌ی کار خود را می‌بیند و غیر از تهیه ابزار به مقدماتی دیگر نیاز ندارد؛ اما کشاورزی فعالیتی تکراری‌تر و ساکن‌تر است، به غیر از چند بار در سال، کشاورز قدرت انتخاب در نوع محصول، زمان و مکان کاشت ندارد، مقدماتی طولانی نیاز است و نتیجه کار هم بسیار دیرتر آشکار می‌شود؛ ضمن اینکه بسیاری از اتفاقات مؤثر در نتیجه کار مثل تغییرات پیش‌بینی‌نشده شرایط آب و هوایی تا حدودی از کنترل او خارج است و بی‌آنکه کاری کند باید به انتظار بنشیند. به همین دلیل به هنگام تغییر سبک زندگی، برخی از انسان‌های شکارچی و کوچ‌گرد که نتوانستند به زندگی کسالت‌بار خود عادت کنند، منقرض شدند. با این حال بسیاری از کشاورزان متوجه شدند که می‌توانند از فرصت‌های خاص شغل خود لذت ببرند. پس در زمان‌های بیکاری به خلق صنایع دستی، موسیقی و جشن و سرور می‌پرداختند. البته همهی فرهنگهای ماقبل صنعتی چنین دلپذیر نبوده‌اند. در بسیاری جوامع زندگی سخت، وحشیانه و کوتاه بوده است. با پیدایش جوامع متمدن‌تر، مردمی که در پیرامون این جوامع زندگی میکردند، توسط آن‌ها استثمار می‌شدند و در راه تحقق رؤیاهای حاکمان دستشان از لذت بردن از زندگی کوتاه می‌شد. دستاوردهایی همچون اهرام مصر، دیوار بزرگ چین،

نتیجه تحقیقات در بررسی سبک زندگی نسل کهن نشان می‌دهد که اگرچه آن‌ها در شرایط دشوار زندگی می‌کنند و کارشان سخت و تکراری و از دید بسیاری بی‌معنی است، اما این افراد کارهایی که باید انجام دهند را با شناسایی فرصت‌هایی که دیگران نادیده گرفته‌اند به فعالیت‌های پیچیده‌ای تبدیل کرده‌اند و با گسترش مهارت‌ها و تمرکز بر کار جاری و غرق کردن خود در تعامل با آنچه انجام می‌دهند، کارها را به انجام می‌رسانند. در نهایت پس از اتمام کار «خودی» قوی‌تر پدیدار می‌شود و کار لذت‌بخش‌تر می‌شود و با توجه به این‌که انرژی روانی‌شان را به اختیار خود سرمایه‌گذاری می‌کنند، احساس می‌کنند که کارشان را آزادانه انتخاب کرده‌اند.

انتظارات رو به افزایشمان نیاز داریم.

خوشبختانه در میانه‌ی این بحبوحه، در نقاط دوردست هنوز جوامع اندکی هستند که به سبک کشاورزی زندگی می‌کنند و حتی در سنین بالا، حدود شانزده ساعت در روز شادمانه کار می‌کنند. وجود آن‌ها این امکان را به انسان مدرن کنونی داده است تا راز این شادی را بیابد. در مصاحبه‌هایی که با قدیمی‌ترین نسل دهکده‌ای در رشته‌کوه‌های آلپ انجام شد وقتی از آن‌ها پرسیده شد که اگر تمام پول و وقت جهان را در اختیار داشته باشند چه کار می‌کردند، پاسخ‌هایی شبیه به هم دادند: همین کاری که الان می‌کنم. هیچ یک از آن‌ها تمایز دقیقی بین کار و اوقات فراغت قائل نبودند. شاید بتوان گفت که آن‌ها احساس می‌کردند که اصلاً کار نمی‌کنند و اگر قدرت انتخاب داشتند حاضر نبودند کمتر کار کنند. جالب است که این اظهارات را در حالی بیان می‌کنند که از امکانات زندگی شهری بی‌اطلاع نیستند. گهگاه تلویزیون تماشا می‌کنند و مجله می‌خوانند و به شهر می‌روند اما رفاه این سبک زندگی آن‌ها را اغوا نمی‌کند. از نقشی که در جهان بازی می‌کنند کاملاً راضی هستند و با آرامش زندگی می‌کنند. در واقع این فرهنگ‌ها به‌گونه‌ای تکامل یافته‌اند که افراد از انجام کارهای سخت به‌جای اینکه احساس فشار کنند، لذت می‌برند. به کمال رساندن سبک زندگی کاری بسیار سخت است که به شاهکاری کم یاب می‌ماند. فرزندان آن‌ها نیز نگرشی مشابه به کار داشتند اما نسل سوم ترجیح می‌دادند که کمتر کار کنند و

وقت بیشتری را صرف اوقات فراغت، ورزش، مسافرت و تماشای تلویزیون و ... کنند. هرچند که بخشی از این تفاوت به روحیه تغییر خواه نسل جوان برمی‌گردد که تحمل محدودیت‌ها را ندارند، اما بخش اصلی آن به سست شدن پیوند معنادار بین کار و هویت و هدف فرد برمی‌گردد. نسل کهن‌سال کار را منبع تجربه و لذت می‌داند اما نسل جدید به دنبال جایگزین کردن آن با تفریحات لذت‌بخش با پیچیدگی کمتر است، غافل از آنکه لذت به افزایش پیچیدگی وابسته است و کیفیت تجربه افرادی که در پی افزایش مهارت‌ها و کشف چالش‌های جدید و رشد تدریجی و پا به‌پای چالش‌ها و مهارت‌ها هستند، بهتر و پیشرفته‌تر از تجربه کسانی است که به‌ناچار واقعیت زندگی تهی و محدودی را که احساس می‌کنند نمی‌توانند تغییر دهند، می‌پذیرند.

نتیجه تحقیقات در بررسی سبک زندگی نسل کهن نشان می‌دهد که اگرچه آن‌ها در شرایط دشوار زندگی می‌کنند و کارشان سخت و تکراری و از دید بسیاری بی‌معنی است، اما این افراد کارهایی که باید انجام دهند را با شناسایی فرصت‌هایی که دیگران نادیده گرفته‌اند به فعالیت‌های پیچیده‌ای تبدیل کرده‌اند و با گسترش مهارت‌ها و تمرکز بر کار جاری و غرق کردن خود در تعامل با آنچه انجام می‌دهند، کارها را به انجام می‌رسانند. در نهایت پس از اتمام کار «خودی» قوی‌تر پدیدار می‌شود و کار لذت‌بخش‌تر می‌شود و با توجه به این‌که انرژی روانی‌شان را به اختیار خود سرمایه‌گذاری می‌کنند، احساس می‌کنند که کارشان را آزادانه انتخاب کرده‌اند. در واقع تجربه کار برای آن‌ها تجربه‌ی حالتی است که انگار در حال اوج گرفتن هستند، به همین دلیل این تجربه به تجربه اوج شهرت دارد. در تجربه اوج فرد از گذشت زمان تغییر می‌کند، کارها به‌صورت خودجوش، اما آگاهانه انجام می‌شود. هدف مشخص و بازخورد هر اقدام فوری و کاملاً مشخص است (در هر لحظه و با هر اقدامی فرد می‌داند که تا چه اندازه موفق است و اگر نیست دلیل آن چیست). قدرت، فعالیت، تمرکز و انگیزش فرد بالا است.

در نظریه‌ی تجربه اوج، کیفیت تجربه کار بنا به خواست ما می‌تواند تغییر کند. به عبارتی هر کاری را می‌توان به‌گونه‌ای بازطراحی کرد که لذت‌بخش‌تر شود. اما در حال حاضر برای کسانی که توانایی اثرگذاری بر طراحی شغل را دارند، بجای توجه لذت‌بخش بودن کار، بهره‌وری را در درجه‌ی نخست اهمیت قرار می‌دهند و رؤسای اتحادیه نیز دغدغه‌ی حفظ ایمنی، امنیت و غرامت کارگران را دارند. در حالی که اگر کارگران واقعاً از شغل خود لذت می‌بردند نه تنها به نفع خودشان بود بلکه دیر یا زود و به‌احتمال خیلی زیاد به بهره‌وری بیشتر و هم‌ی اهداف دیگری که در حال حاضر ارجحیت دارد می‌رسیدند. از طرف دیگر ساختار شغل تنها یک عامل در رسیدن به رضایت شغلی است و خودفرجام بودن فرد نیز عامل بسیار تعیین‌کننده‌ای است. از ویژگی‌های افراد خودفرجام این است که از گرفتاری‌ها، به‌عنوان صحنه‌ای برای نمایش آزادی و بروز خلاقیتشان استفاده می‌کنند و علاوه بر لذت بردن از کارشان به غنای آن نیز می‌افزایند.

در بررسی دلایل نارضایتی کارگران معمولاً سه مورد ذکر می‌شود که برخلاف نظر عامه دستمزد و نگرانی‌های مادی در این میان نیست و هر سه به کیفیت تجربه مربوط و شامل فقدان تنوع و چالش، درگیری با دیگران به‌ویژه با روسا و تنش و استرس بیش از اندازه و فرصت کم برای رسیدگی به خود و خانواده است. این شکایات به شرایط عینی محیط کار اشاره دارند و راه مقابله با آن‌ها تغییر دیدگاه ما نسبت به آن‌هاست. تنوع و چالش یک شغل هرچند که تا حدودی به ویژگی‌های ذاتی شغل برمی‌گردد، اما در واقع بخش عمده آن به چگونگی درک فرصت‌ها به‌وسیله ما وابسته است.

انگیزه شغلی پایین، خستگی جسمی یا ذهنی نمی‌تواند باشد. در بررسی دلایل نارضایتی کارگران معمولاً سه مورد ذکر می‌شود که برخلاف نظر عامه دستمزد و نگرانی‌های مادی در این میان نیست و هر سه به کیفیت تجربه مربوط و شامل فقدان تنوع و چالش، درگیری با دیگران به‌ویژه با روسا و تنش و استرس بیش از اندازه و فرصت کم برای رسیدگی به خود و خانواده است. این شکایات به شرایط عینی محیط کار اشاره دارند و راه مقابله با آن‌ها تغییر دیدگاه ما نسبت به آن‌هاست. تنوع و چالش یک شغل هرچند که تا حدودی به ویژگی‌های ذاتی شغل برمی‌گردد اما در واقع بخش عمده آن به چگونگی درک فرصت‌ها به‌وسیله ما وابسته است. دشواری رابطه خوب با همکاران و سرپرستان هم ناشی از این است که ما در راه رسیدن به اهداف خود از دیگران انتظار داریم که همه‌ی انتظارات ما را برآورده کنند. معمولاً این انتظارات طبق برنامه برآورده نمی‌شوند چرا که دیگران نیز چنین انتظاری از ما دارند. راه پرهیز از این بن‌بست این است که خود را با چالش رسیدن به اهداف خود همزمان با کمک به همکاران و رئیس برای رسیدن به اهدافشان رویارو کنیم؛ اگرچه زمان بیشتری برای رسیدن به اهدافمان نیاز داریم اما در درازمدت این روش به‌ندرت شکست می‌خورد. شرایط عینی بسیار سخت محیط کاری می‌تواند به استرس منتهی شود، اما شرایط کار معمولاً چنین نیست. در واقع استرس ذهنی‌ترین جنبه شغل است؛ از این‌رو با کنترل آگاهی می‌توان بر آن غلبه کرد. استرس فقط وقتی وجود دارد که ما آن را تجربه می‌کنیم. بنابراین با تغییر نگرش و در نظر گرفتن آن به‌عنوان چالش و عامل انگیزش، می‌توان بر آن فائق آمد.

در عین حال ما به اوقات فراغت به‌عنوان فرصتی برای بازیابی نیاز داریم؛ اما بسیاری از افراد این فرصت لذت‌بردن را حتی بیش از محیط کار از دست می‌دهند چرا که اوقات فراغت بدون ساختار است و لذت بردن از آن به تلاش بیشتری نیاز دارد. سرگرمی‌های منفعل هرگز به رشد منتهی نمی‌شود و انرژی را که می‌تواند برای تمرکز بر اهداف پیچیده صرف شود و به رشد فرد بیانجامد، بر باد می‌دهد. طی چند نسل اخیر سرگرمی به صنعت عظیمی مبدل شده که ظاهراً هدفش پر کردن اوقات فراغت ما با تجربیاتی لذت‌بخش است. غافل از اینکه بسیاری از فعالیت‌های پرکننده‌ی اوقات فراغت - به‌ویژه فعالیت‌هایی که مصرف‌کننده‌ی انفعالی رسانه‌های عمومی هستند - برای شادی و قدرت ما طراحی نشده‌اند. آن‌ها وسیله‌ی کسب درآمد برای افراد دیگری هستند. اگر به آن‌ها اجازه دهیم، جوهر زندگی ما را می‌مکند و پوسته‌ی بی‌ارزشی به‌جا می‌گذارند. اوقات فراغت، اگر به‌خوبی طراحی نشود، نیروی روان را می‌مکد بی‌آن که قدرتی جایگزین در مقابلش پدید آورد و ما را خسته‌تر و دل‌سردتر از آنچه در ابتدای کار بودیم و می‌نهد. کار و اوقات فراغت می‌توانند برای نیازهای ما تنظیم شوند. کسانی که یاد می‌گیرند از کار خود لذت ببرند و اوقات فراغت خود را هدر ندهند، احساس می‌کنند که زندگی ارزشمندی دارند. ●

جراحی شغلی است که تمامی شرایط لازم برای تجربه اوج را دارد و برخی از پزشکان جراح چنان شیفته کار خود هستند که حتی تماشای یک اپرا را اتلاف وقت می‌دانند، اما جراحانی هم وجود دارند که از کارشان متنفرند. چگونه می‌توان نگرش‌هایی چنین متفاوت نسبت به یک کار واحد وجود داشته باشد؟ جراحانی که وارد اعمال جراحی «تکراری» می‌شوند هرچند که ممکن است در آن موضوع تخصص پیدا کنند و چنین تخصصی می‌تواند پردرآمد هم باشد، اما در عین حال لذت‌بردن از کار دشوارتر می‌شود؛ خیلی زود احساس یکنواختی می‌کنند. برای جراحانی هم که کارشان را دوست دارند، پول، موقعیت اجتماعی و نجات جان دیگران مهم است اما معتقدند که بیشترین شور و شوق آن‌ها به جنبه‌های ذاتی شغلشان برمی‌گردد. آنچه جراحی را برای آن‌ها چنین خاص نموده احساسی است که از خود فعالیت به‌دست می‌آورند؛ روشی که این احساس را توصیف می‌کنند تقریباً با تمام جزئیات، شبیه تجربیات اوج گزارش شده به‌وسیله‌ی ورزشکاران، آشپزان یا باغبانان است. بنابراین نباید انتظار داشت که اگر همه‌ی مشاغل باطراحی می‌شدند، همه افراد از شغلشان لذت می‌بردند. حتی جذاب‌ترین شرایط بیرونی تضمین نمی‌کند که ما در حالت اوج باشیم. چرا که تجربه‌ی بهینه به ارزیابی ذهنی ما از ظرفیت‌هایمان و همچنین امکاناتی که برای عمل داریم وابسته است و تنها اگر شخص به وضع موجود - حتی اگر شغل بسیار خوبی داشته باشد - بسنده نکند می‌تواند اوج را تجربه کند.

پژوهشی بسیار گسترده با بیش از صد زن و مرد شاغل تمام‌وقت با انواع شغل‌ها انجام گرفت تا با روش نمونه‌برداری تجربه به این پرسش پاسخ دهند که تعداد تجربیات اوج در هنگام کار بیشتر است یا اوقات فراغت. بر اساس ۴۸۰۰ پاسخ دریافت شده، افراد در محل کار احساس ماهر بودن و رویارویی با چالش داشتند و در نتیجه خود را شادتر، قوی‌تر، خلاق‌تر و راضی‌تر می‌یافتند. در اوقات فراغت احساس می‌کردند کار چندان‌ی برای انجام دادن ندارند و مهارت‌هایشان به کار گرفته نمی‌شود و معمولاً خود را غمگین‌تر، ضعیف‌تر، کسل‌تر و ناراضی‌تر توصیف می‌کردند. در پرسش‌نامه، سؤال مبنی بر اینکه «آیا دوست داشتید فعالیت دیگری انجام می‌دادید» وجود داشت که شاخص انگیزه شغلی بود. داده‌های این قسمت نشان می‌داد که اگرچه کیفیت تجربه در کار بسیار بالاتر از اوقات فراغت بود اما انگیزه شغلی هم پایین بود و افراد ترجیح می‌دادند که کار نکنند. برخی این پارادوکس عجیب را به این دلیل می‌دانند که افراد نمی‌توانند همواره سطوح بالایی از چالش را تحمل کنند و نیاز به بازیابی در محیط خانه دارند. اما نتایج پژوهش‌ها از جوامعی چون پونت ترنتاز نشان داد اگرچه کشاورزان بسیار سخت‌تر و طولانی‌تر از میانگین کاری افراد شهرنشین کار می‌کنند و چالش‌های روبروی آن‌ها به همان میزان از تمرکز و درگیری نیاز دارد اما هرگز آرزوی انجام کار دیگری را ندارند و وقت آزاد خود را با فعالیت‌های تفریحی چالش‌برانگیز پر می‌کنند. بنابراین دلیل

کمیسیون‌ها، محل تولید فکر

و نقش مشورتی

< عباس عسجدی

مدیر دبیرخانه هیئت نمایندگان و
کمیسیون‌های اتاق کرمان



ایجاد یک دبیرخانه مرکزی تحت عنوان دبیرخانه هیئت نمایندگان و کمیسیون‌ها در اتاق بازرگانی کرمان برای ساماندهی و پیگیری امور مربوط به کمیسیون‌های مشورتی با هدف هماهنگی، یکپارچه‌سازی و جلوگیری از موازی کاری ضرورتی قابل توجه بود که در دوره قبل ایجاد و در دوره نهم با برنامه‌ریزی‌های انجام شده به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

اتاق بازرگانی کرمان در دوره نهم هیئت نمایندگان دارای هشت کمیسیون تخصصی - مشورتی است و جمع‌آوری و دسته‌بندی اولویت‌های برنامه‌های هر کمیسیون در ابتدای دوره بر اساس تجربیات قبلی به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای برنامه‌ریزی برای فعالیت کمیسیون‌ها به انجام رسیده است.

از دیگر سو در نشست‌های هماهنگی روسا و دبیران کمیسیون‌ها با رئیس اتاق، برنامه‌ها و نشست‌های مشترک بین کمیسیونی مورد تأکید قرار گرفته است که می‌تواند به بازدهی بهتر کمیسیون‌ها کمک نماید.

در کنار فعالیت کمیسیون‌های تخصصی - مشورتی اتاق، حضور افراد صاحب‌نظر و آگاه به قوانین در مجامع و شوراهای استانی نیز مورد تأکید و توجه قرار دارد. در حال حاضر نشست‌های مختلفی در قالب کارگروه‌ها در استان در حال برگزاری است که از آن جمله می‌توان به کارگروه رفع موانع تولید، کارگروه اشتغال، شورای معادن، پنجره واحد سرمایه‌گذاری و کارگروه رونق تولید اشاره کرد.

از روسای کمیسیون‌ها درخواست شده است که حداقل دو نفر از اعضای خبره خود را برای ارائه مشورت‌های تخصصی به دبیرخانه هیئت نمایندگان و کمیسیون‌های اتاق معرفی نمایند تا در صورت لزوم از نظرات ایشان در نشست‌های تخصصی مجامع و شوراهای استانی استفاده گردد.

در فرصتی دیگر به معرفی کمیسیون‌ها و برنامه‌ها و اهداف هر کمیسیون و برنامه‌های دبیرخانه هیئت نمایندگان و کمیسیون‌های اتاق خواهیم پرداخت. ●

کمیسیون‌های تخصصی در اتاق‌های بازرگانی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی همواره فعالیت نموده‌اند. از آنجا که مسئولیت کمیسیون‌ها بر عهده تعدادی از اعضای هیئت نمایندگان در هر دوره نمایندگی است، سیاست‌گذاری در کمیسیون‌ها به‌عنوان برنامه‌های مهم قلمداد می‌شود.

از اوایل دوره پنجم هیئت نمایندگان در اتاق‌های بازرگانی بحث تشکیل کمیسیون‌ها به‌صورت سازمان‌دهی شده با برنامه‌ها و اهداف مشخص مورد توجه قرار گرفت و در دوره‌های بعد به فراخور زمان و توانمندی‌های استان‌ها، کمیسیون‌ها تشکیل و فعالیت نمودند.

در این میان توجه به نقش مشورتی کمیسیون‌های تخصصی همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ چرا که حضور افراد صاحب‌نظر در کمیسیون‌های مرتبط با کسب‌وکار خود با ایجاد و ارائه افکار و ایده‌های نوین، به رشد و بالندگی و مرتفع ساختن مشکلات فعالان اقتصادی در حوزه کاری هر کمیسیون کمک می‌کند.

بخش‌های مهمی از وظایف اتاق‌ها در فعالیت کمیسیون‌ها بارز است. از جمله این موارد می‌توان به پایش محیط کسب‌وکار، عارضه‌یابی مسائل و مشکلات مشاغل مختلف و ارائه راهکارهای عملیاتی اشاره نمود.

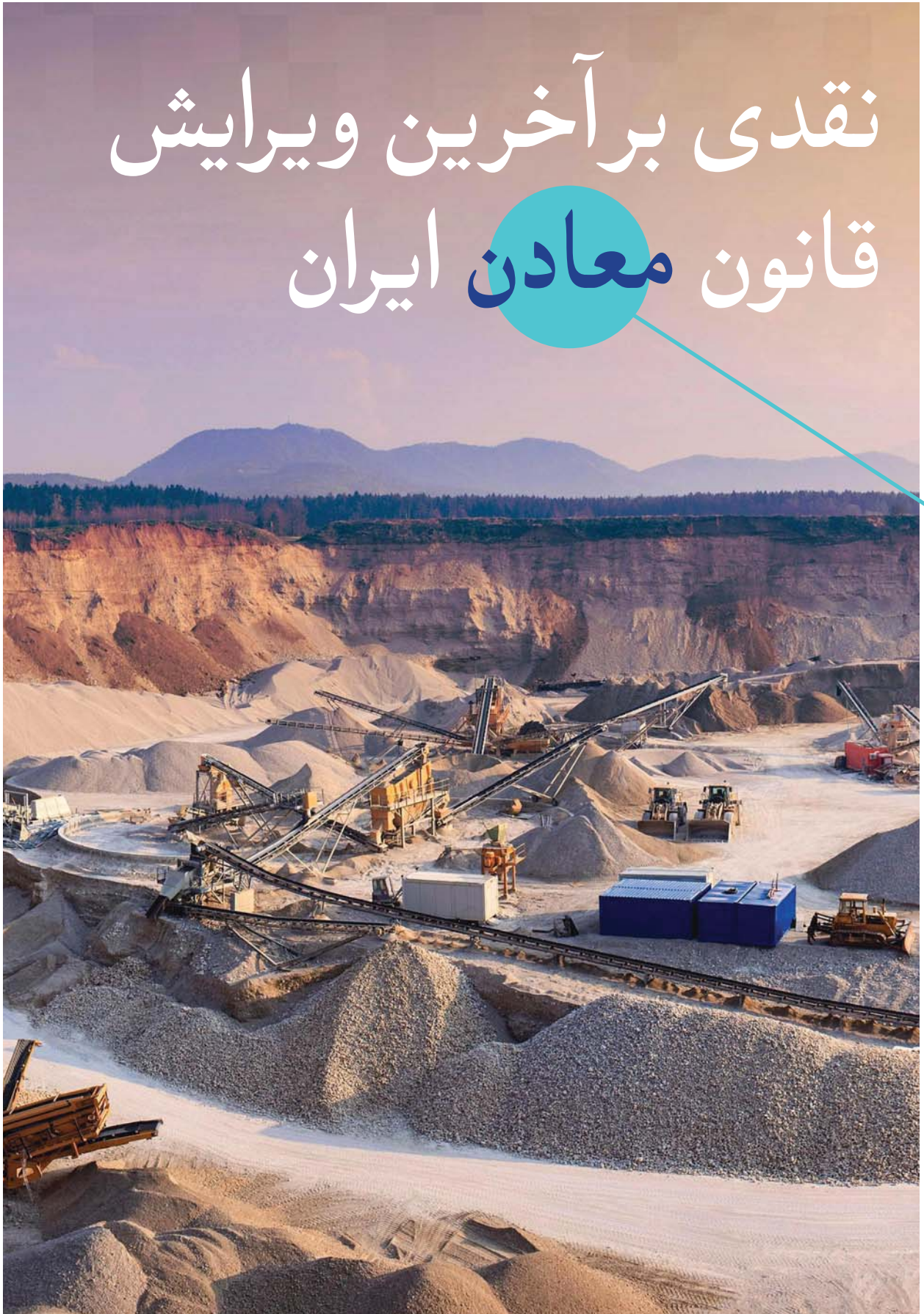
کمیسیون‌ها که خود محل تولید فکر در جهت توسعه اقتصادی هستند می‌توانند از توان و ظرفیت فکری بخش‌های مختلفی مانند دانشگاه‌ها نیز برای حل مشکلات فعالان اقتصادی استفاده نمایند. کارآمدی کمیسیون‌های اتاق در صورت رعایت اصول حاکم بر سیستم‌ها به دلیل ارتباط مستقیم با محیط‌های کسب‌وکار از یک سو و ارتباط با بخش‌های دیگر از جمله حاکمیت (شامل قوای سه‌گانه) و مراکز علمی و تحقیقاتی از سوی دیگر، می‌تواند به منصفه ظهور برسد.

با توجه به آنچه گفته شد از منظر داخلی نیز اتاق نیازمند ایجاد یک ساختار به همراه گردش کار مناسب بود.

صنعت ومعدن

- نقدی بر آخرین ویرایش قانون معادن ایران
- ظرفیت‌ها و چالش‌های صنعت ذغال سنگ استان کرمان؛ فرصت یا تهدید
- گفت‌وگو با «امین غفاری‌نژاد» معاون امور صنایع سازمان صنعت، معدن و تجارت شمال استان کرمان؛ یک اولویت؛ ایجاد صنایع پایین‌دستی برای صنایع بزرگ
- گفت‌وگو با «مجید غفاری» رییس هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی استان کرمان؛ ۳۰ درصد غیرفعال
- گفت‌وگو با «حسین سعیدی گراغانی» معاونت امور صنایع جنوب استان کرمان؛ رشد صنایع وابسته به کشاورزی
- چرا اندیشکده انرژی؟

نقدی بر آخرین ویرایش قانون معادن ایران



در سال ۱۳۱۷هـ. ش قانون معادن با تغییر و اصلاح با ۱۷ ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید، در سال ۱۳۲۸هـ. ش قانون معادن دگرباره تغییر یافت. سپس در سال ۱۳۳۶ قانونی برای معادن تصویب شد، آخرین قانون معادن، مصوب سال ۱۳۷۷ است که در سال‌های ۹۰ و ۹۲ نیز اصلاحاتی در آن اعمال گردید.

بررسی موادی از قانون اصلاح معادن مصوب سال ۱۳۹۰ و آئین‌نامه اجرائی:

■ بند الف، ماده یک، ماده معدنی را به صورت زیر تعریف می‌کند:

«ماده معدنی (کانی) هر ماده یا ترکیب طبیعی است که به صورت جامد یا گاز یا مایع و یا محلول در آب در اثر تحولات زمین‌شناسی به وجود آمده باشد.» این تعریف با تعریف علمی کانی (Mineral) تفاوت بارزی دارد؛ به عبارت دیگر، کانی یک عنصر یا ترکیب شیمیایی است که به طور معمول کریستالی است و در فرایندهای زمین‌شناسی تشکیل شده است [۱].

یا به عبارتی دیگر؛ کانی، ماده‌ای طبیعی و جامدی است که ترکیب شیمیایی نسبتاً ثابتی دارد و در ترکیب سنگ‌های پوسته زمین یافت می‌شود و دارای فرمول شیمیایی و ساختمان اتمی مشخص است. موادی مانند مروارید، صدف، استخوان، عاج و بسیاری دیگر که جانداران می‌سازند، کانی نیستند. تنها استثناء از این تعریف گرافیت و زغال سنگ است که در حقیقت منبعی آلی دارند ولی در مسیر تکامل خود دستخوش تغییرات بسیار شده‌اند و در حقیقت به طور مستقیم ریشه آلی ندارند. در متن این ماده قانونی، مشخص نیست قانون‌گذار بر چه مبنایی کانی را در حالت گاز و مایع! نیز در نظر گرفته است. احتمالاً با لحاظ کردن مواد هیدروکربوری گاز و مایع، آن‌ها را در گروه مواد معدنی قرار داده است. اگر چنین است، این موضوع با توجه به این‌که متولی منابع هیدروکربوری گاز و مایع وزارت نفت است، طرح آن در قانون معادن موضوعیتی ندارد.

■ بند ب، ماده یک، معدن را به صورت زیر تعریف می‌کند:

«معدن به محدوده‌ای اطلاق می‌شود که شامل ذخیره معدنی است. در صورتی که تعریف صحیح معدن یا کانسار عبارت است از محل انباشت طبیعی مواد معدنی یا سنگ‌های گوناگون که ارزش اقتصادی داشته باشند.»

■ بند پ، ماده یک، منبع معدنی را به صورت زیر تعریف می‌کند:

«منبع معدنی: تمرکز یا انباشت طبیعی یک یا چند ماده معدنی در زیر یا روی زمین و یا محلول در آب است.» در این بند، تعریف غیردقیقی به کار گرفته شده است که علاوه بر فرار سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، موجب فساد و مشکلات

سعید کریمی نسب
دانشیار بخش مهندسی معدن
دانشگاه شهید باهنر کرمان



مقدمه

نبود نقشه راه و استراتژی مدون در بخش معدن و سایر بخش‌های مرتبط با آن باعث شده است که قوانین نیز در راستای هدف مشخصی تنظیم نشوند. متأسفانه وجود عوامل پنهان و آشکار تأثیرگذار در فرآیند قانون‌گذاری و نبود استراتژی مدون زمینه را برای تنظیم و تصویب قوانینی رقم زده است که خروجی آن وضعیت فعلی در معادن کشور است. برای گریز از این معضل، دولت باید بجای دخالت در تولید، استراتژی توسعه صنعتی خود را به صورت مشخص تدوین کند و قوانین را در راستای اهداف تدوین شده وضع کند. البته تنها داشتن استراتژی در بخش معدن کفایت نمی‌کند، علاوه بر ضرورت استراتژی در بخش معدن باید برای سایر بخش‌های مرتبط با آن نیز استراتژی مشخص داشت؛ در غیر این صورت نوشتن استراتژی بی‌معنا و غیرقابل اجراست. از طرف دیگر نبود قوانین باثبات و شفاف در نظام مالیاتی، مالیات بر ارزش افزوده، حقوق دولتی، تصمیمات خلق‌الساعه و شوک‌آور، ورود سرمایه‌گذار را به بخش معدن با مشکل مواجه ساخته است. اصولاً بخش خصوصی، وارد حوزه‌هایی می‌شود که دارای شفافیت اطلاعاتی باشد. سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی پیش از هرگونه اقدام به سرمایه‌گذاری باید بدانند دقیقاً چه میزان بهره مالکانه، حقوق دولتی و حتی مالیات باید به دولت پرداخت کنند و روند افزایشی آن چگونه است؟ شفاف بودن قانون معادن، بهبود فضای سرمایه‌گذاری در بخش معادن برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را به دنبال خواهد داشت. به هر حال باید توجه شود که سرمایه‌گذاران خارجی خود را در آینده بخش خصوصی ایران می‌بینند. اگر با شفاف‌سازی مواد قانونی، مسیر رشد بخش خصوصی داخلی فراهم نشود، بدون تردید سرمایه‌گذاری خارجی هم در کشور رشدی نخواهد داشت.

در این نوشتار با نگاهی گذرا به واژه‌ها و عبارات متون آخرین ویرایش قانون معادن و آئین‌نامه‌ی اجرائی آن، مواردی که به لحاظ علمی، نامناسب و یا ناقص به کار گرفته شده است مطرح و به بررسی پیامدهای اجرائی آن پرداخته خواهد شد.

تاریخچه قانون معادن در ایران

قانون معادن در ایران در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی و بعد از آن دستخوش تغییرات وسیعی شده است؛ اما چون هدف بررسی تغییرات و تحولات این قانون نیست تنها به اختصار، تاریخچه‌ای از آن ارائه می‌شود:

در سال ۱۲۹۶هـ. ش نخستین قانون معادن مشتمل بر ۲۴ ماده به تصویب هیئت‌وزیران رسید،

راست آزمائی در فرآیند اکتشاف، باید از یک سیستم طبقه‌بندی که در مسیر سرمایه‌گذاری خارجی مورد قبول غالب مؤسسات سرمایه‌گذاری خارجی باشد بهره گرفت. هر چند در خصوص دیگر معادن که حتی بحث سرمایه‌گذاری خارجی هم مطرح نباشد ضروری است که از یک سیستم طبقه‌بندی بهره گرفته شود.

اکتشاف معدن به‌عنوان اولین و اساسی‌ترین بخش از عملیات معدنکاری با بسیاری از عدم قطعیت‌ها و ریسک‌ها همراه است؛ بنابراین با اعمال سیستم کلاسه‌بندی منابع معدنی، سطوح کاوش را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کنند که اگر در مراحل گام‌به‌گام مطالعات اکتشافی، نتایج بررسی‌ها مثبت نبود، از اتلاف سرمایه جلوگیری شود.

با اعمال یک سیستم کلاسه‌بندی منابع معدنی در فرآیند اکتشاف، امکان توجیه فنی و تکنیکی، ادامه یا توقف عملیات معدنکاری، کاهش فساد و رانت در بخش دولتی و خصوصی و نزدیک شدن به استانداردهای روز معدنکاری در سطح بین‌المللی را به همراه دارد.

■ در بند خ ماده یک، اکتشاف به‌صورت زیر تعریف شده است:

اکتشاف؛ مجموعه عملیات و تجسس ارادی است که به‌منظور یافتن کانسار انجام می‌گیرد و شامل عملیاتی از جمله موارد زیر است:

- ۱- نمونه‌برداری و انجام آزمایش‌های کمی و کیفی، ۲- بررسی‌های زمین‌شناسی، سنجش از راه دور، ژئوشیمیایی، ژئوفیزیکی و امثال آن، ۳- حفاری روباز و زیرزمینی، ۴- حفر گمانه و چاه پیمایی.
- بند «خ» ماده یک نیز همان مشکلات بند «پ» ماده یک، اصلاحیه قانون معادن در سال ۱۳۹۰ را در بردارد. این بند همه مراحل اکتشاف را درهم آمیخته کرده است! و عملاً هیچ خروجی قابل اتکائی ندارد. برای رفع مشکلات این بند نیز باید کدهای معتبر جهانی و سیستم استاندارد بین‌المللی اکتشاف را اعمال نمود.

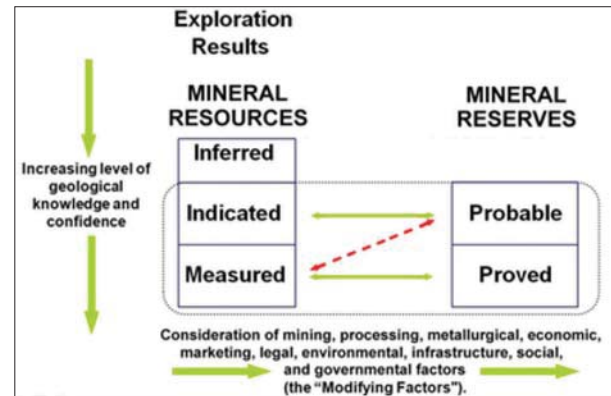
■ تبصره ماده ۷

در تبصره ماده ۷ آمده است که: در صورت عدم دستیابی به کانه (کانسنگ) پس از انجام عملیات اکتشافی حقی برای دارنده پروانه اکتشاف ایجاد نمی‌شود.

در این تبصره، متأسفانه قانون‌گذار به‌جای حمایت از سرمایه‌گذار در عرصه عملیات اکتشافات معدنی، وی را تنبیه می‌کند. در یک قانون خوب، ایجاب می‌کند، شرایطی فراهم آید که در روند عملیات اکتشافی اگر نتیجه مراحل گام‌به‌گام مطالعات اکتشافی مثبت نبود، ادامه عملیات اکتشافی متوقف و از اتلاف سرمایه جلوگیری شود.

در قانون معادن باید با توجه به مراحل چهارگانه اکتشاف، به‌منظور جلوگیری از اتلاف منابع افراد حقیقی و حقوقی، زمانی که در هر سطحی از مطالعات به جواب نرسند. عملیات اکتشافی

متعددی در فرآیند معدنکاری نیز خواهد شد. قانون معادن باید بر اساس مفاهیم علمی مترتب بر فرآیند اکتشافات سیستماتیک تنظیم شود، درواقع بین منابع معدنی (Mineral Resources) و ذخائر معدنی (Mineral Reserve) تفاوت وجود دارد (شکل ۱)



شکل ۱. تفاوت بین منابع معدنی (Mineral Resources) و ذخائر معدنی (Mineral Reserve) [۲]

بند «پ» ماده یک را، می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل در فرار سرمایه‌گذاران خارجی منظور کرد! تصور کنید یک سرمایه‌گذار خارجی برای سرمایه‌گذاری در فرآیند استخراج در یک معدنی که کار اکتشافی آن به اتمام رسیده، دعوت شده است، او بر اساس چه منطقی، داده‌های اکتشافی ما را باید قبول کند و میلیون‌ها دلار هزینه استخراج کند؟ و یا بانک‌های خارجی بر چه اساسی به سرمایه‌گذار وام دهند؟

متأسفانه قانون‌گذار به این مهم توجهی نداشته است و اکتشاف را همانند یک کار غیرعلمی و گنره ای و صرفاً تجربی در نظر گرفته است و انتظار دارد که سرمایه‌گذار هم بر مبنای داده‌های غیر سیستماتیک، سرمایه‌گذاری نماید؛ بنابراین لازم است در متن قانون روند استانداردهای روز معدنکاری بین‌المللی مورد توجه دقیق قرار گیرد. امروزه چندین سیستم کلاسه‌بندی اکتشاف در سراسر جهان وجود دارد؛ مهم‌ترین آن‌ها کد ۱ JORC استرالیا، طبقه‌بندی ۲ CIM کانادا، کد ۳ SAMREC آفریقای جنوبی و «طبقه‌بندی Chessboard می‌باشند [۳ و ۴ و ۵]».

منظور از منابع معدنی در فرآیند عملیات اکتشافی، عبارت‌اند از مناطقی با کانی‌سازی بالقوه معدنی که به سه دسته ذخائر ممکن یا استنباط شده (Inferred)، ذخائر احتمالی یا شناسایی شده (Indicated) و ذخائر قطعی یا اندازه‌گیری شده (Measured) تقسیم می‌شوند.

در حالی که در متن قانون معادن، ذخائر معدنی در فرآیند عملیات اکتشافی به‌عنوان ذخیره قابل استخراج معدن محاسبه و گزارش شده است.

بنابراین در قانون معادن به‌منظور فراهم نمودن یک سیستم

قانون‌گذار باید در این قبیل موارد نیز ارائه طریق نماید. در همین جا جالب است توجه خواننده گرامی به موضوعی که در ماده ۱۲ و ماده ۸ آئین‌نامه اجرائی قانون معادن آورده شده است جلب شود:

■ ماده (۱۲) آئین‌نامه اجرائی - حداکثر مساحت محدوده پروانه اکتشاف مواد معدنی گروه‌های موضوع ماده (۳) به شرح زیر است:

الف- گروه یک: نیم کیلومتر مربع، ب- گروه دو: یک کیلومتر مربع، پ- گروه سه: چهار کیلومتر مربع، ت- گروه چهار: سه کیلومتر مربع، ث- گروه پنج: بیست کیلومتر مربع، ج- گروه شش: دویست و پنجاه کیلومتر مربع.

در ماده ۸ آیین‌نامه اجرائی - مدت اعتبار پروانه اکتشاف برای مواد معدنی گروه‌های یک و دو حداکثر شش ماه و برای گروه‌های سه، چهار و پنج حداکثر یک سال است.

با مقایسه موارد فوق و مقیاس نقشه‌ها با ماده (۱۲)، آئین‌نامه اجرائی مشخص می‌شود که متأسفانه قانون‌گذار توجهی به مطالعات سیستماتیک اکتشاف نداشته است. مثلاً برای محدوده اکتشافی که وسعت آن نیم کیلومتر مربع است، مدت اعتبار پروانه اکتشاف شش ماه و یک محدوده اکتشافی به وسعت ۲۵۰ کیلومتر مربعی یعنی پانصد برابر حالت قبل، مدت اعتبار پروانه اکتشاف یک سال در نظر گرفته شده است!

را متوقف کنند؛ بنابراین ضروری است با توجه به سیستم طبقه‌بندی در فرآیند اکتشاف، مراحل ذیل متناسب با سیستم طبقه‌بندی موردنظر و طبقه‌بندی مواد معدنی در قانون معادن همسو گردد و در متن قانون گنجانده شود:

عملیات مراحل مختلف اکتشافی

الف- مرحله شناسایی (Reconnaissance):

منظور از شناسایی، بررسی عمومی اکتشافی در یک ناحیه برای آثاریابی و دستیابی به پتانسیل معدنی در مقیاس منطقه‌ای بر مبنای اطلاعات موجود است. بررسی‌ها به صورت مطالعات دفتری و یا همراه با مطالعات صحرایی بوده و با توجه به ریسک بسیار زیاد از روش‌های کم‌هزینه در واحد سطح استفاده خواهد شد، هدف از این مرحله تعیین مناطق امیدبخش معدنی است. این عملیات در مقیاس ۱/۲۵۰۰۰۰ و یا ۱/۱۰۰۰۰۰ انجام می‌شود.

ب- مرحله پی‌جوئی (Prospecting):

بررسی‌های سیستماتیک در مناطق امیدبخش به منظور تعیین محدوده‌های معدنی است. در این مرحله به صورت سیستماتیک از معیارهای زمین‌شناسی، ژئوفیزیکی و ژئوشیمیایی همراه با عملیات صحرایی و حفاری‌های اکتشافی محدود استفاده خواهد شد. دقت و مقیاس هر یک از معیارها توسط نقشه‌های تخصصی تعیین می‌شود، هدف از این مرحله تعیین محدوده‌های معدنی است. این عملیات در مقیاس ۱/۲۵۰۰۰ انجام می‌شود.

پ- مرحله اکتشاف مقدماتی (Preliminary Exploration):

اکتشاف مقدماتی شامل بررسی‌های سیستماتیک در محدوده‌های معدنی و تعیین حدود کانسار است. در این مرحله عملیات اکتشافی در محدوده‌های تعیین شده در مرحله پی‌جوئی به صورت سیستماتیک متمرکز خواهد شد، هدف از این مرحله تعیین محدوده دقیق و مشخصات کانسار است. این عملیات در مقیاس ۱/۵۰۰۰ و یا ۱/۱۰۰۰۰ انجام می‌شود.

ت- مرحله اکتشاف تفصیلی (Detailed Exploration):

شامل بررسی‌های سیستماتیک به منظور تعیین مشخصات دقیق سه‌بعدی کانسار است. در این مرحله کلیه بررسی‌های لازم برای تعیین مشخصات کانسار قبل از طراحی استخراجی انجام گرفته و کلیه داده‌های لازم جهت طراحی معدن، جمع‌آوری و در گزارش عملیاتی ارائه می‌شود؛ هدف از این مرحله اثبات وجود یک کانسار اقتصادی است. این عملیات در مقیاس ۱/۱۰۰۰ و یا ۱/۲۰۰۰ انجام می‌شود.

ث- اکتشاف حین بهره‌برداری

منظور از این نوع اکتشاف این است که بهره‌بردار در حین عملیات استخراجی به ماده معدنی قابل توجهی غیر از آنچه مجوز استخراجش را داشته است برخورد می‌نماید؛ بنابراین

با لحاظ کردن معادن در گروه معادن بزرگ، حداقل ۲۰ درصد آن براساس قانون در اختیار دولت خواهد بود دولت با این سهم ۲۰ درصدی حق مدیریت کلان سیستم را به خودش داده است و بر این اساس، مدیران ارشد این معادن را دولت منصوب می‌کند. دولتی بودن مدیریت ارشد معادن، یعنی همه تصمیمات کلیدی معادن بزرگ ما در اختیار دولت است. بنابراین در قانون معادن و آئین‌نامه آن باید به گونه‌ای عمل شود که تمامی معادن بزرگ فعلی، در گروه معادن «غیر بزرگ» قرار گیرند، در این صورت حاکمیت دولت از آن برداشته خواهد شد و سرمایه‌گذار خارجی نسبت به سرمایه‌گذاری در معادن ترغیب می‌شود.

موضوع انفال و معادن بزرگ

بر اساس استنباط از اصول ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی، معادن بزرگ جزء انفال می‌باشند و به‌صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است تا بر طبق مصالح عمومی مورد بهره‌برداری و استفاده قرار گیرند این رویه در اکثر کشورهای دیگر نیز وجود دارد و مختص ایران نیست.

در تیرماه ۱۳۸۵ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ از طرف مقام معظم رهبری، ابلاغ گردید و دولت را موظف نمود تا ۸۰ درصد از سهام بخش‌های دولتی را به بخش خصوصی واگذار کند. بر این اساس، واگذاری تمام معادن بزرگ (به‌استثنای نفت و گاز) به بخش خصوصی و تعاونی مجاز گردیده است.

با توجه به قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰ و تبصره ۲ ماده ۶۰ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن، تشخیص معادن بزرگ بر اساس دستورالعمل شورای عالی معادن خواهد بود که هر سه سال یک‌بار بازنگری خواهد شد.

اما تعریف «معادن بزرگ» و این که اصولاً چه معادنی «بزرگ» هستند هنوز به‌طور مشخص در قانون گنجانده نشده است. در واقع تعریف «معادن بزرگ» یکی از ابهامات بخش معدن کشور است که تاکنون مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است.

در کشور ما معادنی چون مس سرچشمه، سونگون، چغارت، گل‌گهر، سنگان، انگوران، چادرمو و... تداعی‌گر معادن بزرگ در اذهان ایرانیان هستند، اما این معادن تنها در کشور ما می‌توانند عنوان «بزرگ» را به خود اختصاص دهند [۶].

اصولاً واژه بزرگ تقریباً مترادف با «دولتی» یا خصولتی! در بخش معدن کشور قلمداد می‌شود؛ چراکه این معادن بزرگ هم‌اکنون نسبت به سایر معادن کشور که در اختیار بخش خصوصی‌اند از لحاظ نوع ذخیره و سایر موارد، بسیار مهم‌تر و بزرگ‌تر هستند، اما این که معادن بزرگ ایران تا چه اندازه به معادن بزرگ دنیا نزدیک است سؤالی است که همواره در ذهن بسیاری از متصدیان بخش معدن کشور است.

طاهر احمدی‌نژاد رییس کمیته قانون خانه معدن ایران و مسئول تدوین قانون جدید معادن در این رابطه می‌گوید: تعریف معادن بزرگ در ایران، تعریفی قراردادی است که در اوایل انقلاب با توجه به دولتی شدن معادن این اصطلاح شکل گرفته است [۶].

دکتر مرتضی اصائلو معتقد است ایران به‌رغم داشتن ذخایر بزرگ معدنی فاقد معدن بزرگ در قد و قواره‌های معادن بزرگ دنیا است. در مقیاس جهانی معادنی را بزرگ می‌نامند که محصول نهایی آن‌ها (در فلزات شمش) بیشتر از ۵۰۰ هزار تن در سال باشد [۶]. این در حالی است که معادن فلزی ایران که عمدتاً در اختیار دولت هستند و نام معادن بزرگ را به خود گرفته‌اند تولید محصول نهایی‌شان چیزی در حدود ۲۵۰ هزار تن است (به‌عنوان مثال تولید حدود ۲۵۰ هزار تن مس کاتد در مجتمع مس سرچشمه در سال ۹۷).

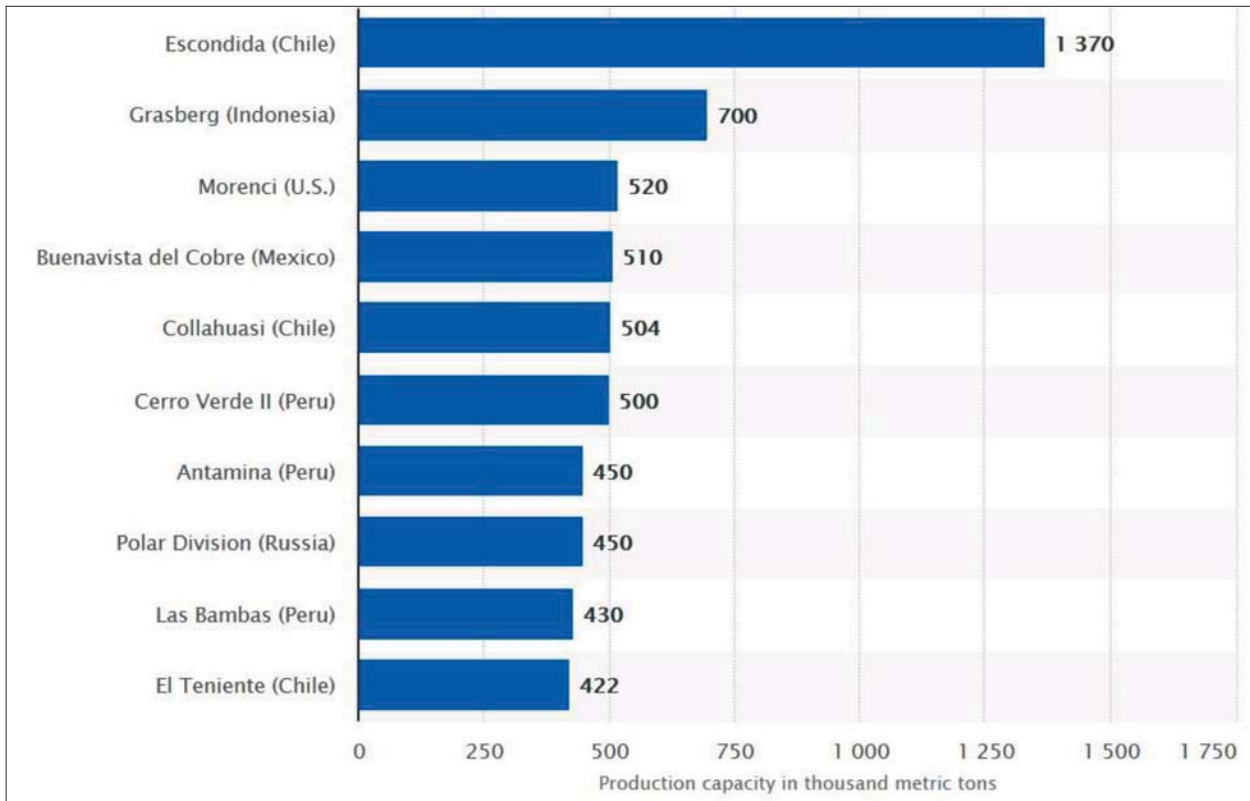
معادن بزرگ در زمان‌های مختلف تعاریف مختلفی داشته‌اند. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۰۰ معادنی که میزان تولید روزانه آن‌ها

۱۰۰ تن بود به‌عنوان معادن بزرگ شناخته می‌شدند. در سال ۱۹۳۰ این میزان تولید به ۱۰۰۰ تن، سال ۱۹۶۰ به ۱۰ هزار تن و در سال ۱۹۹۰ به ۱۰۰ هزار تن در روز رسیده که نشان می‌دهد به ازای هر ۳۰ سال، تولید روزانه معادن ۱۰ برابر شده و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۰ معادن بزرگ به معادنی اطلاق شود که تولید روزانه آن‌ها بیش از یک‌میلیون تن باشد. تا سال ۲۰۲۰، معادنی بزرگ هستند که سالانه بیش از ۳۵ میلیون تن تولید داشته باشند و از این سال به بعد تولید سالانه آن‌ها به بیش از ۳۵۰ میلیون تن در سال برسد [۶].

بنابراین حتی اگر تعریف سال ۱۹۹۰، امروز هم برای معادن بزرگ کشورمان به کار برده شود، ملاحظه خواهد شد که هیچ کدام از معادن کشور ما در گروه معادن بزرگ دنیا نیست [۶]. به‌زعم بعضی از کارشناسان، در حال حاضر چون بزرگ‌ترین معادن کشور معادن دولتی‌اند به‌کارگیری این عنوان در ایران مشکلی ندارد؛ چراکه بزرگ‌تر از این معادن در داخل وجود ندارد و لذا به‌کارگیری این اصطلاح در کشور خالی از اشکال است. هم‌اکنون معادن بزرگ ما همین معادن دولتی هستند که

میزان تولیدشان نیز روشن و مشخص است [۶]. اما این موضوع از این منظر باید مورد توجه قرار گیرد که حضور سرمایه‌گذاران خارجی در معادن بزرگ ما بسیار حائز اهمیت است؛ مثلاً ایران علی‌رغم قرار گرفتن بر روی کمربند مس جهان هنوز نتوانسته در این رابطه پیشرفت قابل ملاحظه‌ای همچون شیلی داشته باشد؛ علت آن هم به عدم حضور سرمایه‌گذاران خارجی در معادن بزرگ مس کشور برمی‌گردد؛ بنابراین قرار گرفتن معادن دولتی - خصولتی ما در گروه معادن بزرگ از دید یک سرمایه‌گذار خارجی حائز اهمیت است، چراکه بر اساس سیاست‌های بند «ج» اصل ۴۴، دولت موظف شده است که حدود ۸۰ درصد معادن بزرگ (۴۰ درصد در قالب سهام عدالت و مابقی در بورس) را به بخش خصوصی واگذار کند. از طرف دیگر در آیین‌نامه اجرائی قانون معادن آمده است که تشخیص معادن بزرگ بر اساس دستورالعمل شورای عالی معادن خواهد بود که هر سه سال یک‌بار بازنگری خواهد شد.

به عبارت دیگر اگر در مقیاس جهانی به معادن کشورمان نگاه شود معادن فعلی ما هیچ‌کدام در گروه معادن بزرگ قرار نمی‌گیرند، اما با لحاظ کردن این معادن در گروه معادن بزرگ، حداقل ۲۰ درصد آن بر اساس قانون در اختیار دولت خواهد بود دولت با این سهم ۲۰ درصدی حق مدیریت کلان سیستم را به خودش داده است و بر این اساس، مدیران ارشد این معادن را دولت منصوب می‌کند. دولتی بودن مدیریت ارشد معادن، یعنی همه تصمیمات کلیدی معادن بزرگ ما در اختیار دولت است. بنابراین در قانون معادن و آیین‌نامه آن باید به‌گونه‌ای عمل شود که تمامی معادن بزرگ فعلی، در گروه معادن «غیر بزرگ» قرار گیرند، در این صورت حاکمیت دولت از آن برداشته خواهد شد و سرمایه‌گذار خارجی نسبت به سرمایه‌گذاری در معادن ترغیب می‌شود.



شکل ۲- آمار مربوط به سال ۲۰۱۸، معدن Escondida در شیلی با تولید ۱/۳۷۵ میلیون تن بزرگترین و معدن El Teniente در شیلی با تولید ۴۲۲ هزار تن در سال کمترین مقدار در بین ۱۰ معدن بزرگ مس جهان [۷]

مراجع:

- 1-Nickel, E.H. (1995) The Definition of a Mineral. The Canadian Mineralogist, 33, 689-690
- 2-CRIRSCO". www.crirSCO.com. Presentation to the International Accounting Standards Board :SAMREC
- 3-NI 43-101 Standards of Disclosure for Mineral Projects, 2011 version
SAMCODE - South African Mineral Codes
- 4-<https://www.samcode.co.za/SAMCODE> - South African Mineral Codes. Retrieved 06 June 2019
- 5-Dill, Harald G. (June 2010). "The "chessboard" classification scheme of mineral deposits: Mineralogy and geology from aluminum to zirconium". Earth-Science Reviews. 100 (1-4): 1-420. doi:10.1016/j.earsci-rev.2009.10.011, Retrieved 06 June 2019
۶. روزنامه دنیای اقتصاد، شماره روزنامه ۴۶۲۳، دوشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۸
- 7-<https://www.statista.com>, Retrieved 06 June 2019

به‌عنوان نمونه در شکل ۲، ملاحظه می‌شود که معدن Escondida در شیلی با تولید ۱/۳۷۵ میلیون تن در سال ۲۰۱۸، بزرگ‌ترین مقدار تولید معادن مس جهان را داشته است [۷]، این معدن متعلق به شرکت‌های بین‌المللی Japan Escondida، BHP Billiton و Rio Tinto می‌باشد که با مشارکت یکدیگر در توسعه این معدن نقش آفرینی می‌کنند.

ضروری است در نوشتاری دیگر به مواردی از تعارضات قانون معادن که در زیر نمونه‌هایی از آن آمده است مورد توجه قرار گیرد:

- تعارضات قانونی متعدد بین قانون اصلاح قانون معدن و قانون حفاظت محیط زیست،
- تعارضات قانونی در خصوص چگونگی محاسبه و وصول حقوق دولتی و چگونگی هزینه کرد آن،
- تعارض قوانین و سرمایه‌گذاری محدود، کاهش بهره‌وری در بیش از هفت هزار واحد معدنی کوچک مقیاس،
- ضرورت اعمال قوانین شفاف در برداشت صیانتی از معادن با رعایت الزامات زیست‌محیطی و تکمیل زنجیره ارزشی در معدن و صنایع معدنی،
- ضرورت اعمال قوانین «عدالت زیستی و بین نسلی».

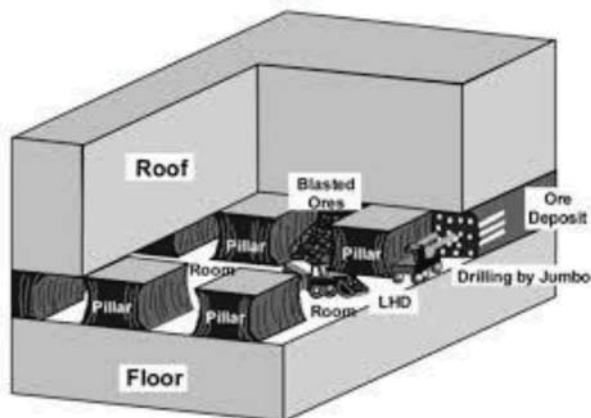
ظرفیت‌ها و چالش‌های صنعت ذغال‌سنگ استان کرمان؛ فرصت یا تهدید

< حسین جلالی‌فر

عضو هیئت‌علمی دانشکده فنی و
مهندسی دانشگاه شهید باهنر کرمان



داشته است. طی سالیان متمادی سرمایه‌گذاری‌های بزرگی در بخش توسعه تجهیزات و نیروی انسانی ماهر در این حوزه



شکل ۱. نمایی از یک معدن زیرزمینی اتاق و پایه

شکل (۱) نمایی از یک معدن اتاق و پایه جهت استخراج ذغال سنگ را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشخص است معدنکاری زیرزمینی با ریسک‌ها و خطرات بسیار زیادی همراه است، لذا بهره‌گیری از نیروی کارآمد و ماهر - تکنولوژی به روز و مکانیزه - سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق و مطمئن می‌تواند بر چالش‌ها و خطرات این حوزه غالب آید که در ادامه به‌طور اجمالی به تمام موارد مؤثر و موانع تولید پرداخته خواهد شد. استان کرمان را می‌توان به‌عنوان قطب کلیه منابع معدنی بالأخص ذغال سنگ کشور در نظر گرفت، اما صنعت ذغال سنگ استان مدتی است که رو به افول رفته و مشکلات متعددی گریبان‌گیر این صنعت باسابقه استان شده به‌طوری‌که این صنعت قدیمی را ضررده و با مشکلاتی مواجه کرده است.

قدمت معادن ذغال سنگ استان کرمان بیش از نیم‌قرن است. این صنعت مدت زمان زیادی نبض صنعت فولاد را در دست

ذغال سنگ بایستی نگهداری فضاهای زیرزمینی نیز پیشرفته و مدرن باشد تا روند تولید به صورت هماهنگ انجام گیرد لذا اگر از سیستم‌های نگهداری سنتی در ذغال سنگ استان که قطعات چوبی و یا قاب‌های فولادی می‌باشند کماکان استفاده شود به هیچ‌وجه نباید منتظر تحول شگرفی در این حوزه در استان بود. شکل (۳). نمونه‌ای از سیستم‌های نگهداری سنتی را نشان می‌دهد.



شکل ۳. استفاده از روش‌های سنتی در نگهداری تونل‌ها و فضاهای زیرزمینی

در مقابل با پایداری فضای زیرزمینی به روش سنتی امروزه از سیستم‌های فوق‌العاده کارآمد و ارزان در دنیا استفاده می‌شود؛ به نام سیستم پیچ سنگ که در معادن ذغال استان به هیچ‌وجه استفاده نمی‌شود. شکل (۴). تصویری از این سیستم نگهداری همراه با شبکه‌های سیمی را در یک معدن زیرزمینی نشان می‌دهد که دارای مقطع زیاد و غیر دایره‌ای است.



شکل ۴. کاربرد سیستم نگهداری پیچ سنگ

در ایران به علت منابع غنی نفت و گاز سهم زیادی از انرژی مصرفی را به خود اختصاص داده و اکثر ذغال مصرفی عمدتاً برای کارخانه فولادسازی اصفهان مصرف می‌شود و شاید این دلیلی باشد که سرمایه‌گذاران و بخش دولتی استقبال چندانی از این صنعت پر درآمد و اشتغال‌زا نکرده‌اند. همان‌طور که در شکل (۵) نشان داده شده است سهم قاره آسیا در تولید منابع معدنی

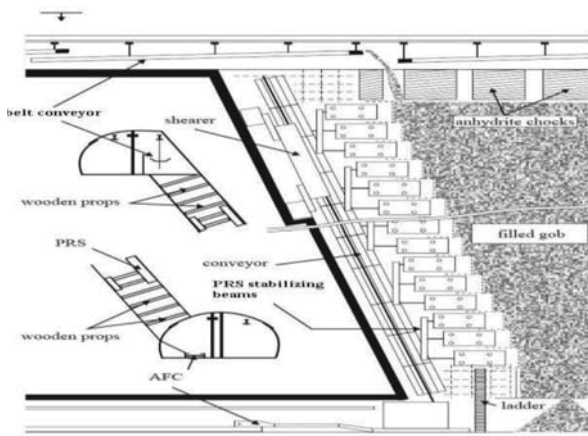
انجام شده است، اما این توسعه از رشد و بهره‌گیری دنیا از تکنولوژی‌های به روز و مکانیزه به شدت عقب افتاده است. مدت مدیدی است که این صنعت با سابقه کشور و استان رونق چندانی نداشته و با شرایط سختی روبه رو می‌باشد که بالطبع علاوه بر بخش صنایع فولاد بخش نیروی کار و کارگری این صنعت شدیداً متضرر خواهد شد.

ایران از نظر ذخایر ذغال سنگ در حدود یک درصد ذخایر دنیا را به خود اختصاص داده است؛ به طوری که ذخایر زمین‌شناسی ذغال سنگ در ایران حدود ۱۴ - ۱۱ میلیارد تن و ذخایر قطعی حدود ۱ / ۱ میلیارد تن است.

با توجه به این که آژانس بین‌المللی انرژی اعلام کرده است که بعد از سال ۲۰۴۰ و حدود سه دهه بعد از آن سوخت‌های فسیلی از جمله ذغال سنگ یکی از مهم‌ترین منابع انرژی در جهان محسوب می‌شود؛ و پیش‌بینی کرده است که بعد از سال ۲۰۴۰ تولید ذغال سنگ باز افزایش پیدا می‌کند؛ و علاوه بر آن بیان کرده است که ذغال سنگ یکی از مهم‌ترین منابع تولید الکتریسیته در سه دهه آتی خواهد بود؛ لذا بایستی با توجه به ذخایر قابل توجه ذغال در کشور و استان به این صنعت توجه ویژه‌ای بشود. همچنین گزارش شده است که هم‌اکنون تولید ذغال سنگ در دنیا ۰/۸ درصد کل منابع معدنی است و در ایران این سهم به ۰/۱ درصد می‌رسد.

استخراج لایه‌های پرشیب

در مواردی مثل استخراج لایه‌های پرشیب بالأخص با شیب ۴۰ درجه به بالا استفاده از تکنولوژی به روز و مکانیزه جبهه کار طولانی هم برای لایه‌های با شیب زیاد کارایی ندارد و بایستی از تکنولوژی‌های دیگری بهره جست و تجهیزات خاصی نیاز دارد که در کشور وجود ندارند. شکل (۲) شمایی از سیستم قدرتی و شیرر را نشان می‌دهد.



شکل ۲. سیستم شیرر و نگهداری قدرتی در لایه‌های پرشیب

ناکارآمدی سیستم‌های نگهداری قدیمی

همزمان با استفاده از تکنولوژی‌های مکانیزه و مدرن برای استخراج

کشورهایی مثل چین و استرالیا با بهره‌گیری از تکنولوژی و تجهیزات مکانیزه، سالانه به ترتیب بیش از یک میلیارد تن و ۵۰۰ میلیون تن تولید دارند، در حالی که تولید ایران شاید از ۲ میلیون تن در سال نیز کمتر باشد. عوامل متعددی دست‌به‌دست هم داده و روند تولید ذغال سنگ در کشور را به روند نزولی تبدیل کرده و به علت عدم پشتوانه و حمایت دولت، معادن کوچک و حتی معادن بزرگ در حال تعطیل شدن هستند و به‌احتمال قوی در آینده نه‌چندان دور صنعت فولاد کشور دچار چالش جدی خواهد شد؛ این در حالی است که در گذشته بیشترین تعداد نیروی کاری و اشتغال در کشور مربوط به حوزه ذغال در استان کرمان بوده است. در گذشته صنعت مربوط به ذغال بسیار پویا و پررونق بود، اما چند سالی است که با رکود جدی مواجه شده است.

گزارش شده است که در ایران تولید ذغال سنگ در سال ۱۳۹۷ حدود ۲۵ درصد افزایش داشته است و هدف بر این بوده است که ایران تا سال ۲۰۱۲ بتواند سالانه ۵ میلیون تن ذغال تولید کند در حالی که بعد از ۸ سال هنوز موفق به تولید ۵۰ درصد این حجم هم نشده است.

به‌طور کلی مشکلات و چالش‌هایی را که در حوزه صنعت ذغال استان کرمان وجود دارد می‌توان به‌صورت زیر خلاصه کرد:

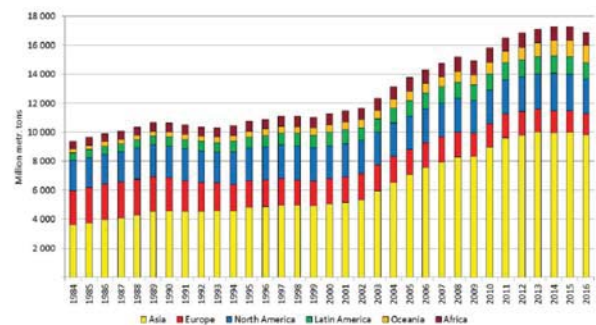
■ نیروی انسانی

- اهم مشکلات این حوزه به شرح زیر است.
- دریافتی ناچیز،
- عدم دریافت به‌موقع حقوق (بعد از چندین ماه)،
- عدم بازنشستگی بعد از ۲۰ سال سابقه کار،
- واگذاری به صندوق بازنشستگی فولاد،
- بیمه کارگران،
- استخدام بی‌رویه در شرکت ذغال سنگ که هیچ تناسبی نسبت به ایجاد زیرساخت‌ها و آماده‌سازی معادن و انجام اکتشافات زیرسطحی و تفصیلی نداشته و باعث شد میزان حقوق پرسنل از درآمد ناشی از فروش ذغال سنگ کمتر بشود و این موجب گردیده تا این صنعت، امروزه ضرر ده و پرچالش باشد.

■ تجهیزات:

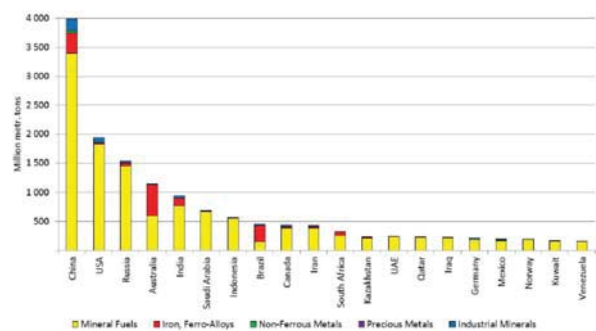
- شاید به جرأت بتوان گفت بخش تجهیزات در صنعت ذغال استان بسیار فقیر است به‌طوری که هیچ سیستمی و تکنیکی از ۴۰ سال پیش در معادن ذغال تغییر نکرده و یا حتی اصلاح نشده است و این بخش سهم بسیار عمده‌ای را در رکود صنعت ذغال استان ایفا کرده است. مختصری از معایب این بخش در ادامه بیان شده است:
- فرسوده بودن تجهیزات،
- سنتی بودن تجهیزات،
- عدم بهره‌گیری از تکنولوژی‌های مکانیزه و جدید،

نسبت به کل دنیا تقریباً قابل‌توجه است و بایستی دید، ایران در قاره خود چه جایگاهی دارد.



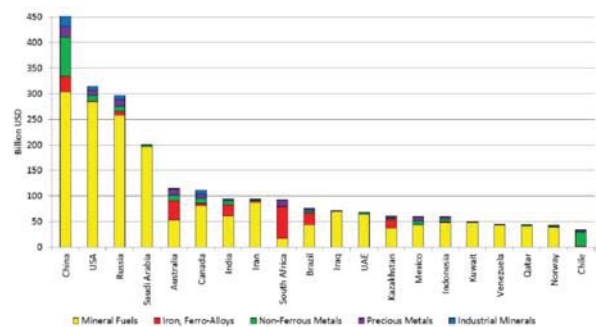
شکل ۵. تولید معادن دنیا از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۱۶ در کل قاره‌ها

سهم ایران در تولید کل مواد معدنی فلزی و غیرفلزی نسبت به دنیا در شکل (۶) آورده شده است که در مجموع با این‌همه منابع معدنی که در کشور وجود دارد سهم قابل‌قبولی نیست و بی‌شک یکی از عوامل کندکننده روند تولید عدم بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نو و مکانیزه می‌باشد.



شکل ۶. بیست کشور بزرگ تولیدکننده مواد معدنی در سال ۲۰۱۶

میزان درآمد حاصل از منابع معدنی در بیست کشور بزرگ تولیدکننده و سهم ایران در شکل (۷) نشان داده شده است. همان‌طور که دیده می‌شود کشور ایران با جمعیتی چهار برابر کشورهای صنعتی استرالیا و کانادا درآمد کمتری دارد که مزیت بهره‌گیری از تکنولوژی مکانیزه به‌خوبی محرز می‌شود.



شکل ۷. درآمد حاصل از منابع معدنی و فسیلی در سال ۲۰۱۶



در حوزه ذغال سنگ کشور و استان، راهکارهایی می‌تواند ارائه شود که به تدریج این صنعت را از حالت بیمارگونه به صنعتی فعال و پویا تبدیل کرد. این راهکارها در ادامه به‌طور خلاصه بیان می‌شوند:

- بانک‌ها، بخش خصوصی را از طریق وام‌های کم‌بهره و اشتغال‌زا حمایت کنند تا سرمایه‌گذاری نمایند. در کنار آن، معافیت‌های مالیاتی صادر شود و نیز تسهیلات دیگر. رفع موانع قانونی در جهت رونق این صنعت بسیار کارساز است. - تشکیل کارگروه‌هایی که قیمت واقعی ذغال سنگ را متناسب با هزینه‌های مصرفی و تولید به دست آورند و ریسک‌های سرمایه‌ای را در شرایط فعلی ارزیابی کنند.

- اطمینان دادن به شرکت‌ها و صنایع داخلی بر کیفیت ذغال سنگ و تولید بومی و عدم واردات ذغال،

- رفع موانع تولید در معادن؛ سازمان صنعت و معدن و تجارت استان اخیراً کارگروه‌هایی را تشکیل داده است که در جهت رفع موانع تولید، جلسات متعددی برگزار کرده که در حال تداوم می‌باشند، امید است با بهره‌گیری از پتانسیل‌های افراد و شرکت‌های مختلف و کاهش چالش‌ها و موانع مرتبط، شاهد رونق تولید و اشتغال در حوزه ذغال سنگ باشیم.

- شکستن سنت استفاده از روش‌های استخراج قدیمی و کم‌بهره و جایگزین کردن آن با سیستم‌های به روز و کارآمد، - حذف کامل قاب‌های فولادی (تنها سیستم نگهداری موجود معادن ذغال) از لیست نگهداری تونل‌ها و فضاهای زیرزمینی،

- استفاده از سیستم تقویتی ارزان و سریع‌النصب و کارآمد پیچ سنگ به‌جای سیستم‌های سنتی و گران،

- اعتماد مسئولان شرکت ذغال سنگ به دانشگاه‌ها و استفاده و استقبال از طرح‌های پیشنهادی. ●

- عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی در ورود تکنولوژی و ماشین‌آلات معدنی نو و مکانیزه،
- افزایش هزینه‌های تولید و قیمت لوازم و تجهیزات معدنی،
- عدم استفاده از سیستم‌های نگهداری مدرن و کارآمد.

شرایط ذغال و اکتشافات

- شکی نیست که استان کرمان بزرگترین پهنه ذغال کشور را در اختیار دارد، اما هم‌اکنون تجهیزات پیشرفته و مدرن رنج می‌برد و هم‌اینکه آخرین اکتشافات حوزه ذغال کرمان مربوط به زمان‌های قدیم یا بیش از ۵۰ سال می‌باشد و شاید یکی از دلایلی که باعث رکود در این حوزه شده است عدم اطلاع دقیق از شرایط لایه‌های زیرسطحی و ذخایر قطعی قابل استحصال است که باعث شده رغبت سرمایه‌گذاری از بخش خصوصی گرفته شود؛ چون عدم اطلاع از ذخایر قطعی ریسک سرمایه‌گذاری را به شدت بالا می‌برد. - شاید یکی از دلایل توقف عملیات اکتشافات، رویکرد صنعت ذغال بود که تولید محور نبوده بلکه اشتغال محور بوده است. در همین راستا جذب تعداد پرسنل زیاد و بعضاً مبتدی که خود منجر به اعمال هزینه‌های گزاف بر بدنه این صنعت شده است، مشکل را مضاعف کرده است؛ به‌طوری که شرکت ذغال سنگ در پرداخت حقوق پرسنل دچار مشکل است.

- ذخایر اکتشافی گذشته روبه اتمام است و بایستی برای تداوم عملیات معدنی و افزایش رونق تولید و اشتغال، عملیات اکتشافی زیرسطحی شروع و با جدیت پی‌گیری شود، سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی جذب و سرمایه‌داران خصوصی ترغیب به سرمایه‌گذاری شوند و الا شعار سال که رونق تولید هست، میسر نخواهد شد.

پیشنهادها

در جهت کاهش مشکلات و چالش‌های تدریجی اعمال شده



گفت‌وگو با «امین غفاری نژاد»
معاون امور صنایع سازمان صنعت، معدن و تجارت شمال استان کرمان

یک اولویت؛ ایجاد صنایع پایین دستی برای صنایع بزرگ

توجه داریم که در کشورهای توسعه یافته که دربردارنده صنایع بزرگ و پیشرفته هستند، بنگاه‌های کوچک نقش متمایز در تاریخ توسعه آن‌ها ایفا کرده‌اند و امروزه نیز سهم عمده‌ای از اشتغال و تولید را به خود اختصاص داده‌اند. غفاری نژاد معاون امور صنایع سازمان صنعت، معدن و تجارت استان شمال کرمان اشاره می‌کند که سهم صنایع کوچک از کل صنایع کشور در حدود ۹۲ درصد است که حدود ۴۵ درصد از کل اشتغال بخش صنعت کشور را به خود اختصاص داده است. در استان کرمان نیز ۸۹ درصد پروانه‌های بهره‌برداری در حوزه صنایع کوچک است که حدود ۳۷ درصد اشتغال صنعتی را دربرمی‌گیرد. حاصل گفت‌وگو با وی چگونگی چالش‌ها و نیز ساختار و کارآمدی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های حوزه صنایع کوچک را نشان می‌دهد که در ادامه قابل مطالعه و ملاحظه است.



موزاییک، تیرچه و بلوک و غیره می‌باشد. رتبه سوم گروه ساخت مواد و محصولات شیمیایی است، صنایعی که در این گروه قرار دارند حدود ۸۱ فقره واحد صنعتی هستند. گروه چهارم محصولات لاستیک و پلاستیک که ۷۶ فقره به خود اختصاص داده است. این دسته عمده صنایع موجود در گروه صنایع کوچک استان هستند. در مورد آمار صادرات اطلاعات دقیقی نداریم. البته بیشتر سهم صادرات استان به واحدهای متوسط و بزرگ تعلق می‌گیرد. اگر صادرات استان حدوداً بالای ۲ میلیارد تومان باشد بخش زیادی توسط واحدهای بزرگ صورت می‌گیرد. البته اگر فراوری و ضبط پسته را جزو صنایع کوچک به حساب بیاوریم سهم صنایع کوچک عدد قابل توجهی می‌شود، اما اگر پسته را کنار بگذاریم از لحاظ کالاها و محصولات صنعتی واحدهای زیادی نداریم که صادرکننده باشند مثلاً بنگاه تولیدی در سیرجان وجود دارد که نوعی الیاف نانو تولید می‌کند و سالانه حدود ۲۰۰ هزار دلار به خارج از کشور صادر می‌کند؛ اما در مجموع کالاهای صادرات صنعتی در استان، سهم صنایع کوچک ما رقم قابل توجهی نیست.

در حال حاضر چه نسبتی از صنایع کوچک استان غیرفعال و راکد است؟

بر اساس پایشی که سال گذشته در کل استان انجام شد از حدود ۱۴۰۰ واحد تولیدی حدود ۳۹ درصد واحدهای موجود شمال استان را

صنایع کوچک چه سهمی از صنایع استان به لحاظ تعداد، سرمایه‌گذاری، اشتغال، تولید و صادرات را به خود اختصاص داده است؟

ابتدا مقدمه‌ای از صنایع کوچک مطرح می‌کنم. تعاریف مختلفی از صنایع کوچک چه در منابع داخلی و چه در کشورهای دیگر وجود دارد. در ایران در این مورد وحدت رویه‌ای بین دستگاه‌ها وجود ندارد؛ به‌طور مثال وزارت صنعت، معدن و تجارت تعریف خاص خود را دارد و بانک مرکزی در آمارگیری‌های خود مجموعه دیگری را به‌عنوان صنایع کوچک در نظر می‌گیرد. در حالی که به نظر می‌رسد باید تیمی مرکب از همه مراجع مرتبط، به تعریف واحد و مشخصی برسند و همه آن را ملاک عمل قرار دهند.

به‌عنوان مثال در آلمان بحث صنایع کوچک را هم بر مبنای اشتغال در نظر می‌گیرند و هم حجمی از سرمایه در گردش مالی. تعریفی که آلمان به‌عنوان یک کشور صنعتی از صنایع کوچک دارد این است که تمام واحدهایی که زیر ۱۰ نفر پرسنل و حدود ۲۵۰ هزار یورو (معادل ۴ میلیارد تومان) گردش مالی داشته باشند صنایع کوچک نامیده می‌شوند و اگر بین ۱۰ تا ۵۰۰ نفر پرسنل و گردش مالی ۲۵ میلیون یورو (معادل ۴۰۰ میلیارد تومان) داشته باشند صنایع متوسط گفته می‌شوند؛ اما در ایران در تعریفی که وزارت صنعت، معدن و تجارت از قدیم ملاک عمل قرار داده فقط اشتغال مبنای قرار گرفته و در تعریف دسته‌بندی صنایع، گردش مالی بنگاه مدنظر قرار ندارد. بر این اساس بنگاه‌های زیر ۱۰ نفر پرسنل را صنایع خرد، بین ۱۰ تا ۴۹ نفر را صنایع کوچک، ۵۰ تا ۲۵۰ نفر صنایع متوسط و از ۲۵۰ به بالا را صنایع بزرگ می‌گوییم. البته در اینجا صحبت ما صنایع خرد و کوچک است و صنایع متوسط را شامل نمی‌شود. به هر حال این‌که در کشور، ما هنوز به یک وحدت رویه نرسیده‌ایم و هرکس از نگاهی به این قضیه نگاه می‌کند ایرادی است که وجود دارد.

سهم صنایع کوچک از کل صنایع کشور حدود ۹۲ درصد است که حدود ۴۵ درصد از کل اشتغال بخش صنعت کشور را شامل می‌شود؛ اما در استان کرمان در شرایط فعلی حدود ۱۲۳۲ پروانه بهره‌برداری فعال داریم که از این تعداد ۱۰۹۵ واحد تولیدی کمتر از ۵۰ نفر اشتغال دارند؛ به عبارتی ۸۹ درصد تعداد پروانه‌های بهره‌برداری استان کرمان مشمول تعریف صنایع کوچک می‌شوند. این ۸۹ درصد از لحاظ اشتغال در استان در واحدهای صنعتی توانسته‌اند حدود ۳۷ درصد کل اشتغال بخش صنعت را ایجاد کنند، یعنی در کرمان حدود ۲۳۵۰۰ نفر در صنایع کوچک اشتغال دارند.

نزدیک بیست گروه مختلف صنعتی در کرمان کار می‌کنند که چهار گروه بیش‌ترین تعداد صنایع کوچک را دارند. اولین گروه، گروه محصولات غذایی و آشامیدنی است که حدود ۳۰۰ فقره از تعداد پروانه‌های صنعتی شامل: صنایع شیر، کیک و کلوچه، نوشیدنی‌ها و زیرمجموعه این صنایع در این گروه قرار گرفته است. بعد از گروه صنایع غذایی، گروه محصولات کانی غیرفلزی است که حدود ۲۷۰ فقره از تعداد پروانه‌های صنعتی شامل: واحدهای تولید آجر،

○ اولویت‌های مورد نظر در جهت گسترش رونق تولید صنایع کوچک چیست؟

همان‌طور که گفتیم در خیلی از موارد مثل آلومینیوم یا مس صنایع میانی در استان وجود دارد، اما صنایع پایین‌دستی آن شکل نگرفته است.

به‌طور مثال صنایع بزرگ برای آسیاب کردن مواد به گلوله‌های فولادی در سایزهای مختلف نیاز دارند، اما آن را از خارج استان و با حجم زیادی وارد می‌کنند. باید صنایعی که تأمین‌کننده واحدهای بزرگ ما هستند (هم به‌نوعی مواد اولیه هم خوراک) در استان در اولویت‌های سرمایه‌گذاری قرار گیرند. معمول این است که وقتی صنعت بزرگی ایجاد می‌شود در کنار آن صنایع کوچک را نیز ایجاد کنند؛ کاری که در استان اصفهان انجام شده است. متأسفانه کرمان در سایه استان‌های بزرگ صنعتی قرار گرفته است. صنایع بزرگ ما ایجاد شده‌اند اما صنایع پایین‌دستی و همچنین تأمین‌کننده مواد و خدمات به آن‌ها در استان ما رونق نگرفته است؛ بنابراین اولویت این است که صنایع پایین‌دستی صنایع بزرگ را ایجاد کنیم که هم نیازهای صنایع بزرگ را رفع کنند و هم به‌نوعی ما را از استان‌های صنعتی داخل و خارج از کشور خودکفا کنند. البته برنامه‌ای در حال تنظیم است که این ارتباط را ایجاد کنیم. سال گذشته با تعاملاتی که با مس سرچشمه و گل گهر انجام شد حدود ۳۰ واحد صنعتی کوچک به واحدهای بزرگ مرتبط شدند. امسال نیز به دنبال این هستیم که این عدد به ۵۰ برسد؛ البته عزم جدی می‌طلبد که بخشی از آن به مدیران واحدهای بزرگ برمی‌گردد و بخشی مرتبط با توانمندی صنایع است؛ به‌طور مثال هنگام کار با شرکت مس سرچشمه باید در سطحی کار کنیم که بتوانیم محصول باکیفیت، ارزان و به‌موقع تحویل بدهیم. این مسائلی است که باید در نظر گرفته شود تا ارتباط مناسب برقرار گردد.

○ توسعه و گسترش صنایع کوچک در شهرک‌های صنعتی استان کرمان را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

خوشبختانه از لحاظ تعداد حدود ۸۹ درصد صنایع استان کرمان، صنایع کوچک هستند اما در زمینه ایجاد ارتباط با واحدهای بزرگ موفق نبوده‌اند. در صنایع غذایی قریب ۳۰۰ پروانه بهره‌برداری داریم یا در زمینه کانی غیرفلزی حدود ۲۷۰ واحد ثبت‌شده داریم اما وقتی در زمینه‌های مرتبط با واحدهای بزرگ بررسی می‌کنیم واحدهای زیادی به چشم نمی‌خورد. مثلاً در گروه ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات در کرمان حدود ۴۰ پروانه بهره‌برداری داریم یا در زمینه ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی حدود ۳۰ واحد صنعتی داریم.

این‌که واحدهایی که می‌توانند تأمین‌کننده واحدهای بزرگ ما باشند در استان رشد نکرده‌اند به این دلیل است که وجود بازاری را احساس نکرده‌اند پس به سمت‌وسوی این واحدها توسعه پیدا نکرده‌اند؛ اما امروز چون بازار در استان وجود دارد انتظار می‌رود واحدهایی که تأمین‌کننده خوراک واحدهای بزرگ هستند مقداری گسترش پیدا کنند. برداشت بنده این است که توسعه

واحدهای فعال و خوب تشکیل می‌دادند. نزدیک ۳۶ درصد جامعه آماری واحدهای نیمه فعال هستند که زیر ظرفیت ۵۰ درصد و نزدیک نقطه سر به سر مشغول به کارند؛ شامل واحدهایی که درگیر مشکلاتی هستند و مشکلات آن‌ها گاهی جدی است مثل حقوق معوق پرسنلی یا بدهی معوق بانکی، مشکلات کارگری و غیره. نهایتاً حدود ۲۵ درصد واحدها تعطیل یا راکد هستند؛ یعنی تقریباً ۳۰۰ واحد صنعتی که از قدیم تا به الان پروانه بهره‌برداری دارند؛ واحدهایی هستند که به‌نوعی تولید صنعتی انجام نمی‌دهند.

○ صنایع کوچک استان تا چه اندازه متناسب با شرایط و پتانسیل‌های استان راه‌اندازی شده‌اند؟ توزیع جغرافیایی آن‌ها را در سطح استان چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

ما باید به پتانسیل و نقاط قوت استان دقت کنیم. به‌طور مثال منطقه ویژه بم به واسطه وجود صنعت خودروسازی سومین تولیدکننده قطب خودروسازی منطقه است، متناسب با آن چهار-پنج واحد صنعتی، بعضاً صنایع جانبی که تأمین‌کننده بخشی از قطعات و مواد اولیه آن‌ها هستند ایجاد شده و به‌نوعی می‌توانند تأمین‌کننده واحدهای خودروسازی باشند و این همگنی خوب است. یا به‌طور مثال فرض کنید در بحث نگهداری خرما در منطقه شرق استان که خرماي زیادی تولید می‌شود، بالغ بر ۱۰۰ واحد سردخانه در منطقه بم، ریگان، نماشیر به‌عنوان یک ظرفیت اقتصادی خوب ایجاد شده است. این‌ها پتانسیل منطقه‌ای هستند. استان در زمینه فراوری و ضبط پسته نیز حرف برای گفتن دارد. واحدهایی که تولیدکننده ادوات کشاورزی و ترمینال ضبط پسته هستند در شهرستان‌های کرمان، رفسنجان، سیرجان و زرنند قرار دارند که می‌توان گفت متناسب با پتانسیل‌های استان ایجاد شده‌اند. البته مشکلاتی نیز وجود دارد؛ به‌عنوان مثال در مورد صنایع بزرگی که در استان ایجاد شده‌اند مثلاً زنجیره فولاد که از کنسانتره، گندله، آهن اسفنجی و شمش در شهرستان‌های سیرجان، زرنند، بردسیر و کرمان ایجاد شده است یا زنجیره مس که در رفسنجان و شهرابک وجود دارد. متأسفانه صنایع پایین‌دستی وابسته به این‌ها آن‌طور که باید در استان رشد نکرده است؛ به‌طور مثال کارخانه مس باهنر کرمان یک صنعت میانی و واسطه‌ای است که کاتد را می‌گیرد و محصولات میانی مس مثل ورق، شمش و لوله مسی تولید می‌کند، اما صنایع پایین‌دستی این مجموعه ایجاد نشده است. بایستی یک شهرک صنعتی ۴۰-۵۰ واحدی باشد که محصولات نهایی مصنوعات مسی را ایجاد کند مثل صنایع پایین‌دستی نظیرشیر گاز یا رادیاتور، پره‌های پشت یخچال و غیره که در سایر استان‌ها تولید می‌شود. پس در این زمینه در استان هنوز جای کار بسیار وجود دارد. یا مثلاً کارخانه آلومینیوم هزار در شهرک صنعتی یک صنعت میانی است که شمش آلومینیوم را می‌گیرد و محصولات میانی آلومینیوم نظیر ورق و فویل آلومینیومی را تولید می‌کند.

بخشی از این ارتباط را شرکت شهرک‌های صنعتی استان از طریق تشکیلاتی تحت عنوان SPX ایجاد کرده است همچنین شرکتی را مأمور کرده که توانمندی‌های ساخت در استان و نیازهای واحدهای بزرگ را شناسایی کند. این دو باید هماهنگ شوند تا زنجیره محقق شود.

در همین راستا با کمک شرکت مس سرچشمه رفسنجان ابتدا تعدادی واحد شناسایی کردیم سپس نیروهای فنی شرکت مس در واحدهای صنایع کوچک ورود کردند و با یک فرمت و الگوریتم برای توانمندسازی آن‌ها دوره‌های تخصصی مثل کنترل کیفیت، روش‌های تولید و غیره به ایشان آموزش می‌دهند، نهایتاً بر اساس توانمندسازی که ایجاد شده محصولات آن‌ها را در مقیاس خودشان ارتقا می‌دهند. از این طریق ارتباط ۳۰ واحد برقرار شده است. همچنین سال قبل نمایشگاه بزرگی در کرمان برگزار شد که شرکت مس و گل گهر نیازهایشان را عرضه کردند و کالاها و قطعات و تجهیزات موردنیازشان را به نمایش گذاشتند و واحدهای کوچک از این نمایشگاه بازدید کردند و حدود ۱۰۰ قرارداد بین صنایع کوچک و واحدهای بزرگ بسته شد اما چقدر از این تعداد عملیاتی شده است اطلاعی در دست نیست؛ به نظر نمی‌رسد بیشتر از ۲۰ درصد آن‌ها عملی شده باشد.

در ارتباط با بخش اول سؤال که آیا مطابق کشورهای موفق عمل می‌کنیم یا نه، برداشت بنده این است که خیر به این دلیل که صنایع بزرگ ما اکثراً ساختار دولتی دارند و این ساختار

شهرک‌های صنعتی امروز باید با نگاه به واحدهای بزرگ استان انجام گیرد؛ اگر به این سمت‌وسو حرکت کنیم در ۵ سال آینده می‌توانیم شاهد توسعه مناسب شهرک‌های صنعتی استان باشیم در غیر این صورت اگر روند قبلی مدنظر باشد و کماکان بنگاه‌های تولید کانی فلزی و یا صنعت شیمیایی افزایش یابند این ارتباط هرگز برقرار نمی‌شود.

رشته‌های غالب صنعتی در حوزه صنایع کوچک استان کرمان کدامند؟ از باب توسعه منطقه‌ای آیا هم‌پوشانی صنعتی در توزیع بنگاه‌های صنعتی وجود دارد؟ در این خصوص چه توضیحاتی ارائه می‌نمایید؟

رشته‌های غالب همان چهار گروه بود که قبلاً عرض شد، اما در مورد هم‌پوشانی اگر منظور از هم‌پوشانی صنعتی تکمیل زنجیره تولید است بنده فکر می‌کنم وجود ندارد. زنجیره‌ای از صنایع بزرگ در نظر بگیریم که مثلاً مواد معدنی را تبدیل به محصول می‌کند مثل مس یا فولاد که ابتدا به شمش و نهایتاً به محصول نهایی تبدیل شود هنوز این زنجیره در استان کامل نیست؛ نه در فولاد، نه در مس و نه در صنعت آلومینیوم این هم‌پوشانی وجود ندارد و عزم جدی می‌طلبید که در این مسائل ورود کنیم. در بحث خودرو هم که محصول نهایی تولید می‌کنیم تنها حدود ۲۰ درصد ساخت داخل است و ۸۰ درصد آن وارداتی است. البته استحضار دارید که صنعت خودرو صنعت پیچیده‌ای است شاید با این حجم از تولید خودرو ایجاد صنایع جنبی اقتصادی نیست و واردات به‌صرفه‌تر باشد. اگر سالی ۴۰ هزار دستگاه از یک نوع خودرو تولید شود ایجاد صنایع جانبی آن آسان نیست اما اگر این میزان ۴۰۰ هزار دستگاه شود صنایع جانبی آن مقرون به‌صرفه خواهد بود. به‌طور خلاصه به‌عنوان اولویت اول می‌بایست نیازهای عمده اقلام مصرفی واحدهای بزرگ مثل مس و گل گهر را شناسایی کنیم، سپس آن دسته که توان ساختشان در داخل استان وجود دارد را ایجاد کنیم. در اولویت دوم نیاز است که واحدهای کوچک مثل واحدهای ماشین‌سازی و قطعه‌سازی را در راستای توانمندی تأمین استانداردهای واحدهای بزرگ تقویت کنیم؛ و در اولویت سوم برای راه‌اندازی صنایعی که در استان وجود ندارد برنامه‌ریزی کنیم. به‌طور مثال تولید گلوله به روش فورجینگ در استان وجود نداشت و چند سالی است که یکی دو واحد در این زمینه راه افتاده است که حجم کمی از نیاز را برآورده کرده و مابقی همچنان از خارج استان وارد می‌شود. ما در استان باید به سمت تقویت چنین واحدهایی برویم.

امروزه روابط اقتصادی و تجاری صنایع کوچک و صنایع مادر در کشور تا چه اندازه بر اساس مؤلفه‌های موردنظر در صحنه فعالیت‌های تولیدی و تجاری مورد عمل در کشورهای موفق است؟ برای برقراری ارتباط مؤثر بین صنایع کوچک با صنایع متوسط و بزرگ چه اقداماتی صورت گرفته و چه برنامه‌هایی در دست انجام است؟

سهام صنایع کوچک از کل صنایع کشور حدود ۹۲ درصد است که حدود ۴۵ درصد از کل اشتغال بخش صنعت کشور را شامل می‌شود؛ اما در استان کرمان در شرایط فعلی حدود ۱۲۳۲ پروانه بهره‌برداری فعال داریم که از این تعداد ۱۰۹۵ واحد تولیدی کمتر از ۵۰ نفر اشتغال دارند؛ به عبارتی ۸۹ درصد تعداد پروانه‌های بهره‌برداری استان کرمان مشمول تعریف صنایع کوچک می‌شوند. این ۸۹ درصد از لحاظ اشتغال در استان در واحدهای صنعتی توانسته‌اند حدود ۳۷ درصد کل اشتغال بخش صنعت را ایجاد کنند، یعنی در کرمان حدود ۲۳۵۰۰ نفر در صنایع کوچک اشتغال دارند.

به ماشین‌آلات و تجهیزات پیچیده‌ای نیاز ندارند. ویژگی دوم به‌واسطه مقیاس کوچک و نیروبر بودن از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار هستند؛ یعنی به‌راحتی می‌توانند تغییرات سیاسی، بازار و خیلی از تغییرات محیطی را بپذیرند و خودشان را با شرایط منطبق کنند؛ تغییر محصول بدهند یا تیراژشان را تغییر بدهند. این کار در صنایع کوچک راحت‌تر از صنایع بزرگ اتفاق می‌افتد. ویژگی سوم این است که این واحدها به‌واسطه نوع کاری که انجام می‌دهند و به این دلیل که فرایند تولید آن‌ها از پیچیدگی زیادی برخوردار نیست می‌توانند نیروهای تقریباً آکادمیک، دانشگاهی و نیمه‌ماهر را جذب کنند، آموزش دهند و نیروهای ماهر تربیت کنند. نقطه قوت آن‌ها این است که وقتی نیروهای ایشان به حد قابل قبولی از مهارت رسیدند می‌توانند آن‌ها را به واحدهای بزرگ برای انجام کارهای تخصصی صادر کنند.

در حال حاضر شرکت‌های دانش‌بنیان در چه جایگاهی از بنگاهداری استان قرار دارند و روند رشد و توسعه آن‌ها را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

متولی شرکت‌های دانش‌بنیان معاونت علمی فناوری رئیس‌جمهوری آقای دکتر ستاری هستند. این‌که چه تعداد و چه طور، حتماً پارک علم و فناوری اطلاعات دقیق‌تری خواهند داد. در صنعت استان اطلاعات جامعی در مورد واحدهایی که صرفاً دانش‌بنیان باشند و فرایند آن‌ها بر اساس دانش و تکنولوژی روز باشد وجود ندارد و شاید تعداد آن‌ها به تعداد انگشتان دست هم نرسند اما قطعاً چنین شرکت‌هایی در زمینه‌های دیگر وجود دارد.

تعریفی که از صنایع کوچک در ایران می‌شود این است که صنایع کوچک شامل بنگاه‌های دارای کمتر از ۵۰ نفر نیروی انسانی است، به نظر شما آیا:

• تعریف صرفاً بر اساس شاخص تعداد نیروی انسانی به لحاظ سیاست‌های توسعه اقتصادی وافی به مقصود است؟

• با توجه به اندازه متفاوت شاخص‌های بسیار مهم نیروی انسانی، سرمایه، حجم تولید، تجارت خارجی و غیره در شرکت‌ها، چالش‌های مبتلابه آن‌ها چگونه رصد می‌شود.

اگر منظور این است که آیا فقط صرف این‌که شاخص نیروی کار بگیریم کفایت لازم را می‌کند خیر باید اشتغال را در کنار گردش مالی در نظر بگیریم. این مسئله مهم است چراکه امکان دارد واحدی کوچک داشته باشیم که گردش مالی فوق‌العاده بزرگ داشته باشد این مقیاس کوچک نیست؛ امکان دارد کالایی تولید شود که ارزش افزوده یا بازار خیلی زیادی داشته باشد. در کشورهای توسعه‌یافته تنها اشتغال در نظر گرفته نمی‌شود، بحث اشتغال را در کنار گردش مالی می‌بینند.

معمول بر این است که دو کار در مورد واحدهای صنایع کوچک انجام می‌دهیم همان‌طور که گفته شد حدود ۳۹ درصد واحدها فعال هستند، ۳۶ درصد نیمه فعال و ۲۵ درصد تعطیل. دو شیوه

باعث شده که بر اساس سیاست جایگزینی واردات کار کنند، یعنی شرکت‌های بزرگ به ازای صادراتی که انجام می‌دهند نیاز خود را از خارج کشور وارد می‌کنند. در نتیجه‌ی چرخش این سیکل، کمتر به سمت واحدهای کوچک و توانمند می‌روند.

از طرفی در الگوهای توسعه بیان می‌شود که وقتی واحدهای بزرگ ایجاد شدند قبل، بعد یا هم‌زمان باید صنایع کوچک جان بگیرند. متأسفانه این موضوع را در صنعت کشور نمی‌بینیم. به جرأت می‌توان گفت شرکت‌های بزرگ عموماً تجهیزات و اقلامی را وارد می‌کنند که توان تولید داخل کشور وجود دارد؛ و زمانی که از ایشان پرسیده می‌شود چرا از داخل کشور خریداری نمی‌کنید در پاسخ می‌گویند کالاهای تولید داخل کشور کیفیت لازم را ندارد، به‌موقع تحویل داده نمی‌شود و یا در موارد مشابه قیمت آن‌ها بالاتر است. در نتیجه عملاً برای تأمین بخش بزرگی از نیاز خود حجم زیادی از ارز کشور را خارج می‌کنند در صورتی که اگر این ارتباط به درستی برقرار بود امروز این اتفاق نمی‌افتاد.

مهم‌ترین ویژگی‌های صنایع کوچک از باب مؤلفه‌های مؤثر در شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی نسبت به صنایع متوسط و بزرگ کدام‌اند؟

اولین ویژگی این است که صنایع کوچک سرمایه‌بر نیستند و احتیاج به سرمایه‌گذاری انبوه ندارند، به‌طور مثال با سرمایه‌گذاری اندک می‌توان یک واحد ۵۰ نفره را راه‌اندازی کرد. ضمن این‌که

معمولاً سالانه یا دوسالی یک‌بار رصد کلی از واحدهای صنعتی انجام می‌دهیم. سال‌های ۹۴ و ۹۶ این پایش‌ها انجام شده است. به این صورت که به تک تک واحدها مراجعه کرده و با پرسش‌نامه‌هایی مشخص، مشکلات و مسائل آن‌ها را شناسایی می‌کنیم. براساس آخرین پایش انجام شده حدود ۶۳ درصد واحدها مشکل نقدینگی دارند یعنی اعلام کرده‌اند سرمایه در گردش لازم را برای تولید ندارند. حدود ۴۰ درصد واحدها در زمینه‌ی بازاریابی و پیدا کردن مشتری مشکل دارند، یعنی محصول را تولید می‌کنند اما امکان بازار پیدا کردن بازار آن را ندارند و تعدادی با دستگاه‌های دولتی مثل اداره مالیات، تأمین اجتماعی، امور اراضی و غیره مشکل دارند.

زمانی بدون بررسی، به هر شخص متقاضی تسهیلات داده می‌شد. مثل تسهیلاتی که سال ۸۶ بدون اولویت‌گذاری داده شد؛ اما امروز در اداره تسهیلات، اولویت‌های صنعتی را شناسایی و متناسب با اولویت‌ها میزان تسهیلات را پرداخت می‌کنیم و سپس پایش می‌کنیم. اولویت‌گذاری اولاً به دلیل محدودیت منابع نقدینگی انجام می‌شود و دوماً شاید در اولویت‌ها بیشتر به دنبال این هستیم که همه مجوزها را حداقل به راحتی صادر نکنیم. اطلاعات بیشتری به متقاضی بدهیم و ایشان را هدایت کنیم تا به زمینه‌هایی ورود کنند که سرمایه آن‌ها از بین نرود. استحضار دارید که ظرف دو سال گذشته سازمان ۱۵۰ اولویت سرمایه‌گذاری را شناسایی کرد و برای این اولویت‌ها مطالعات امکان‌سنجی تهیه شده است، این مطالعات که در راستای توسعه صنعتی استان است در اختیار متقاضیان قرار داده شده است تا منابع از بین نرود.

ضمن این‌که اتفاقی که رخ داده است این است که برخی واحدهای استان به دلیل تعطیلی و یا مشکلاتی که در زمینه تولید داشته‌اند، ظرفیت خالی دارند، سعی کرده‌ایم سرمایه‌گذاری‌های جدید را در راستای پر کردن این ظرفیت‌ها سوق دهیم. مثلاً اگر سوله‌ای نیم ساخته در شهرک صنعتی وجود دارد به سرمایه‌گذار جدید اختصاص پیدا کند. به علاوه بانک‌ها حدود ۳۰ واحد صنعتی را به دلیل بدهی‌ها تملک کرده‌اند، به دنبال این هستیم که این واحدها بایکوت نشوند و سرمایه‌گذار جدید را به سمتشان این ارتباط سوق دهیم و از توانمندی آن‌ها استفاده کنیم.

در مجموع بحث‌های بهره‌وری در فضای تولید و بحث‌های استفاده بهینه از منابع موجود باید در اولویت قرار گیرد. در این راستا سال ۹۷ تفاهم‌نامه‌ای با دانشگاه باهنر کرمان بسته شد تا تعدادی از واحدهای صنعتی را عارضه‌یابی کنند و مشکل آن‌ها را شناسایی کرده و بر اساس روش و متدی که ارائه می‌دهند شاخصی برای ارزیابی واحدهای صنعتی داشته باشیم. شاخصی که بتواند وضعیت هر واحد صنعتی حتی واحدهای صنعتی که در این طرح عارضه‌یابی نبودند را مشخص و مشکلات آن‌ها را شناسایی نماید، همچنین بتواند توانمندی‌های واحدهای موفق را معرفی کند، به‌طور مثال چند واحد تولیدی خوب در استان داریم، یک یا دو واحد را گلچین کرده و از روش‌های ایشان در تولید، کنترل کیفیت و بحث‌های تأمین و نگهداری، الگوبرداری کنیم و در واحدهای دیگر گسترش دهیم.

سخن آخر؟

در پایان جای تشکر دارد از مجموعه اتاق بازرگانی کرمان که به‌نوعی یکی از نهادهای خوب توسعه‌ای چند سال اخیر بوده است و همچنین مدیریت خوبی که در کمیسیون‌های تخصصی از جمله کمیسیون صنعت و معدن و کمیسیون بانک و بیمه اتاق وجود دارد و به‌شدت به بهبود این فضا کمک کرده است تقدیر و تشکر کرد.

ارتباطی داریم، یک شیوه ارتباطی گزارش‌ها و پایش‌هایی است که دوره‌ای انجام می‌شود. معمولاً سالانه یا دو سالی یک‌بار رصد کلی از واحدهای صنعتی انجام می‌دهیم. سال‌های ۹۴ و ۹۶ این پایش‌ها انجام شده است. به این صورت که به تک تک واحدها مراجعه کرده و با پرسش‌نامه‌هایی مشخص، مشکلات و مسائل آن‌ها را شناسایی می‌کنیم. بر اساس آخرین پایش انجام‌شده حدود ۶۳ درصد واحدها مشکل نقدینگی دارند یعنی اعلام کرده‌اند سرمایه در گردش لازم را برای تولید ندارند. حدود ۴۰ درصد واحدها در زمینه‌ی بازاریابی و پیدا کردن مشتری مشکل دارند، یعنی محصول را تولید می‌کنند اما امکان بازار پیدا کردن بازار آن را ندارند و تعدادی با دستگاه‌های دولتی مثل اداره مالیات، تأمین اجتماعی، امور اراضی و غیره مشکل دارند. پس به‌طور مشخص پایش‌های دوره‌ای انجام می‌شود و اطلاعات گرفته می‌شود. ضمن این‌که بر حسب جایگاه و مشکلاتی که وجود دارد در تمام زمینه‌هایی که ذکر شد کارگروه‌هایی در سطح استان وجود دارند که مشکلات مراجعین را بررسی می‌کنند. در سال قبل سه کارگروه مرتبط با هم در رصد کردن واحدهای صنعتی وجود داشت که بالغ بر ۴۵۰ درخواست و مشکل را مورد بررسی قرار داد و بیشتر از ۵۰ درصد آن‌ها حل شد و مابقی یا امکان حل مشکل نبود و یا در حال اقدام است.

آسیب‌شناسی صنایع کوچک استان چه نتایجی به‌عنوان مهم‌ترین چالش‌ها و راه‌های رفع آن‌ها به دست داده است؟

امسال برای حل مشکل نقدینگی دو اقدام انجام شد اول این‌که به اشخاصی که سال‌های ۹۵ و ۹۶ تسهیلات رونق تولید گرفته‌اند تا سقف ۱۸۰ میلیون تومان متناسب با تسهیلاتشان یارانه بلاعوض داد شد (یارانه حدود ۶ درصد). این کمکی بود که برای کم کردن نرخ سود تسهیلات انجام شد. اقدام دوم این بود که از محل تسهیلات تبصره ۱۸ حدود هزار میلیارد تومان با بانک‌های استان تفاهم‌نامه امضا شد که با نرخ ۱۴ درصد منابع واحدهای صنعتی تأمین شود.

مهم‌ترین اقدامات و دست‌یافته‌های استان در توسعه مشارکت‌ها و نهادسازی در حوزه صنایع کوچک چه بوده است؟

واقعیت قضیه این است که کارهای زیادی انجام شده تا واحدها متحد شوند اما این اتفاق رخ نداد و متأسفانه در این زمینه رهیافتی نداشته‌ایم. اغلب کرمانی‌ها به دنبال مشارکت، تعاونی و شرکت‌پذیری نیستند.

بدیهی است که برخی سیاست‌گذاری‌های گذشته برای توسعه صنایع ناکارآمد بوده و حتی تضییع منابع را رقم زده است، در جهت عدم تکرار اشتباهات گذشته چه تغییراتی در سیاست‌های توسعه صنعتی داده شده است؟



گفت‌وگو با «مجید غفاری»
رییس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت
شهرک‌های صنعتی استان کرمان

۳۰ درصد غیرفعال

مجید غفاری؛ رییس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی استان کرمان می‌گوید که تاکنون ۱۴۰۰ واحد صنعتی در شهرک‌ها و نواحی صنعتی استان کرمان در رشته‌های مختلف ایجاد شده است، اما حدود ۳۰ درصد آن‌ها متأثر از چالش‌ها و محدودیت‌های موجود غیرفعال می‌باشند. در حال حاضر حدود ۲۸ هزار نفر در واحدهای صنعتی مستقر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی استان اشتغال دارند که حدود ۴۰ درصد اشتغال صنعتی استان را شامل می‌شوند. برای شناخت بیشتر از چگونگی وضعیت عملکردی و مشکلات مبتلابه، حاصل گفت‌وگو با مدیرعامل شرکت شهرک‌ها در ادامه آمده است.

استان کرمان در حال حاضر، نسبت به کشور از چه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های چشمگیر در عرصه صنایع کوچک برخوردار است؟

استان کرمان با عنایت به تنوع آب و هوایی که دارد از محصولات کشاورزی متنوعی برخوردار است و عمده واحدهای صنعتی شکل گرفته در حوزه صنایع تبدیلی کشاورزی در حوزه خرما، پسته و محصولات گلخانه‌ای است. از طرفی با توجه به وجود صنایع بزرگ معدنی، ایجاد صنایع پایین‌دستی و برنامه‌ریزی توسعه صنایع فعلی مرتبط از ظرفیت‌های مهم استان است که در قالب مدل پیمانکاری فرعی در دست اقدام است.

توزیع جغرافیایی صنایع در سطح شهرک‌های صنعتی استان را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

عمده صنایع کوچک و متوسط استان در شهرستان‌های کرمان، سیرجان، رفسنجان و جیرفت متمرکز شده است که از دلایل آن می‌توان به وجود زیرساخت‌های مختلف از جمله حمل‌ونقل، منابع مالی، بازار فروش کالا و ... اشاره کرد. اگر در طول تاریخ هم مشاهده کرده باشید، توسعه یک شهرستان در همه امور آن در مرحله اول

تعداد واحدهای صنعتی ایجاد شده در شهرک‌های صنعتی استان چند بنگاه است و به لحاظ نوع رشته فعالیت به چند دسته تقسیم می‌شوند، توزیع آن‌ها بین این دسته‌ها به چه نسبتی است؟ و چه نسبتی از این واحدها در حال حاضر غیرفعال هستند؟

تاکنون حدود ۱۴۰۰ واحد صنعتی در شهرک‌ها و نواحی صنعتی استان در رشته‌های هفت‌گانه از قبیل برق و الکترونیک، سلولزی، شیمیایی، غذایی، فلزی، کانی غیرفلزی و نساجی مستقر گردیده که به ترتیب سهم هر رشته، ۴۰، ۱۸، ۲۵، ۱۹، ۲۴ و ۲ درصد است. هم‌چنین از واحدهای مستقر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی استان حدود ۳۰ درصد غیرفعال هستند.

تعداد شاغلین در صنایع مستقر در شهرک‌های صنعتی چند نفر است؟ این میزان چه سهمی از اشتغال بخش صنعت استان را شامل می‌شود؟

اشتغال واحدهای صنعتی مستقر حدود ۲۸ هزار نفر است که با توجه به اشتغال حدوداً ۷۰ هزار نفری بخش صنعت استان، ۴۰ درصد اشتغال صنعتی استان سهم واحدهای مستقر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی است.

توسعه بازار و تولید صادرات محور موضوع بسیار مهمی است که باید در دستور کار قرار گیرد.

اولویت‌های شرکت شهرک‌ها در جهت گسترش و رونق تولید در صنایع کوچک چه هستند؟

شرکت شهرک‌های صنعتی متولی تأمین زیرساخت مناسب جهت استقرار صنایع در کلیه شهرستان‌های استان است و تاکنون با ایجاد ۴۰ شهرک و ناحیه مصوب در استان وظیفه ذاتی خود را به نحو مطلوب به انجام رسانیده است و در حال حاضر در جای‌جای استان پهنای کرمان با ۴۵۶۳ هکتار اراضی در اختیار، امکان استقرار صنایع کوچک و متوسط استان را دارا است. از طرف دیگر در بحث‌های حمایتی صنایع کوچک من جمله آموزش، بازدید و شرکت در نمایشگاه‌ها، مدل‌های توسعه‌ای مانند خوشه‌ها و پیمانکاری فرعی و موارد متعدد دیگر در حال خدمات‌رسانی هستیم.

افزایش حضور صنایع کوچک در بازارهای داخلی و خارجی را در گرو اعمال چه برنامه‌هایی می‌دانید؟

ما برنامه‌های حمایتی همچون آموزش، شرکت در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی، ایجاد کنسرسیوم‌ها و ... را در نظر گرفته‌ایم و برای پوشش هزینه‌ها، یارانه پرداخت می‌نماییم. از سایر اقدامات انجام‌شده؛ فرهنگ‌سازی حمایت از خرید کالای کرمانی است که اثرات قابل‌توجهی در جلب نظر مردم برای حمایت از تولیدات استان داشته است.

اما باید توجه داشته باشیم که قابل‌توجه‌ترین مؤلفه‌ها عبارت از کیفیت، بسته‌بندی، خدمات پس از فروش و تبلیغات است که در مجموع یک برند معتبر را می‌سازد.

راه‌های توسعه فرهنگ تولید را چه می‌دانید؟

ایجاد فرهنگ تولید را باید از مدارس آغاز کرد؛ به‌عنوان مثال یکی از اقدامات اساسی، بازدید دانش‌آموزان از صنایع و علاقمند کردن آن‌ها به این حوزه است، البته امروزه شرایط حاکم بر جامعه به‌گونه‌ای است که فرد را از رفتن به سمت تولید منع می‌کند و آن را اشتباه می‌داند، مشکلات هست، اما می‌توانیم آن‌ها را حل کنیم. اگر از یکدیگر حمایت کنیم و کالای استانی بخریم، سرمایه‌گذاری و تولید توجیه خواهد داشت.

اگر مطالب بیشتری را لازم می‌دانید، عنوان فرمایید؟

متأسفانه امروزه صنعتگر را به‌عنوان یک آدم بی‌درد پولدار می‌شناسند و این ذهنیت نه‌تنها در بین عامه مردم، بلکه در دستگاه‌های دولتی هم وجود دارد. امروزه باید از تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران در این حوزه که موجبات اشتغال میلیون‌ها نفر را مهیا ساخته‌اند حمایت ویژه کرد و مشکلات آن‌ها را از طریق بهبود فضای کسب‌وکار حل نمود. در پایان از کلیه صنعتگران و تولیدکنندگان که علیرغم تمامی مشکلات همچنان با عشق به میهن در حال تلاش و تولید می‌باشند، تشکر و قدردانی می‌نمایم. ●

وابسته به مدیران آن شهرستان بوده است که امروزه تأثیر نمایندگان مجلس نیز بسیار مؤثر است و از دلایل بسیار قوی دیگر وجود فرهنگ متفاوت است. امروزه استان یزد که در ۲۵ سال قبل استان صنعتی نبوده به‌واسطه وجود فرهنگ حمایت‌گری یزدی‌ها از یکدیگر و تولیداتشان، صنعتشان تقریباً به استان کرمان که بیش از ۵۰ سال است که صنعت در آن شکل گرفته، رسیده است.

توزیع انواع صنایع موجود در شهرک‌های صنعتی استان برحسب صنایع کوچک، متوسط و بزرگ چگونه است؟ چشم‌انداز آینده چیست؟

با توجه به ظرفیت‌های استان، بیشترین صنایع در شهرک‌ها و نواحی صنعتی در دو حوزه صنایع غذایی و کانی‌های غیرفلزی شکل گرفته است. در شهرستان‌های جیرفت و عنبرآباد صنایع بیشتر در حوزه وابسته به صیفی‌جات و مرکبات و ... در شهرستان بم صنایع وابسته به خرما، بسته‌بندی، رفسنجان و سیرجان در زمینه پسته، کانی‌های غیرفلزی، سنگ‌های تزئینی ساختمانی و ... قرار می‌گیرند که با توجه به ظرفیت معادن، در این دو شهرستان صنایع فلزی نیز رشد خوبی دارند.

روند رشد شرکت‌های دانش‌بنیان در شهرک‌های صنعتی استان چگونه است؟

با عنایت به این‌که یکی از اهداف و برنامه‌های سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران و به‌تبع آن شرکت‌های شهرک‌های صنعتی در استان‌ها، توسعه صنایع دانش‌محور است، لذا تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان در شهرک‌ها و نواحی صنعتی رو به افزایش است؛ به‌عنوان مثال طی سه سال گذشته، ۵ شرکت به سمت دانش‌بنیان شدن هدایت شده‌اند که امروز ۳ واحد از آن‌ها دانش‌بنیان شده‌اند.

ارزیابی شما از مدیریت بهره‌وری در صنایع مستقر در شهرک‌های صنعتی استان چیست؟

متأسفانه مدیران واحدهای صنعتی اغلب درگیر مسائل اولیه کسب‌وکار خود از قبیل تأمین مالی واحد با توجه به تورم، حل‌وفصل مسائل و مشکلات مالیاتی و بیمه‌ای و مالی و بانکی شده‌اند. به دلیل تغییر بیش از حد و عدم ثبات در این موضوعات تا حدودی از بهره‌وری و مدیریت این مهم دور مانده‌اند، لیکن وجود شرکت‌های توانمند و پویا را نیز نمی‌توان کتمان نمود.

آسیب‌شناسی واحدهای صنعتی کوچک مستقر در شهرک‌های صنعتی استان چه نتایجی به دست داده است؟ برطرف کردن موانع و چالش‌های موجود چگونه میسر است؟

متأسفانه عدم ثبات در فضای کسب‌وکار مشکلات عدیده‌ای برای واحدهای صنعتی کوچک به وجود آورده است و در صورت رفع این معضلات به‌خصوص روش‌های تأمین مالی جدید برای واحدهای صنعتی می‌تواند به‌شدت کارگشا باشد. از طرف دیگر شناخت و

گفت‌وگو با «حسین سعیدی گراغانی»
معاونت امور صنایع جنوب استان کرمان

رشد صنایع وابسته به کشاورزی



در ادامه‌ی مروری بر وضعیت صنایع کوچک در استان کرمان، گفت‌وگو با حسین سعیدی گراغانی؛ معاونت امور صنایع جنوب استان کرمان پیش روست. یادآوری می‌شود که جنوب استان کرمان، حوزه بسیار مهم کشاورزی کشور است، اما صنعت آن نوپاست.

از آنجایی که جنوب استان کرمان منطقه‌ای کشاورزی است و در تولید محصولات کشاورزی رتبه‌های بالای کشوری را به خود اختصاص داده است، بر این اساس عمده صنایع موجود، صنایع وابسته به کشاورزی است که در حال حاضر ۱۳ واحد فرآوری گوجه‌فرنگی در این منطقه فعال است که این امر از کاهش شدید قیمت گوجه‌فرنگی و ضرر و زیان کشاورزان جلوگیری نموده است، ۳۱ سردخانه نگهداری محصولات کشاورزی وجود دارد و همچنین پایانه صادراتی محصولات کشاورزی با ۷۵ درصد پیشرفت و پیش‌نیازهای کشاورزی نظیر نایلون‌های عریض کشاورزی، لوله و... در حال احداث است.

با توجه نزدیکی شهرستان جیرفت به مرکز استان نسبت به سایر شهرستان‌ها و امکانات موجود در شهرستان، حدود ۵۰ درصد صنایع در این شهرستان فعالیت می‌نمایند که تلاش می‌گردد با شناساندن و ارائه پتانسیل‌های دیگر شهرستان‌ها به سرمایه‌گذاران، سرمایه‌گذاری به سایر مناطق استان سوق داده شود و تعادل سرمایه‌گذاری در منطقه ایجاد گردد.

توسعه و گسترش صنایع کوچک در شهرک‌های صنعتی جنوب استان کرمان را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

با توجه به جداسازی و استقلال سازمان صنعت، معدن و تجارت جنوب کرمان که در سال ۸۹ رخ داده است، طی چند سال اخیر بخش صنعت در منطقه رشد چشم‌گیری داشته که با توجه به مجوزهای صادره از ابتدای سال ۸۹ تاکنون این تعداد تا حدود ۲۰۰ درصد رشد داشته است که نشان از تسریع در پیشرفت صنعتی منطقه دارد.

مهم‌ترین ویژگی‌های صنایع کوچک از باب مؤلفه‌های مؤثر در

صنایع کوچک چه سهمی از صنایع جنوب استان کرمان را به لحاظ تعداد، سرمایه‌گذاری، اشتغال، تولید و صادرات به خود اختصاص داده است؟

با توجه به نوپا بودن صنعت در جنوب استان کرمان، عمده صنایع در منطقه صنایع خرد و کوچک است که به لحاظ تعداد ۹۶ درصد، سرمایه‌گذاری ۹۰ درصد و اشتغال ۶۶ درصد از صنایع موجود در منطقه را صنایع کوچک تشکیل می‌دهند.

در حال حاضر چه نسبتی از صنایع کوچک استان غیرفعال و راکد است؟

بر اساس پایش صورت گرفته (طرح ملی بررسی وضعیت واحدها و پیشرفت طرح‌ها) از سوی وزارت متبوع اعلام گردیده است که جنوب استان کرمان به‌عنوان پیشرو و جز اولین سازمان‌های استانی است که در سال ۹۷ طرح پایش واحدها را به پایان رسانده است. از مجموع واحدهای جنوب استان کرمان ۳۱ واحد غیرفعال و راکد هستند که ۱۳ در صد کل واحدهای صنعتی را تشکیل داده‌اند. بر اساس عارضه‌یابی صورت گرفته عمده مشکلات به علت بدهی‌های بانکی و تسهیلاتی و یا با سایر ارگان‌ها و نداشتن بازار مناسب فروش است. بر اساس مشکلات احصا شده جهت بازگرداندن این واحدها از طریق کارگروه‌های تسهیل و رفع موانع تولید، شورای گفتگو و یا تزریق سرمایه در گردش برنامه اجرایی تدوین و در حال اجرا است.

توزیع جغرافیایی صنایع در حوزه جنوب استان کرمان را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

که به علت بالا رفتن هزینه‌های تولید و گران شدن محصول تولیدی است قیمت تمام‌شده بالای کلای داخلی ناشی از هزینه‌های سنگین خدمات، مالیات، بهره‌های بانکی و نیز نبود فناوری قابل رقابت از جمله علل قیمت تمام‌شده بالاست که خریدار توان خرید محصول تولیدی را ندارد. از دیگر مشکلات صنایع فقدان سرمایه‌گذاری مشترک، نبود بانک تخصصی در منطقه جهت تأمین نقدینگی واحدها، نداشتن وثیقه، انواع عوارض و مالیات و همچنین نوسانات شدید در بازار است که از این مشکلات واحدهای کوچک بیشترین تأثیرپذیری را دارند، لذا منطقه نیازمند اصلاح برخی از قوانین و مقررات و همکاری سایر دستگاه‌ها و ارگان‌ها و همچنین اعمال مشوق‌های سرمایه‌گذاری در مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته است.

مهم‌ترین اقدامات و دست‌یافت‌های جنوب استان در توسعه مشارکت‌ها و نهادسازی در حوزه صنایع کوچک چه بوده است؟

در بدو تأسیس سازمان صنعت، معدن و تجارت با شناسایی پتانسیل‌ها و نیازهای منطقه اقدام به تهیه و تدوین «سند توسعه صنعت جنوب» نموده که این امر سبب شناساندن هر چه بهتر وضعیت صنعتی منطقه به سرمایه‌گذاران جهت سرمایه‌گذاری گردیده است که در نتیجه افزایش دو برابری سرمایه‌گذاری در منطقه را طی چند سال اخیر برداشته است. یادآوری می‌شود تعیین معین‌های اقتصادی در شهرستان‌های جنوبی با همکاری مستمر با نهادها و ارگان‌های تعیین‌شده با شناساندن اولویت‌های سرمایه‌گذاری و همچنین معرفی سرمایه‌گذار برای اخذ حمایت‌های جانبی معین‌های اقتصادی، سبب رشد چشمگیر صنایع در منطقه گردیده است.

بدیهی است که برخی سیاست‌های گذاری گذشته برای توسعه صنایع ناکارآمد بوده و حتی تضییع منابع را رقم زده است، در جهت عدم تکرار اشتباهات گذشته چه تغییراتی در سیاست‌های توسعه صنعتی داده شده است؟

بله متأسفانه در سنوات گذشته با توجه سیاست‌های موجود، اولویت در پرداخت و جذب تسهیلات بوده است و همین امر گاهی سبب می‌شد که اهلیت سرمایه‌گذار و همچنین پیشرفت طرح مورد بررسی قرار نگیرد که این موضوع سبب انحراف تسهیلات پرداختی و یا عدم بهره‌برداری و تکمیل طرح‌ها و پروژه‌های صنعتی گردیده است. این در حالی است که در حال حاضر ملاک پرداخت تسهیلات به طرح‌های صنعتی پیشرفت فیزیکی مناسب و عمدتاً جهت خرید ماشین‌آلات و یا توسعه پروژه‌های اقتصادی است و همچنین تزریق سرمایه در گردش به واحدهایی که با کمبود نقدینگی مواجه گردیده‌اند این امر سبب بهره‌برداری کامل از پروژه‌های صنعتی و همچنین افزایش ظرفیت تولید واحدهای تولیدی گردیده است. شایان‌ذکر است تمام مراحل پروسه تخصیص اعتبار از ابتدا در کمیته و کارگروه‌های تخصصی بررسی و مراحل به‌صورت سیستمی در سامانه هماهنگ وزارت صنعت معدن و تجارت ثبت و قابل پایش و رصد است؛ بر همین اساس طی سه سال گذشته به ۴۰ طرح صنعتی تسهیلات پرداخت گردیده است که همگی یا به بهره‌برداری رسیده و یا در شرف بهره‌برداری قرار دارند. ●

شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی نسبت به صنایع متوسط و بزرگ کدام‌اند؟

صنایع کوچک نقش به‌سزایی در اشتغال‌زایی، سرمایه‌گذاری به‌عنوان پیشران اقتصاد و در نهایت رشد اقتصادی کشور ایفا می‌نمایند که سبب توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته و تربیت نیروی انسانی جهت صنایع بزرگ و همچنین تولیدات عمومی مورد نیاز جامعه می‌گردد.

در حال حاضر شرکت‌های دانش‌بنیان در چه جایگاهی از بنگاه‌داری در منطقه جنوب استان قرار دارند و روند رشد و توسعه آن‌ها را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

با توجه به نو پا بودن صنایع در منطقه و عدم توجه بنگاه‌های تولیدی، نقش شرکت‌های دانش‌بنیان در منطقه کم‌رنگ بوده و با تعامل و جلسات متعددی که با مراکز رشد و فن‌آوری برگزار گردیده است و همچنین گواهی‌های تحقیق و توسعه که برای برخی واحدهای فعال صادر شده، امیدواریم در آینده نزدیک شاهد ایجاد هر چه بیشتر شرکت‌های دانش‌بنیان در منطقه باشیم.

تعریفی که از صنایع کوچک در ایران می‌شود این است که صنایع کوچک شامل بنگاه‌های دارای کمتر از ۵۰ نفر نیروی انسانی است، به نظر شما آیا:

• تعریف صرفاً بر اساس شاخص تعداد نیروی انسانی به لحاظ سیاست‌های توسعه اقتصادی وافی به مقصود است؟

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در برخی از کشورهای اروپایی واحدهای صنعتی بر اساس میزان سرمایه‌گذاری و مقیاس صنایع اندازه‌گیری می‌گردند، در حالی که در ایران این مقیاس بر اساس میزان اشتغال است که این تعریف فارغ از نوع تولید و تأثیرات اقتصادی و ... است که می‌تواند یک واحد پتروشیمی باشد یا تولید پوشاک، لذا بر اساس آنچه گفته شد تعریف، تعریف صحیحی نیست و نیاز به بازنگری دارد.

• با توجه به اندازه متفاوت شاخص‌های بسیار مهم نیروی انسانی، سرمایه، حجم تولید، تجارت خارجی و غیره در شرکت‌ها، چالش‌های مبتلابه آن‌ها چگونه رصد می‌شود؟

با توجه به بررسی و پایش‌های مستمر واحدهای تولیدی منطقه، جنوب استان کرمان به علت دوری مسافت تا مرکز استان و همچنین نبود نیروی متخصص با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند. در یک سال اخیر به علت نوسانات قیمت، واحدهای تولیدی با کاهش سرمایه در گردش مواجه گردیده‌اند که این امر سبب کاهش حجم تولید شده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و مشکلات واحدهای تولیدی جنوب، مناسب نبودن وضعیت تجاری محصولات تولیدی است که در سال‌های اخیر اقدامات مناسبی برای ایجاد واحدهای صنعتی که امکان تولید محصول صادراتی را دارند، صورت گرفته است.

آسیب‌شناسی صنایع کوچک چه نتایجی به‌عنوان مهم‌ترین چالش‌ها و راه‌های رفع آن‌ها به دست داده است؟

مهم‌ترین مشکل و معضل در واحدهای صنعتی نداشتن بازار مناسب است

چرا اندیشکده انرژی؟



< نادیا انجم شعاع
کارشناس اندیشکده انرژی



مقدمه

با افزایش روزافزون جمعیت جهان و محدود بودن منابع انرژی، بسیاری از کشورها با مشکل مصرف انرژی روبرو هستند. در سال‌های اخیر موضوع انرژی تحت تأثیر پدیده‌ای با عنوان بحران جهانی انرژی اهمیت بیشتری پیدا کرده است و به یکی از موضوعات چالش برانگیز جوامع بشری تبدیل شده است. در واقع انرژی ابزاری اساسی برای رشد اقتصادی، بهبود معیشت و سطح رفاه جوامع بشری است. لذا توجه به مباحث امنیت انرژی و اقتصاد انرژی در هر منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چراکه تأمین انرژی مورد نیاز جوامع بشری و برنامه‌ریزی مدون آن منتج به بهبود شرایط زندگی و رشد اقتصادی آن منطقه می‌شود.

سابقه پرداختن به مباحث کلان انرژی در اتاق بازرگانی کرمان به سال‌های قبل برمی‌گردد؛ از جمله مهم‌ترین این اقدامات تدوین نقشه راه انرژی استان بوده است. به‌کارگیری نقشه راه انرژی به‌عنوان سندی راهنما در توسعه هدفمند و کارآمد بخش انرژی، حائز اهمیت می‌باشد. به بیان دیگر، نقشه راه انرژی ابزاری جهت انجام برنامه‌ریزی‌های بهینه در راستای کشف، استخراج، تولید و عرضه انرژی، رفع مشکلات فعلی و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه اقتصادی است.

عواملی همچون بهره‌وری پایین انرژی، وضعیت غیر بهینه تراز انرژی و روند رو به رشد مصرف انرژی به‌خصوص در صنعت و تضمین توسعه پایدار اقتصادی استان سبب شد برنامه‌ریزی جامع و انتخاب استراتژی مناسب اهمیت پیدا کند که منجر به تدوین نقشه راه انرژی استان در سال ۱۳۹۳ شد. مؤید کارآمدی نقشه راه انرژی استان آنجاست که بر اساس برآوردهای انجام‌شده درباره مصرف برق، در تابستان ۹۸ در اوج بار حدود هشت هزار مگاوات کمبود قدرت قابل‌اتکا خواهیم داشت و برای جبران آن، قرار است برنامه‌های افزایش ظرفیت و مدیریت مصرف در دستور کار قرار گیرد. وزارت نیرو برای دستیابی به این هدف، اخیراً اقدام به تهیه دستورالعملی تحت عنوان ۰۹۸ نموده است که برخی از بندهای این دستورالعمل ۵ سال پیش در نقشه راه انرژی استان دیده شده بود. نقشه راه انرژی استان نهایتاً منجر به چندین پروژه کاربردی شد که برای عملیاتی کردن آن‌ها نیازمند به بستری سازمان‌یافته و منسجم داشت؛ این بود که اندیشکده انرژی استان به‌عنوان بستر ساز و هدایتگر این پروژه‌ها راه‌اندازی شد.

در ادامه به تعریف اندیشکده، ضرورت راه‌اندازی، ماهیت وجودی و برنامه‌های عملیاتی پیشنهادی اندیشکده انرژی خواهیم پرداخت.

اندیشکده چیست؟

اندیشکده یا کانون تفکر به سازمان، مؤسسه، شرکت یا گروهی گفته می‌شود که کار هدایت پژوهش را انجام می‌دهند و درگیر مسائل مختلفی چون سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، راهبرد سیاسی، اقتصادی، علمی یا موضوعات مربوط به فناوری یا سیاست‌های تجاری و یا حتی توصیه‌های نظامی است. در دنیای کنونی نوعی سازمان ویژه برای تفکر و پژوهش در حوزه سیاست‌سازی، تصمیم‌سازی و تولید ایده، مطالعات بین‌رشته‌ای وجود دارد که بر اصل جمع‌اندیشی و ایده‌پردازی استوار است. در ادبیات تخصصی فارسی معادل‌هایی مانند نهاد مولد اندیشه، کانون تفکر، اندیشگاه، اندیشکده، مخزن اندیشه و اتاق فکر برای آن‌ها پیشنهاد شده است. رشد این نوع سازمان‌ها بیشتر به خاطر شرایط پس از جنگ جهانی دوم در جهان غرب بوده و هم‌اکنون نیز انواع مختلفی از آن‌ها در زمینه‌های مختلف و به نام‌های گوناگون و با مالکیت‌ها متنوع در جهان مشاهده می‌شود.

طبق تعریف دانشگاه پنسیلوانیا که تعریف جامعی است «اندیشکده‌ها سازمان‌های پژوهشی، تحلیلی، سیاست‌گذاری عمومی و تعاملی هستند که درباره مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، پژوهش‌ها، تحلیل‌ها و توصیه‌های مبتنی بر سیاست‌گذاری تولید می‌کنند. در نتیجه سیاست‌گذاران و عموم مردم را قادر می‌سازند تا در مورد سیاست‌های عمومی، تصمیمات آگاهانه‌ای بگیرند».

پس به طور خلاصه اندیشکده مرکز خصوصی و مستقل از نهادهای دولتی و منافع آن‌ها است. این مرکز پیشنهادات و راهکارهای مرتبط را بدون وابستگی به گروه خاصی ارائه می‌دهد و همچنین در حاکمیت تأمین منابع مالی خود کاملاً شفاف عمل می‌کند.

ضرورت راه‌اندازی اندیشکده انرژی

ضرورت تدوین سیاست‌گذاری منسجم، جامع و استراتژیک، لزوم ارتباط میان بخش‌های مختلف و سیاست‌گذاران برنامه‌های کلان در زمینه ارتقاء بهره‌وری انرژی، ارائه تحلیل‌ها و راهکارهای عملی، کارآمد و مؤثر در حوزه انرژی بر اساس شواهد علمی، مطالعات تخصصی مبتنی بر دانش و علوم اثبات‌شده، فضایی را می‌طلبد که گفتگو و ارتباط متقابل با نگاه مشترک بین همه حوزه‌ها اعم از شرکت‌ها، اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز سازمان‌های دولتی متولی را با اتکا بر برهیافت‌های فنی، اقتصادی و اجتماعی، ارائه اطلاعات دقیق و معتبر و راهکارهای مناسب، انعطاف‌پذیر، به‌موقع و سازگار با ارزش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی مرتبط با مسائل انرژی را شرح دهد و در چارچوب قوانین ملی و بین‌المللی برای دستیابی به توسعه پایدار،

دسترسی به اساتید با دانش ویژه در حوزه انرژی تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر مبنای علمی را تسهیل می‌کند و پیگیری مباحث به‌روز و مبتلابه ایران و جهان در حوزه انرژی را تسریع می‌بخشد.

حوزه فعالیت‌های اندیشکده انرژی

فعالیت‌های اندیشکده انرژی در سه حوزه سیاست‌پژوهی، اطلاع‌رسانی - ارتباطات و ظرفیت‌سازی می‌باشد.

الف: چارچوب فعالیت‌های سیاست‌پژوهی اندیشکده با توجه به امکانات و اولویت‌ها به شرح زیر است:

■ پژوهش تطبیقی در اصول، قواعد و مبنای عمیق علمی، ارزشی، حقوقی و سیاستی مؤثر بر حوزه انرژی با توجه به شرایط و مقتضیات کشور،

■ مطالعات تحلیل تاریخی موضوعات و روندها برای تشخیص مسائل بنیادین انرژی و مستندسازی پیشنهادهای اصلاحی،

■ آینده‌پژوهی، آینده‌نگاری، بررسی سناریوهای مختلف و تحلیل شفاف و اثربخش پیامدها،

■ بررسی قیود و امکانات نظام اجرایی در پیاده‌سازی راهکارهای پیشنهادی و چاره‌جویی‌های کلان و گزینه‌یابی برای تخفیف یا حل‌وفصل قیدها و محدودیت‌ها با هدف تسهیل سیاست‌گذاری و اتخاذ تصمیم‌های مهم و راهبردی در امور انرژی،

■ ارائه خدمات علمی، فنی و مشورتی به نهادهای دولتی و خصوصی و سایر ذی‌نفعان بخش انرژی اعم از: مراکز و واحدهای تحقیق و توسعه، سازمان‌های تأمین‌کننده انرژی، نهادهای خصوصی و دولتی مصرف‌کننده انرژی و صنایع عرضه‌کننده تجهیزات و خدمات تولید و تبدیل انرژی در سطح ملی و بین‌المللی،

■ چارچوب‌بندی و شناسایی اولویت‌ها، ضرورت‌ها و چالش‌های دولت، بخش خصوصی و سایر ذی‌نفعان، در زمینه انرژی و محیط‌زیست و اجرای ختمشی مناسب برای تعامل، اجرا و عملیاتی نمودن راهکارهای عملی،

■ بهره‌گیری از اعضاء هیئت‌علمی، محققین با تجربه و متخصصان صنعتی و ساماندهی نیروی انسانی متخصص با دانش و مهارت بالا در زمینه‌های مدل‌سازی، اقتصاد و سیاست‌های انرژی، مدیریت و بهینه‌سازی انرژی، محیط‌زیست و مباحث فنی و حقوقی.

ب: چارچوب فعالیت‌های اطلاع‌رسانی و ارتباطات اندیشکده به شرح زیر است:

■ انتشار نتایج مطالعات به شیوه‌های کارآمد و مؤثر،

■ برگزاری مستقل یا مشترک همایش‌ها و نشست‌های تخصصی مورد نیاز و چاپ و نشر گزارش‌های مرتبط،

■ ترغیب و تشویق اساتید و کارشناسان ذی‌صلاح و نیروهای تأثیرگذار در جهت تولید و اشاعه اندیشه‌های مرتبط با مدیریت انرژی در بین عموم مردم، مدیران و کارشناسان اجرایی و رسانه‌ای، قانون‌گذاران و مراکز علمی- پژوهشی مرتبط،

■ ایجاد و مدیریت درگاه اینترنتی جهت اطلاع‌رسانی و برقرار کردن امکان تبادل نظر در محیط مجازی با مخاطبان و علاقه‌مندان ذینفع.

بستری مناسب برای ارتباط مؤثر و کارآمد با همه ذی‌نفعان به‌منظور بهره‌گیری از ایده‌ها و راهکارهای جدید برای حل مسائل مرتبط با حوزه انرژی باشد.

از آنجایی که اتناق وظیفه پایش محیط کسب‌وکار و تلاش برای بهبود آن را بر عهده دارد، توجه به ظرفیت موجود در بخش انرژی و ضرورت پرداختن به تمامی موارد فوق موجب شد تا اتناق کرمان به‌عنوان بخش خصوصی و با تجربه قبلی در راه‌اندازی اندیشکده تدبیر آب با استفاده از نظرات اساتید دانشگاه‌ها به پایه‌گذاری این مسئله مهم بپردازد و اقدام به راه‌اندازی اندیشکده تخصصی انرژی نماید. اندیشکده انرژی با چشم‌انداز رهبری فکری مبتنی بر خرد جمعی در حوزه انرژی به‌منظور کمک به توسعه پایدار اقتصادی با تضمین الزامات اخلاقی و زیست‌محیطی در ۸ دی‌ماه ۹۷ هم‌زمان با اولین همایش هم‌اندیشی آینده انرژی ایران با حضور جمعی از مسئولان و مدیران کل استانی و اساتید دانشگاه و صاحب‌نظران حوزه انرژی افتتاح شد.

مأموریت اندیشکده

موارد زیر به‌عنوان مأموریت اندیشکده تعریف شده است:

■ توسعه زیرساخت‌های آمار، اطلاعات و دانش حوزه اقتصاد انرژی به‌منظور هماهنگی و یکپارچه‌سازی مطالعات و تحلیل‌های مربوط به این حوزه،

■ انجام تحقیقات علمی کارآمد و پیشرفته و تحلیل‌های واقع‌بینانه و به‌موقع از شرایط و مقتضیات استراتژیک و روندهای منطقه‌ای و جهانی برای دگرگونی و اعتلای سازوکارهای حاکم بر نظام‌های مدیریت انرژی با رویکرد بخش خصوصی و تقویت بنیه اقتصاد انرژی،

■ ابتکار عمل در تدوین سیاست‌های ارتقا بهره‌وری، مدیریت منابع و مصارف انرژی به‌منظور کمک به سیاست‌گذاران در راستای اتخاذ تدابیر و تصمیمات آگاهانه و مبتنی بر مدارک و تحلیل‌های کارشناسی،

■ ارائه ختمشی کلی برای مشارکت همگانی، فعال و بدون تشریفات ذی‌نفعان اعم از بخش خصوصی، دولت، مراکز دانشگاهی، علمی-پژوهشی، زیست‌محیطی، حقوقی، مؤسسات تحقیقاتی جهانی، ایده‌پردازان و همچنین نیروهای فکری جامعه، در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه انرژی،

■ تبیین اثرات متقابل سیاست‌های حوزه انرژی و روابط بین‌الملل در رابطه با سیاست‌های مرتبط با این حوزه.

ماهیت وجودی اندیشکده

ضمن این‌که با تشکیل اندیشکده انرژی، بهره‌گیری از نظرات، ایده‌ها، پیشنهادهای کارشناسان و متخصصین داخلی و خارجی فراهم می‌شود، دسترسی به ایده‌ها و راهکارها برای حل مشکلات و ارتقاء عملکرد حوزه انرژی تسهیل می‌گردد، به‌علاوه اندیشکده انرژی بسترساز ارتباط میان متخصصین حوزه انرژی، دانشگاهیان و فعالان بخش خصوصی است.

توجه به اطلاعات قبض مشترکین استان‌های جنوبی کشور، ۲۰ درصد از مشترکین استان‌های جنوبی بیش از ۵۰ درصد از برق خانگی این استان‌ها را مصرف می‌کنند؛ در نتیجه ضرورت دارد تا در درجه اول تعرفه برق مشترکین پرمصرف در این استان‌ها اصلاح شده و در گام بعدی جایگزینی کولرهای پرمصرف با کم‌مصرف انجام شود. اخیراً در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با محوریت مقابله با چالش برق و به استناد تجربیات جهانی مانند برزیل و آمریکا، چهار دلیل برای لزوم جایگزینی کولرهای کم‌مصرف پیشنهاد داده است که جایگزینی وسایل سرمایشی با اولویت خانوارهای بی‌بضاعت صورت گیرد؛ در وهله نخست از خاموشی برق و آثار مخرب آن جلوگیری می‌کند. از طرفی استفاده از تجهیزات نو منجر به کاهش هزینه قبض برق استان‌های جنوبی کشور و آسایش مردم می‌شود، در نتیجه از هدر رفت انرژی در کشور جلوگیری شده و فرصت صادرات برق در اوج فصل گرم نیز از بین نخواهد رفت و در نهایت این‌که در صورت استفاده از محصولات داخلی یک حمایت هوشمند از تولید داخل صورت خواهد گرفت و منجر به تولید و اشتغال هم خواهد شد و در این راستا طرح جایگزینی کولرهای گازی پرمصرف و قدیمی با کولرهای کم‌مصرف از طرف وزارت نیرو به شورای اقتصاد ارسال شده است.

ب: بهره‌وری پایین انرژی استان ناشی از مصرف بالای انرژی در پمپ‌های کشاورزی؛ بخش کشاورزی در کشور ایران سهم مهمی از مصرف انرژی الکتریکی را به خود اختصاص داده است. این بخش کمترین تعرفه را در بین بخش‌های مصرف‌کننده انرژی دارد. از طرفی،

ج: چارچوب فعالیت‌های ظرفیت‌سازی اندیشکده به شرح زیر است:

- شناسایی و تهیه بانک اطلاعاتی از افراد مؤثر و کارآمد در زمینه‌های حقوقی، فنی، اقتصادی، مدیریتی و اجتماعی در راستای اهداف اندیشکده،
- تدوین و اجرای برنامه آموزشی علمی-کاربردی با موضوعات بنیادی، حقوقی، فنی و مهندسی، اقتصادی و اجتماعی در حوزه انرژی،
- تدوین و اجرای برنامه‌های همکاری علمی و فنی برای آموزش، تربیت نیروی انسانی و مطالعات مشترک کاربردی، با مراکز علمی و تحقیقاتی داخلی و خارجی در حوزه انرژی،
- مدیریت دانش به‌منظور تسهیم منابع دانش از طریق برقراری ارتباط با خبرگان حوزه انرژی.

برنامه عملیاتی اندیشکده در سال ۹۸

برای تدوین برنامه اندیشکده انرژی در سال جاری، جلسات کارشناسی با موضوع بررسی وضعیت بهره‌وری انرژی در استان و راهکارهای ارتقا آن با حضور صاحب‌نظران این حوزه برگزار شد، مهم‌ترین موارد مطرح‌شده به شرح زیر است:

الف: بهره‌وری پایین انرژی در استان ناشی از اتلاف بالا در سیستم‌های سرمایشی خانگی:

متأسفانه در استان کرمان به دلیل بهره‌وری پایین سیستم‌های سرمایشی خانگی با افزایش تلفات و به دنبال آن افزایش هزینه‌های انرژی روبه‌رو هستیم. اقدامات زیر راهکارهایی است که برای حل این مشکل از سوی خبرگان این حوزه مطرح شده است:

■ سرویس کولرهای گازی نصب‌شده در راستای افزایش کارایی؛ با بررسی‌های انجام‌شده هزینه برآوردی برای سرویس هر دستگاه کولر ۵۰۰ هزار ریال می‌باشد که منجر به صرفه‌جویی ۳ درصدی انرژی الکتریکی خواهد شد.

■ تجهیز کردن کولرهای آبی فعلی به سیستم مدیریت آب و برق؛ برآورد هزینه نصب سیستم مدیریت آب و برق بر روی کولرهای آبی شمال استان ۲۴۰ میلیارد ریال می‌باشد که باعث صرفه‌جویی ۸/۲ میلیون یورویی و کاهش ۸ مگاواتی پیک مصرف می‌شود.

■ تسهیل جایگزینی کولرهای گازی با اسپلیت‌های کم‌مصرف در جنوب استان با ایجاد سازوکار جذب سرمایه‌گذار بخش خصوصی؛ این موضوع از آنجا حائز اهمیت است که یکی از طرح‌های مهم وزارت نیرو (بند ۸ دستورالعمل ۹۸ وزارت نیرو) نیز جایگزینی یک میلیون کولر گازی فرسوده پرمصرف با کولرهای کم‌مصرف در استان‌های جنوبی کشور است. کولرهای گازی از جمله وسایل سرمایشی در کشور هستند که درصد و تعداد آن‌ها در سالیان اخیر رشد چشمگیری داشته است. با جایگزینی یک میلیون دستگاه کولرگازی قدیمی با کولر کم‌مصرف نو، بیش از ۱۰۰۰ مگاوات از تقاضای مصرفی در زمان اوج بار کاسته خواهد شد. هرچند کولرهای گازی در کل کشور استفاده می‌شوند، اما قطعاً اولویت جایگزینی این کولرها در استان‌های جنوبی کشور با توجه به دما و رطوبت بالا ضرورت دارد. درحالی‌که در دیگر مناطق و به‌خصوص مناطق عادی می‌توان به‌جای استفاده از کولرگازی از کولرآبی استفاده کرد که توان مصرفی آن بسیار کمتر است. در استان‌های جنوبی کشور نیز لازم نیست جایگزینی کولرگازی برای همه مشترکین صورت گیرد؛ با

از آنجایی که اتاق وظیفه پایش محیط کسب‌وکار و تلاش برای بهبود آن را برعهده دارد، توجه به ظرفیت موجود در بخش انرژی و ضرورت پرداختن به تمامی موارد فوق موجب شد تا اتاق کرمان به‌عنوان بخش خصوصی و با تجربه قبلی در راه‌اندازی اندیشکده تدبیر آبی با استفاده از نظرات اساتید دانشگاه‌ها به پایه‌گذاری این مسئله مهم بپردازد و اقدام به راه‌اندازی اندیشکده تخصصی انرژی نماید. اندیشکده انرژی با چشم‌انداز رهبری فکری مبتنی بر خرد جمعی در حوزه انرژی به‌منظور کمک به توسعه پایدار اقتصادی با تضمین الزامات اخلاقی و زیست‌محیطی افتتاح شد.

مجهر شدن دستگاه‌های اجرایی به مولد برق اضطراری در زمان‌های نیاز شبکه در راستای رفع و کاهش قطعی‌ها و خاموشی‌ها صورت گیرد. ه: نقش فرهنگ در ارتقا بهره‌وری انرژی: فرهنگ‌سازی مدیریت مصرف از رسالت‌های اصلی رسانه‌هاست، با توجه به این‌که تلویزیون و رادیو از لحاظ کارکرد تبلیغاتی تأثیر بسزایی در اصلاح نگرش‌ها و ایجاد انگیزه برای بهبود رفتار مصرفی دارد، قادر است در ارتقاء سطح فرهنگ عمومی و اصلاح گرایش‌های غلط مصرفی به‌خوبی عمل کند. به‌طور حتم هدف، تربیت و آموزش کاهش مصرف نیست؛ چراکه یکی از شاخص‌های اصلی رشد هر جامعه‌ای میزان مصرف مردم آن کشور است، بلکه هدف این است که از طریق آموزش روش‌های صحیح مصرف، مردم نسبت به اهمیت استفاده صحیح و بهینه از انرژی آگاه شوند.

آموزش مدیریت مصرف، آگاه‌سازی مردم از فرایندهای تولید انواع انرژی، مقایسه میزان مصرف سرانه مردم ایران نسبت به سایر کشورها و برابری میزان مصرف کشور ما نسبت به این کشورها در برخی از اقلام مصرف انرژی و...، جملگی از مواردی است که ضرورت اطلاع‌رسانی به مردم و آموزش استفاده صحیح و بهینه از انرژی را بیان می‌کند. در این خصوص دو پیشنهاد اجرایی طبق مواد قانونی ۶۴ و ۶۷ اصلاح الگوی مصرف انرژی می‌توان مطرح کرد: ۱- گنجاندن واحدهای درسی مدیریت انرژی در کلیه مقاطع تحصیلی و رشته‌های مرتبط و آموزش اصول بهره‌وری و فرهنگ مصرف در کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی، ۲- اشاعه فرهنگ مصرف منطقی انرژی، اصلاح رفتار و الگوی مصرف از طریق اجرای فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغاتی.

با توجه به مباحث مطرح‌شده، شورای راهبری اندیشکده برای سال ۹۸، سه پروژه تحت عناوین بازار خاموشی صنایع بزرگ، جایگزینی کولرهای گازی با اسپلیت‌های کم‌مصرف در مناطق گرم و جایگزینی نیروگاه زرنند با ظرفیت معادل نیروگاه خورشیدی به شرح زیر را در دستور کار قرار داد:

۱- بازار خاموشی صنایع بزرگ: با توجه به پیش‌بینی صورت گرفته از سوی مدیریت شبکه برق کشور مبنی بر کمبود منابع برق و همچنین دستورالعمل ابلاغی از سوی وزارت نیرو مبنی بر اجرای برنامه خاموشی سالانه در پیک با استفاده از منابع حاصل برای کاهش بار و مدیریت مصرف، راه‌اندازی بازار خاموشی ضرورت پیدا کرد که مقرر شد بررسی و پیاده‌سازی پایلوت در استان کرمان صورت گیرد و با اجرای موفق این برنامه، در سراسر کشور نیز پیاده‌سازی گردد.

۲- در خصوص جایگزینی کولرهای گازی با اسپلیت در مناطق گرم استان مطالعه فنی - اقتصادی کاملی صورت گرفته است که براساس این مطالعه تعویض ۷۰۰۰ کولرگازی در شهرستان جیرفت با سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیارد تومان منجر به کاهش ۲۱ درصدی بار سرمایشی خواهد شد که طبیعتاً این امر تأثیر به‌سزایی در اشغال زایی می‌گذارد.

۳- طبق مطالعات انجام‌شده جایگزینی نیروگاه فسیلی زرنند با نیروگاه خورشیدی با ظرفیت ۵۰ مگاوات ضمن کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی منجر به صرفه‌جویی ۱۴۵ میلیون دلاری مصرف سوخت خواهد شد. ●

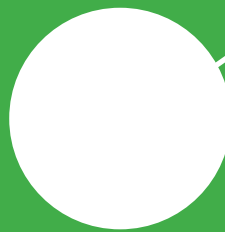
با توجه به پایین بودن تعرفه هیچ انگیزه‌ای برای بهینه‌سازی مصرف انرژی در این بخش برای کشاورزان وجود ندارد و به همین دلیل راندمان تبدیل انرژی در این بخش بسیار پایین است؛ وجود الکتروپمپ‌های شافت و غلافی راندمان پایین در سامانه‌های استحصال آب به همین دلیل است. طرح افزایش راندمان چاه‌های کشاورزی با جایگزینی الکتروپمپ‌های شافت و غلافی با الکتروپمپ‌های شناور، منافع فنی، اقتصادی و زیست‌محیطی بسیاری را برای شرکت توزیع، کشاورزان، شبکه و دولت در پی خواهد داشت همچنین طبق برآورد صورت گرفته بازگشت سرمایه در کمتر از سه سال اتفاق خواهد افتاد. دولت نیز یکی از بزرگ‌ترین بخش‌های مصرف‌کننده انرژی در کشور است اما به دلیل مشکلات مالی نمی‌تواند در این بخش سرمایه‌گذاری نماید بنابراین توجه به همین مسائل موجب شد تا مسئله بهینه‌سازی مصرف انرژی در کشور در قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر جای گرفته و ماده ۱۲ آن را به خود اختصاص دهد تا بخش خصوصی کشور را به سرمایه‌گذاری در این موضوع ترغیب نماید.

با توجه به مطالعات انجام‌شده، کشورهای درحال توسعه نظیر هند و چین نیز تعویض سیستم شافت و غلافی موجود در سامانه‌های استحصال آب با سیستم شناور را به دلیل مزایای بی‌شمار آن موردتوجه و اهتمام جدی قرار داده‌اند.

ج: ظرفیت‌های قانونی در راستای استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر: در راستای استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر، حفظ محیط‌زیست، تشویق دستگاه‌های دولتی به صرفه‌جویی در مصرف انرژی، محدودیت در منابع سوخت‌های فسیلی و حمایت از بخش خصوصی بر اساس تصویب‌نامه هیئت‌وزیران به شماره ۱۷۸۲۵۰ ت ۵۱۹۰۴ ه مورخ ۹۵/۰۶/۳۱ وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، نهادها و شرکت‌های دولتی ملزم هستند ۲۰ درصد برق مصرفی ساختمان‌های خود را از انرژی‌های تجدید پذیر تأمین نمایند. در این راستا نامه‌ای به استانداردها ارسال شده که بر اساس آن ساختمان‌های اداری و مؤسسات دولتی، بانک‌ها و شهرداری‌ها ملزم هستند در مدت ۲ سال، ۲۰ درصد انرژی مصرفی خود را از محل نیروگاه‌های خورشیدی بر بام این ساختمان‌ها تأمین کنند و در صورتی که در مدت مقرر این مهم را انجام ندهند، تعرفه برق برای این نهادها بر اساس تعرفه انرژی تجدید پذیر محاسبه می‌شود. واقعیت این است که اصلاح مبحث انرژی باید نخست از ساختمان‌های دولتی شروع شود؛ زیرا دولت نمی‌تواند کار خود را در شرایطی آغاز کند که ساختمان‌های خودش بیشترین انرژی را مصرف می‌کند. همچنین اجرای مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان و تدوین استاندارد انرژی در سرمایش و گرمایش تپه و ابلاغ شده که نقش مهمی در کاهش مصرف انرژی داشته است.

د: بهره‌وری پایین انرژی ناشی از خاموشی‌های مکرر برق در استان: قطعی‌ها و خاموشی‌های مکرر برق در ادارات و صنایع بزرگ به‌خصوص برای صنایعی که ۲۴ ساعته کار می‌کنند، مشکلات بزرگی ایجاد می‌نماید. بر اساس بند (ب) ماده ۲ تصویب‌نامه هیئت‌وزیران به شماره ۳۲۰۷۲ ت/۵۵۴۲۰ ه مورخ ۹۷/۰۳/۱۹ آماده به کار نمودن ظرفیت‌های نیروگاهی نصب‌شده در ادارات و صنایع جهت تولید انرژی در ساعات پیک‌بار چه به‌صورت خود تأمین و یا تزریق به شبکه و

آب و کشاورزی



- گیاهان دارویی؛ یکی از راه‌های نجات تمدن
- فلات مرکزی در مقابل چالش کم‌آبی
- بهره‌وری عوامل تولید در بخش کشاورزی کرمان
- بهره‌وری از شعار تا عمل؛ موانع بهره‌وری
- حوزه کشاورزی و معدن استان و راهکارهای آن
- تونس؛ الگوی موفق تولید، فرآوری و تجارت خرما

گیاهان دارویی؛ یکی از راه‌های نجات تمدن فلات مرکزی در مقابل چالش کم‌آبی



< مقدار تکلوزاده

دبیر کمیسیون کشاورزی اتاق کرمان
و دبیر انجمن خرماي استان کرمان



مصرف گیاهان دارویی به‌ویژه گیاهانی بر پایه رژیم‌های لاغری و چاقی، کاهش و افزایش در امیال مختلف انسانی مانند امیال جنسی، رفع افسردگی، افزایش انرژی و گیاهان دارویی مؤثر بر سلامت و زیبایی پوست و مو در جوامع مختلف در حال افزایش است و روز به‌روز بر قیمت آن‌ها افزوده می‌شود. همچنین عوارض جانبی ناشی از مصرف داروهای شیمیایی تمایل مردم را به استفاده از گیاهان دارویی افزایش داده است؛ بنابراین آینده شغلی کاشت و پرورش گیاهان دارویی چشم‌انداز روشنی خواهد داشت.

کشور ایران یکی از بکرترین و مستعدترین مناطق برای پرورش و تولید انواع گیاهان دارویی است. در گذشته از این ظرفیت طبیعی که کارکردی بهداشتی- درمانی دارد، بهره‌برداری چندانی نمی‌شد، اما طی ۱۰ سال گذشته کشت و پرورش گیاهان دارویی و تولید اقلام دارویی، بهداشتی و آرایشی، مکمل‌های دارویی و خوراکی رشد چشمگیری داشته و شرکت‌های داروسازی به این سمت گرایش پیدا کرده‌اند. از طرفی تولید و تجارت گیاهان دارویی در سال‌های اخیر با توجه به مزایای بسیاری که دارد رقم قابل‌ملاحظه‌ای را به خود اختصاص داده است. بر اساس گزارش بانک جهانی، بازار تولید و مصرف گیاهان دارویی جهان در سه دهه اخیر از کمتر از ۵ میلیارد دلار به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار رسیده است. این رقم تا سال ۲۰۵۰ میلادی به ۵۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید. این آمار گویای افق روشن گیاهان دارویی

ایران رویشگاه اصلی بسیاری از گونه‌های دارویی با ارزش است. این گونه‌ها در شرایط طبیعی و با بارندگی مختصر، مواد مؤثره نسبتاً بالایی تولید می‌کنند که می‌تواند با کشت اصولی آن‌ها افزایش یابد و از این رهگذر تولیدات گیاهان دارویی، مصرف داخلی و صادرات آن افزایش یابد. در مقایسه با گیاهان دیگر مثل گندم، جو و حبوبات، گیاهان دارویی سازگار با محیط به دلیل مصرف پایین آب می‌تواند با عملکرد قابل‌توجهی تولید شود که از نظر درآمد و اشتغال مقرون به‌صرفه باشد همچنین با توجه به خشک‌سالی‌های اخیر در کشور، کشت گیاهان دارویی می‌تواند راهکار مناسبی برای رهایی از بحران کم‌آبی باشد. با توجه به نظر کارشناسان در صنعت کشاورزی پیشرفت نخواهیم داشت مگر این‌که زمینه نوآوری را در این صنعت ایجاد کنیم. با توجه به اقلیم خشک، کم‌آب و بیابانی بودن بیش از ۷۰ درصد کشور، بهتر است به‌جای کشت محصولات پُرآب مانند یونجه، ذرت، جو و... گیاهان دارویی بکاریم باید توجه داشت که کشت محصولات پُرآب مقدار زیادی از ذخایر آبی ما را نابود می‌کند. از سوی دیگر می‌توان چنین پنداشت که واردات محصولات همچون گندم، ذرت، یونجه و... به کشور امکان‌پذیر است، ولی آب را نمی‌توان جز اقلام وارداتی دانست، ضمن این‌که گیاهان دارویی به علت عدم استفاده یا استفاده محدود از کودهای شیمیایی و سموم مختلف، یک محصول سالم خواهد بود و امروزه میل به

در شرایطی رخ می‌دهد که موضوع درمان بدون عوارض شیمیایی در کشورهای صنعتی جهان به صورت جدی پیگیری می‌شود. حدود ۵۰ گونه مختلف گیاه دارویی با قابلیت صادرات در کشور وجود دارد. طبق آمار سایت سازمان خواربار جهانی، رازیانه، بادیان، انیسون و گشنیز چهار قلم اصلی صادراتی گیاهان دارویی ایران را تشکیل می‌دهند. همین‌طور صمغ‌های گیاهی و عصاره شیرین بیان از مهم‌ترین اقلام موردعلاقه دو کشور اروپایی ایتالیا و آلمان در خرید از ایران است. به‌طور قطع صادرات گیاهان دارویی با ارزش‌آوری خوبی که به همراه دارد، سبب رونق کسب‌وکار در این حوزه در کشور می‌شود. خوشبختانه با گسترش روزافزون مصرف فرآورده‌های گیاهان دارویی و تمایل به استفاده از داروها با منشأ گیاهی در جوامع جهانی به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته و نیز استفاده گسترده این گیاهان در صنایع غذایی، آرایشی و بهداشتی، با توجه به قابلیت‌هایی که در کشور وجود دارد فرصت مغتنمی است تا به بهترین نحو ممکن برای رشد تولید و صادرات این محصولات تلاش کرده و حضور خود را در بازارهای جهانی بیش از پیش افزایش دهیم.

سرمایه اولیه برای شروع به کار یک مزرعه گیاهان دارویی تقریباً عددی بین ۲۰ تا ۷۰ میلیون تومان است. بازگشت سرمایه در تولید گیاهان دارویی حداقل روی کاغذ قابل توجه است. به‌عنوان مثال یک هکتار به‌لیمو از سال دوم در چهار برداشت در حدود ۴ تا ۵٫۳ تن محصول تولید می‌کند که با توجه به قیمت هر تن، سود مناسبی نصیب تولیدکننده می‌شود.

نتیجه‌گیری

متکی بودن اقتصاد ایران بر درآمدهای نفتی، آسیب‌پذیری اقتصاد کشور را موجب شده است. یکی از راه‌های مقابله با این چالش، توسعه تولیداتی است که با افزایش صادرات غیرنفتی سبب بهبود وضع اقتصادی می‌شود. ظرفیت‌های شناخته‌شده و حتی ناشناخته ایران در تولید گیاهان دارویی فرصت‌های قابل توجهی را برای سرمایه‌گذاری پیش روی سرمایه‌گذاران قرار داده است. کشت و برداشت گیاهان دارویی نسبت به دیگر محصولات کشاورزی دارای هزینه کمتر و با دوره بازدهی زود هنگام است و می‌توان عنوان کرد که سرمایه‌گذاری روی گیاهان دارویی برای کشورمان، با سودآوری قابل توجه همراه است.

ایران با تنوع آب و هوایی و رویشگاه‌های گیاهی متفاوت، کشوری غنی از نظر تنوع گونه‌ای و بهره‌مندی از موقعیت استثنایی از منظر جغرافیای طبیعی با حدود ۸ هزار گونه گیاهی است. سه مرحله کاشت و تولید، فرآوری و تبدیل و در نهایت صادرات گیاهان دارویی سه ضلع مثلثی هستند که در صورت کامل کردن یکدیگر در رشد و توسعه اقتصادی کشور بسیار اثرگذار خواهد بود. در این کلام به علاقه‌مندان و سرمایه‌گذاران بالقوه حوزه کشت و فرآوری داروهای گیاهی پیشنهاد می‌دهیم قبل از شروع سرمایه‌گذاری با مطالعات امکان‌سنجی جامع و مستند از توجیه‌پذیری بودن فعالیت اقتصادی خود مطمئن شوند تا بتوانند یک سرمایه‌گذاری مطمئن با حمایت مسئولان استان راه اندازی نمایند. ●

در صنعت داروسازی جهان است.

تنوع گونه‌های دارویی دارای ترکیبات ارزشمند، گیاهان دارای ارزش اقتصادی بالا، تنوع اقلیمی برای تولید انواع گونه‌های دارویی، نیروی انسانی و منابع انرژی ارزان از پتانسیل‌های مهم کشور جهت توسعه کشت و صنایع مرتبط با گیاهان دارویی است. توجه و گرایش به محصولات طبیعی، منجر به توسعه استفاده صنایع مختلف غذایی، دارویی، آرایشی و بهداشتی از گیاهان دارویی و ترکیبات طبیعی در تولیدات خود شده است. امروزه تولید و فرآیندسازی گیاهان دارویی از بازار بزرگ جهانی برخوردار است. تولید و فرآوری گیاهان دارویی به‌جز فواید پزشکی زمینه‌های مساعدی را در کارآفرینی و ایجاد شغل فراهم می‌نماید.

مزایا و کاربردهای محصول

تولید گیاهان دارویی می‌تواند در سلامت و اقتصاد مردم کشور نقش مؤثری داشته باشد. بر اساس پژوهش‌های مؤسسات علمی، از کل ۸ هزار گونه گیاهی شناخته‌شده در کشور، بیش از ۲ هزار و ۱۰۰ گونه گیاهان دارویی است که دارای خواص دارویی هستند و در اکثر نقاط ایران کشت می‌شوند که می‌توانند در صنایع داروسازی، عطری، آرایشی-بهداشتی، مکمل غذایی، رنگ‌دهنده، طعم‌دهنده، آفت‌کش، ادویه‌جات و سایر صنایع قابل استفاده باشد.

بازار گیاهان دارویی

متأسفانه باوجود بازار ۱۰۰ میلیارد دلاری گیاهان دارویی در کشورهای جهان، در حال حاضر کشور ایران به‌رغم داشتن شرایط اقلیمی مناسب و تنوع گیاهی به‌مراتب بهتر از اروپا، سهم تجارت جهانی‌اش از این بازار بزرگ کمتر از ۱۰۰ میلیون دلار است. این در حالی است که در داخل کشور نیز توجه به داروهای گیاهی قابل توجه نیست؛ زیرا سرانه مصرف سالانه گیاهان دارویی در ایران ۳۰ گرم است، اما در چهار، پنج سال گذشته وضعیت بهتر شده و استقبال عمومی از این اقلام دارویی و خوراکی افزایش پیدا کرده است. این سرانه در اروپا ۹۰۰ و در کشور آمریکا در حدود ۲۵۰۰ گرم است.

سطح زیر کشت این گیاهان در کشور حدود ۸۰ هزار هکتار است که در برنامه جامعی که برای این منظور تهیه‌شده است مقرر شده است این عدد به ۲۰۰ هزار هکتار برسد. این اعداد و ارقام نشان از توانمندی و ظرفیت بالای کشور دارد که تاکنون مغفول مانده، ولی با اقدامات مناسبی که ظرف چند سال اخیر صورت گرفته این مقدار در حال افزایش است. تعداد واحدهای تولیدی در کشور که فقط به‌طور اختصاصی و تنها به تولید و فرآوری گیاهان دارویی بپردازند کم است و شاید به ۵۰ واحد برسد، بعضاً در برخی از واحدهای تولید دارو، بخش‌های مجزایی وجود دارد که به‌طور خاص به تولید گیاهان دارویی می‌پردازند.

صادرات گیاهان دارویی، حالا کم‌کم به یکی از سودآورترین فعالیت‌ها در اقتصاد کشاورزی تبدیل می‌شود. بر اساس پیش‌بینی فائو (سازمان جهانی خواربار و کشاورزی) حجم تجارت گیاهان دارویی تا سال ۲۰۵۰ تا ۱۰۰ برابر شده و به ۵ هزار میلیارد دلار می‌رسد. این وضع

بهره‌وری عوامل تولید در بخش کشاورزی کرمان

◀ سمیه امیرتیموری
استادیار گروه اقتصاد کشاورزی
دانشگاه شهید باهنر کرمان



با مفهوم بهره‌وری گره خورده است (مرادی، ۱۳۸۱). واژه «بهره‌وری» یا «بهره‌بری» در فرهنگ لغت فارسی معین به معنی سود برندگی و یا فایده‌گی و کامیابی است. این واژه در انگلیسی با واژه «Productivity» که به معنای سرشاری، حاصلخیزی، باروری و استعداد تولیدی می‌باشد، معادل قرار داده شده است (پروا، ۱۳۷۹). در ساده‌ترین تعریفی که از بهره‌وری صورت گرفته است، بهره‌وری را نسبت ستاده به داده تعریف کرده‌اند.

داده / ستاده = بهره‌وری

$Output / Input = Productivity$

به‌طور کلی، بهره‌وری دارای سه مؤلفه مهم است: کارایی، اثربخشی و به‌کارگیری مداوم عوامل تولید. این تعریف در اکثر کتاب‌هایی که در مورد بهره‌وری صحبت می‌کنند، به‌کار گرفته شده است (باقری قادیکلانی، ۱۳۸۳).

در ادبیات مربوط به اقتصاد توسعه، بهره‌وری به‌عنوان میزان ستانده حاصل از مقدار معینی از یک یا چند نهاده تعریف می‌شود. این معیار، بازگوکننده نحوه استفاده از منابع و عوامل تولیدی در یک برهه از زمان می‌باشد و آثار سه‌گانه تغییر تکنولوژی، تغییر مقیاس و تغییر در راندمان استفاده از نهاده‌ها، یعنی حرکت به سمت تابع تولید مرزی از داخل را در بر می‌گیرد. از این‌رو تغییر در بهره‌وری از یک دوره به دوره بعد و یا شکاف بهره‌وری بین واحدهای تولیدی در یک مقطع از زمان نشانگر تغییر و تفاوت در توان فنی و عملکرد واحد یا بخش اقتصادی در تبدیل نهاده‌ها به کالا و خدمات و به‌عبارت دیگر تغییر در اثربخشی یک مجموعه از نهاده‌ها در تولید ستانده می‌باشد (سلامی، ۱۳۷۶).

به‌طور کلی، با توجه به تعاریف مختلفی که از بهره‌وری ارائه داده‌اند؛ در حوزه نظری، بهره‌وری به معنای «درست انجام دادن کار درست به‌طور مداوم» است. از نظر کاربردی، بهره‌وری در هر دستگاه به معنای «نسبت ستانده کمی به نهاده‌های کمی» تعریف می‌شود. در قرن اخیر، به بهره‌وری همچون مفهومی از کارایی و به معنای بهبود معیارهای زندگی

امروزه بهبود بهره‌وری به‌عنوان بهترین و مؤثرترین روش دستیابی به رشد اقتصادی با توجه به کم‌یابی منابع تولید، مطرح است. بهره‌وری نقش مهم و مؤثری در رشد تولید و افزایش رقابت‌پذیری دارد. آلمان و ژاپن در جنگ جهانی دوم از هستی ساقط شدند؛ ولی امروزه پس از حدود نیم قرن هر دو از توسعه یافته‌ترین کشورها محسوب می‌شوند، این امر به واسطه افزایش بهره‌وری امکان‌پذیر شده است (دشتی مقدم، ۱۳۷۶).

حال با توجه به جمعیت فزاینده کشور و افزایش نیازها و این واقعیت که دیگر نمی‌توان به درآمدهای نفتی متکی بود و منابع موجود جهت برآوردن این نیازهای فزاینده، محدود می‌باشد؛ تنها راه باقیمانده تخصیص بهینه منابع تولیدی در بخش‌های مختلف کشور می‌باشد. بخش کشاورزی از اهمیت ویژه‌ای در اقتصاد ایران برخوردار است. این بخش یکی از تواناترین بخش‌های اقتصاد کشور است که تأمین‌کننده بیش از یک‌پنجم تولید ناخالص داخلی، یک‌پنجم اشتغال، بیش از چهارپنجم نیازهای غذایی و بیش از یک‌چهارم صادرات غیرنفتی می‌باشد. توسعه بخش کشاورزی، پیش‌شرط و نیاز ضروری توسعه اقتصادی کشور است و تا زمانی که موانع توسعه در این بخش برطرف نشود، سایر بخش‌ها نیز به شکوفایی، رشد و توسعه دست نخواهند یافت. بخش کشاورزی در چند دهه اخیر رشد چشمگیری داشته است، به‌طوری‌که حجم تولید این بخش به‌طور مطلق در سه دهه اخیر بیش از سه برابر افزایش یافته است.

اما بخش کشاورزی با مشکلات و محدودیت‌های بسیاری نیز روبروست که به‌عنوان مانعی در راه توسعه بیشتر این بخش عمل می‌کنند. بدون شک مهم‌ترین و جدی‌ترین مشکل بخش کشاورزی ایران، پایین بودن سطح تولید در این بخش است. بنا بر تئوری‌های تولید و عرضه، رشد تولید از دو طریق حاصل می‌شود: افزایش تولید از طریق به‌کارگیری بیشتر عوامل تولید با فرض تکنولوژی ثابت و روش دیگر به‌کارگیری دانش فنی پیشرفته در بخش‌های تولید، روش دوم

آقراضایی (۱۳۹۵) با انجام مطالعه‌ای به بررسی بهره‌وری عوامل تولید پسته در شهرستان راور پرداخته است. نتایج مطالعه نشان داد که نهاده‌های کود حیوانی و سم به ترتیب بیشترین و کمترین مقدار بهره‌وری نهایی و نهاده‌های سم و آب به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین بهره‌وری متوسط را در تولید محصول پسته شهرستان راور داشته‌اند. میانگین کارایی فنی، تخصیصی و اقتصادی تولید پسته در این شهرستان به ترتیب ۰/۹۷۵، ۰/۷۴۸ و ۰/۷۱۷ محاسبه شد. بر اساس نتایج به‌دست آمده، در این شهرستان از نهاده‌های آب، نیروی کار و سم بیش از حد بهینه و از نهاده‌های کود شیمیایی، کود حیوانی و ماشین‌آلات کمتر از حد بهینه استفاده می‌شود.

نتایج مطالعات نشان‌دهنده این است که می‌توان با افزایش کارایی و بهره‌وری، میزان تولید محصولات کشاورزی استان را افزایش داد. لذا بایستی مطالعات گسترده‌تری در زمینه شناسایی دلایل پایین بودن بهره‌وری و راه‌های ارتقاء آن صورت گیرد.

منابع:

- امینی، ع (۱۳۸۳). اندازه‌گیری و تحلیل عوامل مؤثر در بهره‌وری کل عوامل در بخش صنعت و معدن. بیک نور، (۴): ۲-۷۳-۴۷.
- آقا رضایی، ا. (۱۳۹۵). تعیین مقدار بهینه نهاده‌ها در تولید پسته مطالعه موردی: شهرستان راور. پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- باقری قادیکلانی، م (۱۳۸۳). بررسی تأثیر فناوری اطلاعات (IT) بر روی دستمزد و بهره‌وری نیروی کار (مطالعه موردی صنایع استان تهران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- پروا، ب (۱۳۷۹). نگرشی بر بهره‌وری. مجله استاندارد، ۱۰۷: ۴۸-۴۷.
- دشتی مقدم، م (۱۳۷۶). برآورد بهره‌وری موجودی سرمایه در بخش کشاورزی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران.
- رشیدی شریف‌آباد، ع. ر. (۱۳۸۸). تفکیک اجزای بهره‌وری کل عوامل تولید پسته - مطالعه موردی شهرستان رفسنجان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- سلامی، ح (۱۳۷۶). مفاهیم اندازه‌گیری بهره‌وری در کشاورزی. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۸: ۳۱-۷.
- شادروان (۱۳۹۰). تعیین جایگاه اقتصادی بخش‌های استان کرمان با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی و مقایسه آن با روش داده-ستانده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- گلستان، م. (۱۳۹۵). بررسی رابطه اندازه مزرعه با بهره‌وری کل عوامل تولید گندم در جنوب غرب استان کرمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- مردادی، ا. (۱۳۸۱). بررسی بهره‌وری عوامل تولید در بخش کشاورزی ایران و اثر آن بر مهاجرت روستایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس.
- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۹۵). آمارنامه کشاورزی، جلد اول و سوم. معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی. ●

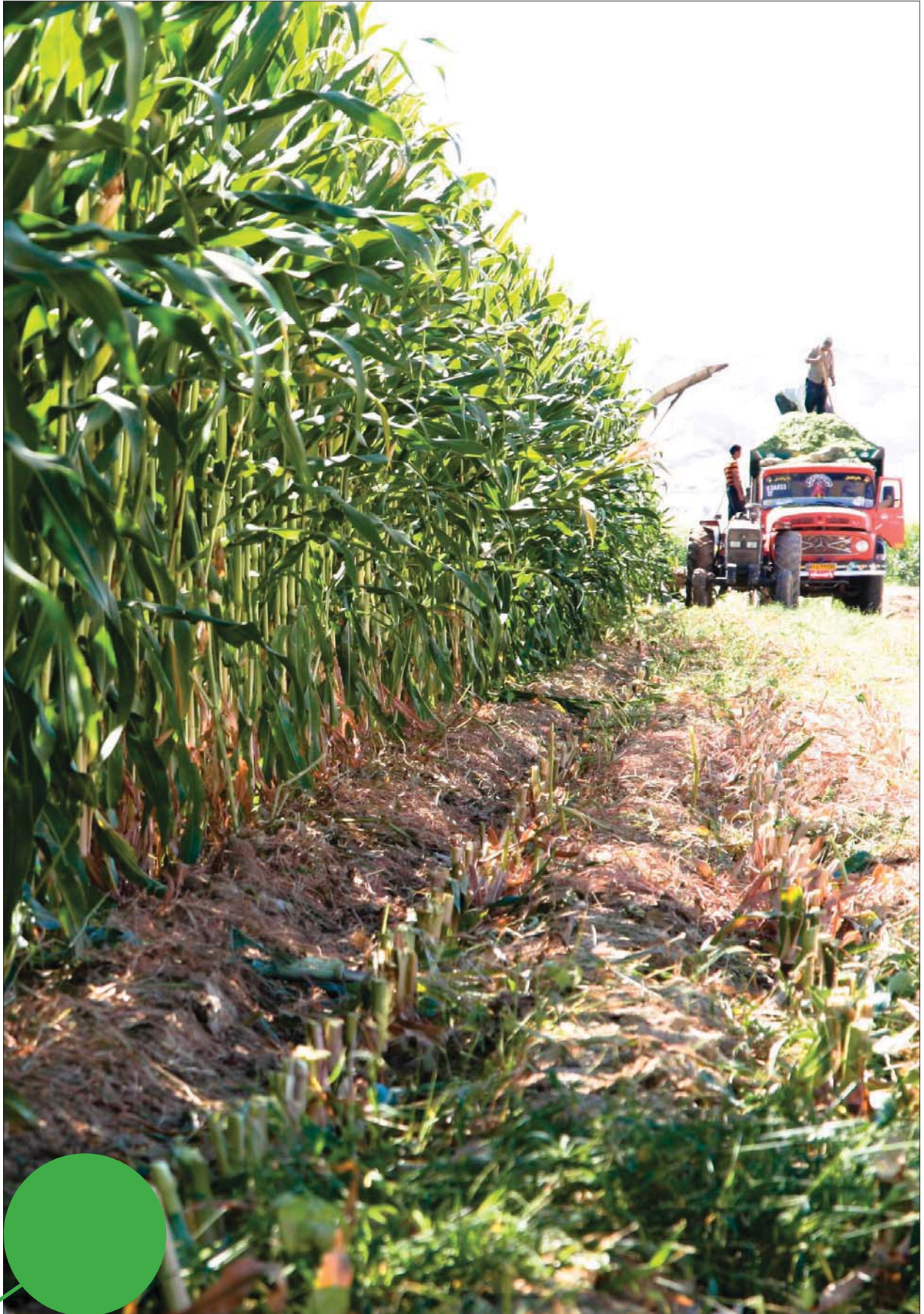
مردم توجه شده است (امینی، ۱۳۸۳).

بررسی ساختار اقتصاد استان کرمان و مقایسه آن با کشور نشانگر این مطلب است که استان کرمان برخلاف سیمای بیرونی آن که به‌عنوان استانی کوبیری مطرح می‌باشد؛ دارای سهم بخش کشاورزی ۲۷/۶ درصد از کل اقتصاد استان می‌باشد که در مقایسه با ارقام مشابه در کل کشور به میزان ۱۴/۲ درصد، حکایت از تنوع فعالیت‌های کشاورزی در استان است. تنوع اقلیمی، وجود منابع و ذخایر غنی، امکان ایجاد اشتغال مولد کم‌هزینه و زود بازده، توان بالا در تولید و صادرات محصولات سبب شده است که استان کرمان یکی از قطب‌های مهم کشاورزی محسوب شود. بخش کشاورزی استان با دارا بودن توانمندی‌های قابل توجه در منابع و عوامل تولید از جمله بیش از ۸۲۵ هزار هکتار سطح زیرکشت، قابلیت تولید بیش از ۸۰ نوع محصولات زراعی و تولید انواع محصولات باغی و دامی و توان بالای فنی و اجرایی می‌تواند با تکیه بر رشد مستمر تولید و بازدهی مطلوب سرمایه، جایگاه مناسبی در اقتصاد کشور و استان کسب نماید. سهم ارزش‌افزوده بخش کشاورزی استان از کل کشور ۶/۹۲ درصد در سال ۱۳۹۴ برآورد شده است (گزارش‌های اقتصادی استان کرمان، ۱۳۹۴؛ شادروان، ۱۳۹۰). پسته با ۲۱۲۰۵۰ هکتار، رتبه نخست سطح زیرکشت محصولات باغی استان کرمان را به خود اختصاص داده است. گندم نیز با سطح زیرکشت ۴۴ هزار هکتار، در رتبه نخست کشت محصولات زراعی استان قرار دارد (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۵).

چندین مطالعه در زمینه اندازه‌گیری بهره‌وری عوامل تولید و کارایی محصولات کشاورزی استان کرمان انجام شده است که در قسمت ذیل به مطالعات انجام درخصوص دو محصول عمده زراعی و باغی استان (گندم و پسته) اشاره می‌شود.

گلستان (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه اندازه مزرعه با بهره‌وری کل عوامل تولید گندم در جنوب غرب استان کرمان پرداخته است. بدین منظور اطلاعات ۱۰۰ بهره‌بردار از گندم کاران جنوب غرب استان کرمان را مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل از محاسبه میزان بهره‌وری کل عوامل تولید گندم کاران نشان داد که میزان بهره‌وری گندم در این منطقه پایین است. همچنین نتایج نشان داد که مزارع این منطقه در سطح خرد می‌باشند و یک رابطه مستقیم و معنی‌داری بین اندازه مزرعه و میزان بهره‌وری در این منطقه وجود دارد.

رشیدی شریف‌آباد (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای تغییرات بهره‌وری کل عوامل تولید پسته را در شهرستان رفسنجان برای دوره سه‌ساله ۸۷-۱۳۹۴ مورد بررسی قرار داده و بدین منظور اطلاعات ۲۹۸ باغدار را جمع‌آوری نموده است. نتایج نشان داد که رشد بهره‌وری کل عوامل، بیشتر از پیشرفت‌های تکنولوژیکی نشأت می‌گیرد؛ اما تفاوت‌های رشد بهره‌وری کل عوامل در بین تولیدکنندگان مناطق گوناگون بیشتر از تفاوت بین تغییر کارایی نشأت می‌گیرد. میانگین کارایی در بین ۱۹ منطقه هم‌جوار از ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶، ۵۲/۵۲ درصد بوده است. همچنین نتایج نشان داد که تجربه و اندازه واحد کشاورزی با کارایی ارتباط مثبت دارند. در حالی که سن، تحصیلات و اندازه باغ، با کارایی ارتباط منفی دارند.



بهره‌وری از شعار تا عمل

موانع بهره‌وری حوزه کشاورزی و معدن استان و راهکارهای آن



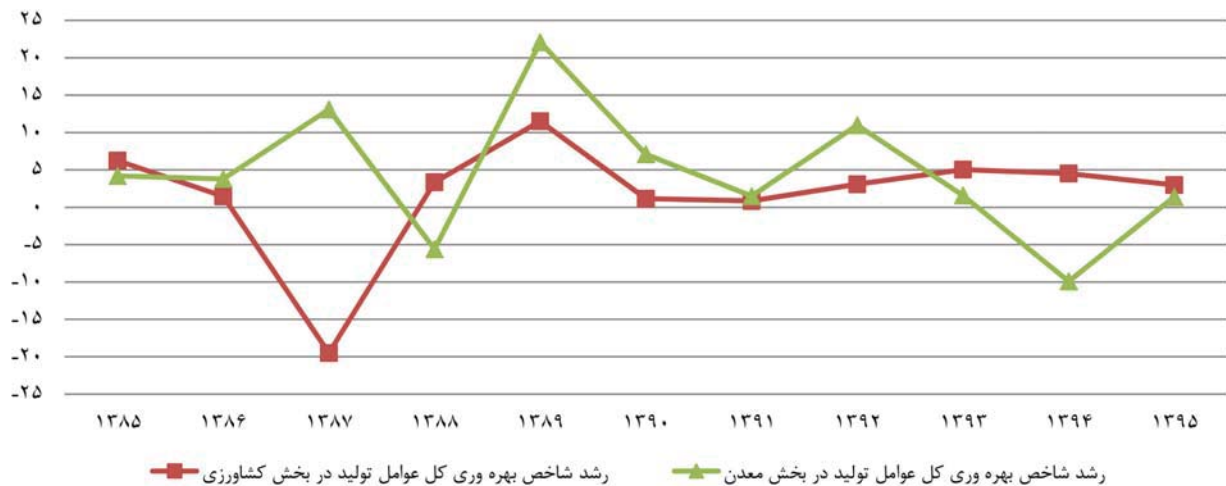
< بتول علیزاده
کارشناس پژوهش مرکز مطالعات
اتاق کرمان

کشور است. این درحالی است که در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه کشور سهم بهره‌وری از رشد اقتصادی به ترتیب ۳۱/۳ و ۳۳/۳ درصد پیش بینی شده بود. طی سال‌های برنامه چهارم توسعه، بهره‌وری به‌طور متوسط سالانه، سهم ۱۵/۷ درصد از رشد اقتصادی را به خود اختصاص داد، اما در سال‌های برنامه پنجم شاهد تأثیر منفی بهره‌وری بر رشد اقتصادی بودیم و طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۶ به میزان ۰/۱ درصد بوده است. این درحالی است که تولید ناخالص داخلی طی همین دوره

براساس آمار رسمی سازمان ملی بهره‌وری، وضعیت بهره‌وری در کشور و به تبع آن در استان کرمان در سال‌های گذشته سیر قابل قبولی را طی نکرده و موفقیت‌چندانی در تحقق مقادیر هدف‌گذاری شده در برنامه‌های توسعه حاصل نشده است. ارزیابی شاخص‌های بهره‌وری نشان می‌دهد رشد سالانه بهره‌وری طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۶ پایدار نبوده و متوسط نرخ رشد سالانه شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید نزدیک به صفر گزارش شده که گویای نقش خنثی بهره‌وری در رشد اقتصادی

سال	شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید بخش کشاورزی	شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید بخش معدن
۱۳۸۴	۹۹	۶۶
۱۳۸۵	۱۰۵	۶۹,۱
۱۳۸۶	۱۰۷	۷۱,۷
۱۳۸۷	۸۶	۸۱,۱
۱۳۸۸	۸۹	۷۶,۵
۱۳۸۹	۹۹	۹۳,۳
۱۳۹۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۹۱	۱۰۱	۱۰۱,۵
۱۳۹۲	۱۰۴	۱۱۲,۶
۱۳۹۳	۱۰۹	۱۱۳,۳
۱۳۹۴	۱۱۴	۱۰۳,۱
۱۳۹۵	۱۱۸	۱۰۴,۵

*منبع: گزارش رسمی سازمان ملی بهره‌وری (سال مبنا: ۱۳۹۰)



*منبع: گزارش رسمی سازمان ملی بهره‌وری (سال مبنا: ۱۳۹۰)

اول تولید و رتبه اول ارزش اقتصادی را در تولید پسته، رتبه اول سطح زیرکشت خرما و سطح محصولات جالیزی، رتبه دوم سطح زیرکشت و میزان تولید و ارزش اقتصادی گردو، رتبه دوم سطح زیرکشت گل محمدی، رتبه چهارم سطح زیر کشت و ارزش تولیدی ذرت و رتبه پنجم سطح زیر کشت مرکبات را در بین استان‌های کشور داراست.

با این وجود کشاورزی استان از منظر بهره‌وری آن چنان‌که باید خوب ظاهر نشده است؛ به‌عنوان مثال مطابق بررسی‌های انجام‌شده در بخش شمال استان، سال گذشته بازدهی محصولات باغی تقریباً ۳۰۰۰ تومان به ازای هر مترمکعب آب و بازدهی محصولات زراعی تقریباً ۱۰۰۰ تومان به ازای هر مترمکعب آب بوده است و در صورتی که قیمت جهانی آب (تقریباً ۲ دلار به ازای هر مترمکعب) ملاک عمل قرار گیرد (و نه قیمت یارانه‌ای آن) می‌توان مدعی شد که این میزان بازدهی حتی هزینه آب مصرفی خود را نیز پوشش ن داده است!

به گفته بسیاری از صاحب‌نظران در بخش کشاورزی مشکل اساسی در درک مشترک، همه‌جانبه و عملیاتی از موضوع بهره‌وری است. در نتیجه نه در زمینه بهره‌وری آب که ظاهراً مورد توجه همگان قرار دارد و نه در موضوع خاک و بدتر از آن نیروی انسانی شرایط مناسبی وجود ندارد. قطعاً یکی از عمده‌ترین موانع در این زمینه ضعف نفوذ دانش است. رویکرد سنتی کشاورزان و عدم استقبال و پذیرش کشاورزان سنتی از روش‌های جدید و بهره‌ور باعث شده آن‌طور که باید از ظرفیت کارشناسی در این حوزه استفاده نشود. این در حالی است که قانون‌گذار در آیین‌نامه ماده ۳ قانون ارتقای بهره‌وری کشاورزی در مورد بهره‌بردارانی که از ظرفیت کارشناسان متخصص در جهت ارتقای بهره‌وری استفاده کنند تسهیلات و امتیازات خاص در نظر گرفته است، البته شاید اجرایی نشدن آن‌هم در تشدید این شرایط بی‌تقصیر نباشد!

به بیان فعالان اقتصادی حوزه کشاورزی گاهی قانون هم سدی

رشد سالانه ۲/۵ درصدی را تجربه کرده است که نشان می‌دهد بهره‌وری نتوانسته است سهم قابل‌توجهی در رشد اقتصادی داشته باشد.

به‌عنوان مثال جدول ذیل مقدار شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید و نمودار میزان رشد این شاخص طی سال‌های ۸۴ تا ۹۵ را در دو بخش کشاورزی و معدن کشور نشان می‌دهد. همان‌طور که مشخص است رشد بهره‌وری در این بخش طی دوره مورد مطالعه علاوه بر این‌که وضعیت پایداری نداشته هم‌چنین به‌جز در موارد معدود، روند نزولی است و مسیر قابل قبولی را طی نکرده است.

با این وجود در برنامه ششم توسعه از ۸ درصد رشد اقتصادی پیش‌بینی شده برای استان کرمان، ۲/۸ درصد از محل ارتقای بهره‌وری تعیین شده که اگرچه کمی دست نیافتنی به نظر می‌رسد، اما در صورت تحقق می‌تواند به معنای صرفه‌جویی ۶۰ هزار میلیارد تومانی در سرمایه‌گذاری باشد! به‌علاوه وجود ظرفیت‌های بسیار در استان کرمان و عدم تناسب ارزش‌افزوده ایجادشده در بخش‌های مختلف اقتصادی استان با این ظرفیت‌ها اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع را صاف‌زور می‌کند.

در نتیجه مرکز مطالعات اتاق کرمان برآن شد تا با گفتگو با خبرگان و صاحب‌نظران حوزه‌های کشاورزی و معدن که بیشترین پتانسیل رشد ارزش‌افزوده استان را دارند، مورد بررسی قرار دهد و مهم‌ترین مشکلات و موانع بهره‌وری و راهکارهای عملیاتی برای رفع آن‌ها را شناسایی کند. در این نوشتار خلاصه‌ای از این تلاش به تحریر در آمده است.

کشاورزی:

برای نمایش اهمیت و نقش پررنگ استان کرمان در کشاورزی کشور همین بس که استان کرمان ۲۰ درصد کل باغات کشور را به خود اختصاص داده و رتبه اول سطح زیرکشت و رتبه

است و ۴۸۸ معدن در حال بهره‌برداری در این استان، نشان از ظرفیت بسیار بالای این حوزه دارد، اما مطابق آخرین گزارش مرکز آمار ایران، ارزش مواد معدنی تولیدی استان در سال ۹۵ حدود ۷۶ هزار میلیارد ریال بوده که کمتر از ۱۰ درصد ارزش افزوده استان را به خود اختصاص داده است؛ بنابراین نه در زمینه اکتشاف، نه استخراج و نه فراوری وضعیت قابل قبولی وجود ندارد. با بررسی‌های انجام‌شده یکی از دلایل بهره‌وری پایین در حوزه اکتشاف معادن استان، ضعف اطلاعات به روز در مورد پهنه‌ها است و زمان‌بر بودن فرایندها و روش‌های انجام کار در دستگاه‌های اجرایی که منجر به کاهش رشد سرمایه‌گذاری در این حوزه می‌شود نیز مزید بر علت شده است. اگرچه قانون‌گذار در ماده ۴۳ برنامه ششم توسعه با تعریف شورای استانی معادن سعی در تسریع سرمایه‌گذاری در این بخش داشته است، اما به دلیل اختیارات محدود آن، این هدف محقق نشده است.

در این مورد ضمن لزوم به روز رسانی بانک اطلاعاتی قابل استناد در حوزه اکتشاف، همچنین می‌بایست با بازنگری ماده ۴۳ (در راستای تفویض اختیارات کامل شورای عالی معادن به شورای استانی) و استفاده ظرفیت شورای راهبردی توسعه مدیریت استان فرآیندهایی را که از سوی بخش غیردولتی به‌عنوان مانع معرفی می‌شوند بررسی و اصلاح گردد و مسیر سرمایه‌گذاری این حوزه در استان تسهیل گردد.

به پیشنهاد صاحب‌نظران این حوزه اگر مشابه با بخشودگی‌های در نظر گرفته‌شده در ماده ۳۵ قانون رفع موانع تولید، تسهیلاتی برای حق الارض اکتشافات ذخایر بیش از یک مقدار مشخص، به‌عنوان مشوق تعریف شود می‌تواند زمینه حضور پررنگ بخش خصوصی برای ورود به این بخش را فراهم کند. ضمن این‌که برای جلوگیری از انحراف این تسهیلات می‌توان کمیته‌ای متشکل از نمایندگان بخش دولتی و بخش خصوصی برای نظارت بر این امر گمارد.

در حوزه فراوری، شاید دلیل اصلی ضعف بهره‌وری، تحریم‌ها و مشکلات ناشی از آن بوده که به کارگیری تکنولوژی‌های به روز را سخت کرده اما به نظر می‌رسد در همین شرایط نیز بسیاری از فعالان این حوزه عملکرد بسیار مناسبی از خود نشان داده‌اند؛ بنابراین با ایجاد مکانیزمی جهت انتقال تجربیات کارآفرینان موفق حوزه معدن به سایرین از طریق مشاوره و آموزش می‌توان موجبات افزایش توان رقابت‌پذیری، توسعه مدیریت حرفه‌ای و توانمندسازی هرچه بیشتر فعالان اقتصادی این حوزه را فراهم آورد و از محل ارتقای بهره‌وری حوزه غنی معدن رشد اقتصادی استان را به نظاره نشست. ●

منابع:

سایت رسمی سازمان ملی بهره‌وری
سالنامه آماری استان کرمان ۱۳۹۵

بر مسیر بهره‌وری شده است؛ به‌عنوان مثال مواد ۲۷ و ۲۸ قانون توزیع عادلانه آب که ممنوعیت استفاده از آب چاه برای اراضی غیر از زمینی که در پروانه بهره‌برداری آن چاه قید شده را وضع کرده است. در صورتی که به دلیل تعداد زیاد این‌گونه چاه‌ها در استان اگر پس از انجام مطالعات کارشناسی امکان انتقال آب‌های مجوز دار از اراضی کم بازده به اراضی پُر بازده فراهم شود تأثیر قابل‌تأملی در بهره‌وری کل کشاورزی استان شاهد خواهیم بود.

ضعف اطلاعات کارشناسی کافی و عدم پذیرش الگوی کاشت متناسب با هر منطقه و همچنین فقدان اولویت‌ها و معیارهای متناسب با موقعیت و هدف (وزن ماده خشک، ارزآوری، امنیت غذایی و ...) نمونه دیگری از موانع بهره‌وری در حوزه کشاورزی استان است؛ به‌طوری که باعث شده استانی مثل استان کرمان که جزو استان‌های کم آب کشور محسوب می‌شود یکی از بزرگ‌ترین صادرکننده‌های آب مجازی کشور باشد! از آنجا که به نظر می‌رسد روند نصب کنتورهای سنجش حجمی آب با وجود هدف‌گذاری‌های متعدد به‌کندی پیش می‌رود در شرایط فعلی چاره‌ای جز اصلاح الگوی کاشت مطابق با معیارهای بهره‌وری و متناسب با هر منطقه به‌منظور حذف کاشت محصولات غیراقتصادی و کم بازده و جایگزینی آن‌ها با محصولاتی که بهره‌وری لازم را تأمین کنند وجود ندارد، جای بسی تأسف است که این موضوع حتی در قوانین بالادستی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است که اگر این‌طور نبود قانون‌گذار در ماده ۳۱ برنامه ششم برای رسیدن به خودکفایی ۹۵ درصدی کشور در مواد غذایی هدف‌گذاری نمی‌کرد!

یکپارچه سازی مدیریت فنی تولید، ارتقای مکانیزاسیون برای کاهش هزینه‌های تولید، معرفی و ترویج نمونه‌های موفق برای سایر کشاورزان و توجه به تکمیل زنجیره ارزش و صنایع تبدیلی کشاورزی استان از سایر راهکارهایی است که خبرگان اقتصادی معتقدند در صورت عملیاتی شدن سهم به‌سزایی در ارتقای بهره‌وری بخش کشاورزی استان خواهد داشت.

در نهایت پیشنهاد اتاق کرمان تعیین و معرفی سه رکن نظارتی، عملیاتی و مشاوره‌ای برای ارتقای بهره‌وری کشاورزی است به‌طوری که هم دولت و هم متولیان بخش خصوصی در قالب یک سیستم، وظایف مشخصی را بر عهده گیرند و طبق برنامه زمانی مدون بر این امر مهم همت گمارند.

صنعت و معدن:

مطابق آمار رسمی، متوسط رشد شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید فعالیت معدن طی سال‌های برنامه چهارم توسعه بیش از ۷ درصد و طی سال‌های برنامه پنجم توسعه ۱/۹ درصد بوده است. از این منظر اگرچه با متوسط رشد سالانه ۴/۲ درصدی طی دوره ۸۴-۹۶، یکی از حوزه‌های موفق در ارتقای بهره‌وری بوده است، اما شاهد کاهش رشد قبلاً ملاحظه آن بوده‌ایم. در استان کرمان نیز با وجود این‌که به بهشت معادن مشهور



تونس؛ الگوی موفق تولید، فراوری و تجارت خرما

< مقدار تکلوزاده

دبیر کمیسیون کشاورزی اتاق کرمان
و دبیر انجمن خرمای استان کرمان



دسامبر بر اساس تقویم زیر صورت می‌گیرید، همچنین نگهداری خرما در طول دوره‌فروش (یک دوره ۱۲ ماهه) در سردخانه با درجه حرارت ۰-۲ درجه سانتی‌گراد انجام می‌شود.

نوع رقم	شروع برداشت	خاتمه برداشت
Kentea Allig, Khovat	Sep. سپتامبر	Dec. دسامبر
Deglet Noure	Oct. اکتبر	Dec. دسامبر

محصولات ارگانیک تونس

ویژگی کشاورزی ارگانیکی: این موضوع تقریباً در تونس جدید است. عمده تولید این کشور زیتون، خرما، بادام، سبزیجات درختان میوه و گیاهان داروئی معطر و عسل است که مستقیماً

ارقام خرمای تونس

باغات نخیلات در این کشور با فواصل منظم احداث شده است. وزارت کشاورزی تونس تقریباً ۱۵۰ واریته خرما را تاکنون شناسایی کرده که تنها ۴ واریته شناخته‌شده Deglet Noure, Khovat, Kenta, Allig در صادرات نقش دارند.

خرمای دگلت نور به‌عنوان چراغ تابان یا تابش نور لقب دارد که رقمی شفاف و نیمه‌خشک است. دگلت نور تنها واریته ای است که با خوشه فروخته می‌شود. واریته Allig خرمای نیمه‌خشک به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز، تازه و نرم بامزه شیرین است. Khovat، واریته ای نیمه‌خشک و خیلی مشابه Allig در بافت و رنگ است. به نحوی که افراد محلی به آن (خواهرخوانده Allig) می‌گویند که میوه‌ای کشیده دارد، لیکن شیرین نیست. واریته Kenta، خرمایی طلایی‌رنگ جذاب و نیمه نرم است که شیرینی آن کمتر از سایر ارقام است. برداشت خرمای مورد انتخاب برای صادرات، در ماه‌های سپتامبر و

■ ۵۰ درصد هزینه پوشش خرما،

■ ۶۰ درصد هزینه طرح‌های آبیاری که منجر به صرفه جویی در مصرف آب می‌شود؛ مانند آبیاری قطره‌ای، سیستم انتقال آب و ...

■ ۲۵ درصد هزینه‌های آماده‌سازی زمین، کاشت نهال، حذف و جایگزینی.

قابل ذکر است که ۲ درصد قیمت محصول توسط باغداران به حساب دارائی واریز می‌گردد تا در اعتبار وزارت کشاورزی منظور شده و نهایتاً به مجمع شرکت‌های تعاونی میوه کاران پرداخت شود؛ این کمک‌ها علاوه بر کمک‌های دولتی جهت بهبود کیفیت محصول و خدمات فنی و آموزشی صورت می‌گیرد.

تشکل‌ها

بیش از ۸۰ درصد بهره‌برداران زیر یک هکتار نخلستان دارند، لذا برای خدمات‌رسانی آسان‌تر تشکل‌هایی تحت عنوان شرکت تعاونی میوه کاران تشکیل گردیده است. این شرکت در سال ۲۰۰۵ تأسیس شده از ادغام سه شرکت دیگر از جمله شرکت تعاونی خرما کاران، میوه‌کاران و مرکز جمع‌آوری محصول با مباشرین به وجود آمده است. این شرکت کلیه باغداران را در خصوص مسائل به زراعی آموزش داد و خدمات فنی از جمله تأمین نهاده‌های کشاورزی تأمین پوشش خرما، جمع‌آوری و بسته‌بندی خرما و بازاریابی را ارائه می‌دهد به عبارتی کلیه فعالیت‌های صنعت خرما تحت پوشش اتحادیه و تعاونی‌های مذکور قرار می‌گیرد. خرما تونس به بیش از ۶۰ کشور دنیا صادر می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها کشورهای اروپایی از جمله: فرانسه، آلمان، ایتالیا می‌باشند. ضمناً مراکش نیز به‌عنوان دومین بازار خرما تونس است. افزایش وزنی و ارزش صادرات نشان دهنده ارتقاء کیفیت خرما و اهمیت آن در کشور است. رقم غالب دگلت نور به تنهائی ۸۵ درصد صادرات خرما تونس را پوشش داده است.

آرم شرکت صادرکننده، محل تولید و عمل‌آوری محصول، رعایت HACCP و برچسب‌گذاری (تثبیت مشخصات خرما از نظر ارزش غذایی و ترکیبات آن) می‌بایستی بر روی بسته‌های خرما صادراتی درج شود. لازم به ذکر است قیمت صادراتی خرما دگلت نور حدود ۳ تا ۵ یورو به ازای هر کیلوگرم می‌باشد.

کارخانه‌های بسته‌بندی خرما

خرمائی که توسط مراکز جمع‌آوری سورت و ضد عفونی شده و فاکتورهای فیزیکی و استانداردهای لازم در فرم مخصوص ثبت شده به کارخانه‌های بسته‌بندی حمل می‌شود. در این کارخانه‌های مجدداً بررسی‌ها و آزمایش‌های مختلف به‌منظور تطابق با استانداردهای موجود به عمل می‌آید.

این کارخانه‌های کاملاً بهداشتی بوده و شرایط ذیل در آن‌ها رعایت می‌شود:

GSP (good- storage-practice) (good- HyGeinic- practice) (GHP- good manufacturing practice) GMP.HACCP

وارد بازار شود. بیشتر مزارع تولید محصولات ارگانیک در مرکز و در قسمت جنوبی کشور واقع شده است.

در سال ۱۹۹۷ تقریباً ۱۰ مزرعه با مساحت ۳۰۰ هکتار زیر پوشش تولید ارگانیک قرار گرفته است، این رقم در سال ۲۰۰۰ به ۱۳۷ مزرعه با مساحت ۱۵۰۳۵ هکتار افزایش یافته و در سال ۲۰۱۷ به بالغ بر بالغ بر ۲۵ هزار هکتار رسیده است که نشانگر روند رشد تولید محصولات ارگانیک در این کشور است.

مراکز جمع‌آوری خرما

این مراکز که تعداد زیادی باغداران خیره به‌عنوان سهامدار در آن‌ها عضویت دارند، به‌عنوان حلقه واسطه می‌باشند و تحویل خرما در این مراکز به دو صورت است؛ تحویل توافقی (EUROPGAP) با رعایت استاندارد و کیفیت بالا و با قیمت توافقی و دیگری به‌صورت خرما معمولی که با روش‌های موجود تولید می‌شود. تحویل محصول خرما با رعایت حداقل آلودگی از لحاظ درجه‌بندی، اندازه، رنگ، نرمی و سفتی بافت بر طبق فرم‌های گواهی محصول است که پس از تأیید به مرکز اصلی در تونس ارسال می‌گردد. این مراکز در کلیه مراحل کاشت تا برداشت به ارائه خدمات فنی و آموزشی و نظارت به باغداران می‌پردازند و دولت صرفاً نقش نظارتی داشته و از مراکزی که استانداردهای بین‌المللی را رعایت کنند، حمایت می‌کند.

مساعده‌های به عمل آمده توسط مرکز به باغداران عضو شامل ارائه خدمات فنی نظیر کود، پوشش خرما و آموزش‌های لازم در کلیه مراحل کاشت تا برداشت نیز نظارت کافی توسط کارشناسان مرکز می‌باشد. دولت صرفاً نقش نظارتی داشته و از مراکزی که استانداردهای بین‌المللی را رعایت کنند حمایت می‌کند

نخلستان‌ها

نخلستان‌های احداث شده در مناطق مورد بازدید عمدتاً شامل رقم دگلت نور تا حدودی به‌صورت متراکم و با فواصل منظم سیستم آبیاری بر اساس استفاده از ظروف هم‌سطح با فواصل معین و استفاده از کرت‌هایی با عرض کم باعث کاهش هدر رفت آب و کاهش هزینه انسانی و افزایش راندمان آبیاری شده است به نحوی که آبیاری در شب نیز به سهولت انجام می‌شود. متوسط عملکرد خرما این باغات ۷ تن در هکتار است. محصول تولیدی در سه درجه زیر تحویل می‌گردد:

■ رده کلاس ارگانیک A حدود ۴۰ درصد،

■ رده کلاس B حدود ۳۰ درصد EUROPGAP،

■ رده کلاس C حدود ۳۰ درصد معمولی.

از عمده آفات باغ‌های خرما، پروانه میوه‌خوار است که موفق‌ترین و اصولی‌ترین روش کنترل آن، استفاده از توری‌های مخصوص می‌باشد که ضمن کنترل آفت، خوشه خرما را از آلودگی‌های گردوخاک، خسارت پرندگان و سایر حشرات مصون نگه می‌دارد. کمک‌های دولتی که به باغداران برای بهبود کیفیت و کمیت محصول پرداخت می‌گردد شامل موارد زیر است:

سردخانه

با توجه به این که محصول خرما عمدتاً در ماه رمضان مصرف می‌شود، برای نگهداری محصول به تأسیسات سردخانه‌ای نیاز است، لذا دولت اقدام به احداث سردخانه با اعتبارات دولتی نموده تا در مواردی که هنگام برداشت محصول قیمت پائین باشد، محصول در سردخانه‌ها نگهداری و پس از بهبود قیمت نسبت به عرضه آن اقدام گردد. شرکت‌های تعاونی سردخانه‌ها به‌عنوان واسطه عمل می‌کنند و خودشان خرید انجام نمی‌دهند و خریدار را به باغدار معرفی می‌نمایند تا باغدار بتواند محصول خود را با قیمت خوب بفروشد.

ردیابی محصول

یکی از امتیازات لازم برای ورود کالا به کشورهای اروپایی داشتن برچسب کالا شامل محل تولید، محل بسته‌بندی، صادرکننده و سایر مشخصات می‌باشد تا محصول قابل ردیابی باشد. بر همین اساس در سال ۲۰۰۲ اتحادیه اروپا قانونی را برای ردیابی تدوین کرده است که کشاورزان ملزم به اجرای آن هستند. به این معنی که هر کشاورز به‌عنوان تولیدکننده محصول لازم است کلیه اطلاعات اعم از کودهای مصرفی، آب، وضعیت خاک، عملیات انجام شده و... را یادداشت‌برداری و ارائه کند.

دست‌آوردها

فعال بودن بخش خصوصی و انجام خدمات فنی، مشاوره‌ای و پشتیبانی توسط شرکت‌های تعاونی باغداران منجر به بهبود کیفیت محصول خرما شده و رشد صادراتی به همراه داشته است. توجه ویژه کلیه دست‌اندرکاران خرما اعم از بخش‌های دولتی و خصوصی به رقم دگلت نور که رقم بازارپسند اروپا است باعث توسعه سطح زیرکشت و بالا رفتن سهم آن در تولید و صادرات نسبت به سایر ارقام گردیده است، به طوری که قیمت آن طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ بین ۲ تا ۳ یورو در هر کیلو بوده است.

علیرغم خرده مالکی بودن نخلستان‌ها، حمایت‌های دولت از تولیدکنندگان خرما و احداث سردخانه، حفر چاه و برقراری یارانه در عملیات آبرسانی و به زراعی، باعث اقتصادی نمودن باغات و اشتغال‌زایی گردیده و سالانه حدود ۱۴۰ میلیون دلار ارزآوری به بار آورده است. امروزه دولت به دنبال دستیابی به بازارهای هدف برای عرضه محصول ارگانیک است؛ این بازارها شامل آلمان، فرانسه و کانادا است. شرکت‌های اختصاصی به نام‌های: ECOCERT و LT.CON نظارت و بازرسی عملیات تولید محصول ارگانیک و همچنین صدور گواهی را انجام می‌دهند. این شرکت‌ها آزمایش‌هایی بر روی خاک و آب انجام داده و حتی شرایط مزارع و کشت‌های اطراف باغ را هم مورد بررسی قرار می‌دهند؛ بنابراین رعایت دستورالعمل فنی و استانداردهای فیزیکی و بهداشتی و تولید محصول بهداشتی و اجرای عملیات EUROPGAP در باغات منجر به اطمینان خریداران خارجی گردیده و باعث رونق صادراتی خواهد بود.

مهم‌ترین اقدام دولت در دهه هشتاد، فرستادن افراد متخصص جهت بازاریابی و کشف بازارهای جدید در مناطق مختلف جهان بوده است،

همچنین در امر تبلیغ برای مصرف محصول خرما در جاهای مهمی مانند هتل‌ها، رستوران‌ها، هواپیماها، قطارها و تصمیم قاطع اتخاذ شده است.

طرح ردیابی محصول و اجرای GIS

این طرح برای تعیین مساحت باغات و مشخص نمودن مالکین، چشم‌انداز خوبی برای رشد و توسعه صادرات خرما ترسیم می‌کند. سرمایه‌گذاری‌هایی که در قالب این طرح در کشور انجام شود، درصدی از سهم سرمایه‌گذاری را بخش خصوصی و درصدی را بخش دولتی متقبل می‌گردد.

در این سرمایه‌گذاری‌ها کمک به خرید ماشین‌آلات به میزان ۲۵ درصد، پرداخت ۵۰ درصد بهای زمین و هزینه‌های سیستم آب و برق‌رسانی هزینه‌هایی است که توسط دولت انجام می‌گیرد. صادرکنندگان کالا تا مدت ۱۰ سال از پرداخت مالیات به دولت معاف هستند.

پیشنهادها برای متولیان صنعت خرما ایران

با عنایت به الگوی موفق تولید و تجارت خرما در تونس و با توجه به وضعیت موجود در کشورمان پیشنهادهای زیر در جهت بهبود و توسعه اقتصاد خرما در ایران ارائه می‌گردد:

- ۱- تقویت بخش خصوصی در قالب انجمن خرما جهت:
 - نظارت بر کلیه عملیات فنی از مراحل داشت به ویژه مدیریت صحیح بهره‌برداری از آب، جمع‌آوری محصول، قیمت‌گذاری، مبارزه بیولوژیکی، نگهداری محصول در سردخانه و...
 - ارائه کمک‌های فنی از قبیل تهیه توری پوششی، کود، مبارزه غیر شیمیایی و... اجرای عملیات EUROPGAP و رعایت استاندارد ISO-HACCP
 - تولید محصولات ارگانیک طبق قوانین،
 - کشف بازارهای جدید در مناطق مختلف جهان، فراهم ساختن زمینه شرکت در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی و تبلیغات مصرف خرما در مراکز دولتی و خصوصی.
- ۲- در صورت تحقق بند ۱، کاهش تصدی‌گری دولتی و سپردن کلیه مسائل فنی خدماتی، نهادهای و بازرگانی به بخش خصوصی و اعمال نظارت و حمایت‌های مالی توسط دولت که باعث افزایش کمی و کیفی محصول خرما خواهد شد.
- ۳- مشارکت دادن بخش خصوصی در توره‌های مطالعاتی باعث الگوبرداری و انتقال سریع تکنولوژی و پویایی بخش خصوصی خواهد بود.
- ۴- حمایت ویژه از محصولات ارگانیک، با توجه به افزایش روزافزون تقاضای این محصولات.
- ۵- اصلاح استانداردهای موجود در راستای تنوع بسته‌بندی و درجه‌بندی اصولی.
- ۶- به لحاظ این که ردیابی محصول موردتوجه و خواسته کشورهای خریدار می‌باشد، بسترسازی لازم برای اجرای طرح ردیابی محصول خرما به عمل آید.
- ۷- ایجاد تنوع در اوزان و کیفیت خرما و بسته‌بندی با توجه به سلیقه مصرف‌کننده. ●

گردشگری و صنایع دستی

● باغ فرش کرمان
● معرق سنگ؛ هنر فراموش شده
● بسیار دردی که ما داریم
● گفت‌وگو با «محمد جهانشاهی»
مشاور گردشگری شهردار کرمان؛
ضعف در تصویرسازی و مدیریت جاذبه‌ها



● تصویر (۱): نقشه بهارستان، اواخر قرن سیزده خورشیدی، ۴۵۰ در ۳۱۰ سانتی متر ●

باغ فرش کرمان

«تا پایه‌های فرهنگ استوار نشود؛ چرخ اقتصاد منظم نخواهد چرخید»

< علیرضا داور *

مدرس دانشگاه شهید باهنر کرمان
کارشناس ارشد طراحی فرش



کاشان، تبریز و... مکتب طراحی فرش کرمان یکی از ریشه‌دارترین و گسترده‌ترین مفاهیم فرهنگی را به خود اختصاص داده است و گزافه نیست اگر گفته شود که کرمان در حیطه طرح و نقش، پربارترین و دست‌نخورده‌ترین منطقه طرح و نقش فرش ایران محسوب می‌شود. لازم به یادآوری است که مطالب پیش رو بیشتر در حدود طرح و نقش فرش شهری کرمان است و ممکن است در موارد گسترده‌ای قابلیت تعمیم برای طرح و نقش فرش‌های عشایری و روستایی کرمان را نداشته باشد.

در این مختصر کوشش می‌شود تا چهار مفهوم اساسی که همواره در شکل‌گیری طرح فرش کرمان تأثیرات بسزایی داشته‌اند به استناد تصویر به حضور مخاطبین ارجمند ارائه شود تا غنای فرهنگی طرح و نقش کرمان از چشمان دور نماند و مفاهیم فرهنگ کهن و ماندگار ایران برایمان تازه شود. آن‌هم به مدد طرح و نقش فرش کرمان.

ویژگی‌های گسترده‌ای را می‌توان برای طرح و نقش کرمان برشمرد. از این میان مفاهیم زیر اهمیت ویژه‌ای دارند.

۱- باغ و بهشت (مینو)

۲- ادبیات و شعر

۳- رویکردهای آیینی

۴- زن

پهنه جغرافیایی فرش ایران از تنوعی بی‌مانند برخوردار است؛ می‌توان این گستردگی را از حیث مباحث فنی-صناعی و فرهنگی-هنری به دو گروه کلی طبقه‌بندی کرد. گروه اول دربردارنده مبحث فرایند تولید فرش ایران است؛ زمینه‌هایی از جمله اصول و روش‌های بافندگی در کنار مباحث ریسنده‌گری الیاف و روش‌های رنگ‌رزی و غیره در زمره این بخش جای می‌گیرند. به‌طور گزیده، گروه اول چگونگی‌ها در فرش ایران را پوشش می‌دهد و گروه دوم به مقوله چستی‌ها در فرش ایران مربوط می‌شود؛ در واقع مباحثی از جمله طرح و نقش، مفاهیم رنگ‌بندی، هم‌نشینی رنگ‌ها و فام رنگی، در کنار سیر تحول و تطور نقوش و خاستگاه آن‌ها و خلاصه هر آن چیز که به‌مثابه یک فرهنگ باعث استمرار و حیات فرش دستباف ایران است.

باید یادآوری کرد که بخش بزرگی از حدود گروه دوم، بنیاد و پایه‌ای برای مقوله‌های فنی و صناعی فرش ایران محسوب می‌شود. برای نمونه در منطقه بافندگی کرمان (راور) فرایند بافندگی با رفتاری بنام نقشه‌خوانی انجام می‌شود که خود این رفتار در حدود فرهنگی فرش ایران جای دارد؛ بنابراین نباید گمان کرد که این دو گروه با یکدیگر بی‌ارتباط هستند؛ چه‌بسا آن‌چنان در یکدیگر پیچیده و درآمیخته هستند که در مواردی شناسایی حدود هر یک کاری دشوار و گاه غیرممکن است. در میان مکاتب طراحی فرش ایران از جمله اصفهان، کرمان،



● تصویر (۳): نقشه چهارباغی، اواسط قرن چهارده خورشیدی، ۴۶۰ در ۳۰۰ سانتی متر



● تصویر (۲): نقشه باغی، اوایل قرن چهارده خورشیدی، ۵۹۰ در ۳۶۰ سانتی متر

باغ و بهشت

مفهوم بهشت یا مینو که از مفاهیم کهن فرهنگ اساطیری ایران محسوب می‌شود همواره دغدغه نقش‌پردازی در ایران فرهنگی بوده است. این مفهوم در حیطه ملموس و عینی خود متناظر باغ است و در واقع برداشت اولیه و مشخص انسان از مفهوم بهشت در تصویر باغ مجسم شده است. باغ، جوهره و هسته اصلی طرح و نقش فرش ایران است در فرش ایران از هر سو که جستجو کنیم باغ و بهشت با نه‌های پر آب و سرسبزی‌های خرم و سرفراز، همیشه یادآوری می‌شود اما آنچه در طراحی فرش کرمان شاخص است گوناگونی و تکثر نقشه‌های باغی است. از نقشه بهارستان (سبزی‌کار) که به‌منزله یک مرتع طبیعی و خودرو است (تصویر ۱) تا نقشه‌های چهارباغی که به‌منزله یک محوطه طراحی و الگوبرداری شده از پلان باغ‌های ایرانی هستند (تصویر ۲ و ۳)؛ تنوع مثال‌زدنی در طراحی حدوداً ۵۰۰ ساله فرش کرمان رقم خورده است. حتی در حدود دهه دوم قرن چهاردهم خورشیدی با تلفیق نقشه معروف لچک و ترنج که خود نیز برخاسته از باغ و بهشت است با نقشه باغی شاهد نمونه‌های نوین هستیم که در اصطلاح قاب قرآنی خوانده می‌شود. نقشه‌ای که مختص کرمان در روزگار پهلوی اول است. (تصویر ۴)

ادبیات و شعر

از باغ و بهشت که بگذریم نوبت به ادبیات و شعر می‌رسد. همکنش به‌سزایی میان ادبیات و مصادیق دیگر هنر وجود دارد، این تعامل روشن و مبرهن است. تمدن‌های ایرانی پیش از اسلام که به‌صورت مشخص در تاریخ از نمونه‌های هخامنشی و ساسانی آن‌ها بیشتر یاد شده است و همچنان بقایای آن‌ها پابرجاست؛ پس از حمله اعراب به ایران به‌واسطه گسل‌های فرهنگی و عوامل بی‌شمار متوقف شده‌اند؛ اما این رکود، دائمی و همه‌جانبه نبوده است و به باور متخصصین در چهار قرن اولیه پس از حمله اعراب به ایران، این ادبیات بوده است که بار فرهنگی ایران را به دوش کشیده است و به‌درستی محتوای فرهنگی-هنری را از دوران گذار به سلامت عبور داده است. به باور نگارنده این تعامل بین ادبیات و نقش به‌خوبی وجود دارد و در کرمان به بیشترین حد ممکن است.

نقش، واژه و زبان را پایه‌ریزی کرده است و پس از آنکه خط بر مفهوم تجریدی و آستره خود به کمال رسیده و ادبیات را برآمده است، آنگاه ادبیات و واژه، حدود نقش را پاسداری کرده‌اند. در میان مکاتب طراحی فرش ایران همیشه شاهد هستیم که ادبیات به‌طور مشخص به دو صورت حضور دارد. یکی تصویرسازی از داستان‌های ادبی و عرفانی؛



● تصویر (۵): نقشه چند ترنجی، اواخر قرن سیزده خورشیدی، ۲۴۰ در ۱۵۰ سانتی متر، با مطلع شعر حافظ «خسروا گوی فلک در خم چوگان تو باد-ساحت کون و مکان عرصه میدان تو باد» ●



● تصویر (۴): نقشه قاب قرآنی، اوایل قرن چهارده خورشیدی، ۳۵۰ در ۲۵۰ سانتی متر ●

باغ فرش کرمان» یا «باغ فرش کرمان» همواره سرشار از تفکرات و اندیشه‌هایی است که کم و بیش از ۱۵۰۰ سال پیشینه برخوردار است. آنچه امروزه از طراحی فرش کرمان ارائه می‌شود (به غیر از موارد استثنایی) تلاش‌های بی‌چستی و چرایی است که جز تکرارهای بی‌پرسش یا نوآوری‌های بی‌پشتوانه ره‌آوردی ندارد. اگر قرار باشد که صنعت فرش کرمان رونق داشته باشد باید که فرهنگ فرش کرمان تداوم و رونق داشته باشد؛ چراکه حیات و استمرار چگونگی‌ها در گرو رشد و نمو چستی‌هاست. تا احساس چستی در ذهن بشر نقش نبندد و نیازی برای آن احساس نکند؛ چگونگی (فن) عملکردی مناسب نخواهد داشت.

و دیگر، خوشنویسی از یک متن ادبی است. رویکرد ما در کرمان علاوه بر تصویرسازی، در حیطه خوشنویسی بسیار است؛ آن‌گونه که عموماً در طراحی فرش ایران خط (خوشنویسی) بیشتر در حاشیه‌ها و یا لچکی‌ها (گوشه) خودنمایی می‌کند، حال آنکه در طراحی فرش کرمان خط (خوشنویسی) به‌عنوان عامل تذکردهنده از یک مقوله ادبی، مؤلفه‌ای مقتدر در شکل‌گیری و آفرینش متن و زمینه‌ی فرش است. به بیان بهتر «خط، نقش است و نقش، خط است». (تصویر ۵)

رویکردهای آیینی

رویکردهای آیینی در طراحی فرش کرمان اهمیت ویژه‌ای دارند در کرمان دل‌مشغولی طراحان به مفاهیم آیینی فرهنگ ایران از جمله: جشن‌ها و آیین‌های طلب نعمت، آیین‌های تاج‌گذاری و رفتارهای آیینی دینی و عرفانی، مجموعه گسترده‌ای از طرح و نقش فرش کرمان را به خود اختصاص داده است. یکی از نمونه‌های برجسته در این‌باره نقشه‌هایی است که در آن‌ها مفاهیم شب‌نشینی به تصویر کشیده شده است؛ مانند تصویر (۶) که در آن به‌صورت انتزاعی مفهومی از شب پیدا دیده می‌شود که علاوه بر زمینه سورمه‌ای فرش که تعاملی گویا با شب دارد، نقش‌مایه چلچراغ نیز به‌منزله عنصر روشنی‌بخش



● تصویر (۷): نقشه لچک و ترنج کف ساده، اواخر قرن سیزده خورشیدی، ۵۷۰ در ۳۵۰ سانتی متر



● تصویر (۶): نقشه ترنج داردسته کلی، اوایل قرن چهارده خورشیدی، ۵۶۰ در ۳۵۰ سانتی متر

است. در کرمان افزون بر این رویکرد؛ نقشه‌های متمایز دیگری نیز وجود دارد که نقش زن به صورت تک فیگور به عنوان یک شخصیت مهم اجتماعی و گاه سیاسی، بار دیگر به سبک و سیاق هنر ساسانی ترسیم شده است. در واقع نام‌گذاری این نقشه‌ها نیز برگرفته از همان جایگاه زن در فرهنگ ساسانی است. رجوع شود به تصویر (۸)؛ در این فرش تصویر آرمیدخت ترسیم شده است.

سخن درباره طرح و نقش فرش کرمان پایان نمی‌پذیرد؛ «باغ فرش کرمان» یا «باغ فرش کرمان» همواره سرشار از تفکرات و اندیشه‌هایی است که کم و بیش از ۱۵۰۰ سال پیشینه برخوردار است. آنچه امروزه از طراحی فرش کرمان ارائه می‌شود (به غیر از موارد استثنایی) تلاش‌های بی‌چستی و چرایی است که جز تکرارهای بی‌پرسش یا نوآوری‌های بی‌پشتوانه راه‌آوردی ندارد. اگر قرار باشد که صنعت فرش کرمان رونقی داشته باشد باید که فرهنگ فرش کرمان تداوم و رونق داشته باشد؛ چراکه حیات و استمرار چگونگی‌ها درگرو رشد و نمو چستی‌هاست. تا احساس چستی در ذهن بشر نقش نبندد و نیازی برای آن احساس نکند؛ چگونگی (فن) عملکردی مناسب نخواهد داشت. پس یادمان باشد «تا پایه‌های فرهنگ استوار نشود؛

چرخ اقتصاد منظم نخواهد چرخید».

برای بلندترین شب سال نقش شده است تا همگان را به روشنایی و نیک‌اندیشی رهنمون کند. یا در تصویر (۷) که یک نقشه لچک و ترنج است، طبق‌هایی از انار، سیب و حتی در مواردی شیرینی در زمینه فرش وجود دارد که با روش استیلیزه طراحی و ترسیم شده‌اند.

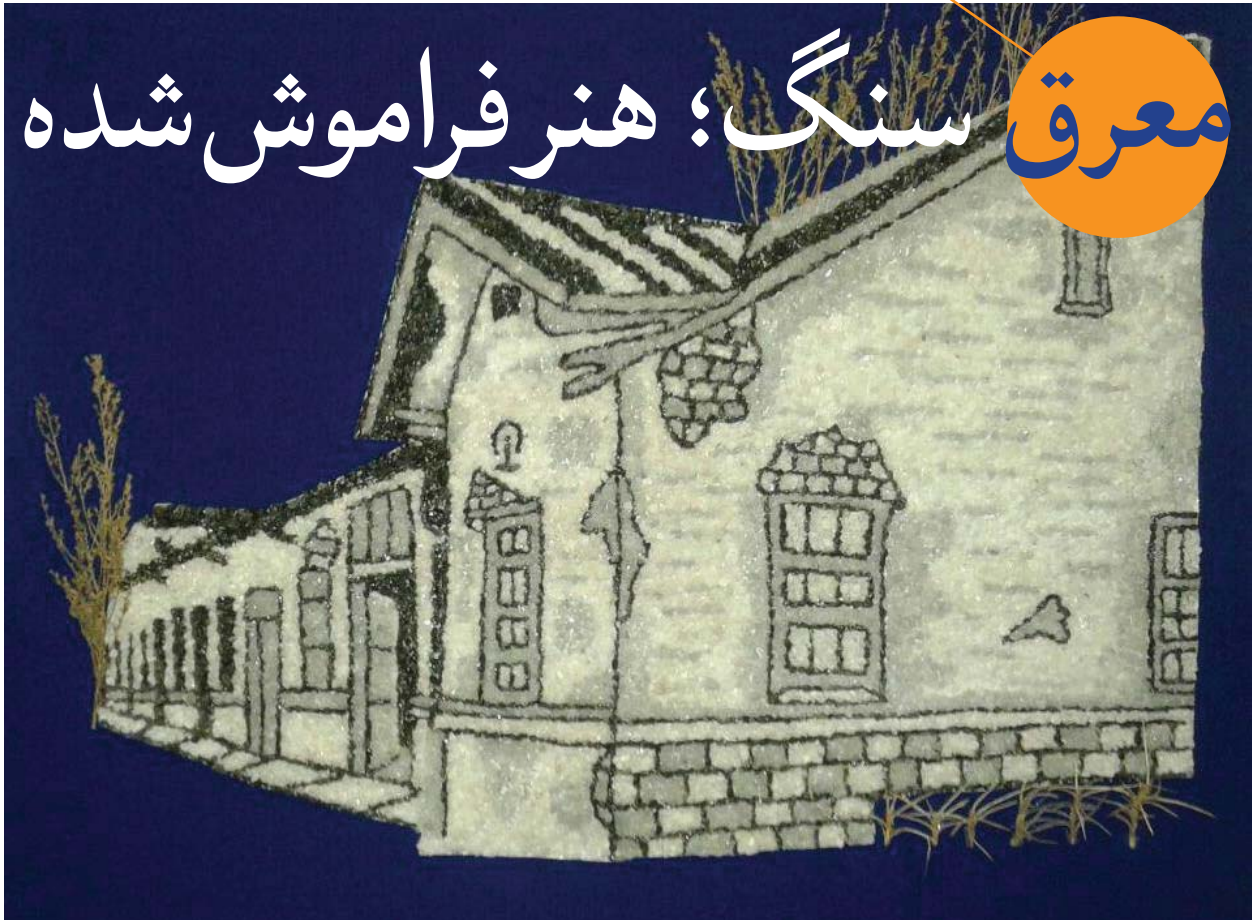
زن

در میان نقوش انسانی به جا مانده از آثار هنر ایران، نقش «انسان-زن» بافاصله‌ای زیاد در گوناگونی و تکرار نسبت به نقش «انسان-مرد» ترسیم شده است. این مهم خود مصداقی است بر اهمیت شخصیت غیرقابل انکار زنان در تشکیل و تکمیل و حیات تمدن‌های بشری. تأثیر زنان به عنوان عامل مؤثر در یک جانشینی بشر و نیز تأثیر بسزایی‌شان در اختراع خط به عنوان یگانه دستاورد مهم همه دوران عمر بشریت؛ موضوع مهمی است که همه هزاره‌ها، طراحان در هنر ایران خود را به آن مدیون دانسته‌اند و دست از کشیدن زن نکشیده‌اند. این رفتار تا دوران معاصر ایران در فرهنگ طراحی فرش کرمان جلوآمده است. در بیشتر مکاتب طراحی فرش ایران، نقش زن عموماً به عنوان معشوقه آورده می‌شود برای نمونه در تصویرسازی‌های از داستان لیلی و مجنون یا داستان شیخ صنعان، زن به عنوان معشوقه ترسیم شده



● تصویر (۸): نقشه تصویری، تصویر آرمیدخت، اوایل قرن چهارده خورشیدی، ۱۷۰۰ در ۱۲۰ سانتی متر ●

معرق سنگ؛ هنر فراموش شده



• تابلوی خانه روستایی با استفاده از سنگ ریزه با رنگ طبیعی

< سید عبدالرضا جعفری صدر

مدرس دانشگاه
و مؤسس گهرشناسی تپلا



هنر معرق با نام معرق چوب گره خورده است زیرا در سال‌های اخیر این هنر توسط کارهای چوبی توسعه و رونق بیشتری یافته و به گفته مورخان و محققان هنر معرق چوب بعد از هنر معرق سنگ و کاشی رواج و رونق پیدا نموده و برخی معتقد هستند که کم‌توجهی به هنر معرق کاشی و سنگ سبب توسعه معرق چوب شده است.

در یافته‌های باستان‌شناسی شهر سوخته زابل متعلق به ۵ هزار سال پیش اولین اثر هنری معرق سنگ دیده‌شده که با استفاده از سنگ، استخوان و عاج بر روی یک شانه نقش بسته است. در تیرنس یونان و تمدن بین‌النهرین در هزاره سوم پیش از میلاد نیز آثار موزاییک سنگ دیده‌شده است. در آن هنگام استفاده از سنگ در کف، دیوار و سقف رایج بوده است. اولین معرق با استفاده از کاشی‌های شیشه‌ای متعلق به ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد، در کاوش‌های سوساد و چغازنبیل مشاهده شده است.

به تابلوها و کتیبه‌های مونتاژ شده از جورچین قطعات کوچک گرد، تخت، مربعی و رنگارنگ سنگ و سایر مواد مانند شیشه، کاشی، سفال، استخوان و ... هنر معرق یا موزاییک سنگ گفته می‌شود. آثار هنری نشانه نبوغ و قدرت آفرینش هنرمند است. هنر نشانه بصیرت، آگاهی، دانایی و توانمندی بشر است، از ابتدای تاریخ تکاملی بشر تا کنون، استفاده از مواد طبیعی در دسترس، برای تزئین بناها و تهیه صنایع‌دستی رایج بوده است. هنریک فرایند تکوینی است و هنری ماندگار است که بارقه‌هایی از خلاقیت، نوآوری و زیبایی را به همراه داشته باشد.

هنر معرق سنگ یک هنر تزئینی برای دکوراسیون داخلی و نماهای خارجی ساختمان‌هاست. در این هنر، هنرمند با قرار دادن تکه‌های سنگ، کاشی، چوب و سایر اشیاء در رنگ‌ها و اندازه‌های متفاوت در کنار یکدیگر دست به خلق اثر تازه می‌زند که در نوع خود بدیع و تازه است.

هنر استفاده از سنگ، هنر رایج و پررونق قرن ششم تا پانزدهم میلادی مقارن با امپراطوری بیزانس در اروپا بوده است. بعدها در دوره رنسانس این هنر از مد رفت و دیگر به جایگاه و رونق گذشته خود بازنگشت. از هنر موزاییک سنگ و سفال در دوران نخست هنر اسلامی نیز به طور گسترده در تزئین مکان‌های مذهبی و کاخ‌های سلاطین استفاده می‌شده است که پس از قرن هشتم، استفاده از آن به تدریج رو به کاهش گذاشت.

استفاده از عاج فیل، صدف و ترکیب آن با سنگ‌های قیمتی در معرق‌های یافت شده در تمدن‌های باستانی نشان می‌دهد که این هنر نزد ایرانیان باستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. بهره هنر معرق از علوم ریاضی و هندسه و همچنین طراحی، نقاشی، منبت، تذهیب و خوشنویسی را نباید فراموش کنیم. اوج استفاده از هنر معرق سنگ، کاشی و سفال در دوران تیموریان بوده است و پس از آن در دوران سلجوقیان هنرمندان بسیاری به استفاده از این هنر و توسعه آن پرداختند. در دوران صفویه نیز آثار استفاده از این هنر به چشم می‌خورد. هر هنری یک تاریخ تکوینی دارد، دوام سنگ و کاشی بیش از چوب است و دوام کوتاه چوب سبب شده تا آثار چوبی کمتر از سایر موارد اثری بر جای بگذارند. امروزه از این هنر در تزئینات داخلی ساختمان و حتی تابلوهای دیوارکوب استفاده می‌شود.

سخن پایانی

هنر موزاییک سنگ بسیار متنوع و دارای سبک‌های مختلف است و می‌تواند به‌عنوان یک عنصر تزئینی در منازل مسکونی و مکان‌های عمومی استفاده شود. با استفاده از ترکیب انواع مواد و مصالح مانند سنگ و فلز، کاشی و فلز، سنگ و چوب و ... می‌توان ایده‌های بسیاری را برای خلق آثار متنوع فراهم نمود.

نقطه قوت این هنر استفاده از مصالح بومی است که در همه نقاط به وفور در دسترس است، اخیراً معدودی از هنرمندان به این رشته از هنر پرداخته‌اند. فیروزه کوبی و تابلوهای سنگ نمونه‌هایی از آن هستند.

استفاده از خرده‌سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی مانند فیروزه، کریزوکلا، لاجورد، عقیق و باطله کارخانه‌های سنگ‌های تزئینی را می‌توان به‌عنوان ماده اولیه ارزان معرق سنگ در همه نقاط به‌سادگی پیدا نمود. در هنر مدرن موزاییک سنگ می‌توان به احیاء آثار گذشته نیز توجه نمود.

با توجه به مواد و مصالح فراوان این هنر در استان کرمان، توجه به آن به‌عنوان یک منبع درآمد ضروری است، هنر تصویری قدمتی بیش از شش برابر زبان نوشتاری دارد.

هنر معرق سنگ حلقه گمشده هنر استفاده از باطله‌ها و دور ریزهای سنگ است، در این هنر تجربه اهمیت اساسی دارد و تحصیلات هنری در جایگاه بعدی است. هنر معرق، هنر جورچین است و با کمی خلاقیت می‌توان با مواد در دسترس به آثار بدیعی دست پیدا نمود. جای خالی هنر معرق سنگ در صنایع دستی معلوم است.



● جورچین سنگ‌های طبیعی رودخانه



● استفاده از ترکیب رنگ‌های مختلف سنگ در مسجد شیخ زاید در ابوظبی



● استفاده از باطله‌های سنگ تزئینی در ساخت تابلوهای سنگی

بسیار دردی که ما داریم



< **مهران رزایپور**
استاد قلم‌زنی، تذهیب و نگارگری،
مدرس هنر

اگر بگویم کرمان در زمینه صنایع‌دستی سابقه‌ای بس طولانی دارد، یک حرف همیشگی و تکراری است. آن‌قدر این حرف تکرار شده و در مراسم مختلف زده شده است که دیگر هیچ کوشی شنوای آن نیست. این یک حقیقت است که متأسفانه از آن فقط جلوی دوربین تلویزیون و رسانه‌ای عمومی استفاده می‌شود؛ اما چقدر از این حقیقت مسلم تاریخی در جهت رشد صنایع‌دستی استان استفاده می‌شود؟ بله، کرمان در زمینه صنایع‌دستی حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. در هر زمینه‌ای که کرمانی‌ها وارد شده‌اند شاهکار خلق کرده‌اند. به‌عنوان مثال؛ هنوز تمدن بشری در خیلی مناطق دنیا شکل و شمابلی نیافته بود که کرمانی‌ها تکنیک‌های قلم‌زنی روی مس را کشف یا ابداع کردند. یافته‌های شهادت‌گواه این مدعاست. بعد از آن شال کرمان به قدری بی‌نظیر بوده که داشتن قطعه‌ای از آن آرزو و فخر ثروتمندان و قدر قدرتان بوده است. آوازه قالی کرمان هم در دوره‌ای، دورترین نقاط عالم را پرکرده بوده. هنوز هم گران‌ترین فرش دنیا یک فرش کرمانی است. از پته چه بگویم که مارکوپولو در سفرنامه‌اش به‌عنوان هنر دست زنان کرمانی تحسینش کرده است. کدام رودوزی نفیسی را سراغ دارید که با پته موزه شاه نعمت‌الله برابری کند؟ گلیم شیریکی پیچ کرمان نفیس‌ترین گلیم دنیا شناخته‌شده و نظیر جام‌های برنجی کرمان (جوم کرمانی) هیچ صنعتگری نتوانسته بسازد که با آن نازکی شکننده، رویش با قلم فولادی قلم‌زنی شده باشد.

از این دست هنرنمایی‌ها در کرمان فراوان سراغ دارم. ترسم از این است که با بیان آن‌ها به دام کرمان ستایی بی‌فایده‌ای بیفتم که هیچ دردی از من کرمانی قرن بیست و یکمی دوا نمی‌کند. به قول پیران کرمانی از بودم بودم چه فایده‌ای نصیب آدم می‌شود؟ از هستم های خودمان سخن بگوئیم و بعد اگر مایه‌اش را داشتیم فخری به عالم و آدم بفروشیم.

بهراستی از آن‌همه هنر والا چه برای ما باقی‌مانده است؟ اصلاً

چیزی داریم که بخواهیم به آن افتخار کنیم؟ نزدیک به سی سال است که گرفتار تدریس بوده‌ام؛ تهران، اصفهان، زاهدان و کرمان در دانشگاه درس داده‌ام و دیگر نمی‌دانم چند دانشجو داشته‌ام. به اعتبار همین مدت می‌گویم بچه‌های کرمان جزو مستعدترین‌ها در ایران هستند. با همین سرمایه انسانی ارزشمند می‌توان تحولی در ابعاد گوناگون صنایع‌دستی کرمان ایجاد کرد. همه عوامل هم فراهم است. حال چرا این تحول رخ نمی‌دهد؟ ریشه‌اش را باید در نگاهی جستجو کرد که فرهنگ عمومی کرمان نسبت به کار، صنعتگر هنرمند، قالیباف، گلیم‌باف و قلم‌زن و طراح فرش دارد. در تمام این سال‌ها بارها مراسم بزرگداشت فلان سینماگر و هنرپیشه و خواننده که گذارش هم به کرمان نیفتاده برگزار شده است، اما دریغ از مراسم بزرگداشت برای یک طراح فرش. این مسئله را در بخش دولتی می‌توان دید. هرچند انسان‌های فهمیده زیادی در این بخش وجود دارند که صنایع‌دستی را می‌فهمند و ارج می‌گذارند، اما نگاه کلی دولتمردان ما نسبت به صنایع‌دستی و هنرمندان این عرصه، آلوده به تحقیر و کوچک شماری است.

شاید همین است که کمترین بودجه را به تحقیق در مورد صنایع‌دستی اختصاص می‌دهند و باز شاید به همین دلیل است که مدیران رده بالا را از بین افراد سیاسی نامربوط و ناآگاه نسبت به صنایع‌دستی انتخاب می‌کنند و یا از وجود کارشناسان خیره صنایع‌دستی در برنامه‌ریزی استفاده نمی‌کنند. اطلاعات آماری ما از وضعیت صنایع‌دستی کرمان بسیار کم و ناچیز است. برنامه‌های حمایتی از هنرمندان صنایع‌دستی تقریباً وجود ندارد. نهایتش وامی پرداخت می‌شود که هم گرفتنش مکافات دارد و هم پس دادنش، بس که شرایط اقتصادی برای فعالان صنایع‌دستی سخت و پیچیده شده است.

همیشه گفته‌ام و باز هم می‌گویم ما کرمانی‌ها شروع‌کننده‌های خوب



و ادامه دهنده‌های خیلی بدی هستیم. یک هنری را پی می‌گیریم، به اوج می‌رسانیم و بعد رهاش می‌کنیم. مثل شال و ترمه، آجرکاری نفیس، قالی، قلم‌زنی، سفال‌های آبی سفید و هنرهای دیگر. چرایش را باید در تاریخ پرفراز و نشیب و پر درد این خطه جستجو کرد. سخت است از بین آن‌همه مصیبت عبور کردن و روح و روان سالمی داشتن. معلوم است که چرا دل و دماغ از دست داده‌ایم. حوصله پیگیری و خودنمایی نداریم. شاهکار خلق کرده‌ایم اما بدون دادر دودور و تبلیغ و هیاهو گذاشته‌ایم دیگران به نام خودشان ثبت کنند. راحت از دست داده‌ایم. آن قدر بی‌حوصله بوده‌ایم که نفهمیده‌ایم چه دارد به سرمان می‌آید؟ چه داریم به سر خودمان می‌آوریم.

انگار نمی‌دانیم یا نمی‌خواهیم باور کنیم که صنایع‌دستی چه نتایج آشکار و مفیدی در جامعه دارد، نمی‌دانیم چه طور اشتغال ایجاد می‌کند، فرهنگ غنی چند هزارساله را گسترش می‌دهد و صادر می‌کند. به مدد هنر و زحمت، هنرمند یک ورق مس پنجاه هزارتومانی را تبدیل به کالایی میلیونی می‌کند و ارزش افزوده‌ی باورنکردنی را رقم می‌زند. آن‌هم با کمترین امکانات و سرمایه. دوستان اداره دارایی اگر از این ارزش افزوده خبردار شوند لابد می‌خواهند مالیاتی چنان ببرند که کمر صنعتگر زیر بار آن خم شود.

بنا به آمار غیررسمی حدود بیست هزار نفر فقط در عرصه پته، مستقیم و غیرمستقیم مشغول کارند. چه گردش مالی‌ای این وسط وجود دارد؟ چقدر به اقتصاد استان کمک می‌کند؟ کالایی تولید می‌شود که نه خراب می‌شود و نه از مد می‌افتد و نه بازاریش خراب می‌شود و هر چه قدر هم که بماند به قیمتش افزوده می‌گردد. کدام کارخانه با سرمایه چند ده‌میلیاردی بیست هزار نفر را سر کار گذاشته است؟ آیا همین دلیل کافی نیست که توجه بیشتری به صنایع‌دستی کرمان شود؟

کارهای زیادی برای انجام دادن روی زمین مانده است، برنامه‌ریزی

و همه این بی‌مهری‌ها در حالی است که هنوز صنایع‌دستی معاش هزاران نفر را در استان تأمین می‌کنند و هنوز بعد از نفت بالاترین میزان صادرات از آن صنایع‌دستی است و ... در جایی که سایر صنایع بودجه‌های کلان را می‌بلعند و نسبت سرمایه دریافتی‌شان با اشتغال ایجادشده اصلاً نمی‌خواند و آلودگی محیط‌زیست و دنگ و فنگ‌های موجود و اختلاس و نگرانی تحریم و هزار دغدغه ریز و درشت را دارند، صنایع‌دستی با اندک سرمایه‌ای در فضایی اندک، بدون آلودگی محیط‌زیست، بی‌هیاهو و جنجال کم می‌گیرد و زیاد تحویل می‌دهد.

اول می‌خواستم یک مقاله تحلیلی در مورد صنایع‌دستی کرمان بنویسم. کاری هم نداشت. یک‌مشت آمار و ارقام ارائه می‌شد و تجزیه و تحلیل آمار صورت می‌گرفت. به درد دنیا و آخرت هیچ صنعتگری هم این تحلیل نمی‌خورد چرا که گوش همه پُر است از این آمار و تحلیل‌ها. اگر کاری می‌بایست صورت بگیرد تا به حال گرفته بود. این شد که قلم ناخودآگاه رفت به سمت بیان درد. اندکی از بسیار دردی که من و امثال من داریم؛ و چون سخن از دل برخاسته است، باشد که بردل‌هایی نیز بنشینند. باشد که دستی از غیب برون آید و کاری بکند. ●



گفت‌وگوبا «محمد جهانشاهی»
مشاور گردشگری شهردار کرمان

ضعف در تصویرسازی و مدیریت جاذبه‌ها

با توجه به وجود بیش از ۱۰۰ اثر ملی تاریخی و ده‌ها اثر غیر ثبتی، اصلی‌ترین مشتریان گردشگری شهر کرمان را گردشگران حوزه تاریخی شامل می‌شوند. محمد جهانشاهی؛ مشاور گردشگری شهردار کرمان در گفت‌وگوبا ما ضمن اشاره به این ظرفیت بزرگ و سایر جاذبه‌های گردشگری کرمان؛ یکی از مهم‌ترین شهرهای تاریخی کشور، می‌گوید: به‌جز در موارد آیینی و مذهبی در سایر بخش‌ها مشکلات عدیده‌ای در مدیریت، نگهداری، بهره‌وری و توسعه جاذبه‌ها وجود دارد. وی همچنین بر این باور است که کرمان برای ظاهر شدن در اندازه یک برند شهری باید با توجه به پیشینه تاریخی و تصویر پایدار فرهنگی خود و دیگر مؤلفه‌ها بر اساس مطالعات علمی و فنی، طرح‌ریزی و اجرای برنامه توسعه راهبردی گردشگری خود را عملی نماید. مشروح این گفت‌وگورا در ادامه مطالعه فرمایید.



نگهداری، مدیریت، بهره‌وری، پایداری و توسعه جاذبه‌ها را شاهد هستیم.

آیا کرمان می‌تواند در اندازه‌های یک برند شهری ظاهر شود؟

اندیشه اساسی برای برندسازی، تعیین هویت شهر است؛ مفهوم جامعی که ارائه‌کننده یک حس است که الگوی متمایزی را برای رقابت‌پذیری شهر ارائه می‌کند. در واقع داشتن یک برند شهری به معنای یک یا چند نشانه برای نمودار ساختن هویت یک شهر است. پیشینه تاریخی و تصویر پایداری که از فرهنگ مردم کرمان داریم، نیازمند طی فرایندی برای تکمیل برند شهری می‌باشد. وضعیت کنونی به‌تنهایی این امکان را نمی‌دهد.

برای طراحی و پیاده‌سازی برند شهری کرمان چه اقداماتی انجام شده است؟ راهبردهای مورد نظر برای اشاعه هویت شهر کرمان چیست؟

مهم‌ترین نیازهای این مسیر وجود برنامه‌های مدون و مطالعات علمی و فنی است که به دلیل بی‌توجهی به این مهم شاهد یک به‌هم‌ریختگی فضایی در شهر هستیم و ارزش‌های مهم شهر از جمله مزیت‌های بافت تاریخی آن به‌شدت ارزش

مهم‌ترین ظرفیت‌ها و جاذبه‌های گردشگری شهر کرمان را به ترتیب اهمیت در کدام نوع از انواع گردشگری دسته‌بندی می‌نمایید؟

شهر کرمان یکی از مهم‌ترین شهرهای کشور به لحاظ تاریخی است و قاعدتاً مهم‌ترین محصولی که ارائه می‌کند پایه آن آثار تاریخی است و اصلی‌ترین مشتریان آن هم گردشگران حوزه تاریخی هستند؛ اما مزیت‌هایی هم وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد تا سبد محصولات کرمان با تنوع کمی و کیفی بیشتری به بازارهای گردشگری ارائه شود. وجود آداب و سنت‌های برگرفته از زیست اجتماعی کرمانی‌ها و تولیدات این فرهنگ چه ملموس مثل صنایع‌دستی و شیرینی و سوغات کرمان و چه ناملموس مثل مراسم‌ها و آیین‌ها چه این‌که در کرمان ما زرتشتیان را هم داریم و این باعث می‌شود در کنار تنوع آثار برگرفته از دین اسلام که در حوزه‌های مختلف زندگی مردم وجود دارد، شاهد تولیدات فرهنگی و دینی زرتشتیان هم باشیم. خلق و خوی مردم کرمان هم راه را برای میزبانی شایسته‌تر برای گردشگران فراهم می‌سازد و در کل گردشگران استان کرمان تورهای تلفیقی تاریخی، فرهنگی و طبیعی را تجربه می‌کنند که شهر کرمان سهم عمده‌ای در بخش تاریخی تورها دارد. وجود بیش از ۱۰۰ اثر ملی تاریخی در شهر کرمان و ده‌ها اثر غیر ثبتی دیگر این مهم را تأکید می‌کند.

به نظر شما نقاط ضعف و قوت تصویری که شهر کرمان به گردشگران به‌عنوان مخاطبان خود می‌دهد، چیست؟

مهمان‌نوازی کرمانی‌ها یک نقطه قوت است، اما برای تکمیل این مهمان‌نوازی و تصویر گرم، مؤلفه‌های بیشتری نیاز داریم تا این تصویر کامل شود. ضعف‌های زیادی در تکمیل این تصویر داریم؛ کیفیت به نسبت نامناسب خدمات در بخش‌های مختلف، گویا نبودن مسیرهای دسترسی به جاذبه‌های گردشگری، نگهداری ضعیف داشته‌های تاریخی، عدم توجه کافی به بافت تاریخی و استاندارد پایین تولیدات به‌ویژه صنایع‌دستی که خوب معرفی نشده و متناسب با نیاز بازار نیست.

ارزیابی شما از چگونگی مدیریت جاذبه‌های گردشگری کرمان چیست؟

مدیریت جاذبه‌های گردشگری در دو بخش دولتی و خصوصی تعریف می‌شود. اگر جاذبه‌های گردشگری را گونه‌های مختلف از جمله آثار تاریخی، موزه‌ها، مراکز خرید و مسیرها و محورها و نیز فرهنگ عمومی و آیین‌های مردمی بدانیم، متأسفانه آنچه مشهود است ضعف در مدیریت این جاذبه‌ها به‌خوبی دیده می‌شود. به‌جز مسائل آیینی و مذهبی که ماهیتاً دارای شکل و شیوه خاص و منحصر به فرد و دارای چارچوب و الگوهای مشخصی هستند، در سایر بخش‌ها مشکلات عدیده‌ای در

- توجه جدی به کارآمدی نیروی انسانی و تربیت نیروی انسانی متخصص (دولتی و خصوصی).

○ در مورد اقدامات اجرایی شهرداری در راستای بهینه‌سازی و توسعه فضای گردشگری شهر کرمان و نیز برنامه‌های آتی و چالش‌های مربوط، توضیح بفرمائید.

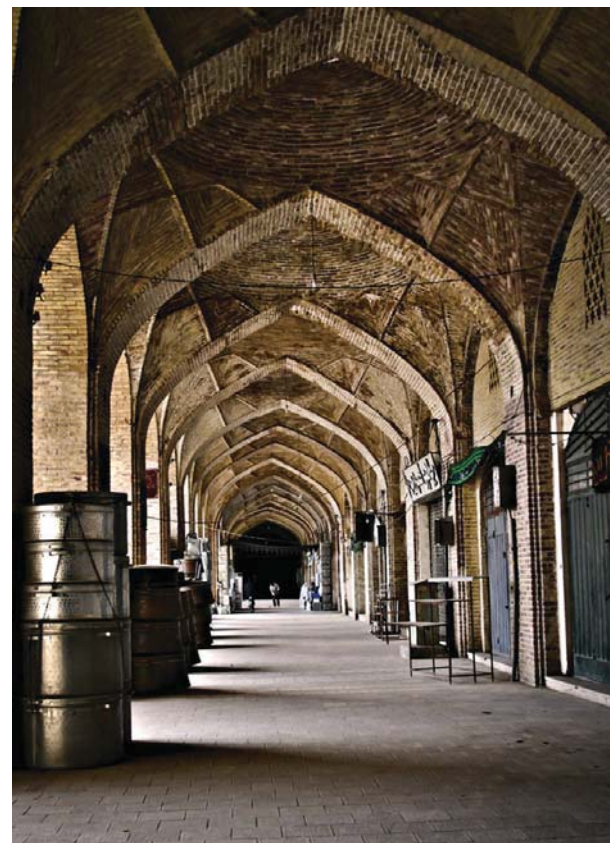
مهم‌ترین اولویت شهرداری، توجه به بافت تاریخی و محور گردشگری شهر کرمان با تمرکز بر احیا و بازسازی این پهنه مهم شهری است. اولویت دیگر شهرداری، ارتقاء جایگاه بناها و مجموعه‌های تاریخی در تحرک بخشی به جریان توسعه شهر می‌باشد. بهره‌گیری بیشتر از موقعیت مکانی- فضایی شهر کرمان در جریان توسعه شهر، جایگاه کرمان را در صنعت گردشگری ارتقاء می‌بخشد.

شهر کرمان به‌واسطه موقعیت توپوگرافی و جغرافیایی یکی از اصلی‌ترین سکونت‌گاه‌های منطقه طی قرون گذشته و پیش از تاریخ بوده است. همین شرایط باعث شده تا در دل خود میراث فرهنگی ارزشمندی را جای دهد و ما شاهد وجود آثار تاریخی از ادوار گذشته یعنی هزاره دوم پیش از میلاد تا قرن معاصر باشیم؛ این جاذبه‌ها شهر کرمان را به‌عنوان یکی از ۵ شهر تاریخی کشور که در دل خود زیر بخش‌های میراث ملموس و ناملموس را جای داده و در حال حاضر جاذبه‌های گردشگری شهر کرمان در بخش گردشگری تاریخی، فرهنگی اولویت‌بندی می‌شوند که در کنار آن به دلیل موقعیت توپوگرافی و هم‌جواری مناطق بیابانی و کوهستانی می‌توان ظرفیت‌های طبیعی و جغرافیایی را هم برای این شهر در نظر گرفت. قدم زدن در خیابان و محور تاریخی گردشگری زیرسف در شب‌های تابستان، تجربه‌ای متفاوت را برای هر گردشگری به ارمغان می‌آورد. شهری که مرکز ثقل اداری، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جنوب شرق کشور است و بیشترین موزه‌ها، جاذبه‌ها و تأسیسات گردشگری را در دل خود جای داده است.

کلان‌شهر کرمان که در طول تاریخ همواره یکی از شهرهای مهم کشور بوده و حتی در دوره‌های پایتخت بودن را هم تجربه کرده است؛ اکنون با داشتن بخش مهمی از تاریخ ادوار مختلف در دل خود و نیز تأسیسات، مراکز خرید، تفریحی و گردشگری و زیرساخت‌های به نسبت مناسب با جمعیتی بیش از ۷۰۰ هزار نفر با مزیت‌های قابل‌توجه، مقصد مهمی برای گردشگران تاریخی بوده که بر فرش‌های زیبای آن نشسته‌اند، طعم قهوه و قوتوی آن را چشیده‌اند و عطر زیره آن را در چارسوق بازار تاریخی به یادگار برده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد گردشگران با توجه به تفاوت نگاه، ذائقه، سلیقه و بسیاری فاکتورهای دیگر، مهم‌ترین تصویری که با خود از کرمان می‌برند خلق‌و‌خو و مهمان‌نوازی مردم کرمان است که این نقطه قوت و با ارزشی است که حتی در شعر شاعران نامدار هم آمده و در طول تاریخ پایداری مردم شهر کرمان به مهمان‌نوازی و حفظ و کرامت مهمان، هزینه سنگینی برای آن‌ها داشته است. ●

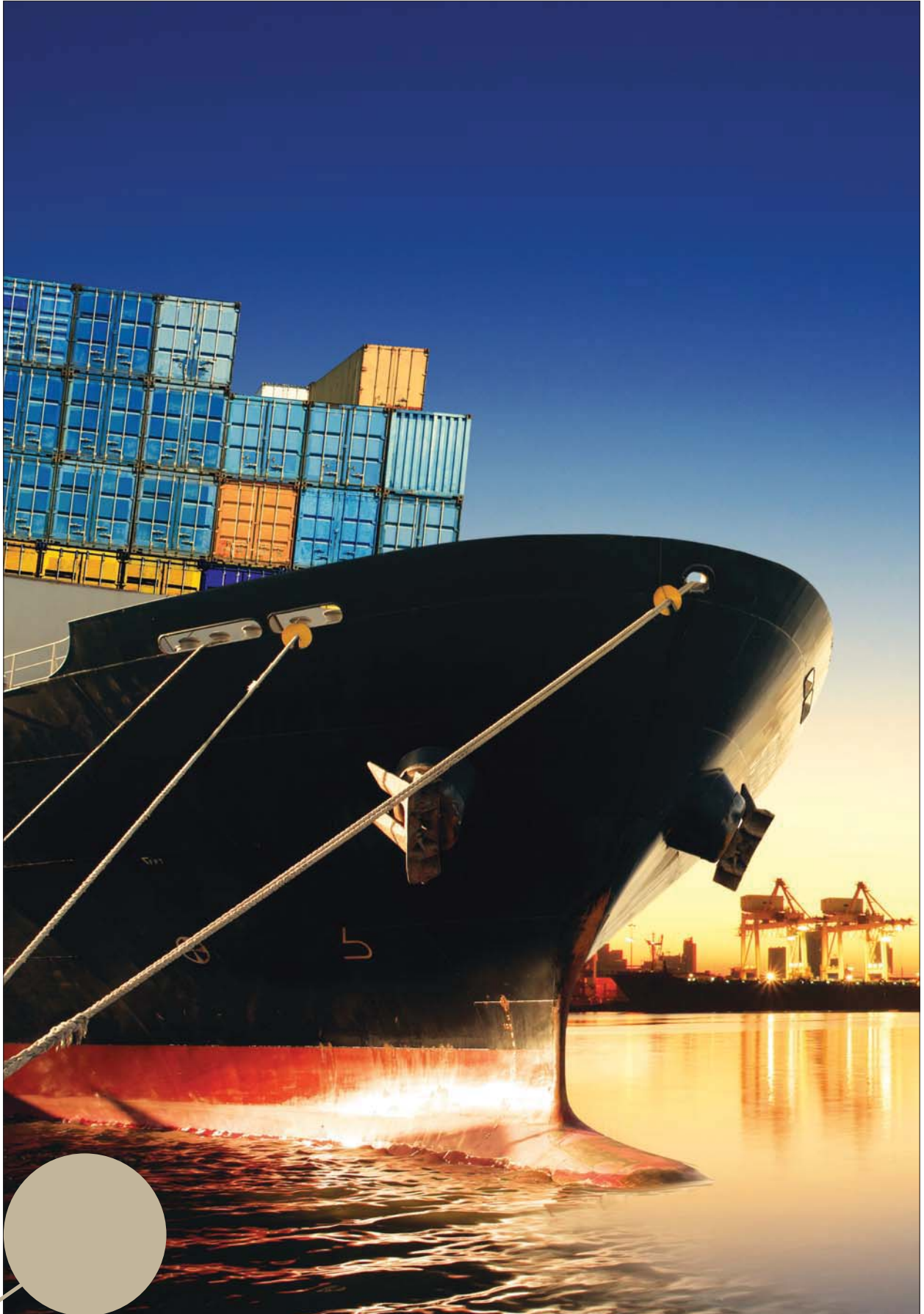
خود را از دست داده‌اند. برنامه‌ریزی عملیاتی مشخص و در کانون توجه قرار دادن طرح‌ریزی برنامه توسعه راهبردی گردشگری شهر کرمان، مهم‌ترین راهبردی است که باید موردتوجه قرار گیرد. بر اساس مطالعات انجام‌شده شهر کرمان اهداف کلانی چون افزایش تعداد گردشگران داخلی و خارجی، افزایش مدت‌زمان اقامت گردشگران در شهر کرمان و افزایش رضایت‌مندی گردشگران را بایست پیش روی خود قرار دهد و در این رابطه اجرای برنامه‌ها و اقدامات مختلفی از جمله موارد ذیل مورد نیاز است:

- حمایت از برنامه‌های توسعه گردشگری و بهبود فضای کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری در این زمینه،
- کمک به ارتقاء امنیت و ایمنی عمومی شهر کرمان،
- ارتباط بیشتر با شهرهای تاریخی کشور و دنیا،
- افزایش میزان تبلیغات و اطلاع‌رسانی در سطوح ملی و بین‌المللی با بهره‌گیری از ابزارهای مدون،
- بهبود کیفیت خدمات و استانداردهای خدمات و توسعه زیرساخت‌ها،
- توجه به رویدادهای مناسبی و نیز میزبانی رویدادهای بین‌المللی،
- ارتقاء کیفیت بصری شهر،
- برنامه‌ریزی و حمایت از برنامه‌های تقویت فرهنگ مهمان‌پذیری شهر کرمان،



بازرگانی و خدمات

- صادرات؛ راه رفته و راهی که باید رفت؛
- محیط سیاست‌گذاری را جدی بگیریم
- تصمیمات مبتنی بر خرد؛
- راه‌گشای صادرات محصولات کشاورزی
- هیئت تجاری کرمان
- در آلمان و اتریش



صادرات؛ راهِ رفته و راهی که باید رفت

محیط سیاست‌گذاری را جدی بگیریم

< سینا خسروی

قائم مقام سازمان صنعت، معدن و
تجارت در حوزه تجارت



و زیر بار نرفت. به هر روی تجارتي که به سختی سر پا کرده بودم با وضع مقررات دست‌وپاگیر به باد رفت.»
این داستان عبدالحسین صنعتی را که می‌خوانیم می‌بینیم ناله اهل تجارت و کسب‌وکار و انتقاد ایشان از دخالت‌های ناصواب دول مختلف در امور اقتصادی، نه منحصر به این روزها و سال‌ها که ریشه در دل دهه‌های قبل دارد. شیوه ابداعی عبدالحسین که یک کارخانه با رویکرد و مسیر متفاوت در یک کشور صنعتی را مجاب به فروش کالایی ناهمگون می‌کند، حکایت از قدرت بالای چانه‌زنی اهالی بازار در تاریخ و جغرافیای مختلف دارد. چانه‌زنی که منجر به راه‌اندازی یک پل ارتباطی و مبادله کالا به کالا می‌شود و با یک تصمیم یک‌شبه دولت به قول عبدالحسین به باد می‌رود. تصمیمات خلق‌الساعه و عجیب‌وغریبی که امروز هم در تجارت این سرزمین وجود دارد. تصمیماتی که در یک محیط سیاست‌گذاری کم‌ثبات و بعضاً غیرکارشناسی سال‌هاست که در چرخه آزمون‌وخطا گرفتار آمده و قصد رهایی هم ندارد.

محیط سیاست‌گذاری

یکی از متغیرهای مهم اقتصاد ایران، محیط سیاست‌گذاری است. از یک‌طرف هم‌زمان شدن چالش‌های بزرگ اقتصادی مانند کاهش رشد اقتصادی، مسئله صندوق‌های بازنشستگی، کسری بودجه، بدهی‌های انباشته دولت، مشکلات نظام بانکی و نظایر آن و از طرف دیگر بی‌ثباتی بازارها و جهش شدید قیمت‌ها در بازارهای مختلف، منجر به تغییرات پی‌درپی سیاست‌های اقتصادی شده است. دولت باهدف حفظ رفاه جامعه و ممانعت

«عبدالحسین صنعتی‌زاده کرمانی» در روزگاری که گذشت می‌گوید: «... روزی به فکرم رسید به یکی از کارخانه‌های چرخ خیاطی سازی در آمریکا، پیشنهاد کنم که تعدادی قالی برای آن‌ها بفرستم که امانی به فروش برسانند. مدیر آن کارخانه در پاسخ نوشت که کار ما منحصر است به ساخت ماشین‌های خیاطی، متأسفیم که نمی‌توانیم در این معامله شرکت کنیم. من ادامه دادم و نوشتم من در همان محلی که قالی‌هایم را به فروش می‌رسانم، چرخ‌های شما را هم به معرض فروش می‌گذارم، در صورتی که اگر بخواهم برای ایجاد نمایندگی محصولات شما اقدام کنم کلی هزینه اضافه به من تحمیل می‌شود. حال چه مانعی دارد شما هم قالی‌های من را در کف سالن فروشگاهتان پهن کنید و آن‌ها را به مشتریان ارائه دهید؟ بدیهی است قالی‌های ارسالی من، دست اول است و مرغوب. اگر صلاح بدانید من ده عدل قالی برای شما می‌فرستم. کارخانه مذکور قبول کرد و در مقابل قالی‌های ارسالی من چرخ خیاطی ناسیونال سوینگ می‌فرستاد و من با این نحو دادوستد پیش رفتم و این روش را با کارخانه رادیوسازی جی سی فرنچ هم انجام دادم، اما افسوس روزی مطلع شدم وزارت بازرگانی مقررات جدیدی گذاشته و دیگر نمی‌توانم به این طرز معامله ادامه دهم. اشکالات و غیرضروری بودن این دستور را با اولیای وزارتخانه‌ای که این دسته‌گل را به آب داده بود طرح کردم. معاون وزارتخانه که خود را دکترای اقتصاد می‌دانست و از دماغ فیل افتاده بود بدون این‌که خودش در تجارت دستی داشته باشد، از مقررات دُول دیگر تقلید می‌کرد، در مباحثه با من محفوظات علمی‌اش را به رخ کشانید

یک کنشگر اقتصادی کالایی تولید کند یا خدمتی ارائه دهد با این فرض که برای داخل تولید کرده است و هرچه را که مازاد بود، صادر کند. بدون شک تولید برای بازار است؛ این بازار می‌تواند بازار داخل کشور باشد و می‌تواند بازاری در کشورهای دیگر. حال اگر شرایط به‌گونه‌ای بود که تولیدکننده بتواند کالا را در هر دو بازار عرضه کند که از منطق اقتصاد پیروی کرده و در مسیر درستی قرار گرفته است.

فروش دستباف (کتر)، پسته و یا خرما (بیشتر)، همیشه جزئی از کالاهای صادراتی غیرنفتی استان کرمان بوده و سهم بالایی هم در آمار داشته و در واقع در زمره اقلام صادرات سنتی ما محسوب می‌شود، اما آیا همیشه مازاد تولید داشتیم که این کالاها را صادر کردیم؟ آیا مزیتی که در صادرات این دو کالا داریم به خاطر مازاد تولید بوده است؟ آیا مزیت صادرات پسته این‌گونه ایجاد شده است که از ابتدا مازاد نیاز داخل را به بازارهای خارجی برده‌اند؟ پاسخ به این سؤالات قطعاً منفی است.

آیا بالا رفتن قیمت محصولی مانند پیاز در بازار داخلی به علت افزایش صادرات، باید منجر به توقف صادرات این محصول گردد؟ منطق اقتصاد به زبان ساده می‌گوید اینکه پیاز به‌جای عرضه در بازار داخل، راهی بازارهای خارجی شده به این دلیل است که تغییرات نرخ ارز صادرات را به‌صرفه کرده است. محیط سیاست‌گذاری ناامن، به یکباره در تجارت خارجی ورود کرده و با صدور بخشنامه‌ای راه صادرات پیاز را سد می‌کند. به‌جای اینکه موضوع را اصولی بررسی کند و بداند که اگر بازار را آزاد بگذارد، عده‌ای برای تأمین نیاز داخل از پاکستان پیاز می‌خرند و با قیمت پایین‌تر وارد می‌کنند و تعادل بازار حفظ می‌شود.

توماس ساول، اقتصاددان مشهور می‌گوید: «عمده کج‌فهمی‌ها و سوءتفاهم‌ها از آنجا ناشی می‌شود که تصمیمات اقتصادی بر اساس اهدافی که قرار است برآورده کند مورد قضاوت قرار می‌گیرد، نه انگیزه‌هایی که ایجاد خواهد کرد.» به نظر می‌رسد یکی از مشکلات بنیادی ما در سیاست‌گذاری اقتصادی به‌طور عام و سیاست‌گذاری صادراتی به‌طور خاص همین مسئله باشد. اثبات این ادعا کار سختی نیست. کافی است یک‌لحظه هر سیاست شکست‌خورده‌ای را به خاطر بیاورید. حرف توماس ساول در اینجا این است که اصلاً مهم نیست نیت و هدف سیاست‌گذار بدو چه بوده است بلکه سیاست را باید با انگیزه‌هایی که ایجاد کرده و نتایج آن سنجید. پس اتفاقاً سیاست‌گذار مسئول ایجاد انگیزه‌هاست. توجیه سیاست‌گذار همواره این است که اصل سیاست ایرادی نداشته و برنامه‌ریزی‌ها با دقت و به‌صورت کارشناسی پیش رفته، اما متأسفانه به دلیل وجود سودجویان یا دلالان یا سفته‌بازان، سیاست‌ها به اهداف موردنظر نرسیده است. پس سیاست‌گذار تصور می‌کند که اصل سیاست ایرادی نداشته، چون سیاست را بر اساس اهدافش قضاوت می‌کند، نه انگیزه‌های سودجویانه‌ای که آن سیاست ایجاد کرده است.

از گسترش نارضایتی عمومی، سیاست‌هایی مانند توزیع ارز ترجیحی، واردات کالاهای اساسی، ممانعت از صادرات برخی اقلام، کنترل و دخالت گسترده در قیمت‌گذاری‌ها، افزایش دستمزدهای اسمی، تثبیت قیمت انرژی، پرداخت زیان سپرده‌گذاران بانکی و نظایر آن را به اجرا درآورده است. تمامی این سیاست‌ها برخلاف تمایل دولت، در عمل به عمیق‌تر شدن رکود و تشدید کسری بودجه و افزایش بیشتر نقدینگی منجر شده است. در واقع، واکنش‌های دولت، در مواردی به تشدید مشکلات و در مواردی هم به تعویق مشکلات و چالش‌ها منجر شده است.

صادرات در محیط ناامن سیاست‌گذاری

محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های زیادی که در یک‌سال اخیر در حوزه صادرات وضع شده و بخشنامه‌های متکثری که در بازه‌های زمانی کوتاه برای ممنوعیت یا لغو ممنوعیت کالاها صادر شده بدون شک بازار صادرات را و محیط ناامنی برای سیاست‌گذاری در این مقوله را ایجاد نموده است که خود حکایت همان درد قدیمی عبدالحسین صنعتی است.

این روزها شاهدیم که حتی به صادرکنندگان توصیه و ابلاغ می‌شود که کالاهای مورد مصرف عموم را صادر نکنند! و آن دسته از کالاهایی را صادر کنند که مازاد تولید دارد! که این بدان معناست که ما در محیط سیاست‌گذاری، هیچ شناختی از کارکرد بازار نداشته‌ایم. بدون شک سازوکار اقتصادی این نیست که

بهترین مشوق صادرات، وجود خود بازار صادراتی است و با افزایش صادرات، تولیدکننده عملاً نیازی به مشوق ندارد. برای تولیدکننده چه تشویق بالاتر از اینکه بتواند کالاهایش را در سطح وسیعی بفروشد، در واقع پاداشش را این‌گونه از متن اصول متقن اقتصادی می‌گیرد. خود صادرکنندگان حرفه‌ای هم همواره تأکید کرده‌اند که هیچ مشوق نمی‌خواهند. جزاین که دولت سنگ بر سر راه ایشان نیندازد. از سوی دیگر جویز یا مشوق‌های صادراتی، فقط می‌تواند باعث شود تا تولیدکننده ناکارآمد، چشم امید به دریافت کمک داشته و تولید غیراقتصادی یک کالا را ادامه دهد و انتظار داشته باشد که هزینه اشتباهش را دولت پرداخت کند.

با این اوصاف، اقتصاد کشور در محاصره انبوهی از چالش‌ها و تنگناها قرار گرفته است که به‌طور همزمان واقع شده‌اند.

راهی که باید رفت

به نظر می‌رسد این چنین شرایطی، ایجاد می‌کند که محیط سیاست‌گذاری اندیشمندی شکل گیرد تا به‌جای توزیع منابع، برای حفظ رفاه کوتاه‌مدت شهروندان، منابع محدود کشور را صرف بازسازی توان تولید و صادرات کند.

محیطی برای تعریف پارادایم توسعه ایران و با حضور جمیع نخبگان موجود

وقتی در شرایط خاصی قرار می‌گیریم بایستی با اتخاذ روش‌های خاص، شرایط را به بهترین وجه ممکن پشت سر گذاشت و این مهم رخ نمی‌دهد مگر با حضور همه نخبگان. چه اشکال دارد که برای تشکیل یک محیط سیاست‌گذاری اندیشمند، کارگروهی جامع تعریف شود از کمیته‌های جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم سیاسی، تاریخ، اقتصاد، فقه، فلسفه اسلامی و البته تکنوکراسی؛ که در آن کمیته جامعه‌شناسی‌اش را بدهند دست امثال عماد افروغ، حمیدرضا جلالی پور، سیامک زند رضوی، یوسف اباذری، حسن نراقی، علی رضاقلی و ... انسان‌شناسی‌اش را بدهند دست امثال ناصر فکوهی، نعمت‌الله فاضلی، جلال ستاری، ابراهیم فیاض و ... علوم سیاسی‌اش را بدهند دست امثال زیباکلام، هرمیداس باوند، الله کرم، سریع القلم، همایون کاتوزیان، حسین بشیریه و ... تاریخش را بدهند دست امثال آبراهامیان، رضا شعبانی، اردشیر خدادادیان، هاشم آقاجری، معتضد و ... اقتصادش را بدهند دست امثال محمدهاشم پسران، مسعود نیلی، داوود دانش جعفری، احمد نوکلی، اسفندیار معصومی، محسن بهمنی اسکویی، محسن رنایی، محمد طیبیان، عباس آخوندی، موسی غنی نژاد، مسعود روغنی زنجانی، محمد خوش‌چهره، محمد ستاری فر، الیاس نادران، حمیدرضا برادران شرکاء و ... تکنوکراسی‌اش را بدهند دست امثال اسحاق جهانگیری، حسین مرعشی، محمدجواد باهنر، غلامحسین کرباسچی، محمدباقر قالیباف، محسن صفایی فراهانی، علی‌نقی عالیخانی، بیژن زنگنه، محسن جلالپور، محسن رضایی، پدram سلطانی، محمدمهدی رییس زاده و ... فقه و فلسفه هم که نخبه کم نداریم. اجتماع این کمیته‌ها می‌شود یک کارگروه نخبه محور که هدفش تعریف پارادایم برای توسعه ایران اسلامی خواهد بود.

این محیط می‌تواند به‌صورت پاپلوت در کرمان سر و شکل گیرد، استان کرمان نخبه کم ندارد پس می‌توان با ایجاد شرایط مناسب و تعریف کارگروه نخبگان استان، راه را برای پای گذاشتن در راه‌های نرفته باز کرد. راهی که جز از طریق ایجاد یک محیط امن در مسیر توسعه اتفاق نخواهد افتاد و این مهم با وجود محمدجواد فدایی در رأس هرم تصمیم‌گیری استان، دور از دسترس نیست.. ●

محیط سیاست‌گذاری و اعمال مشوق‌های ریالی صادراتی

در لایحه تصویبی بودجه ۹۸ آمده است: «پرداخت هرگونه جایزه و مشوق صادراتی برای صادرکنندگان منوط به حصول اطمینان از برگشت ارز حاصل از صادرات کالا و خدمات به چرخه اقتصاد کشور براساس دستورالعمل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.» این بدان معناست که در بودجه ۹۸ نیز رقمی در خصوص مشوق‌های صادراتی پیش‌بینی شده است. منطق اقتصادی می‌گوید در شرایطی که در همین بودجه فشار مالیاتی افزایش یافته است، پرداخت مشوق جز تخصیص رانت، بازده دیگری نخواهد داشت. بهترین مشوق صادرات، وجود خود بازار صادراتی است و با افزایش صادرات، تولیدکننده عملاً نیازی به مشوق ندارد. برای تولیدکننده چه تشویقی بالاتر از اینکه بتواند کالاهایش را در سطح وسیعی بفروشد، درواقع پاداشش را این‌گونه از متن اصول متقن اقتصادی می‌گیرد. خود صادرکنندگان حرفه‌ای هم همواره تأکید کرده‌اند که هیچ مشوقی نمی‌خواهند جز این که دولت سنگ بر سر راه ایشان نیندازد. از سوی دیگر جوایز یا مشوق‌های صادراتی، فقط می‌تواند باعث شود تا تولیدکننده ناکارآمد، چشم امید به دریافت کمک داشته و تولید غیراقتصادی یک کالا را ادامه دهد و انتظار داشته باشد که هزینه اشتباهش را دولت پرداخت کند.

در هم تنیدگی رکود و تورم و تأثیراتش بر محیط سیاست‌گذاری

در شرایط رکودی و با تضعیف ظرفیت‌های رشد اقتصادی کشور، درآمد بنگاه‌های اقتصادی کم شده و این کاهش درآمد مشکل بازپرداخت بدهی بنگاه‌ها را به بانک‌ها تشدید می‌کند. بنگاهی که درآمدش کم شده، توان پرداخت مالیاتش کم می‌شود و در نتیجه درآمدهای مالیاتی دولت نیز کاهش می‌یابد. دولتی که درآمد مالیاتی‌اش کم شده، توان بازپرداخت بدهی‌هایش را از دست می‌دهد و بدهی‌اش به نظام بانکی افزایش می‌یابد. از طرف دیگر کاهش ظرفیت‌های رشد، منجر به کاهش درآمد خانوار شده و نیاز خانوارها را به برنامه‌های حمایتی دولت بیشتر می‌کند که منجر به افزایش کسری بودجه دولت می‌شود. تمامی آنچه گفته شد در نهایت به‌صورت افزایش بدهی‌های انباشته دولت و فشار بر منابع بانک مرکزی آشکار می‌شود که در اثر آن، اقتصاد کلان دچار تورم مزمن و بی‌ثباتی می‌شود. رکود که بر ارکان اقتصاد چنگ می‌اندازد، اقتصاد کشور نمی‌تواند منابع کافی را برای سرمایه‌گذاری جدید تجهیز کند که این به معنی ماندگاری در تله رکود است. در زمانی که اقتصاد کشور برای خروج از رکود و تله رشد پایین، به سرمایه‌گذاری‌های بسیار کلان در زیرساخت‌ها نیاز دارد، کشور با تحریم‌های خارجی و محدودیت منابع داخلی برای سرمایه‌گذاری مواجه است. ضمن آنکه مشکلات نظام بانکی نیز توان بانک‌ها را برای تأمین مالی تولید کاهش داده است و نظام بانکی توان کافی برای جبران تنگنای مالی بنگاه‌ها و تأمین مالی زیرساخت‌های اقتصادی ندارد.



تصمیمات

مبتنی

بر خرد؛

راه‌گشای

صادرات محصولات کشاورزی

< محسن رشیدفرخی
رئیس انجمن ملی خرمای ایران



بازاریابی اصولی، پیش‌نیاز موفقیت در بازار محصولات کشاورزی

در یک اقتصاد سالم، بازاریابی یکی از اولین و مهم‌ترین پیش‌نیازها برای تصاحب بازارهای جهانی محسوب می‌شود، اما متأسفانه شرایط اقتصادی امروز کشور نامتعارف و تعریف نشده است، ما دچار تحریم‌های کشورهای متغاصب هستیم، تحریم‌هایی که به اجبار تحمیل شده و ما در به وجود آمدن آن‌ها نقشی نداشتیم. این تحریم‌ها بازاریابی صادراتی ما را دچار مشکلات عدیده‌ای کرده است، اما با همه این مسائل باید در جهت یافتن بازارهای هدف جدید تلاش نماییم. امروز دیگر حق و اختیار انتخاب مشتری با ما نیست، باید ببینیم کجا می‌توان کار کرد و نه این‌که کجا به نفعمان است. باید از کوچک‌ترین فرصت‌ها نهایت استفاده را ببریم. به همین دلیل است که ناگزیر، بازارهای هدف محصولات کشاورزی را تغییر داده‌ایم و از سمت غرب به سوی شرق و بازارهای روسیه، هند، چین، کشورهای مسلمان شرق و خاور دور و کشورهای CIS «اتحادیه کشورهای مستقل» متمرکز شده‌ایم تا زمانی که از این مقطع اقتصادی گذر کنیم.

خیلی از کشورها در مقطعی از تاریخ مجبور شدند که بنا به اقتضای سیاسی جاری مملکت خود و بر مبنای حفظ عزت و مصلحت اقتصاد کشورشان، خود را با شرایط سیاسی هماهنگ کنند؛ اما در شرایط کنونی متأسفانه آن‌چنان سیاست و اقتصاد درهم تنیده شده که بحث‌های بازاریابی برای ما به شدت تغییر ماهیت پیدا کرده است. ما باید تمامی گزینه‌های اقتصادی خود را با توجه به تصمیمات سیاسی و بر مبنای محدودیت‌ها انتخاب کنیم.

شرایط حاکم باعث شده دولت در زمینه‌های مختلف اقتصادی خصوصاً صادرات محصولات کشاورزی، تصمیمات خلق‌الساعه‌ای بگیرد. اصطلاحاً برای یک دستمال قیصریه‌ای را به آتش می‌کشد! ممنوع کردن صادرات کشاورزی جز در شرایط بحرانی و در مورد کالاهای استراتژیک به هیچ‌عنوان قابل قبول نیست و احتیاج به مشورت و بررسی کارشناسی دارد؛ به‌عنوان مثال در بحث پسته و خرما ما در دنیا رقیبان قدری داریم که منتظرند حضور ما کم‌رنگ شود تا جایگاه ما را تصاحب کنند. سالی که صادرات پسته ممنوع شد، آمریکا بلافاصله مشتریان ما را جذب کرد. در زمینه خرما نیز به همین ترتیب است مهم‌ترین رقیب ما عربستان، منتظر است به هر نحوی جایگاه ما را تصاحب کند. درست است که مصرف‌کننده داخلی باید به نحو احسن و با بهترین کیفیت از محصولات کشاورزی بهره‌برد اما راهکار آن ممنوع کردن صادرات نیست. در همین مثال خرما، عرضه مستقیم کالا توسط دولت در ماه مبارک رمضان بلافاصله نیاز یک‌ماهه را برطرف می‌کند. ممنوع کردن کالا آسان است اما وقتی ممنوع شود در کارنامه صادراتی ثبت خواهد شد. در فروشگاه‌های زنجیره‌ای که بر اساس استمرار در تأمین کالا کار می‌کنند اگر متوجه شوند کشوری در کارنامه خود ممنوعیت کالا داشته - حتی اگر سالی یک‌بار اتفاق افتاده



۱. اتحادیه‌ای شامل برخی از جمهوری‌های مستقل اتحاد جماهیر شوروی سابق؛ از جمله جمهوری آذربایجان، ارمنستان، ازبکستان، بلاروس، تاجیکستان، روسیه، قرقیزستان، قزاقستان، مولدوی است.

برند سازی، ابزار شکوفایی تجارت تولیدات کشاورزی

توسعه تجارت محصولات کشاورزی نیازمند ابزارهای تجاری مختلفی است، یکی از این ابزارها برندسازی و حمایت از تولیدکنندگان در برندسازی است. مثلاً کشور تونس به واسطه برندسازی در محصول خرما در سال‌های اخیر ارزش افزوده زیادی ایجاد کرده است. در نتیجه برندسازی نه تنها کشاورزان، بلکه صنایع تبدیلی و تجار هم از این امر منتفع می‌شوند. بحث برندسازی از ظرفیتهایی است که می‌تواند به‌طور خاص در توسعه تجارت محصولات کشاورزی کشور بسیار مؤثر باشد، البته راه درازی در پیش است؛ به‌ویژه این‌که بستر این امر قطعاً ثبات اقتصادی است. متأسفانه بحث برندسازی در کشور ما هم چون قوانین مربوط به کپی‌رایت، به‌درستی رعایت نمی‌شود و افراد آن‌چنان‌که باید از حمایت‌های قانونی و حقوقی برخوردار نمی‌شوند در نتیجه ناگزیر اقدامات خود را منحصر به بخش خارجی می‌کنند؛ هرچند در آن بخش نیز دچار مشکلات زیادی می‌شوند. با این وجود بسیاری از تولیدات استان در برندهای معتبر جهانی سهیم‌اند. شرکت‌های کرمانی اعم از شرکت‌های معدنی، کشاورزی، مواد غذایی و حتی در زمینه‌های فنی و مهندسی، دانش‌بنیان و شرکت‌های هواپیمایی چه در سطح کشور و حتی در سطح دنیا چندین برند مطرح را به خود اختصاص داده‌اند؛ در کشاورزی پسته و خرما به‌عنوان محصولات اصلی کرمان، محصولاتی هستند که در شرایط تحریم‌های نفتی می‌توانند کمک شایانی کنند و در توسعه صادرات غیرنفتی نقش عمده‌ای بازی کنند، به‌طوری‌که با بالفعل شدن این ظرفیت، در بحث ارزآوری بیش از ۱/۵ میلیارد دلار به اقتصاد کشور کمک می‌کنند.

نقش دولت در رونق تولید و تجارت محصولات کشاورزی

بدون تعصب نه‌تنها دولت بلکه بدنه بخش خصوصی نیز احتیاج به تغییر ساختار دارد. بخش خصوصی باید در صحنه تولید و تجارت از حالت خوددگی، سردرگمی و بلاتکلیفی فعلی بیرون بیاید و خودش را تیمار کند. دولت نیز باید در این مسیر حامی بخش خصوصی باشد نه این‌که هر زمان بخش خصوصی می‌خواهد سروسامان بگیرد از طرف دولت به‌گونه‌ای صدمه و آسیب می‌بیند؛ همین ممنوعیت‌های بدون تعقل و تأمل و یا دستورالعمل‌های بی‌ثبات گمرکی و عدم ثبات قیمت نرخ ارز و ارزش پول ملی، اقداماتی است که از دست دولت برمی‌آید ولی در انجام آن کوتاهی کرده است. لازمه همه این موارد این است که در شرایط ثبات قرار بگیریم وگرنه اوضاع و احوال اقتصادی به هیچ وجه مطلوب بخش خصوصی نیست.

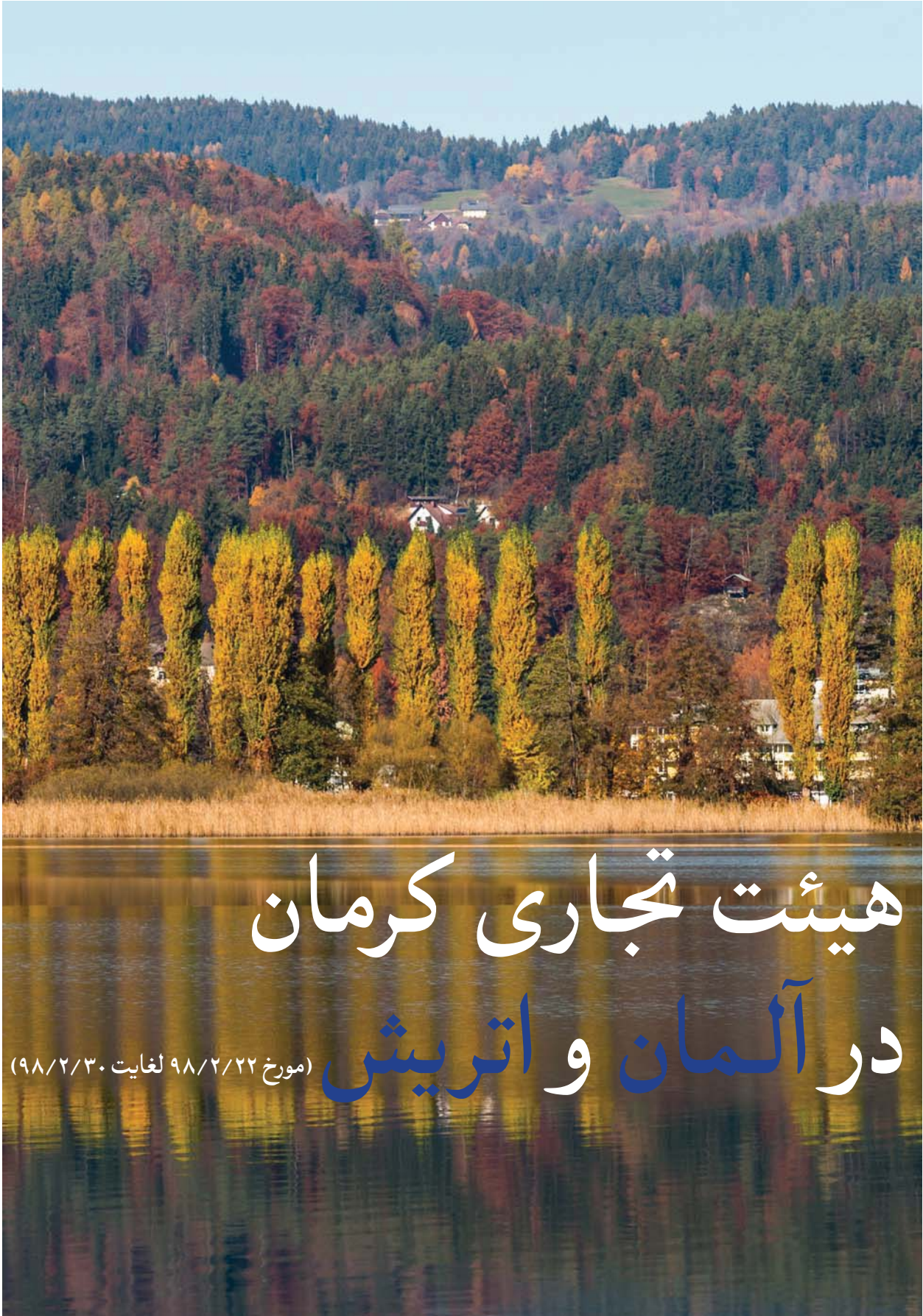
جمع‌بندی

به‌طور کلی بازاریابی در شرایط عادی تعریف متفاوتی از بازاریابی در شرایط فعلی کشور دارد. در شرایط تحریم بازاریابی باید منطبق بر محدودیت‌ها انجام شود، در این شرایط می‌بایست ابتدا بازارهای هدف جدید مدنظر قرار گیرد سپس قابلیت‌ها و نقاط قوت و راه‌های ایجاد ارتباط و نفوذ در این بازارها شناسایی شود. دولت هم در این مورد خاص سعی کند حداکثر کمک و حمایت خود را از بخش خصوصی به کار گیرد، از تصمیمات عجولانه و خلق‌الساعه پرهیز کند و در بحث بازاریابی به شناسایی بازارهای هدف از طریق تسهیل حضور در نمایشگاه‌ها و در زمینه حمل‌ونقل از طریق ارائه سوبسید به فعالان اقتصادی کمک کند. ●

باشد- با آن برند یا کشور کار نمی‌کنند، چون ممکن است این ممنوعیت باز هم تکرار شود و آن‌ها را در تأمین کالا دچار مشکل کند. طبیعی است که در این صورت، کشور قدرتمند رقیب جایگزین می‌شود.

در واقع یکی از بزرگ‌ترین حمایت‌ها در بحث صادرات و بازاریابی تصمیمات مبتنی بر اندیشه درست است. تونس کشوری است که در بحث خرما سال‌ها عملیاتی انجام نداد، اما طی ۱۰-۱۲ سال دست‌اندرکاران صنعت خرما خود را به بازارها و نمایشگاه‌های بسته‌بندی فرستاد، امروزه هشتمین تولیدکننده خرما و اولین کشور دارای ارزش افزوده در این محصول در دنیا است.

در بحث بازاریابی دولت بایستی حتماً حمایت نماید، تصمیمات خلق‌الساعه نگیرد و با تعامل، اندیشه و مشورت سیاست‌گذاری کرده و از تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و تجار که در این زمینه ورود می‌کنند حمایت کند. البته مشکلات مهم دیگری نیز در مورد تجارت محصولات تولیدی وجود دارد؛ از جمله حمل‌ونقل و بسته‌بندی. واقعیت این است که در بسته‌بندی کالاهای صادراتی که در بازاریابی به‌شدت مورد نیاز است هنوز نتوانسته‌ایم خود را با سلیقه دنیا منطبق کنیم و به حداقل‌ها قناعت کرده‌ایم. اهمیت این موضوع در مورد محصولات کشاورزی به دلیل فسادپذیری چندین برابر می‌شود. وقتی که توانستیم بازارهایمان را با اختیار خود انتخاب و در بسته‌بندی سلیقه لازم را اعمال کنیم آن موقع می‌توان برای حضور در بازارهای جهانی به قوت عمل کرد، اما در شرایط فعلی اقداماتی که می‌توان انجام داد؛ انتخاب بازارهای جدید، شناسایی سلیقه بازارهای هدف جدید و شناسایی راه‌های ارتباط با آن‌ها مثل حضور در نمایشگاه‌ها و نیز شناسایی نحوه برقراری تعاملات پولی و مالی است. دولت نیز چه از طریق تسهیل حضور در نمایشگاه‌ها و چه از نظر ارائه سوبسید برای حمل‌ونقل و بسته‌بندی، می‌تواند حامی فعالان اقتصادی باشد. همه این اقدامات در شرایط فعلی مملکت قابل انجام است. موضوع مهم دیگر، ضرورت توجه و پرداختن به موضوع بهره‌وری و افزایش ارزش افزوده محصولات کشاورزی است. واقعیت این است که کشور ما به‌طور کلی کشوری نیمه‌خشک است. بهره‌وری مناسب آب، خاک و نهاده‌های کشاورزی ایجاد می‌کند که دیگر سطوح زیر کشت را افزایش ندهیم، بلکه کاری کنیم که محصول در واحد سطح افزایش داشته باشد. حدود ۸۰ درصد مصرف آب کشور در حوزه کشاورزی است، بهره‌وری آب باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. آب بقای یک تمدن است و نباید به هر صورتی به هدر رود. بازنگری و بررسی کارشناسانه در انتخاب نوع محصولات و شیوه‌های کاشت به لحاظ معیارهای بهره‌وری و با توجه به وضعیت اقلیمی هر منطقه بسیار ضروری است. باید بررسی شود آیا تولید یک محصول واقعاً ارزش اقتصادی دارد؟ آیا کفاف حداقل هزینه واقعی آب مصرفی خود - به قیمت هر مترمکعب ۲ دلار - را می‌دهد؟ یا چون آب به قیمت هر مترمکعب ۲۰۰ تومان در اختیار قرار دارد، مقرون به‌صرفه شده است؟ اگر پس از این بررسی‌ها به نتیجه رسیدیم که تولید آن نوع محصول صحیح است، آنگاه به دنبال اصلاح شیوه‌های کاشت، داشت و برداشت برویم تا در واحد سطح حداکثر نفع اقتصادی ایجاد شود.



هیئت تجاری کرمان در آلمان و اتریش

(مورخ ۹۸/۲/۲۲ لغایت ۹۸/۲/۳۰)



< معصومه سعید
مدیر توسعه بازار و بهبود فضای
کسب‌وکار اتاق کرمان

در سفر هیئت اتریشی (ایالت کرنتن - سوم و چهارم خرداد ۱۳۹۵) و امضاء تفاهنامه بین اتاق کرمان و اتاق کرنتن، مقرر گردید هیئت تجاری متشکل از افراد معرفی شده از سوی کمیسیون‌های اتاق به ایالت کرنتن اتریش سفر نمایند.

بر اساس مصوبه هیئت نمایندگان اتاق و دعوت اتاق بازرگانی کرنتن، برنامه‌ریزی حضور هیئت تجاری متشکل از گروهی از فعالان اقتصادی استان به سرپرستی مهندس جبالبارزی رییس کمیسیون صنعت و معدن اتاق به آلمان (ایالت باواریا) و اتریش (ایالت کرنتن) انجام شد.

در اولین گام با بررسی‌های مشترک، زمینه‌های همکاری مشترک زیر استخراج گردید:

- تکنولوژی‌های محیطی
- مدیریت آب
- تکنولوژی انرژی
- انرژی‌های تجدیدپذیر
- فناوری کشاورزی
- صنعت ۴-۰

جلسه در محل اتاق بازرگانی ایالت کرنتن اتریش (۱۴ می ۲۰۱۹ - ۹۸/۲/۲۴)

با توجه به حوزه‌های همکاری مدنظر، هماهنگی‌های لازم جهت برگزاری جلسات و بازدیدها در ایالت‌های کرنتن و باواریا صورت پذیرفت. اولین جلسه در محل اتاق بازرگانی ایالت کرنتن تشکیل گردید و فعالان اقتصادی علاقه‌مند در ارتباط با حوزه‌های فوق‌الذکر، در جلسه حاضر شدند.

در این جلسه یورگن مندل، رئیس اتاق صنایع و تجارت کرنتن تأکید نمود که بایستی ارتباط پایدار بین استان کرمان و ایالت کارنتیا وجود داشته باشد و برای این موضوع نباید اجازه دهیم

دوستی ایران و اتریش تحت تأثیر سیاست‌های آمریکا قرار گیرد؛ زیرا فعالان اقتصادی همیشه پیشرو بوده‌اند و شرایط امروز هم شرایط متفاوتی نیست.

در این جلسه عباس جبالبارزی عضو هیئت‌رئیس اتاق و سرپرست گروه اعزامی به اتریش، ضمن تشکر از دعوت اتاق کرنتن، برای رسیدن به نتایج مطلوب در این سفر ابراز امیدواری نمود و در خصوص ظرفیت‌های اقتصادی و تجاری و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در استان کرمان و زمینه‌های همکاری مشترک به ایراد سخن پرداخت.

مینراد هوفرر مدیر بخش بین‌الملل و صادرات اتاق کرنتن نیز به معرفی ظرفیت‌های ایالت کرنتن پرداخته و در خصوص امکانات مناسب این ایالت با توجه به هم‌مرز بودن آن با اسلوونی و ایتالیا و وضعیت صنعتی آن که تنها راه درآمد این استان می‌باشد و همچنین تمرکز این ایالت، بر نوآوری و فناوری سخنرانی کرد. معصومه سعید، مدیر توسعه بازار و بهبود کسب‌وکار اتاق نیز با ارائه پرده‌نگار به عمده‌ترین دلایل اهمیت استان کرمان از جمله موقعیت استراتژیک استان و دسترسی قابل توجه آن به بازارهای منطقه‌ای، منابع معدنی، ظرفیت‌های قابل توجه گردشگری، پتانسیل بی‌نظیر در زمینه انرژی خورشیدی و ... پرداخت.

فعالان اقتصادی حاضر در جلسه، قریب به اتفاق اعلام نمودند اگرچه شرایط برای شرکت‌های بزرگ سخت است، اما برای شرکت‌های کوچک شرایط خوب است، لذا علاقه‌مند به همکاری‌های اقتصادی و تجاری با ایران و استان کرمان هستند.

در ادامه شرکت‌های حاضر در جلسه به‌صورت رو در رو با اعضاء هیئت تجاری کرمان به تبادل نظر پرداختند و در نهایت با توجه به مذاکرات صورت گرفته، مقرر گردید:

۱- اتاق کرمان طرح توجیهی در خصوص اعزام نیروی کار تحصیل کرده و حرفه‌ای از کرمان، به اتاق بازرگانی کرنتن ارائه

بازدید از شرکت MTA Messtechnik (۱۴ می ۲۰۱۹-۹۸/۲/۲۴)

با توجه به هماهنگی‌های انجام شده توسط اتاق صنایع و تجارت کرتن، از شرکت MTA Messtechnik که در زمینه خطوط آبرسانی و آبخیزداری فعالیت می‌کند، بازدید شد. این شرکت یکی از نوآورترین شرکت‌های حوزه آبرسانی در اروپا و جهان به شمار می‌آید. رئیس بخش تجارت این شرکت یادآوری نمود که با توجه به مستثنی بودن آب آشامیدنی از تحریم‌های ایالت متحده آمریکا، بسیار علاقه‌مند به همکاری‌های مشترک در زمینه مدیریت بهینه آب می‌باشند. در نهایت قرار شد طی یک ویدئوکنفرانس با حضور مدیران شرکت MTA و مسئولان شرکت‌های آب و فاضلاب و آب منطقه‌ای و اندیشکده تدبیر آب در خصوص سیستم رفع نشتی آب در لوله‌های آبرسانی و تمیز کردن لوله‌ها و نحوه همکاری‌های مشترک بررسی‌های لازم صورت گیرد.



جلسه با رئیس کانون تجارت ایالت بایرن (۱۶ می ۲۰۱۹-۹۸/۲/۲۶)

در ایالت بایرن، در نشستی که با رئیس کانون تجارت این ایالت (مدیرعامل سابق اینترنت‌شنال بایرن) صورت گرفت، هانس یواخیم هوسلر با توجه به آشنایی با کرمان به دلیل چندین سفر به ایران و کرمان و همچنین ارتباطی که با کلیه شرکت‌های کوچک و متوسط ایالت بایرن دارد، پیشنهاد نمود که در شرایط تحریم‌های آمریکا، بهترین گزینه، حفظ ارتباط استان کرمان با آلمان و ایالت بایرن است و در این موقعیت کار با شرکت‌های کوچک آلمانی و همچنین استفاده از تجربیات بایرن که از یک منطقه کشاورزی به منطقه صنعتی تبدیل شده است، بهترین نحوه همکاری می‌باشد. در پایان مقرر گردید: آقای هوسلر روش‌های همکاری کانون تجارت بایرن با اتاق کرمان در بخش‌های کشاورزی، معدن، صنعت، گردشگری و جنگلداری را با مشاوره اعلام نماید.



نماید تا در این زمینه همکاری‌های لازم صورت پذیرد،
 ۲- اطلاعات مربوط به پروژه تأمین برق مصرفی در نقاط محروم و دورافتاده استان کرمان از طریق سلول‌های فوتوولتائیک و ایجاد شبکه هوشمند شهری و روستایی برای ذخیره انرژی خورشیدی و ایجاد آب شیرین کن خورشیدی از سوی اتاق کرمان به اتاق بازرگانی کرتن ارائه گردد،
 ۳- کمیته مشترک تعریف و یک نفر مسئول کمیته کرمان در اتریش «آقای مینراد هوفرر» و از کرمان هم خانم معصومه سعید معرفی شود،
 ۴- در بحث گردشگری نیز ۱۰ نفر توسط دو اتاق برای مبادله گردشگر انتخاب گردند،
 ۵- نیروی کار تحصیل‌کرده بر مبنای نیازهای لیست ۲۰۱۹ انتخاب تا اقدامات لازم در خصوص اعزام به خارج از کشور بر اساس این لیست صورت پذیرد،
 ۶- تجربیات لازم در زمینه ارتباط صنعت با دانشگاه در اختیار اتاق بازرگانی کرمان قرار گیرد.



جلسه در محل کنسولگری ایران در مونیخ (۱۶ می ۲۰۱۹-۹۸/۲/۲۶)

در جلسه‌ای که در محل کنسولگری ایران در مونیخ، با حضور معاون کنسول برگزار شد، عباس جبالبازری سرپرست گروه اعزامی ضمن تشکر از همکاری‌های کنسولگری ایران در مونیخ گزارشی از جلسات، بازدیدها و دیدارهای انجام شده و نتایج حاصله مطرح کرد. برآزش معاون کنسول مونیخ ضمن ابراز خرسندی از نتایج خوب برنامه‌های انجام شده، از طرح اعزام نیروی کار متخصص استقبال کرد و برای همکاری این کنسولگری در زمینه‌های مطرح شده و سایر موارد مورد نیاز اعلام آمادگی نمود.



بازدید از نمایشگاه اینتر سولار (۱۹-۱۷ می ۲۰۱۹-۹۸/۲/۲۷ لغایت ۹۸/۲/۲۹)

این نمایشگاه بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مجموعه نمایشگاه انرژی خورشیدی و صنایع وابسته در جهان است که هر ساله در مونیخ برگزار می‌گردد. این نمایشگاه در انرژی خورشیدی در جهان رتبه یک را دارد و در واقع پلی میان افراد، بازار، صنعت و تکنولوژی صنعت خورشیدی است. در حاشیه این نمایشگاه، کنفرانس‌ها، جلسات و کارگاه‌های آموزشی در خصوص آخرین دستاوردهای تکنولوژی صنعت خورشیدی برگزار می‌شود.

این نمایشگاه متمرکز بر سلول‌ها و صفحات خورشیدی، تکنولوژی فتوولتائیک، سیستم‌های ذخیره‌سازی انرژی و گرمایشی تجدید پذیر بود.

در نمایشگاه، در مذاکره با برخی شرکت‌های حاضر که در زمینه solar energy سرمایه‌گذاری می‌کنند، پتانسیل‌های استان کرمان

در زمینه سولار انرژی شرح داده شد. ●



جلسه با معاون وزیر اقتصاد ایالت بایرن در امور خاورمیانه، چین و ترکیه (۱۶ می ۲۰۱۹-۹۸/۲/۲۶)

در جلسه با مارکوس ادر، معاون وزیر اقتصاد ایالت بایرن در امور خاورمیانه، چین و ترکیه، عباس جبالبازری عضو هیئت‌رئیس‌ه اتفاق در خصوص موانع توسعه همکاری‌های تجاری استان کرمان و آلمان سخن گفت و خواستار مشکلات صدور ویزای تجاری و تسهیل در این امر و همچنین مساعدت در امر برقراری همکاری مؤثر شرکت‌های کرمانی و ایالت باواریا گردید.

مارکوس ادر، رغبت وزارت اقتصاد باواریا را جهت ایجاد بستر مناسب برای همکاری شرکت‌های بایرن و استان کرمان اعلام نمود. در پی مذاکرات صورت گرفته مقرر گردید:

- ۱- ایالت بایرن مشاوره‌های لازم در خصوص تجربه موفق ارتباط صنعت و دانشگاه را در اختیار استان کرمان قرار دهد،
- ۲- با توجه به این‌که مقرر است هیئت کارشناسی از آلمان به تهران سفر کند، این سفر به کرمان هم صورت پذیرد،
- ۳- معاون وزیر اقتصاد بایرن به سفارت آلمان در ایران توصیه‌های لازم در خصوص تسهیل صدور ویزای تجاری ارائه نماید،
- ۴- با توجه به استقبال آقای مارکوس ادر در زمینه اعزام نیروی تحصیل کرده و متخصص بنا به نیازهای اعلام شده از سوی وزارت کار ایالت بایرن، اتاق کرمان طرح توجیهی معرفی افراد واجد شرایط را به وزارت اقتصاد ارائه نماید.

